

آریا بهرام
زنان بزرگ نقاشی در طول تاریخ ایران



- 7 آزاده اعتباریان
 11 آزاده رزاق دوست
 15 الهام یزدانیان
 18 ایران درودی
 27 بهجت صدر
 30 بیتا وکیلی
 35 پانته آرحمانی
 39 پروانه اعتمادی
 43 پریوش گنجی
 47 پوران جین چی
 51 توران فرهنگ
 57 ثمیلای امیرابراهیمی
 60 رزیتا شرف جهان
 65 رعنا فرنود
 70 رکسانا منوچهری
 74 زهره اعتضادالسلطنه
 77 ساغر پزشکیان
 81 سمیرا اسکندرفر
 84 سونیا بالاسانیان
 88 شاهپری بهزادی
 92 شروین شماس
 96 شکوه ریاضی
 105 شهلا اربابی
 111 شهلا حسینی
 115 شهلا معززی
 119 شهناز زهتاب
 123 شوکت الملوک خواجهنوری
 124 شیده تامی
 129 شیرین اتحادیه
 134 طاهره صمدی طاری
 138 طلا مدنی
 142 طلیعه کامران
 147 عذرا عقیقی بخشایشی
 150 فاطمه حمامی
 155 فرح اصولی
 159 فرح نوتاش
 162 فریده لاشایی
 168 فلور فیض بخش
 173 کلارا آبکار
 180 گلناز فتحی
 192 گیتی نوین
 201 لادن بروجردی
 205 لیلی متین دفتری

- لنونی تاشچیان 210
- ماتیسا کازرونی 216
- ماروسیا واهرامیان 219
- مریم شیرینلو 221
- مریم عیوضی 225
- مژگان شجریان 229
- معصومه بختیاری 232
- معصومه سیحون 234
- معصومه مظفری 242
- مکرمه قنبری 247
- منصوره حسینی 252
- منیژه صحنی 257
- مهناز پسیخانی 260
- مهین عظیمی 263
- میترا کاویان 268
- مینا نوری 272
- نوریه مظفری 277
- نیلوفر قادری نژاد 280
- وانشا رودبارکی 284

آزاده اعتباریان



بیوگرافی

دیپلم هنر، تهران : 1376

شروع به تحصیل در مقطع لیسانس در رشته‌ی نقاشی، دانشگاه آزاد هنر و معماری، تهران : 1377

دریافت مدرک لیسانس هنر در رشته‌ی نقاشی، دانشگاه آزاد هنر و معماری، تهران : 1382

دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته‌ی نقاشی، دانشگاه آزاد : 1384

نمایش های انفرادی

نمایشگاه انفرادی، گالری برگ، تهران : 1383

نمایشگاه انفرادی، گالری هنری هما، تهران : 1390

نمایشگاه انفرادی، گالری اعتماد، تهران : 1394

نمایش های گروهی

نمایشگاه گروهی، گالری افروند، نمایشگاه گفتگوی تمدن‌ها از منظر جوانان، تهران : 1380

نمایشگاه گروهی، گالری لاله، تهران : 1381

نمایشگاه گروهی، گالری ارسباران، تهران : 1381

نمایشگاه گروهی «گفتگوی تمدن‌ها از منظر جوانان»، گالری افروند، تهران : 1381

نمایشگاه گروهی، گالری بنفشه، تهران : 1382

نمایشگاه گروهی، گالری برگ، تهران : 1383

نمایشگاه گروهی، گالری لایا، فلورانس، ایتالیا : 1384

نمایشگاه گروهی، هنر معاصر ایتالیا، ویلا پوجو رئاله روفینا، فلورانس، ایتالیا : 1384

نمایشگاه گروهی، گالری هنرمند ایرانی، تهران : 1385

نمایشگاه گروهی، «ذهن و حرکت»، هنر ویدئویی، دانشگاه آزاد، دانشکده‌ی هنر و معماری، تهران : 1385

تهران

نمایشگاه گروهی، هنر ویدئویی، گالری لایا، فلورانس، ایتالیا : 1385

نمایشگاه گروهی، گالری لایا، فلورانس، ایتالیا : 1385

نمایشگاه گروهی، خانه‌ی هنرمندان ایران، تهران : 1390

نمایشگاه گروهی، خانه‌ی هنرمندان ایران، تهران : 1391

نمایشگاه گروهی، خانه‌ی هنرمندان ایران، تهران : 1392

نمایشگاه گروهی، خانه‌ی هنرمندان ایران، تهران : 1393

نمایشگاه گروهی، گالری امرگیست، دبی : 1393

نمایشگاه گروهی، امرگیست آرت آکشن در دی. آی. اف. سی.، دبی : 1394

نمایشگاه گروهی، آرت اسپیس گالری، لندن : 1394

نمایشگاه گروهی، گالری آزاد، تهران : 1394

نمایشگاه گروهی، اِمِرجِست آرت آکشن، دبی : 1394

نمایشگاه گروهی، گالری سیحون، لوس آنجلس، امریکا : 1394

نمایشگاه گروهی، خانه‌ی هنرمندان ایران، تهران : 1395

نمایشگاه گروهی، آتن و اپیداروس فستیوال : 1396

نمایشگاه گروهی، «رویکردها و گرایش‌ها در هنر معاصر ۲»، پردیس ملت، تهران : 1397

بینال‌ها

شرکت در چهارمین مراسم بین‌المللی دوسالانه‌ی نقاشی معاصر دنیای اسلام، تهران، ایران : 1385







آزاده رزاق دوست



متولد تهران، ایران. 1358

همه نمایشگاه‌ها (۲۰) تحصیلات (۲) آرت فر (۸)

1370

دیپلم نقاشی، آکادمی هنرهای زیبا، تهران 1376

نمایشگاه گروهی، گالری فرشته، با همراهی فریدون ممبیک، تهران 1379

1380

دریافت مدرک کارشناسی در رشته‌ی نقاشی، دانشگاه هنر، تهران 1381

نمایشگاه انفرادی، «فیگوراتیو در لباس مبدل»، گالری آتبین، تهران 1381

نمایشگاه گروهی، «اعضای گروه بدنه»، گالری دی، تهران 1384

بدون عنوان 1384

آزاده رزاق دوست بدون عنوان

1384

نمایشگاه گروهی، «50 هنرمند معاصر»، گالری ماه، تهران 1385

نمایشگاه گروهی، گالری اثر، تهران 1386

نمایشگاه انفرادی، «گل‌های شیطنانی»، گالری اثر، تهران 1386

آرت فر، آرت دبی، امارات متحده‌ی عربی 1387

نمایشگاه گروهی، گالری مال، لندن 1387

نمایشگاه گروهی، «ماسک‌های شهرزاد»، گالری کندیل‌استار، لندن 1388

آرت فر، آرت دبی، امارات متحده‌ی عربی 1389

نمایشگاه گروهی، «وضعیت ساکت»، گالری آرت رود، هوکایدو، ژاپن 1389

نمایشگاه گروهی، «در سراسر مرزها»، گالری نیرو، ویسبادن، آلمان 1389

نمایشگاه گروهی، گالری آ. ب.، لوتسرن، سوئیس 1389

نمایشگاه انفرادی، «نامه‌ها 1»، گالری آ. ب.، زوریخ، سوئیس 1389

1390

آرت فر، معاصر استانبول، ترکیه 1390

آرت فر، معاصر مونیخ (مونیخ کونتمپو)، آلمان 1390

آرت فر، آرت دبی، امارات متحده‌ی عربی 1390

نمایشگاه انفرادی، «نامه‌ها 2»، گالری اثر، تهران 1390

آرت فر، کلن، آلمان 1391

نمایشگاه انفرادی، «سایه‌ی بهشت»، گالری اثر، تهران 1392

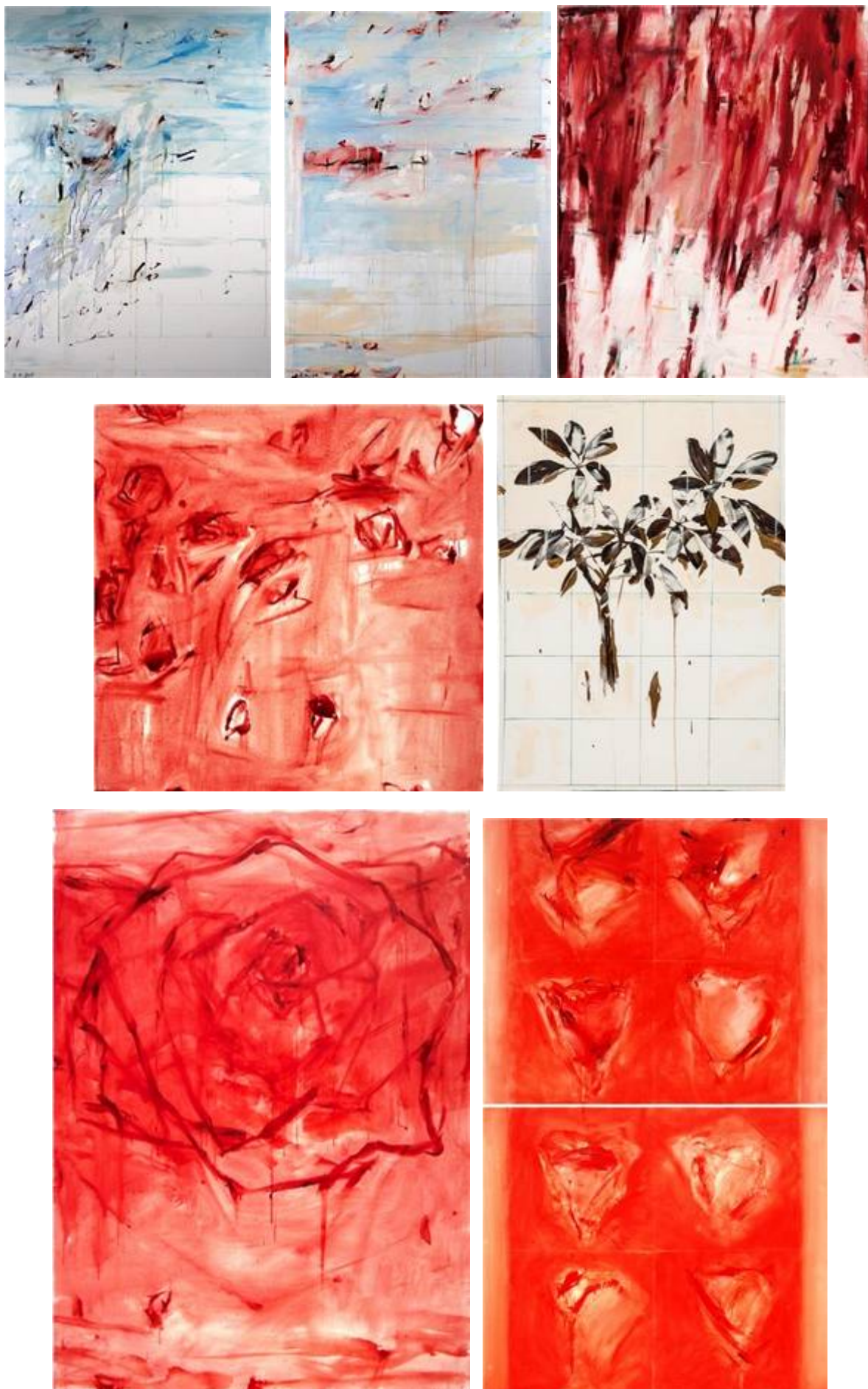
نمایشگاه گروهی، موزه‌ی هنرخانه، زوریخ، سوئیس 1394

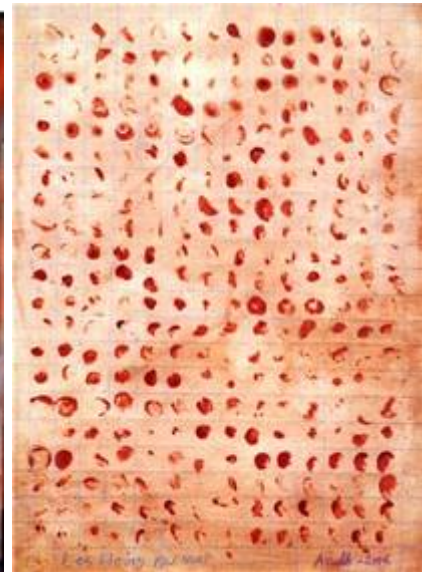
نمایشگاه انفرادی، «نسخه‌ای برای شعر»، گالری معاصر سوفیا، لندن 1395

1395

- نمایشگاه هنر (آرت فر)، ابوظبی آرت 2018، گالری شیرین، امارات متحده عربی 1397
 نمایشگاه انفرادی، «گزیده آثار»، هفته هنر تیر، گالری شیرین، تهران 1397
 نمایشگاه گروهی، «شب تاب 6»، گالری اردیبهشت، تهران 1398
 نمایشگاه گروهی، «مجموعه آثار بزرگان هنر ایران با تکثیرهای فواد شریفی»، گالری هان، 1398
 شیراز
 آرت فر، تیر آرت، نمایش داده شده توسط گالری شیرین، تهران 1399
 نمایشگاه گروهی، «سخت پوست»، گالری شیرین، تهران 1399









الهام یزدانیان

متولد تهران، ایران. 1358

همه نمایشگاه‌ها (۲۴) تحصیلات (۱) جایزه‌ها (۳)

1380

نمایشگاه گروهی، فاطیما گالری، تهران 1382

نمایشگاه گروهی، گالری باران، تهران 1383

لیسانس نقاشی از شعبه مرکز دانشگاه آزاد، تهران 1384

نمایشگاه گروهی، سومین جشنواره‌ی نقاشی معاصر جهان اسلام، گالری صبا، تهران 1384

نمایشگاه انفرادی، «هست»، گالری ممیز، تهران 1385

دریافت جایزه از هفتمین دوسالانه نقاشی معاصر ایران، تهران 1387

دریافت جایزه از دومین دوره‌ی جشنواره‌ی طراحی معاصر ایران (سندوزی)، موزه‌ی امام علی، تهران 1388

دریافت جایزه از اولین دوره‌ی جشنواره‌ی بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر، تهران 1388

نمایشگاه گروهی، «چهارمین دوره‌ی منتخبین نسل نو»، گالری ملت، تهران 1388

نمایشگاه گروهی، «اسکان بشر و شهر»، نمایشگاه‌گردانی توسط جاوید رمضانی، آن-هیت، لندن 1388

نمایشگاه گروهی، «اولین جشنواره‌ی هنرهای تجسمی فجر»، موزه‌ی هنرهای معاصر، تهران 1388

1390

نمایشگاه انفرادی، «هست»، گالری دی، تهران 1390

نمایشگاه گروهی، «نگاهی دیگر»، مروری بر آثار سه نسل از زنان نقاش ایران، گالری ملت، تهران 1391

نمایشگاه گروهی، گالری ایوان سپید، کرج 1391

نمایشگاه گروهی، «ویدیو آرت: کیارستمی و شاگردان»، گالری ماه مهر، تهران 1392

نمایشگاه گروهی، گالری شکوه، تهران 1392

نمایشگاه گروهی، گالری فرشته، تهران 1395

نمایشگاه گروهی، گالری ثالث، تهران 1396

نمایشگاه گروهی، «رویکردها و گرایش‌ها در هنر معاصر تهران، گالری پردیس ملت، تهران 1396

نمایشگاه انفرادی، «نوری که از دور می‌رسد»، گالری آ، تهران 1396

نمایشگاه گروهی، «رویکردها و گرایش‌ها در هنر معاصر ۲»، پردیس ملت، تهران 1397

نمایشگاه گروهی، «حافظه مشترک»، گالری شیرین، تهران 1397

نمایشگاه گروهی، «نمایشگاه تجسمی شهر»، پردیس ملت، تهران 1398

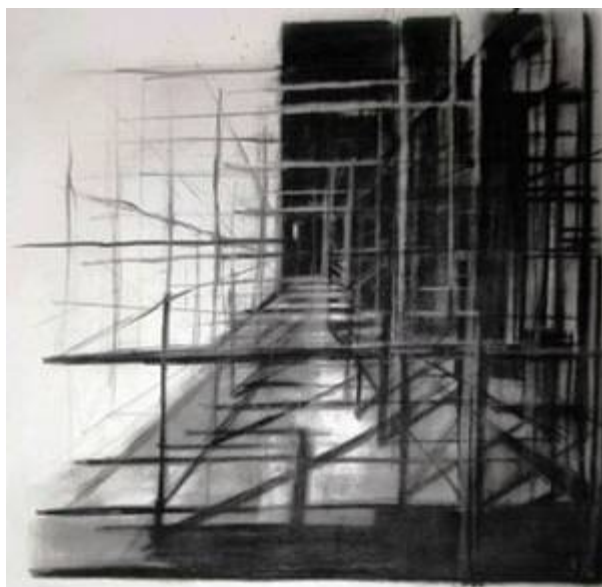
نمایشگاه گروهی، «طراحان معاصر»، نگارخانه فرشته، تهران 1397

نمایشگاه گروهی، «رویاها»، گالری ژقدان پُقسُن، پو 1398

نمایشگاه گروهی، «تکه‌ها»، گالری هما، تهران 1398

نمایشگاه گروهی، «دهن کجی به افلاطون در باب معماری»، تالار این-جا، تهران 1399

نمایشگاه گروهی، «1393+7 - نمایش آنلاین»، گالری آ، تهران 1399





ایران درودی



زاده

۱۱ شهریور ۱۳۱۵ مشهد

محل تحصیل

مدرسه عالی ملی هنرهای زیبا

پیشه

نقاش

همسر

پرویز مقدسی

وبگاه

<http://www.irandarroudi.com>

ایران درودی (زاده ۱۱ شهریور ۱۳۱۵) نقاش ایرانی است. او همچنین کارگردان، نویسنده، منتقد هنری و استاد دانشگاه رشته تاریخ هنر است. درودی به عقیده برخی پیرو مکتب فراواقع گرایی (سورئالیسم) است. سالوادور دالی هیچگاه سبک درودی را نزدیک به سبک خود نمی‌دانست و درودی را هنرمندی از خطه شرق با ذوق و استعداد بی‌نهایت توصیف می‌کرد. درودی در ۱۹۷۰ به درخواست دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف به تدریس تاریخ هنر در این دانشگاه پرداخت.

زندگی

ایران درودی در ۱۱ شهریور ۱۳۱۵ در خانواده‌ای اشرافی در خراسان به دنیا آمد. پدرش خراسانی بود و مادرش قفقازی. تبار پدری‌اش پشت در پشت بازرگان بودند و مادرش به همراه خانواده بعد از انقلاب اکتبر و تشکیل کشور شوروی از قفقاز به ایران مهاجرت کردند. در کودکی با خانواده به اروپا سفر کرد و از شهرهای مختلف اروپا دیدن کرد وقتی جنگ جهانی دوم شروع شد خانواده او در هامبورگ زندگی می‌کرد و با شروع جنگ به ایران بازگشتند و مدتی در مشهد زندگی کردند و بعد به تهران آمدند و ساکن تهران شدند. درودی در حالی که در مدرسه درس می‌خواند به دلیل علاقه به نقاشی به کلاس‌های آزاد طراحی و نقاشی هم می‌رفت. وی در سال ۱۹۵۴ برای تحصیل در رشته نقاشی در دانشکده بوزار در پاریس به تحصیل مشغول شد و در سال‌های ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۸ به یادگیری هنر در آموزشگاه‌ها و دانشکده‌های گوناگون پرداخت:

مدرسه هنرهای زیبای پاریس (بوزار)، مدرسه لوور پاریس، دانشکده سلطنتی بروکسل (ویترای)، انستیتوی آر.سی. آی نیویورک (رشته تهیه و کارگردانی برنامه‌های تلویزیون). پس از پایان تحصیلات به ایران بازگشت و در اردیبهشت ۱۳۳۹ آثارش در تالار فرهنگ تهران به نمایش گذاشته شد.

در سال‌های دهه چهل خورشیدی در شهرهای مختلف اروپا آثار خود را در گالری‌های مختلف به نمایش گذاشت و سپس به آمریکا رفت. در آمریکا با پرویز مقدسی کارگردان تأثیر و سینما آشنا شد و با یکدیگر ازدواج کردند. هر چند دوران زندگی مشترک این دو طولانی نبود و با مرگ زود هنگام مقدسی به پایان رسید اما تأثیر بسیار عمیقی بر درودی گذاشت و او دیگر هرگز از دواج نکرد. ایران درودی تاکنون در بیش از ۶۳ نمایشگاه انفرادی و بیش از ۲۵۰ نمایشگاه گروهی در ایران و سراسر جهان، آثار خود را به دید عموم گذاشته‌است و با نوشتن کتاب «در فاصله دو نقطه» به نویسندگی نیز روی آورده‌است.

سبک

برخی منتقدان سبک او را در حد فاصل بین سورئالیسم و سمبولیسم توصیف می‌کنند و برخی دیگر هر دو اطلاق را صحیح می‌دانند. به گمان عده‌ای دیگر اما او پیرو مکاتب متعارف نیست بلکه به نوعی اصالت سبکی رسیده و شیوه هنری وی ایران درودیسیم است. حقیقت اما این است که درودی از طبقه‌بندی شدن در چارچوب‌ها و سبک‌ها گریزان است چرا که ضمن ترسیم جهان تصاویر ذهنی و رویاهای بلند پرواز خود در میان گل‌هایی روئیده و دورنماهای غریب نورانی مفاهیم برخاسته از فرهنگ خود را بیان می‌دارد که درک آن در هیچ قالبی نمی‌گنجد. مناظر غالب در آثار درودی بیشتر حاشیه کویر و گل‌هایی ست خاص با دیوارهایی شیشه‌ای و افق که به آثار وی فضایی خاص و عمیق بخشیده‌است.

درودی از منظر منتقدان

آندره مالرو

برای خانم ایران درودی کوشش برای آگاه کردن انسان‌ها از عظمتی که در آنهاست و از آن بی‌خبرند.

ژان کوکتو ۱۹۶۳

ایران درودی عزیزم گمان می‌کنم من از جمله معدود افرادی باشم که از گم شدن در میان دالان‌های پیچ در پیچی که نقاشانی بیشمار با چشمی پر از بیم و امید در آنجا به دنبال «می‌نوتور» می‌گردند ترسی ندارند. نقاش، دانسته یا ندانسته همیشه تصویر شخص خود را می‌کشد؛ زیرا شکل‌های زندگی کاری با زندگی شکل‌ها ندارد، و این زندگی شکل‌ها جدا از پدیده «شبیه‌سازی» پرورده می‌شود. مدل فقط بهانه‌ای بوده‌است و نبودن مدل، نقاش را به مظهر مدل نزدیک می‌کند، که چیزی نیست مگر همان نیروی ژرف و نهفته‌ای که در درون ما جای دارد و هنرمند جز ترجمان آن، جز واسطه احضار آن نیست.

هوشنگ ظاهری

آثار درودی از نوعی اندیشه کمال یافته سرشار است. این هنرمند با دست یافتن بر تکنیکی پر توان و مسلط به خوبی توانسته‌است لطیف‌ترین و ظریف‌ترین ارتعاشات روحی خود را بر پرده تابلوهایش ترسیم کنند ... فرم‌ها بی‌آنکه در حالت بی‌وزنی خود به تجرید کامل گراییده باشند، در سرحد ممکن‌ها و ناممکن‌ها قرار گرفته‌اند. موج خروشان «نور» که سیاهی‌ها را می‌زداید و با قلم‌های پهن در رنگ شیرینی تصویر شده، از بی‌نهایت به جنبش درآمده تا مرز واقعیت عینی نزدیک شده‌است و عنصر «زمان» در جلوه‌گاه ابدی خویش همه چیز را در خود مستحیل کرده و جاودانگی یافته‌است ... او با تکنیک شگفت خود، آن چنان ابعاد زمان و مکان را در قالبی رویانگیز به تصویر می‌کشد. شاید چندان که بیمورد نباشد اگر ما او را تصویرگر ژرف‌اندیش لحظه‌های اثیری بنامیم ...

جواد مجابی

نقاشی‌های ایران درّودی، به نور درخشان ایران وفادار مانده‌است. خاستگاه این روشنا، گاه جغرافیا است که از زاویه تند تابش آفتاب بر این اقلیم برمی‌آید، گاهی نور جنبه فرهنگی دارد به ازای روشنی‌اندیشی حکمت عرفانی ما، و از سویی درخششی تاریخی است و نور درونی زندگی جمعی اقوام ایرانی بر این فلات را باز می‌تاباند. در شعاع تابش این مهر فروزان، می‌توان از تابلوهای دوران جدید ایران درّودی شناخت بیشتر و لذتی افزون‌تر اندوخت... به خاطر نوع تابش آفتاب بر این سرزمین، منظره ساکن نمی‌ماند و دایم از رنگی به رنگ دیگر تغییر و تنوع می‌یابد، این دگرگونی منظره واحد در تابش نوری که هر دم رنگ و حجم دیگری به قاب تماشا می‌دهد، نگاه ایرانی را بر نور به عنوان عنصر خلاق و نیرویی آفرینشگر متمرکز کرده‌است. از جهان اساطیری به این سو، خورشید در این سرزمین، گاه در قلب آیین مهرپرستی و زمانی چون نماد آتش در کیش زردشتی، سپس در قرون تاریخی به مثابه نورالانوار عرفانی بر بینش ایرانی روشنی افکنده‌است...

لوتن شاعر و منتقد بلژیکی ۱۹۷۲

ایران درّودی نشانی از ایران بر آن بودم ایران یا ایرانیان را در مفهوم آزاد آن ترجمه کنم به یقین رنجی شعله‌ور اما خموش عمق اندوه خود را در انوارش ابراز نمی‌دارد. داشتن چنین نگاه نافذی به‌طور حتم مستلزم اندوختن تجربه‌ای است فراوان که‌گاه می‌بایست آن‌ها را با سعه صدر پذیرفت و حفظ کرد. بنگرید، این نگاه نافذ را در آثار این نقاش والا، هنرمند واقعی و در یک‌کلام مرید واقعی هنر اصیل، که آثارش مملو از هیجان است و واژه خدایی بودن را توصیف می‌کند و من او را خانم ایران درّودی می‌نامم. ایران درّودی نشانی از ایران... به یقین رنجی شعله‌ور اما خموش عمق اندوه او را در آثارش ابراز می‌دارد. داشتن چنین نگاه نافذی به‌طور حتم مستلزم اندوختن تجربه‌ای است فراوان که‌گاه می‌بایست آن‌ها را با سعه صدر پذیرفت و حفظ کرد. بنگرید، این نگاه نافذ را در آثار نقاش والا، هنرمند واقعی و در یک‌کلام مرید واقعی هنر اصیل، که آثارش مملو از هیجان است و واژه خدایی بودن را توصیف می‌کند. من او را خانم ایران درّودی می‌نامم...

فرانک الگار نشریه کارفور، پاریس ۱۹۷۳

چگونه می‌توان یک زن ایرانی بود؟... گل‌هایی که در طبیعت وجود ندارند، شاخسارهایی که از مرداب‌ها سر برمی‌آورند دورنماهای وهم انگیزی که در آن‌ها اشیاء معمولی و اختراعی، غریب و بی‌مناسبت قد می‌افرازند و از می‌انسان، در جوّی محو و رؤیایی، ویرانه یا هیولایی از تخت جمشید ظاهر می‌شود. اگر هنر نقاشی تعبیر شاعرانه و انتزاعی واقعیت است، ایران درّودی یک نقاش راستین است. سورئالیسم او نیازی به دستمایه‌های فرسوده از فرط استعمال ندارد. او برای بیان خویشتنش کافی است که دست به گنج سنت نمادین ایران، ایران سعدی و بهزاد فرو برد

آلفونسو دنو ویلاته پی اورتیز، مجله نوودادس، ۱۰ مه ۱۹۷۶

گوته می‌گوید: «فرایند روشی بدیع را سبک گویند» و این تعریف در خور آثار درّودی است. همین‌طور توصیف پل کله در باب برتری تراژیک اندیشه، «دل در قلمرو سر قرار دارد.» در مورد او صادق است... یک دورنما، می‌عان حضوری که بخار گونه در قارهای صامت هذیان بصری و در شهوانیت رنگ مستحیل می‌شوند سطوحی بس راز آمیز است که با یکدیگر درآمیخته‌اند. احساسی درونی، چگونگی از هم پاشیدن پاره‌های واقعیت، به آثاری تجسمی گوناگون مبدل می‌شوند که با تضاد، خود آشفته‌گی و ابهام هنر در عصر کنونی، خود را متجلی می‌سازد...

آنتونیو رودریگز، ال ناسیونال، ۲۳ مه ۱۹۷۶

ایران درّودی دیدگاه‌های متفاوتی را از فرهنگ چند هزار ساله خود به ارمغان آورده‌است... من او را یک هنرمند «آزاد» می‌خوانم، که تصاویری از کمال و اعتلا می‌آفریند، در عین حال که رها از هر قیدی به سوی نقطه‌ای که هدف قرار داده یا آفریده‌است راه می‌پوید. جهانی اعجاب‌انگیز و جادویی که در آن شادی و غم، تهور و تواضع، خون و گل به یکدیگر جوش می‌خورند و واقعیت و رؤیا در هم

می‌آمیزند... تصویرپردازی غنی او از فضایی غیرواقعی و تأثیرهای ظریف و گذرای موسیقی سرشار است. او بدین سان رنگ‌ها را به آواز و امی‌دارد. صوت تصاویر او از تک مضراب نرم تا غرش خوف‌انگیز و سکوت غمبار کویر را در بر می‌گیرد، در حالی که جهان غیرواقعی و تخیلی او از رؤیا به واقعیت خشن هیروشیما رو می‌کند...

ادبیات و سینما

ادبیات

احمد شاملو در ۱۴ اسفند ۱۳۵۱ شعری سروده‌است به‌نام «اشارتی». این شعر به «ایران درودی» اهدا شده‌است و در مجموعه ابراهیم در آتش منتشر شد. این شعر که به نقاشی می‌پردازد در کتابی که از آثار درودی منتشر شد به عنوان مقدمه آمده‌است. شاملو در بخش پایانی شعر می‌سراید:

تمامی الفاظ جهان را در اختیار داشتیم
و آن نگفتیم

که به کار آید،

چرا که تنها یک سخن

یک سخن در میانه نبود:

آزادی!

ما نگفتیم

تو تصویرش کن!

سینما

- ۱۳۸۴ - فیلم «چه شگفت است عشق که هم زخم است و هم مرهم» به کارگردانی امید بنکدار و کیوان علی‌محمدی درباره «ایران درودی» ساخته شده‌است. در این فیلم شعر اشارتی شاملو با صدای مهتاج نجومی و بقیه گفتار فیلم با صدای آتیه فقیه‌نصیری خوانده می‌شود.

فعالیت‌ها

- ۶۳ نمایشگاه انفرادی و بیش از ۲۵۰ نمایشگاه گروهی در کشورهای ایران، فرانسه، بلژیک، سوئیس، آمریکا، مکزیک، ژاپن، استرالیا، کانادا، موناکو، آلمان و امارات متحده عربی. از سال ۱۹۶۴ - عضو کنگره بین‌المللی هنرمندان و منتقدین ریمینی. وروکیو، و سان مارینو، ایتالیا.
- از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۲ - تهیه‌کننده و کارگردان بیش از ۸۵۰ ساعت فیلم مستند و برنامه تلویزیونی برای تلویزیون ایران تحت عنوان «شناسایی هنر».
- ۱۹۶۸ - کارگردان فیلم مستند «بی‌پنال ونیز» به مدت ۵۵ دقیقه.
- از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۲ - استاد مدعو دانشگاه صنعتی شریف، جهت تدریس «تاریخ و شناسایی هنر».
- سلسه سخنرانی‌های درباره «نقاشی» و «نقش زن در تاریخ و هنر» معاصر ایران
- سخنرانی‌ها درباره «هنر ایران» (۱۹۹۸ - انجمن فرهنگی ایرانیان مقیم بلژیک، بروکسل و کتابخانه مرکز مطالعات ایران، لندن. ۱۹۹۹ - دانشگاه «ویرجینیا تک» ویرجینیا، دانشگاه «یو.سی.ال.ای.» لوس آنجلس و دانشگاه «برکلی» سانفرانسیسکو همچنین «انجمن متخصصین» سن خوزه، و «انجمن سخن» سانفرانسیسکو، «انجمن سخن» لوس آنجلس، «انجمن فرهنگی ایرانیان» سکرمنتو و «انجمن فرهنگی ایرانیان» نیو جرسی.

- تحقیق درباره «هنر هخامنشیان» چاپ در مجله سخن و نگین ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷.
- سلسه مقالات و نقد درباره نقاشی در مطبوعات ایران.

نمایشگاه‌های فردی

- ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) - «مرکز هنرهای میامی بیچ».
- ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) - دانشگاه کلمبیا، آمریکا.
- ۱۳۳۸ (۱۹۵۹) - هتل «هیلتون»، تهران.
- ۱۳۳۸ (۱۹۵۹) - «تالار فرهنگ»، تهران.
- ۱۳۳۸ (۱۹۶۱) - «انجمن ایران و آمریکا»، تهران.
- ۱۳۴۰ (۱۹۶۱) - «تالار فرهنگ»، ایران.
- ۱۳۴۲ (۱۹۶۳) - موزه «ایکسل»، بروکسل.
- ۱۳۴۳ (۱۹۶۴) - گالری «سنتاماریا پیزا»، میلان.
- ۱۳۴۳ (۱۹۶۴) - گالری «بورخس»، تهران.
- ۱۳۴۴ (۱۹۶۵) - «انجمن ایران و آمریکا»، تهران.
- ۱۳۴۸ (۱۹۶۹) - گالری «نگار»، تهران.
- ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) - هتل «هیلتون»، تهران.
- ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) - دانشگاه «صنعتی شریف»، تهران.
- ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) - انستیتو «گوته»، تهران.
- ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) - گالری «اسپس ۲۰۰۰» نیویورک.
- ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) - انستیتو «گوته»، آبادان، شیراز، مشهد، اصفهان.
- ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) - گالری «دروآن»، پاریس.
- ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) - گالری «آرتیوم آرتیست»، ژنو.
- ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) - گالری «۲۱»، زوریخ.
- ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) - «شرکت ملی نفت ایران»، آبادان.
- ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) - دانشگاه «فردوسی» مشهد.
- ۱۳۵۴ (۱۹۷۵) - گالری «درودی»، تهران.
- ۱۳۵۴ (۱۹۷۵) - گالری «دروآن»، توکیو.
- ۱۳۵۴ (۱۹۷۵) - گالری «لاگالریا»، مکزیکوسیتی.
- ۱۳۵۵ (۱۹۷۶) - گالری «اریتاژ»، تورنتو.
- ۱۳۵۵ (۱۹۷۶) - موزه «هنرهای زیبا»، مکزیکوسیتی.
- ۱۳۵۵ (۱۹۷۶) - دانشگاه «فردوسی» مشهد.
- ۱۳۵۵ (۱۹۷۶) - دانشگاه اصفهان.
- ۱۳۵۵ (۱۹۷۶) - «شرکت ملی نفت ایران»، آبادان.
- ۱۳۵۵ (۱۹۷۶) - «تلویزیون ملی ایران»، شیراز.
- ۱۳۵۵ (۱۹۷۶) - گالری «الکساندر»، تهران.
- ۱۳۵۷ (۱۹۷۸) - «باشگاه نخست‌وزیری» تهران.
- ۱۳۵۷ (۱۹۷۸) - هتل «اینترکننتینال»، ژنو.
- ۱۳۶۱ (۱۹۸۲) - گالری «موت»، ژنو.
- ۱۳۶۶ (۱۹۸۷) - گالری «بایول»، پاریس.
- ۱۳۶۷ (۱۹۸۸) - سالن «رولان گاروس»، «پاله دوشایو»، پاریس.
- ۱۳۶۷ (۱۹۸۸) - استودیو «کیو»، نیوجرسی.

- ۱۳۶۷ (۱۹۸۸) - گالری «آرت دکور»، واشینگتن دی.سی.
- ۱۳۶۸ (۱۹۸۹) - «فرست کردیت بانک»، لوس آنجلس.
- ۱۳۷۰ (۱۹۹۱) - مرکز فرهنگی «M.O.R.C. A» پاریس.
- ۱۳۷۰ (۱۹۹۱) - «بنیاد فرهنگی ایران»، دوسلدورف.
- ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) - «مجموعه فرهنگی آزادی»، تهران.
- ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) - گالری «سپهری»، تهران.
- ۱۳۷۳ (۱۹۹۴) - گالری «۵۴» نیویورک.
- ۱۳۷۳ (۱۹۹۴) - «سازمان ملل»، نیویورک.
- ۱۳۷۴ (۱۹۹۵) - نگارخانه «برگ»، تهران.
- ۱۳۷۸ (۱۹۹۹) - گالری «حوریان» سانفرانسیسکو.
- ۱۳۷۸ (۱۹۹۹) - دانشگاه «ویرجینیاتک» ویرجینیا، آمریکا.
- ۱۳۷۸ (۱۹۹۹) - دانشگاه «U.C.L.A.» لس آنجلس.
- ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) - «خانه هنرمندان»، تهران.
- ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) - موزه «هنرهای معاصر»، اصفهان.
- ۱۳۸۲ (۲۰۰۳) - گالری «پگاه»، کرمان.
- ۱۳۸۷ (۲۰۰۸) - موزه «هنرهای معاصر»، تهران.
- ۱۳۸۷ (۲۰۰۸) - گالری «شیرین»، تهران.
- ۱۳۹۲ (۲۰۱۳) - «خانه هنرمندان»، تهران.
- ۱۳۹۲ (۲۰۱۳) - موزه «هنرهای معاصر» تهران، رونمایی از چاپ پانزدهم کتاب «در فاصله دو نقطه...!» همراه با نمایش آثار ایران درودی متعلق به گنجینه موزه.

انتشارات

- ۱۹۷۳ - ایران درودی (آثار نقاشی ۱۳۵۲-۱۳۳۸) چاپ اول، ناشر: مؤلف.
- ۱۹۷۶ - ایران درودی (آثار نقاشی ۱۳۵۲-۱۳۳۸) چاپ دوم، ناشر: انتشارات امیر کبیر.
- ۱۹۹۷ - در فاصله دو نقطه...! زندگی نامه نقاش به قلم خود او، ناشر: «نشر نی»
- ۲۰۰۴ - چشم شنوا (آثار نقاشی) ناشر: مؤلف
- ۲۰۱۸ - در فاصله دو نقطه...! چاپ بیستم
- انتشار اثر «نفت» درودی در سال ۱۹۶۹ که احمد شاملو شاعر معاصر ایران آن را «رگهای زمین رگهای ما» نامید و نقشی مهم در معرفی نقاش معاصر ایران به جهانیان از طریق مطبوعات داشت و مجلات لایف (LIFE)، تایمز (TIMES)، نیوزویک (NEWSWEEK) نیوزفرانت (NEWSFRONT) و بسیاری دیگر هر یک دو صفحه تمام رنگی به چاپ این اثر اختصاص دادند و پوس‌تر آن نیز در تیراژ حدود یک میلیون به‌طور جداگانه به بازار عرضه و در سال ۱۹۷۰ تجدید چاپ گردید.

فیلم‌هایی که در مورد ایران درودی ساخته شده است

- فیلم «مستندی درباره ایران درودی» به کارگردانی حسن امامی
- فیلم «چه شگفت است عشق، که هم زخم است و هم مرهم» به کارگردانی بنکدار و علیمحمدی
- فیلم «ایران درودی، نقاش لحظه‌های اثیری» به تهیه و کارگردانی بهمن مقصودلو







بهجت صدر



زاده

۸ خرداد ۱۳۰۳ خورشیدی
۲۹ مه ۱۹۲۴ اراک، ایران

درگذشت

دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۸۸
۱۱ اوت ۲۰۰۹ (۸۵ سال)
جزیره کرس، جنوب فرانسه

علت درگذشت سرطان سینه، حمله قلبی

آرامگاه

گورستان پر-لاشز

جنبش

آبستره

همسر

مرتضی حنانه

فرزند

میترا

والدین

محمد صدر محلاتی و قمر امینی صدر

بهجت صدر محلاتی (زاده ۸ خرداد ۱۳۰۳ – درگذشته ۱۹ مرداد ۱۳۸۸) نقاش ایرانی بود. او زاده اراک بود. پدرش محمد صدر محلاتی و مادرش قمر امینی صدر از خانواده‌های سرشناس اراک بودند.

بهجت صدر در سال ۱۳۳۳ با رتبه نخست در رشته نقاشی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران پایان‌نامه هنری دریافت کرد. سپس در سال ۱۳۳۴ بورسیه‌ای برای هنرآموزی از

Accademia di Belle Arti di Roma در ایتالیا گرفت. در سال ۱۳۳۵ برنده جایزه سیمین همترازی شهر سنویتو شد و یک نقاشی از او به همراه چند کار از نگارگران جوان ایران در بیست و هشتمین دوسالانه ونیز پذیرفته شد.

در سال ۱۳۳۶ نخستین نمایشگاه او در نگارخانه «پینچو» در رم برگزار شد. وی دو سال پس از ازدواج با مرتضی حنانه در سال ۱۳۳۹ به ایران بازگشت و در دانشگاه تهران به آموزش نگارگری می‌پردازد و تنها فرزندش، دختری بنام میترا که کاکوتی صدایش می‌زنند، را در ۱۳۴۲ به دنیا می‌آورد.

بهجت صدر در سال ۱۳۴۱ نیز در سومین دوسالانه تهران، جایزه نخست را می‌گیرد و نگاره‌هایش به سی و یکمین دوسالانه ونیز، فرستاده می‌شود. با آنکه در سال‌های پایانی دهه شصت بیماری سرطان سینه را در او نشان یابی می‌کنند اما او نگارگری را با آسوده‌دلی دنبال می‌کند.

بهجت صدر هشیارانه در پرده‌های تازه‌اش رنگهای سرد و مات را با بازی سایه روشن‌ها به هماهنگی و با مواد گوناگونی همچون چوب، فلز، رنگ روغن و اکریلیک و دیگر ماته‌ها به کار می‌برد. کارهای آبستره وی یادآور پردیس‌ها و باغ‌های پارسی است. وی به عنوان هنرمند زن تأثیرگذار و آوانگارد دوران خود جایگاه ویژه‌ای در هنر معاصر ایران دارد.





بیتا وکیلی



زاده

۱۳۵۲ خورشیدی
تهران

تحصیلات

کارشناسی ارشد نقاشی

محل تحصیل

دانشگاه هنر تهران

پیشه

نقاشی

بیتا وکیلی زاده ۱۳۵۲ شهر تهران و نقاش است.

زندگی‌نامه

هنرمند نقاش متولد ۱۳۵۲ تهران و دارای مدرک کارشناسی ارشد نقاشی از دانشگاه هنر تهران است. بیتا وکیلی در سال ۱۳۹۰ با فروش اثرش در دوازدهمین حراجی کریستی دویی به عنوان گرانترین هنرمند زن خاورمیانه ثبت شد.

وکیلی در بیش از ۴۰ نمایشگاه گروهی در ایران، امارات متحده عربی، کانادا، ارمنستان و فرانسه شرکت کرده است.

بیتا وکیلی از نقاشان جوانی است که رکوردهای ۲۵ و ۳۲ هزار دلار را در حراج کریستی دویی به دست آورده است.

افتخارات

بیتا وکیلی در سال ۱۳۹۰ با فروش اثرش در دوازدهمین حراجی کریستی دویی به عنوان گرانترین هنرمند زن خاورمیانه ثبت شد.

بیتا وکیلی که تا پیش از این با نقاشی‌های مینیاتوروار و شرقی‌مآبانه‌اش شناخته شده بود، چندی است که فیگور را وارد آثارش کرده و بدین ترتیب از مرز انتزاع ناب دور گشته است؛ اما آنچه در اثر حاضر حایز اهمیت است انتخاب فرم ایران، به عنوان فضای اصلی نقاشی و به‌کارگیری آن در ادامه روند

فیگوراتیو اثر است. در این نقاشی، فضا در پی انتقال نوعی «فرهنگ آشنا» می‌گردد که در تقابل «فرهنگ دیگری» به دنبال ایجاد حس «وطن» در مخاطب هم میهن است.

آنچه آثار وکیلی را در زمره نقاشی‌های معاصر قرار می‌دهد، استفاده بجا و خلاقانه از تکه‌چسبانی با انواع سوزن منگه، پولک و اشیای کوچک و درخشان فلزی است. او که پیش از این با ضربه‌قلم‌های ظریف و تکه‌چسبانی‌های دقیق و باحوصله‌اش خصلتی زنانه را در آثار وی به ظهور می‌رساند در سری جدید با القای حس توهم از دنیای ماشینی معاصر، پدیده‌های آشنا از محیط زندگی مخاطب را یادآور می‌شود. در حاشیه نقشه ایران، با هجومی از این اشیاء و کلاژها روبه‌رو هستیم؛ گویی این‌بار این تکه چسبانی‌ها نه فقط سمبل تکنولوژی بلکه نماینده فرهنگ بیگانه‌اند که به سوی موطن هنرمند هجوم آورده‌اند. فضای پر از رنگ و خط داخل وطن، در تقابل زرق و برق کلاژهای بیرونی، تضادی را شامل می‌شود که تهاجم میهمانی ناخوانده را نوید می‌دهد.

وکیلی که روزگاری پیش از این، به دنبال عطر و طعم فضا می‌گشت، در مسیر رو به رشد آثارش، این‌بار، دگرپرسی «هویت فرهنگی» را به چالش کشیده تا بتواند رابطه‌ای نو میان هنرمند، اثر و بیننده را بازتولید کند.

فضای داخلی نقشه ایران که با فرم‌ها و اِلمان‌های طبیعی پر شده، در تقابل با فضای تکنولوژی‌زده خارج، نوعی حضور ناب و خالص هویت فرهنگی را نوید می‌دهد که در جامعه افسارگسیخته معاصر، تحلیل می‌رود.

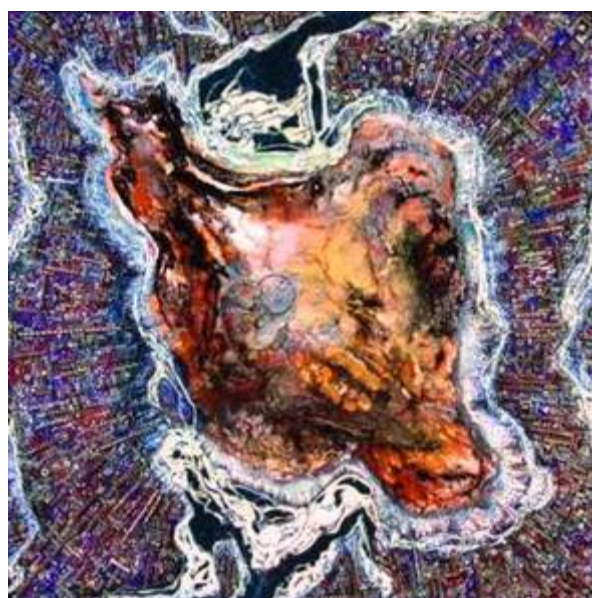
با تأملی بیشتر در اثر، به‌تدریج طیف رنگ‌ها گسترده‌تر می‌شود؛ خطوط روشن کنارنما، مرز میان سنت و مدرنیته را آرام آرام در هم حل می‌کنند و تصویری می‌آفرینند که گویای این حقیقت است که فرهنگ اصیل و آشنا باید فرهنگ بیگانه را به کنار نهد تا خود مشروعیت یابد.

در سیر و سلوک اثر، پیوستگی با واقعیت، آرام آرام سست می‌شود و با ورود به قلمرو زیست خیال، دسترسی به حس درونی نقاش ممکن می‌گردد. حسی که شاید رابطه میان «خود هنرمند» و «مأم وطن» را تجسم می‌بخشد و گویای دلبستگی‌های وی به ریشه و «فرهنگ خودی» است.











پانته‌آ رحمانی (زاده ۱۹ شهریور ۱۳۵۰) نقاش و مجسمه‌ساز ایرانی است. او عضو انجمن بین‌المللی هنرهای تجسمی فرانسه و انجمن مجسمه‌سازان مجارستان است.

رحمانی دانش آموخته نقاشی از دانشگاه هنر تهران است. او در ده‌ها نمایشگاه گروهی شرکت کرده و چندین نمایشگاه انفرادی داخل و خارج از ایران برپا کرده است. مجموعه «تهران» او که شامل دو پانورامای بسیار بزرگ از تهران بود به موزه صلصالی دویی فروخته شد و در آن موزه به نمایش عمومی درآمد. سلف پرتره (خودنگاره) از مهم‌ترین مضمون‌های نقاشی او است که در مراحل مختلفی از تجربه هنری او اشکال گوناگونی به خود گرفته است.

نمایشگاه‌ها

نمایشگاه‌های انفرادی

- گالری برگ - تهران ۱۳۸۰
- گالری الهه - تهران ۱۳۸۳
- گالری ماه - تهران ۱۳۸۵
- نمایشگاه «اپن استودیو» یا «نایب‌داری و تغییر» در مرکز تجاری سام، وابسته به گالری «زیرزمین دستان» - تهران ۱۳۹۳

نمایشگاه‌های گروهی

- فرهنگسرای نیاوران - تهران ۱۳۷۳
- دانشگاه هنر و دیزاین - کیوتو - ژاپن ۱۳۷۵
- گالری هنر - تهران ۱۳۷۷
- گالری برگ - تهران (دو نفره) ۱۳۷۷
- گالری برگ - تهران (سالیانه طراحی) ۱۳۷۸
- موزه هنرهای معاصر - تهران (نخستین بینال طراحی) ۱۳۷۹
- موزه هنرهای معاصر - تهران (پنجمین بینال نقاشی) ۱۳۷۹
- گالری برگ - تهران (سالیانه طراحی) ۱۳۸۰
- پیچ - مجارستان 1382 Approaching Art Association
- موزه هنرهای معاصر - تهران (پنجمین بینال نقاشی) ۱۳۸۲
- مونس - بلژیک 1382 Decourtney Gallery
- بروکسل - بلژیک 1382 Léspace CROQU Art
- بوداپست - مجارستان 1383 Csepel Gallery
- سکسرد - مجارستان 1383 House of Arts

- کایشفرد - مجارستان 1383 Kaposfüredi Gallery and Sculpturepark
- بوداپست - مجارستان 1383 Kék Iskola Gallery
- بوداپست - مجارستان (پنجمین بینال هنرهای تجسمی و کاربردی) 1384 Csepel Gallery
- شوپرون - مجارستان (پانزدهمین بینال مدالیون) 1384 Sopron Gallery
- لیسبون - پرتغال 1384 Museu da Água
- پورتو - پرتغال 1384 Palácio da Bolsa

سمپوزیوم‌ها

- چهاردهمین سمپوزیوم مجسمه‌سازی (چوب) - کمیاروی - فنلاند- ۱۳۸۲
- نخستین سمپوزیوم بین‌المللی هنر معاصر - پچ - مجارستان - ۱۳۸۳
- پانزدهمین سمپوزیوم مجسمه‌سازی (چوب) - کمیاروی- فنلاند- ۱۳۸۴







پروانه اعتمادی



۱۳۲۷ تهران

زاده

نقاشی

پیشه

رویین پاکباز

همسر

پروانه اعتمادی (زاده ۱۳۲۷) نقاش اهل ایران است.

زندگی‌نامه

نقاشی را نزد بهمن محمصص آغاز کرد و تنها شاگرد مستقیم این هنرمند محسوب می‌شود. وارد دانشکده هنرهای زیبای تهران شد، اما دو سال بعد تحصیل را نیمه‌کاره رها کرد. پروانه اعتمادی با نقاشی‌های طبیعت بیجان و به‌طور اخص نقاشی‌های سیمانی در دهه ۱۳۵۰ شناخته می‌شود. نخستین نمایشگاه خود را در سال ۱۳۴۸ در تالار قندریز برگزار کرد. در طول دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ نیز آثار متنوعی با تکنیک مدادرنگی آفریده است.

پروانه اعتمادی پس از دوره‌های آثار سیمانی و مدادرنگی‌ها، از سال ۱۳۷۵ به تکنیک کلاژ روی آورده اولین و مهم‌ترین مجموعه آن‌ها، «جهیزیه دختر شاه پریان» نام دارد. اعتمادی که حدود بیست سال به ساخت‌وساز جامه‌ها و بافته‌ها و انارها با مدادرنگی پرداخته بود، در مجموعه جدید با چاپ مجدد آثار مداد رنگی و کلاژ آن‌ها به دنیایی پرتحرک و قصه‌گو پا گذاشت

اعتمادی درباره مضمون این مجموعه می‌گوید: «دختر شاه پریان، یک افسانه قدیمی است که همیشه در خود عنصری از امید، امیدی از جایی، از جایی که مربوط به دنیای انسانی نیست دارد. این امید همیشه با خوشحالی همراه است، با یک عنصر دلگرم‌کننده و کمکی از غیب. احساس می‌کنم جوانان این دوره و زمانه واقعاً منتظر کمکی از غیب هستند. همه آن‌ها دلشان می‌خواهد دختر شاه پریان بیاید و همه زندگیشان را درست کند»

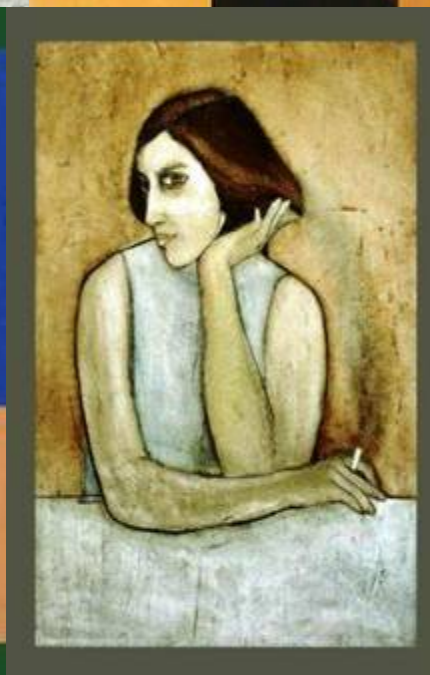
این مجموعه که هنرمند آن را «زنانه» می‌نامید، از افسانه‌ای ملهم شده بود که توسط خود زنان ساخته شده است. پروانه اعتمادی تمام قصه‌های دنیا را ساخته و پرداخته زنان می‌داند. این زنان هستند که اصولاً قصه‌ساز و قصه‌گویند و تخیلات و تغزلات را سر و صورت می‌دهند. آنها حقیقت را به آن صورتی که دوست دارند در بافت و ساختار قصه می‌گنجانند و راهی غیرمستقیم برای طرح آن پیدا می‌کنند. افسانه‌ها و داستان‌ها اشاره به حقیقتی هستند در درون یک چیز زیبا به اسم «قصه». گویی هنرمند در این مجموعه از همه زنان دعوت می‌کند تا از نو یک جهیزیه بسازند و به خلاقیتشان بازگردند؛ جهیزیه‌ای از تمام امکانات بالقوه‌ای که در وجودشان هست

در اثر حاضر، شتاب و پویایی فرم‌ها و فیگور و قوه جاذبه‌ای که اجزا را دفع و جذب می‌کند چنان است که ترکیب‌بندی را در فضا به رقص درآورده است. در این شتاب رقصان و لباس‌هایی که در فضا پراکنده‌اند، هویت انسان غایب است، اما در عین حال حضور فعالش حس می‌شود. در این فضا غیبتی اتفاق افتاده، انسانی چند لحظه پیش این‌جا بوده و رفته یا انسانی لحظه‌ای دیگر بدین‌جا باز خواهد گشت. نقاش دنیایی طربناک و جوان را به نمایش می‌گذارد، دنیایی طنزآمیز و اندیشناک

پروانه اعتمادی به عنوان نقاشی آگاه به زبان هنر معاصر، با بهره‌گیری از شیوه کلاژ زبانی امروزی و معاصر را برای بیان هنری خود برگزیده است







پریوش گنجی



زاده

۱۳۲۴ خورشیدی تبریز

پیشه

نقاش، طراح پارچه

کارهای برجسته

نقاش

همسر

مسعود خیام

پریوش گنجی، نقاش و استاد دانشگاه ایرانی است. وی در هنرستان هنرهای زیبای ایران، دانشکده هنر سنت مارتین لندن، بوزار فرانسه و در آلمان درس خوانده، او اولین هنرمند ایرانی است که بورس تحقیقات تطبیقی هنر یونسکو را گرفته و به بررسی نقوش ایرانی، به ویژه دوران ساسانی روی کیمونوهای ژاپنی پرداخته است.

زندگی

پریوش گنجی در ۱۰ تیر ۱۳۲۴، در خانواده‌ای مهاجر در تبریز متولد شد. سه ساله بود که خانواده به تهران نقل مکان کردند. پدرش استاد طراحی و چاپ پارچه بود. او پس از آموختن اصول پایه نقاشی در هنرستان هنرهای زیبای دختران «بهزاد» زیر نظر استاد نقاش رضا فروزی و استاد مینیاتور محمود فرشچیان فرا آموخت. او در همین زمان فنون طراحی و چاپ پارچه را زیر نظر پدرش آموخت.

او پس از گذراندن این آموزش‌ها در ایران، برای ادامه آموزش به انگلستان سفر کرد و تحصیلات عالی را در رشته طراحی پارچه در دانشکده هنرهای هنر اسمیت لندن ادامه داد. او پایان‌نامه تحصیلی خود را به موضوع کاشی‌های دوره صفویه اصفهان اختصاص داد.

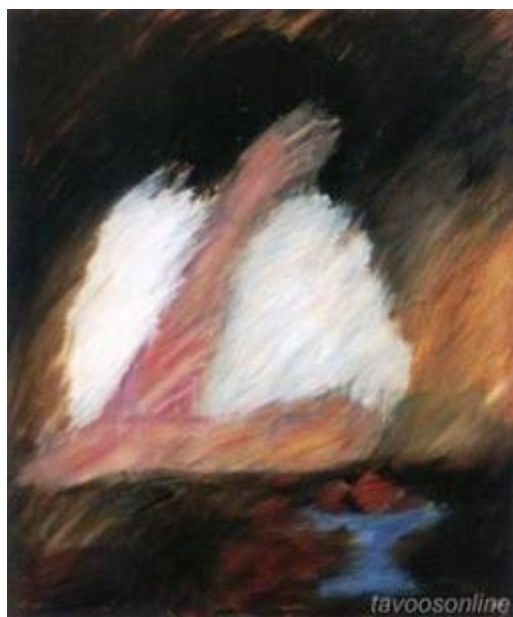
پری یوش گنجی سپس مدتی به فعالیت در زمینه چاپ پارچه در آلمان پرداخت و سپس دوره آزاد دانشکده هنرهای زیبای پاریس را نیز سپری کرد. وی در بازگشت به ایران مدت کوتاهی با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همکاری داشت و سپس در دانشگاه هنر ایران و دانشگاه الزهرا به تدریس طراحی و چاپ پارچه سرگرم شد. او همچنین نماینده فرهنگی بنیاد ژاپن در ایران است. گنجی در سال ۱۳۵۵ با مسعود خیام، نویسنده ایرانی ازدواج کرد که حاصل این پیوند سه فرزند است.

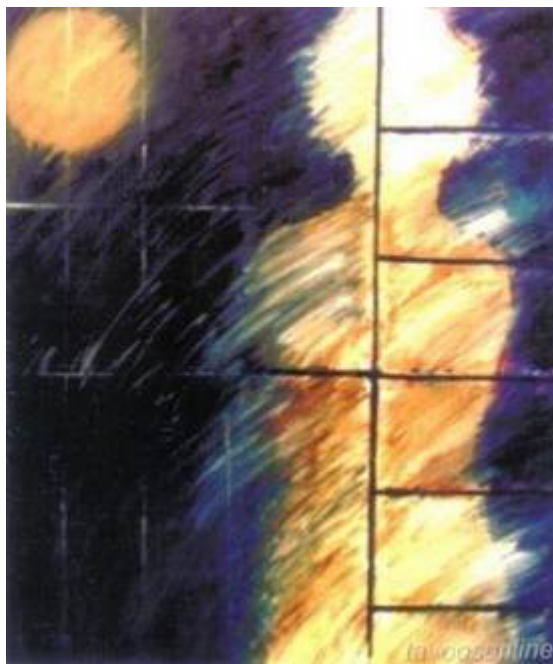
سبک هنری و آثار

نقاشی‌های پری یوش گنجی اغلب شامل پرتره، منظره، طبیعت بی جان، درخت، گل، زن، انسان بدون چهره، پنجره، آبستره، آب مرکب، آبی و قرمز است. در آثار او طی سالهای فعالیتش گرایش به سبک‌های آبستره و اکسپرسیونیسم دیده می‌شود. پری یوش گنجی تا کنون تعداد زیادی نمایشگاه در اروپا، ژاپن و ایران برگزار کرده است. بخشی از آثارش در کتاب چراغ رنگ گرد آوری شده. تعدادی از آثار وی نیز در کتابی تحت عنوان نقاشی‌های پری یوش گنجی انتشار یافته است.

جوایز

در تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۹۴ نشان افتخار "خورشید تابان، انوار زرین همراه با روبان گردنی" را که به زبان ژاپنی "Kyokujitsu Chujiyusho" خوانده می‌شود، از سوی دولت ژاپن دریافت کرد.







پوران جین چی



زاده

۱۳۳۷ خورشیدی در مشهد

تحصیلات

دانشگاه جرج واشینگتن، دانشگاه کالیفرنیا،
لس آنجلس، مدرسه اتحادیه دانشجویان هنر
نیویورک

شناخته شده

خوشنویسی اسلامی و مجسمه سازی
برای
واسازی شده

وبگاه

<http://pouranjinchi.com/>

پوران جین چی (زاده ۱۳۳۷ خورشیدی در مشهد) یک هنرمند ایرانی مقیم نیویورک است. او برای خلق تصاویر انتزاعی تجسمی معاصر مبتنی بر خوشنویسی شناخته شده است.

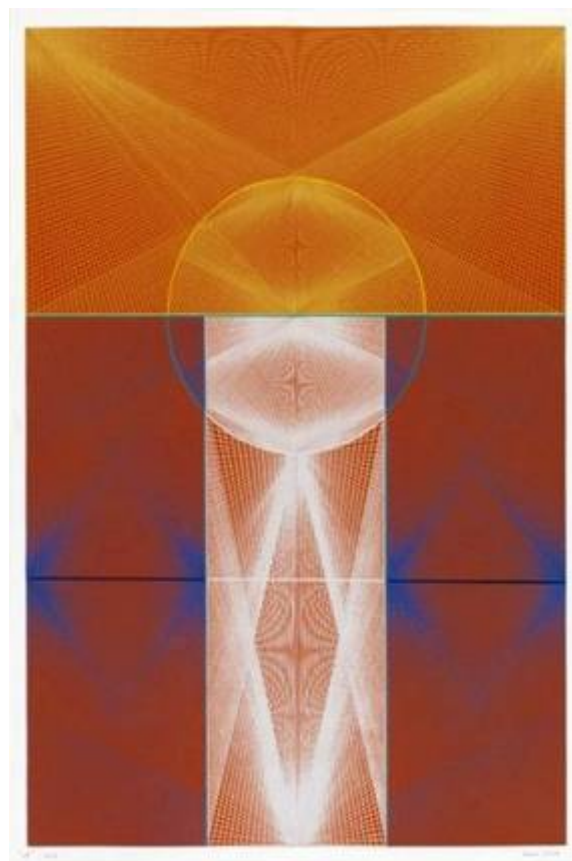
زندگی نامه

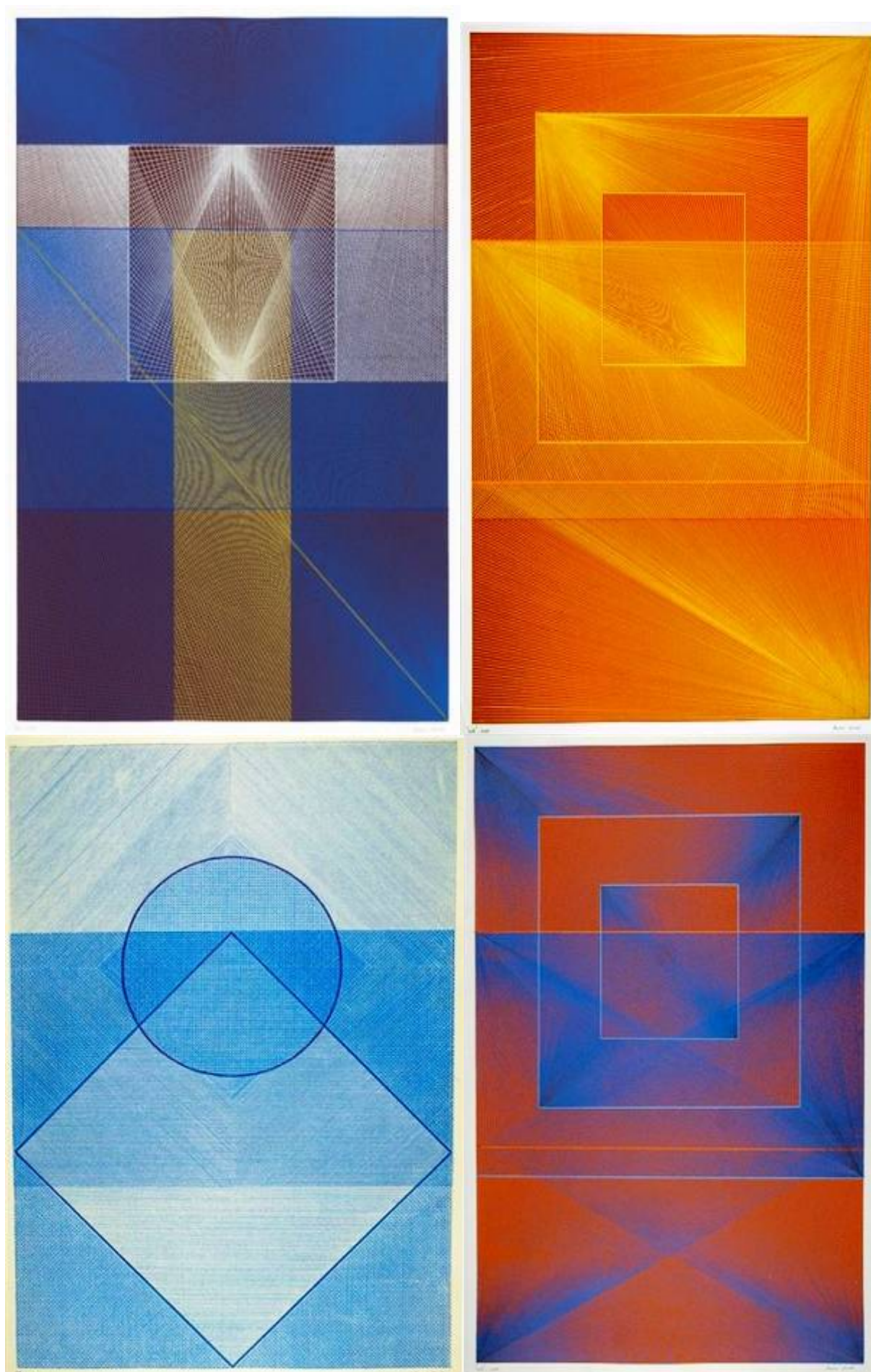
پوران جین چی در سال ۱۳۳۷ در مشهد به دنیا آمد. او که در مشهد آموزش خوشنویسی دیده بود، در سال ۱۳۶۱ مدرک کارشناسی مهندسی عمران را از دانشگاه جرج واشینگتن کسب کرد. سپس در سال ۱۳۶۸ تحصیلات خود را در زمینه مجسمه سازی و نقاشی در دانشگاه کالیفرنیا، لس آنجلس ادامه داد و در سال ۱۳۷۲ موفق به کسب مدرک نقاشی کارگاهی از مدرسه اتحادیه دانشجویان هنر نیویورک شد.

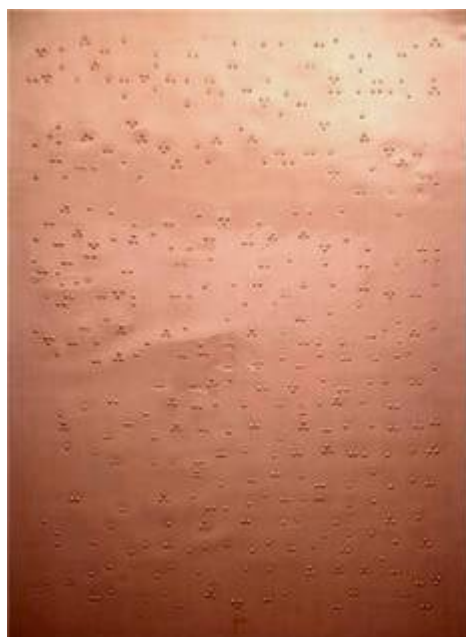
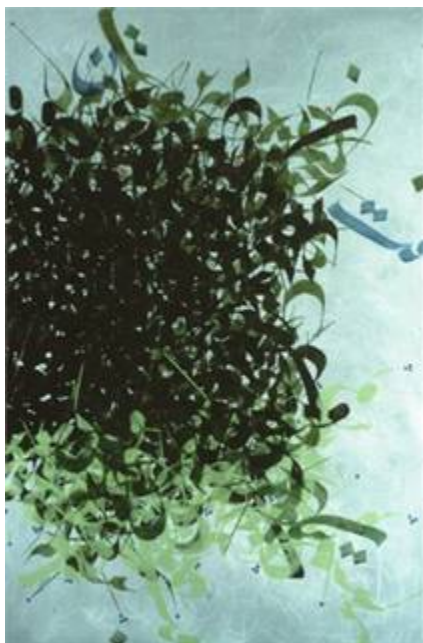
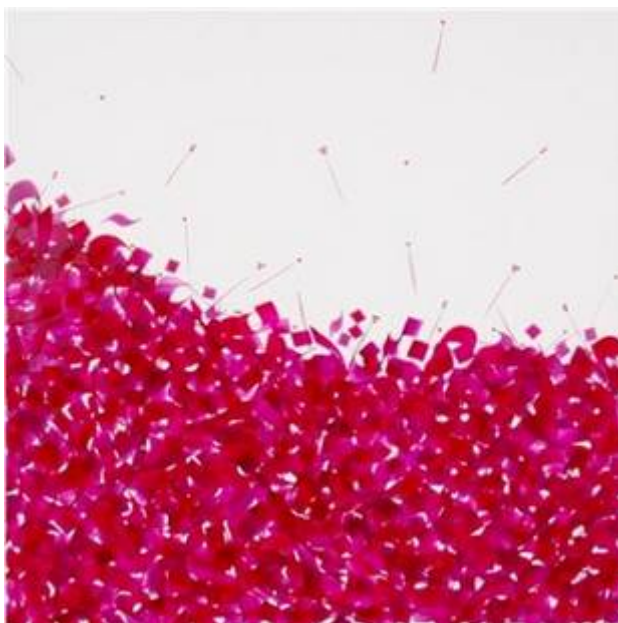
جین چی در آثارش اغلب از ترکیبی از خوشنویسی و اکسپرسیونیسم انتزاعی که با هندسه اسلامی، سنت های ایرانی و زیبایی شناسی معاصر با تغزل منحصر به فردی در هم آمیخته استفاده می کند. آثار خوشنویسی او به زبان فارسی است اما آنقدر آن ها را واسازی می کند که درکش حتی برای فارسی زبانان نیز آسان نیست.

جین چی آثارش را به صورت گسترده به نمایش می گذارد و تا کنون هشت نمایشگاه انفرادی تنها در نیویورک برپا کرده است. او در سال های اخیر یک نمایشگاه دو نفره در نمایشگاه هنر فریز در لندن (۲۰۱۱) و چند نمایشگاه انفرادی در نیویورک (۲۰۱۲، ۲۰۱۱، ۲۰۰۸) و دوبی (۲۰۱۰) برگزار

کرده‌است. آثار او همچنین به طور گسترده‌ای در موزه هنرهای آسیایی سانفرانسیسکو، موزه هنر هربرت اف. جانسون، موزه هنرهای زیبای هیوستون، موزه بروکلین و موزه هنرهای کونینز به نمایش گذاشته شده‌اند.







توران فرهنگ



زاده

۱۳۲۶ لاهیجان

تحصیلات

کارشناسی نقاشی-کارشناسی ارشد
ارتباطات تصویری

شناخته شده برای

نقاشی رنگ و روغن روی بوم،
رنگ و تکنیک

سبک

مدرن

زندگی

توران فرهنگ در شهر لاهیجان به دنیا آمد.

پدرش پس از اتمام تحصیل به شرکت نفت پیوست و به آبادان مهاجرت کرد. او دارای سابقه قهرمانی ژیمناستیک استان و گویندگی رادیو است. زندگی حرفه ای و تحصیلی خود را در تهران ادامه داد. او دانش آموخته کارشناسی نقاشی و کارشناسی ارشد ارتباطات تصویری از دانشگاه معماری و هنر پارس است.

حرفه

در سال ۱۳۸۱ «گالری هنری فرهنگ» را در خیابان حافظ تهران تأسیس کرد و سالها به برگزاری کارگاه، نمایشگاه و دوره های آموزشی تخصصی گذراند. وی کتاب مجموعه آثارش را در سال ۱۳۹۰ منتشر کرده است.

ویژگی آثار نقاشی

گزارشگر هنری روزنامه همشهری در خصوص آثار توران فرهنگ اینچنین می گوید که:
توران فرهنگ از لحاظ سبک کار، خود را محدود به سبک خاصی نکرده و در میان آثارش سبکهای انتزاعی، کوبیسم، امپرسیونیسم، رئالیسم و اکسپرسیونیسم نمایان است.

خبرگزاری شبستان در مورد آثار او می‌نویسد: توران فرهنگت سبکها و تکنیکهای متفاوت نقاشی را از رئال تا انتزاع، آبرنگ تا رنگ و روغن و میکس مدیا در کارنامه هنری خود دارد. سال ۱۳۸۵، سال گذار از رئالیسم به مدرنیسم در آثار این هنرمند است؛ گذاری که تا کنون و همواره با حفظ المانهای رئالیسم و در هم آمیختن محتوا و تکنیکهای مدرن منجر به پدیدآوردن فضاهایی رنگین، اصیل، عمیق و وهم انگیز در آثار او شده است.

جوایز و کارها

عنوان	توضیحات	تاریخ
داور	جشنواره تابستان رنگی	۱۳۹۷
نفر اول	دومین جشنواره سراسری هنری باران رحمت	۱۳۹۴
لوح هنری	<u>موزه امام علی</u>	۱۳۸۵
اثر منتخب	<u>موزه امام علی با نام «بم، شهر خاموش» جهت حفظ و نمایش در نمایشگاه‌های بین‌المللی به عنوان سفیر دوستی</u>	۱۳۸۵
نشان هنری	شهرداری تهران	۱۳۸۵
هنرمند نمونه	سازمان بازنشستگی آموزش و پرورش	۱۳۸۵
مشاور و داور هنری	آموزش و پرورش استان تهران	۱۳۸۴
تقدیر نامه	اولین فستیوال بین‌المللی زنان تهران	۱۳۸۳
تصویرگری	مجله ره آورد تربیت- شماره ۱۰	۱۳۷۹-۱۰-۰۱
طرح و نقاشی	مجله باران-شماره ۷۲	۱۳۷۹-۰۳-۰۱

نمایشگاه‌های نقاشی

عنوان	محل برگزاری	تاریخ
آن-نمایشگاه نقاشی فردی	<u>گالری کاما</u>	۱۳۹۸
کیمیای هنر پارس-نمایشگاه نقاشی گروهی	<u>گالری صبا</u>	۱۳۹۸
باران رحمت - نمایشگاه نقاشی گروهی	<u>خانه هنرمندان ایران</u>	۱۳۹۴
شرق - نمایشگاه نقاشی فردی	نمایشگاه شانگهای مارت	۱۳۹۱
مجموعه آثار - نمایشگاه نقاشی انفرادی	<u>موزه امام علی</u>	۱۳۸۹
نمایشگاه و ورکشاپ نقاشی کودکان	<u>فرهنگسرای ملل</u>	۱۳۸۷
طبیعت آموزگار رنگها- نمایشگاه نقاشی انفرادی	<u>موزه امام علی</u>	۱۳۸۵
ویترای- نمایشگاه گروهی	گالری هنری فرهنگ	۱۳۸۴
باتیک - نمایشگاه گروهی	گالری هنری فرهنگ	۱۳۸۳
فستیوال بین‌المللی هنری زنان- نمایشگاه نقاشی گروهی	<u>فرهنگسرای نیاوران</u>	۱۳۸۳
طراحی از اشعار - نمایشگاه نقاشی انفرادی	گالری هنری فرهنگ	۱۳۸۲
پایکوبی در مناطق ایران- نمایشگاه نقاشی انفرادی	گالری هنری فرهنگ	۱۳۸۲
خیریه به نفع ایتم- نمایشگاه نقاشی گروهی	<u>فرهنگسرای نیاوران</u>	۱۳۸۲
طبیعت بی جان- نمایشگاه نقاشی گروهی	گالری هنری فرهنگ	۱۳۸۱

۱۳۸۱	گالری هنری فرهت	زن- نمایشگاه نقاشی انفرادی
۱۳۸۰	گالری هنری فرهت	منظره- نمایشگاه نقاشی گروهی
۱۳۸۰	گالری هنری فرهت	گل- نمایشگاه نقاشی انفرادی
۱۳۷۸	گالری هنری کمال الملک	مجموعه آثار- نمایشگاه نقاشی انفرادی
۱۳۷۱	موزه رضا عباسی	موضوع آزاد- نمایشگاه نقاشی گروهی
۱۳۷۰	نمایشگاه بین‌المللی تهران	گل و گیاه- نمایشگاه نقاشی گروهی
۱۳۶۸	گالری هنری مجموعه آزادی	موضوع آزاد- نمایشگاه نقاشی گروهی

بازگویی یک سفر روی بوم نقاشی/ روایت توران فرهت از نمایشگاه "آن" در گالری کاما توران فرهت گفت: آثار به نمایش درآمده در مجموعه "آن" بازگوکننده یک سفر هستند و هر اثر این مجموعه، نشان‌دهنده لحظه‌ای از یک منظره، رویا و یک رویداد است که در خاطر ما می‌ماند.

آثار توران فرهت با الهام از طبیعت و با تکنیک میکس مدیا، در سال‌های ۹۶ تا ۹۸ خلق شده‌اند. فرهت درباره تکنیک و سبک نقاشی‌هایش به خبرنگار هنر آنلاین گفت: من سبک‌ها و تکنیک‌های متفاوت نقاشی را از رئال تا انتزاع، آبرنگ تا رنگروغن و میکس‌مدیا کار کرده‌ام. می‌توانم بگویم سال ۱۳۸۵ سال گذارم از رئالیسم به مدرنیسم است، گذاری که تاکنون و همواره با حفظ المان‌های رئالیسم و درهم آمیختن محتوا و تکنیک‌های مدرن منجر به پدید آوردن فضاهایی رنگین، اصیل، عمیق و وهم‌انگیز در آثارم است.

او درباره آثار به نمایش درآمده در گالری کاما گفت: در سال جاری پس از شرکت در نمایشگاه گروهی با عنوان "کیمیای هنر پارس" در گالری صبا، این بار مجموعه نقاشی‌هایم که عموماً از جدیدترین آثارم هستند را در گالری کاما به نمایش گذاشتم. آثار به نمایش درآمده در مجموعه "آن" بازگوکننده یک سفر هستند و هر اثر این مجموعه، بیانگر لحظه‌ای از یک منظره، رویا و یک رویداد است که در خاطر ما می‌ماند. "آن" حاصل ثبت لحظه‌ای است که دست از سر هنرمند بر نمی‌دارد؛ در واقع در این مجموعه تحت تاثیر زیبایی‌های درختان، گل‌ها و جاده‌های ایران از شمال تا جنوب بودم.

این هنرمند درباره فعالیت‌های قبلی خود گفت: سال ۱۳۸۵ نمایشگاه نقاشی انفرادی در موزه امام علی (ع) بر پا کردم و در این نمایشگاه اثر "بم، شهر خاموش" را که برای بزرگداشت درگذشتگان زلزله بم خلق شده بود، به این موزه اهدا کردم تا این اثر همراه با سایر آثار منتخب، در مجموعه‌ای به عنوان "سفیر دوستی" در نمایشگاه‌های سراسر جهان به نمایش درآید.

توران فرهنگ که کتاب مجموعه آثار "زندگی، باور یک نقاشیست" را در سال 1390 منتشر کرده است، ادامه داد: پس از برپایی نمایشگاه نقاشی انفرادی با عنوان "شرق" در گالری اوراین شانگهای در سال 1391 برای مدتی طولانی به سفر، تحقیق، مطالعه و تجربه در حوزه هنر نقاشی پرداختم. در همین دوران، اثری از من با عنوان "ماه" توسط هیات داوران به عنوان اثر ممتاز در دومین جشنواره سراسری باران رحمت برگزیده شد.





ثمیلا امیر ابراهیمی



متولد 1329، تهران

کارشناسی علوم سیاسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران

اچینگ و چاپ دستی، مدرسه عالی طراحی برای هنر و صنعت، پاریس، فرانسه

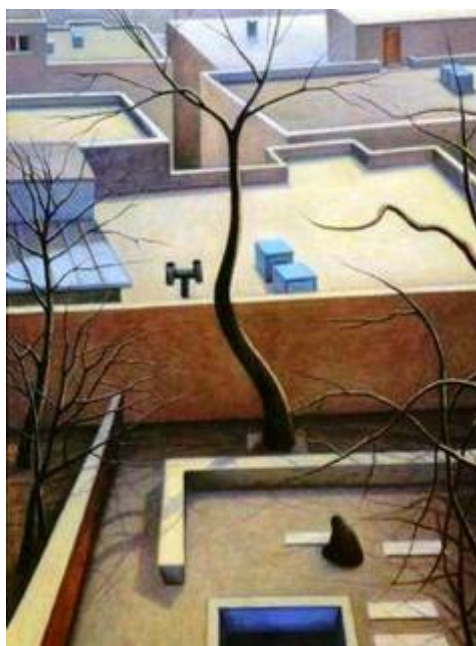
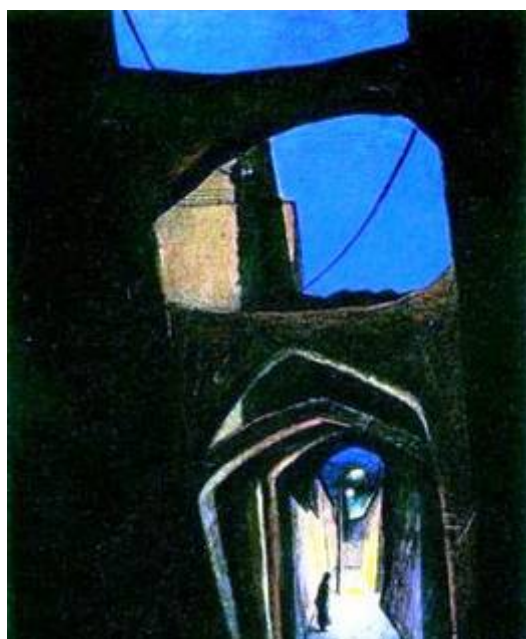
کارشناسی هنرهای زیبا، مدرسه عالی حرف و هنر و، اوکلند؛ آمریکا

1352-1383، بیش از 35 مقاله در زمینه هنر و هنرمندان به چاپ رسیده در مجلات مختلف

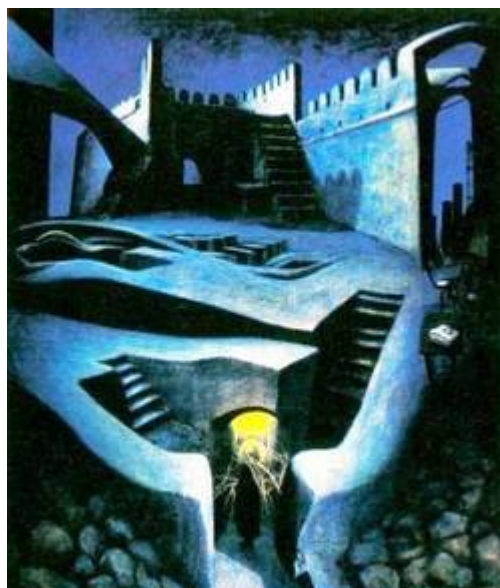
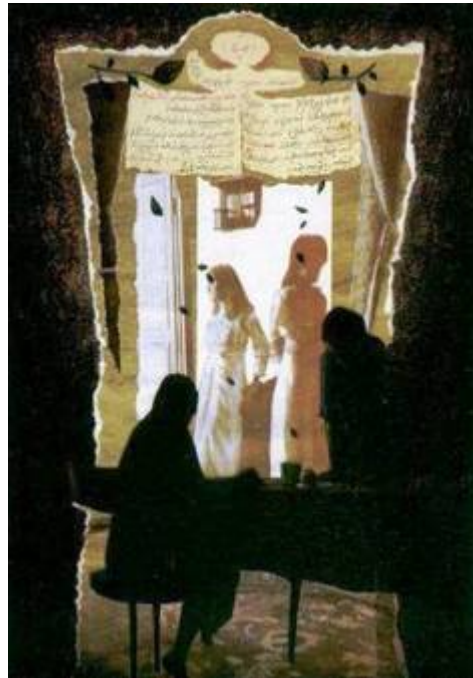
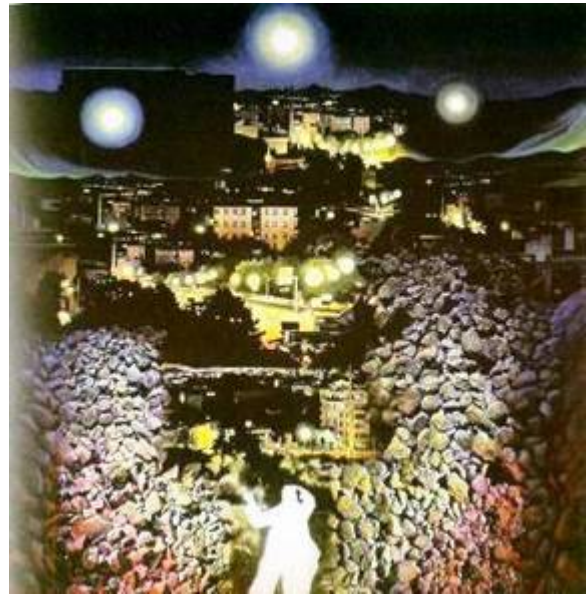
24 نمایشگاه انفرادی

30 نمایشگاه گروهی در ایران و آمریکا، از جمله در موزه هنرهای معاصر تهران، اکسپوی بین‌المللی آثار هنری، نیویورک

تدریس در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای تزئینی (سابق)، دانشگاه هنر و دانشگاه آزاد اسلامی







رزیتا شرف جهان



زاده

۱۳۴۱ تهران

پیشه

بنیانگذار گالری طراحان آزاد، از
قدیمی‌ترین گالری‌های هنری فعال پس از
انقلاب

همسر

محسن نبی زاده

خویشاوندان آزیتا شرف جهان

رزیتا شرف جهان متولد ۱۳۴۱، در تهران مجسمه‌ساز، نقاش و ویدئو آرتیست است. او فارغ‌التحصیل هنرستان در رشته مجسمه‌سازی است و کارشناسی نقاشی را از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران دریافت کرده‌است. او که بنیانگذار و مدیر گالری طراحان آزاد است، یکی از پیش‌کسوتان گالری داری در ایران است که تأثیر بسزایی در کشف برخی هنرمندان دهه هشتاد داشته‌است. همچنین از او به عنوان یکی از هنرمندان معاصر زن تأثیرگذار نام می‌برند. آثار او در مجموعه‌هایی چون موزه بیلوتی ایتالیا نگهداری می‌شود.

تحصیلات

شرف جهان در سال ۱۳۵۶ وارد هنرستان شد و در رشته مجسمه‌سازی تحصیل کرد. بعد از فارغ‌التحصیلی از هنرستان، به خاطر انقلاب فرهنگی، نتوانست وارد دانشگاه شود. او می‌گوید: با چند نفر از دوستان، حدود ۳ سالی از طریق کلاس‌های آزاد زیر نظر استادانی چون یعقوب عمامه‌بیچ و عربعلی شروه، کار خود را ادامه دادیم تا دچار وقفه نشویم. در هنرستان جزو شاگردان برجسته دوره خودم بودم. دانشگاه‌ها که باز شد، گزینش با وسواس زیادی انجام می‌شد. سال اول از لحاظ علمی قبول شدم، اما نتوانستم وارد دانشگاه شوم و سال بعد در رشته نقاشی هنرهای زیبا پذیرفته شدم.

- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر، دانشگاه تهران ۱۳۷۴
- فارغ‌التحصیل کارشناسی نقاشی از دانشکده هنرهای زیبا، تهران ۱۳۷۰
- دیپلم مجسمه‌سازی از هنرستان دختران، تهران ۱۳۶۰

تأسیس گالری

او در سال ۱۳۷۷ همزمان با تشکیل گروه هنری سی، کارگاه شخصی خود را به فضایی برای نمایش آثار خود و دیگر همکارانش در گروه هنری سی اختصاص داد و گالری طراحان آزاد را به همراه محسن نبی زاده به صورت غیررسمی تأسیس کرد. سال ۱۳۷۸ با دریافت مجوز رسمی از وزارت ارشاد، گالری طراحان آزاد رسماً شروع به کار کرد. او در مصاحبه اش با روزنامه ایران می‌گوید:

محل فعلی گالری را پدرم برای کارگاه در اختیارم گذاشت. بیش از هرچیز نیاز به چنین مراوداتی داشتم، نه تنها من بلکه این نیاز باقی دوستانم نیز بود که محلی برای خودمان داشته باشیم تا بتوانیم، بحث کنیم، کار ببینیم و کارهای خودمان را نشان بدهیم. شرف جهان که خود از هنرمندان شاخص زمان خود بود، توجه خود را معطوف به قالب‌هایی کرد که برای دیگر گالری دارها چندان قابل توجه نبود: با شروع نمایشگاه‌های مفهومی در موزه، افرادی به ما مراجعه می‌کردند که در حوزه «نیو مدیا» مثل ویدئو، صدا، اینستالیشن و غیره فعال بودند که حدود ۸ گالری فعال آن زمان به این هنرمندان وقت نمایشگاه نمی‌دادند؛ چراکه هدفشان نشان دادن نقاشی بود. اما او که خود علاقه‌مند به ویدئو، اینستالیشن، پرفورمنس آرت و قالب‌های نویی از این دست بود، از این قالب‌ها استقبال کرد. این رویه، گالری طراحان آزاد را به یکی از نگارخانه‌های پیشرو بعد از انقلاب تبدیل کرد.

اندیشه‌های برابری طلبی

شرف جهان همواره معتقد بود که زنان و مردان برابرند:

نمی‌خواستم بپذیرم کارهایی را که پسرها انجام می‌دهند، نمی‌توانم انجام بدهم. من همزمانی می‌خواستم همانند مردها باشم. حتی مجسمه‌سازی را نیز به همین دلیل انتخاب کردم. سودای این را داشتم تا مجسمه‌های بزرگ بسازم یا سنگتراشی کنم. در نقاشی هم به این شکل، تلاش می‌کردم با ضربه قلم‌های پر قدرت، از هر چه که تصور می‌کردم جامعه مردسالار برای زن تعریف کرده، خودم را آزاد کنم. این مسئله به مرور اصلاح شد؛ باید می‌پذیرفتم که من زن هستم با خصوصیات و ویژگی‌های زنانه، ویژگی‌هایی که ارزشمند، ضد ارزش نیستند. به هر حال این موضوع را در آثارم می‌توانید مشاهده کنید. یکی از مهمترین آثار او، تابلویی ست که تصویری از بهروز وثوقی را نشان می‌دهد. باوند بهیور منتقد هنری درباره این اثر می‌نویسد:

او در این اثر، بهروز وثوقی، ستاره سینمای دوران جوانی‌اش را به تصویر کشیده و با افزودن چند خنجر ملموس و واقعی بر کنشی که تداعی‌گر هیجان‌های دختری جوان به یک ستاره سینما و یک سکس آیکن است، تأکید کرده‌است. محو کردن انبوهی از عکس‌های خواننده‌ها و بازیگران زن نیز در پس زمینه کار به عنوان ابزاری برای جذب بیننده به سوی سوژه اصلی کار قابل توجه است.

فعالیت‌ها

شرف جهان علاوه بر فعالیت‌های هنری اش، مدرس دانشگاه نیز هست و در چندین نهاد عضویت فعال دارد:

- ۱۳۷۱-۱۳۹۲، مدرس هنر در دانشگاه‌ها
- ۱۳۷۸-۱۳۸۵، مؤسس و مدیر گالری ممیز
- ۱۳۷۸-، عضو انجمن نقاشان ایران

- ۱۳۷۸-۱۳۸۷، مدیر کمیته نمایشگاه‌های انجمن نقاشان ایران
- ۱۳۷۱-، مؤسس و مدیر گالری طراحان آزاد
- ۱۳۷۰-۱۳۸۰، عضو فرهنگنامه کودکان و نوجوانان
- ۱۳۶۸-۱۳۷۱، عضو آتلیه انیمیشن صدا و سیما
- ۱۳۹۶ داور جایزه ویستا، تهران
- ۱۳۹۶، کیوریتوری نمایشگاه «پشت‌نویسی» (به همراه فرهاد فزونی)، گالری طراحان آزاد، تهران
- ۱۳۹۶، کیوریتوری نمایشگاه «دور نما از نمای نزدیک»، فرهنگسرای نیاوران
- ۱۳۹۷، او از اعضای هیئت مؤسس تیرآرت بوده‌است.

نمایشگاه‌های انفرادی

گزیده نمایشگاه‌های انفرادی

- ۱۳۸۹، سودای ششم، گالری طراحان آزاد، تهران
- ۱۳۸۷، چهره‌های خاورمیانه، گالری گلستان، تهران
- ۱۳۸۴، چه نمی‌شود، گالری طراحان آزاد، تهران
- ۱۳۸۲، سکوت را رعایت کنید، گالری طراحان آزاد، تهران
- ۱۳۸۲، ذهن، گالری هنرمندان، تهران
- ۱۳۸۱، شهر؛ با فریدون امیدی، گالری هنرمندان، تهران
- ۱۳۸۰، خیابان، گالری طراحان آزاد، تهران
- ۱۳۷۹، گالری طراحان آزاد، تهران
- ۱۳۷۵، گالری نقش جهان، تهران

نمایشگاه‌های گروهی

شرکت در بیشتر از ۷۰ بینال، جشنواره و نمایشگاه گروهی نقاشی و ویدئو آرت در ایران، جمهوری چک، اتریش، ترکیه، ایتالیا، ژاپن، ارمنستان، فرانسه، هند، آلمان و کانادا

- سودای ششم، گالری طراحان آزاد، تهران ۱۳۸۹
- گالری ورتیگو، ۱۳۹۴
- «نگاهی دیگر»، کیوریتور: فرناز محمدی، گالری ملت، تهران ۱۳۹۱
- «صبح بخیر... شب بخیر»، کیوریتور: ترلان رفیعی و Peter Assmann، ایتالیا، ۲۰۱۸
- نهمین بینال شانگهای، کیوریتور: نینا معدل، چین، ۲۰۱۲
- «ایران، مرور گذشته»، وین، ۲۰۱۰
- «نوبد فقدان»، کیوریتور: شاهین مرالی، وین، ۲۰۰۹
- «تهران، از درون به بیرون»، کیوریتور: سوزان وینچ، سوئیس، ۲۰۰۹
- «شیر زیر رنگین کمان»، کیوریتور: Alexandros Georgiou، یونان، ۲۰۰۸
- "TREIBSAND"، کیوریتور: سوزان وینچ و پرستو فروهر، موزه زنان بُن، آلمان، ۲۰۰۷
- "TREIBSAND"، کیوریتور: سوزان وینچ و پرستو فروهر، زوریخ، ۲۰۰۷
- پنجمین بینال گیومری، کیوریتور: Arpine Tokmajyan، ارمنستان، ۲۰۰۶
- VIDEOZOOM، کیوریتور: David Barro, Sergio Edelsztejn, Anna Jagiello، مرکز هنری BizArt، شانگهای، چین ۲۰۰۵

- 1st Paris Triennial of International Contemporary art، طاق بزرگ، پاریس، ۲۰۰۲
- «گروه سی»، موزه متروپولیتین، توکیو ۲۰۰۲
- نمایشگاه گروهی، زاگرب، کرواسی ۲۰۰۰
- دومین بینال نقاشی، موزه هنرهای معاصر، تهران ۱۹۹۴





رنا فرنود



متولد ۱۳۳۲، مشهد، ایران

تحصیلات

دریافت مدرک دیپلم نقاشی مدرسه‌ی هنرهای زیبا، تهران ۱۳۵۰

دریافت مدرک کارشناسی رشته‌ی زبان انگلیسی، تهران ۱۳۵۴

بیوگرافی

رنا فرنود نقاش فعال که آثار قابل توجه و متفاوتش در نمایشگاه‌های متعددی در داخل و خارج از ایران به نمایش درآمده است او یک هنرمند زن با نگرشی باز به مسائل اجتماعی هنر و سابقه‌ای طولانی در همکاری با نهادهای مختلف هنری است

همه نمایشگاه‌ها (۴۹) تحصیلات (۲) آرت فر (۱) بی‌ینال (۱)

1350

دریافت دیپلم نقاشی از مدرسه‌ی هنرهای زیبای دختران، تهران 1350

دریافت کارشناسی در رشته‌ی زبان انگلیسی، مدرسه‌ی مترجمی تهران 1354

1360

نمایشگاه، گالری سیحون، تهران 1367

نمایشگاه، گالری پافار، تهران 1368

نمایشگاه، گالری طوس، مشهد 1368

نمایشگاه گروهی، موزه‌ی هنرهای معاصر تهران، ایران 1368

نمایشگاه گروهی، گالری سیحون، تهران 1368

نمایشگاه انفرادی، گالری سیحون، تهران 1368

نمایشگاه گروهی، گالری افرند، تهران 1369

نمایشگاه گروهی، گالری سیحون، تهران 1369

نمایشگاه گروهی، موزه‌ی هنرهای معاصر تهران، ایران 1369

1370

نمایشگاه، گالری سیحون، تهران 1372

نمایشگاه گروهی، دانشگاه کرتی، پاریس 1374

نمایشگاه گروهی، گالری رایون ورت، نانت، فرانسه 1375

نمایشگاه، گالری سیحون، تهران 1375

شرکت در نهمین دوره‌ی سه‌سالانه‌ی آکادمی لالیت کالا، دهلی نو، هندوستان 1376

نمایشگاه گروهی، نمایشگاه هنر چین، پکن 1376

نمایشگاه گروهی، نمایشگاه هنر چین، پکن

نمایشگاه گروهی، خانه‌ی ایران، پاریس 1376

ی جشنواره‌ی فیلم نمایشگاه انفرادی، آتلیه الین لو برا، دعوت شده از طرف چهاردهمین دوره 1376 زنان، نانت، فرانسه

نمایشگاه، گالری رایون ورت، نانت، فرانسه 1377

نمایشگاه گروهی، نخستین نمایشگاه بین‌المللی نقاشی، تهران 1378

نمایشگاه انفرادی، گالری آریا، تهران 1378

نمایشگاه گروهی، نمایشگاه بین‌المللی هنر، نیویورک 1379

نمایشگاه گروهی، گالری یاهیا، تونس 1379

نمایشگاه انفرادی، گالری آریا، تهران 1379

نمایشگاه، گالری رایون ورت، نانت، فرانسه 1379

1380

نمایشگاه گروهی، «نسیمی از باغ‌های ایران: هنر نو از ایران»، مرکز بین‌المللی یویدین، ایالات متحده 1380

نمایشگاه گروهی، هنر معاصر ایران، مدرسه‌ی ایتالیایی، تهران 1382

هنر معاصر تهران نمایشگاه گروهی، «چشم‌انداز روحانی»، موزه 1382

نمایشگاه گروهی، گالری گلستان، تهران 1382

نمایشگاه گروهی، «دنا و فرح اصولی؛ نقاشی معاصر ایران»، عمارت آلمانی، کوبلنتس 1384

نمایشگاه گروهی، هنر لندن، انگلستان 1386

نمایشگاه گروهی، گالری خاک، تهران 1387

نمایشگاه نقاشی و مجسمه‌سازی گروهی، ارایه‌ای چشمگیر از آثار 50 هنرمند، گالری ماه، تهران 1387

نمایشگاه انفرادی، گالری اعتماد، تهران 1387

1390

نمایشگاه گروهی، گالری ماه، تهران 1390

نمایشگاه نقاشی گروهی، گالری ماه، تهران 1392

زن با موی قرمز 1392

ر عنا فرودزن با موی قرمز

1392

نمایشگاه انفرادی، «در هاویه کیست که تو را حمد گوید؟»، گالری اعتماد، تهران 1393

نمایشگاه گروهی، «نمایشگاه تابستانی»، گالری اعتماد، تهران 1397

نمایشگاه انفرادی، «گل‌های ملال»، گالری امکان، تهران 1397

آرت فر، تیر آرت، نمایش داده شده توسط گالری اعتماد، تهران 1397

نمایشگاه گروهی، «فیگورها»، دستان +2، تهران 1396

نمایشگاه گروهی، «فروش کلکسیون ۹۷»، گالری هان، شیراز 1397

نمایشگاه گروهی، «مجموعه آثار بزرگان هنر ایران با تکثیرهای فواد شریفی»، گالری هان، شیراز 1398

نمایشگاه گروهی، «دور سیب خط بکش، یا بی‌سایگی»، گالری امروز، اصفهان 1398

نمایشگاه گروهی، «دور سیب خط بکش یا بی‌سایه‌گی»، پروژه‌های بیرون از دستان، تهران 1398

نمایشگاه گروهی، «آن»، گالری امکان، تهران 1398

نمایشگاه گروهی، «شب‌تاب 7»، گالری آزاد، تهران 1398

نمایشگاه گروهی، «شب‌تاب 8 - نمایش آنلین»، گالری آزاد، تهران 1399

1400

نمایشگاه گروهی، «نگاه»، گالری لیام، تهران 1400







رکسانا منوچهری



متولد تهران، ایران. 1353

(همه نمایشگاه‌ها (۱۷) تحصیلات (۲) جایزه‌ها (۳) آرت‌فر (۴)

1370

آغاز به تدریس طراحی و نقاشی به کودکان، مدرسه‌ی هنر و ادب سازمان صدا و سیمای ایران 1372

دریافت مدرک کارشناسی در رشته‌ی نقاشی، دانشگاه هنر تهران، تهران 1376

دریافت مدرک کارشناسی در رشته‌ی نقاشی، دانشگاه هنر تهران، تهران

انتشارات شب‌آویز، تصویرگری کتاب کودکان، تهران 1376

نمایشگاه انفرادی، گالری هفت ثمر، تهران 1376

نمایشگاه انفرادی، گالری برگ، تهران 1379

1380

دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته‌ی نقاشی، دانشگاه هنر تهران، تهران 1381

نمایشگاه انفرادی، گالری اثر، تهران 1382

نمایشگاه انفرادی، گالری ماه، تهران 1384

فعالیت بعنوان مدرس، دانشگاه علمی - کاربردی، تهران 1384

نمایشگاه انفرادی، گالری اثر، تهران 1385

نمایشگاه انفرادی، «احساس گستردگی»، استودیو هنری چانگ دونگ، سئول، کره‌ی جنوبی 1386

اقامت هنری، استودیو هنری بین‌المللی چانگ دونگ، کره‌ی جنوبی 1386

آرت فر، آرت فر سیپا، کره‌ی جنوبی 1387

آرت فر، آرت فر بین‌المللی کیاف، شرکت در بخش آرایه‌ی گنجینه‌های هنرمندان جوان، سئول، 1387

کره‌ی جنوبی

آرت فر، آرت فر بین‌المللی کیاف، شرکت در بخش آرایه‌ی گنجینه‌های هنرمندان جوان، سئول، کره‌ی

جنوبی

نمایشگاه گروهی، «هجوم»، گالری دور، سئول، کره‌ی جنوبی 1388

نمایشگاه انفرادی، «غرور کره‌ای»، گالری اثر، تهران 1388

آرت فر، آرت دبی، امارات متحده‌ی عربی 1389

اقامت هنری، پلمونت میل، کاونتی اوفالی، ایرلند 1389

بدون عنوان 1389

1390

نمایشگاه هنری، آرت دبی، امارات متحده‌ی عربی 1390

اقامت هنری، برنامه‌ی اقامت هنری رومارس، روما، فنلاند 1390

نمایشگاه انفرادی، گالری اثر، تهران 1390

کسب جایزه، آکادمی سلطنتی هیبرنیا، دوبلین، ایرلند 1391
 دریافت اقامت هنری شش ماهه‌ی آر. ایچ. ای.، دوبلین 1392
 برنده‌ی جایزه‌ی کامل استیپند، اقامت هنری گن سیرات، بارسلونا، اسپانیا 1392
 نمایشگاه انفرادی، «انیگما»، گالری یوین کاوانا، دوبلین 1392
 نمایشگاه انفرادی، «هویت نوستالژیک»، گالری اثر، تهران 1392
 نمایشگاه گروهی سالانه، آکادمی سلطنتی هیبرنیا، دوبلین 1394
 نمایشگاه انفرادی، «از سرزمین طلا»، گالری اثر، تهران 1395

1395

نمایشگاه گروهی نقاشی و مجسمه، گالری اعتماد نگارستان، تهران 1396
 نمایشگاه انفرادی، «وصله پینه‌ها»، گالری اعتماد، تهران 1397
 نمایشگاه گروهی، «سرکش»، گالری هاله آلمان، برگ 1397
 نمایشگاه گروهی طراحی، «روی کاغذ»، گالری اعتماد، تهران 1399
 نمایشگاه گروهی، «خاطرات، قصه‌ها و آهنگ‌های محلی»، گالری های لاین ناین، نیویورک 1399







زهرة اعتضاد السلطنة



زاده

۱۳۴۱

تهران، ایران

تحصیلات

او دوران ابتدایی خود را در مدرسه استثنایی گذارند اما از سال پنجم ابتدایی آموزش خود را در مدارس عادی ادامه داد و آن را با موفقیت به اتمام رساند. وی در رشته روان‌شناسی تا مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کرده است.

شناخته‌شده

نقاش، طراح و تصویرساز

برای

زهرة اعتضاد السلطنة (۱۳۴۱ تهران) زن معلول ایرانی، عضو انجمن بین‌المللی نقاشان آلمان، هنرمند ایرانی است؛ وی بدون دست نقاشی، خوشنویسی، قالی بافی، آشپزی و پینگ پنگ بازی می‌کند. اعتضاد السلطنة به صورت مادرزادی دچار معلولیت از ناحیه دو دست است. وی با کمک پاهایش نقاشی، خوشنویسی، قالیبافی و گل‌سازی می‌کند.

ورزش

وی در سال ۱۳۹۳ مقام قهرمانی تنیس روی میز بانوان معلول کشور را به دست آورد.

فعالیت‌ها

اعتضاد السلطنة عضو انجمن بین‌المللی نقاشان آلمان است و تاکنون بیش از ۶۰ نمایشگاه داخلی و ۱۰ نمایشگاه خارجی در کشورهای سوریه، لبنان، قطر، دبی، چین، تایلند، عربستان و کویت برگزار کرده است. وی برنده جایزه فیلم رشد در سال ۱۳۸۷ است. وی با بسیاری از چهره‌های مشهور سیاسی جهان از جمله رئیس‌جمهور وقت چین، بی‌نظیر بوتو و... نیز دیدار داشته است. اعتضاد السلطنة پس از گرفتن دیپلم به کار تدریس و آموزش بچه‌های معلول روی آورد و به مدت ۱۴ سال در کسوت دبیر به آموزش و پرورش بچه‌های معلول مشغول بوده است.





ساغر پزشکیان



تولد: 1341 ه.ش ، تهران - ایران

تحصیلات

فارغ التحصیل مدرسه عالی هنرهای زیبای پاریس 1369
فارغ التحصیل هنرستان هنرهای تجسمی دختران 1358/1359

بیوگرافی

ساغر پزشکیان از سال 1370 تاکنون در دانشکده ها و مراکز هنری به تدریس نقاشی، طراحی و مبانی هنرهای تجسمی مشغول است. از آن جمله می توان دانشگاه شاهد، دانشکده میراث فرهنگی، دانشگاه الزهراء، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه هنر زاهدان و دانشگاه تهران را نام برد

نمایشگاه های انفرادی

گالری ماه - تهران 1391
گالری ماه - تهران 1389
نمایشگاه انفرادی نقاشی در کلن، آلمان 1381
گالری آریا - تهران 1380
گالری آریا - تهران 1378
گالری آریا - تهران 1380
نمایشگاه انفرادی نقاشی در کلن، آلمان 1381
گالری ماه - تهران 1389

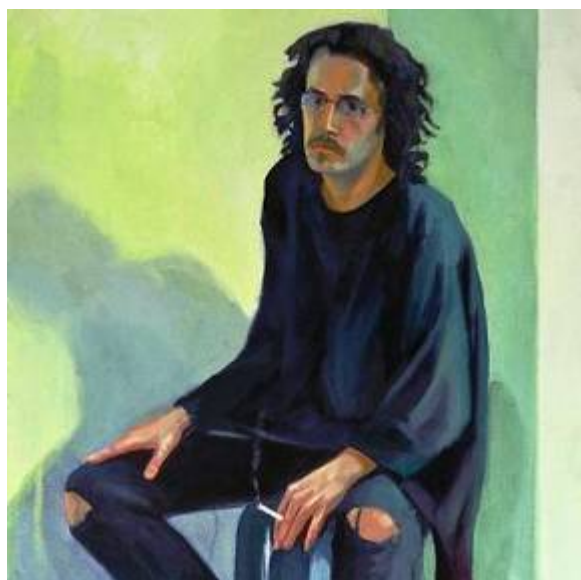
نمایشگاه های گروهی

شرکت در نمایشگاه گروهی دانشجویان ایرانی 1364 Beaux Arts
شرکت در پنجمین دوسالانه نقاشی 1379
نمایشگاه گروهی اساتید - فرهنگسرای خاوران 1380
نمایشگاه گروهی زنان نقاش در یونسکو - پاریس 1382
گالری مات 1383
خانه هنرمندان - تهران 1386
گالری صبا 1387
نمایشگاه گروهی انجمن نقاشان ایران 1387
فرهنگسرای نیاوران 1387
گالری هور - نمایشگاه گروهی فارغ التحصیلان 1388 Beaux Arts
نمایشگاه گروهی تابستانه در گالری ماه 1394
انجمن نقاشان ایران 1394
نمایشگاه گروهی تابستانه در گالری ماه 1393

نمایشگاه گروهی انجمن نقاشان ایران در خانه هنرمندان 1393







سمیرا اسکندر فر


www.samiraeskandarfar.com

وبگاه

سمیرا اسکندر فر (زاده آذر ۱۳۵۹ در تهران) نقاش، نویسنده و فیلمساز است. او تا کنون بیست و شش نمایشگاه انفرادی نقاشی، عکس و ویدئو آرت برگزار کرده است. آثار او در بیش از هشتاد نمایشگاه گروهی در موزه‌ها و گالری‌های داخل و خارج از ایران حضور داشته‌اند. او همچنین سه فیلم بلند، هجده فیلم کوتاه و ویدئو آرت ساخته است.

زندگی و فعالیت حرفه‌ای

سمیرا اسکندر فر سال ۱۳۵۹ در تهران به دنیا آمد. او مدرک کارشناسی خود در رشته مهندسی در رشته مواد را در سن بیست سالگی دریافت کرد و در سال ۱۳۸۶ پس از ۲ سال تحصیل در رشته کارگردانی انیمیشن دانشگاه هنر تهران، دانشگاه را رها کرد.

تعدادی از آثار سمیرا اسکندر فر در موزه تیت لندن (بریتانیا) و موزه ان.بی. کی برلین (آلمان) نگهداری می‌شود. از نمایشگاه‌های پربازتاب او می‌توان به «دلک‌ها بچه‌دار نمی‌شوند»، «کمپوت لحظه‌ها» و «تابستان خود را چگونه گذرانید» اشاره کرد.

کارها

نمایشگاه‌های انفرادی

- اتاق الک، گالری طراحان آزاد، تهران ۱۳۹۸
- هیچ مایی در کار نیست، گالری طراحان آزاد، تهران ۱۳۹۷
- زخم، گالری طراحان آزاد، تهران ۱۳۹۷
- دوتایی‌ها، گالری طراحان آزاد، تهران ۱۳۹۶
- چی تو سرته؟، گالری طراحان آزاد، تهران ۱۳۹۶
- نمایش باید ادامه پیدا کند، گالری زیرزمین دستان، تهران ۱۳۹۵
- عصب کشی، گالری شماره ۶، تهران ۱۳۹۵
- هرگز فراموشم نکن، گالری شماره ۶، تهران ۱۳۹۴
- گالری گدوک، مونیخ، آلمان ۱۳۹۳
- من خودم نیستم، گالری آران، تهران ۱۳۹۲
- من اینجا هستم، من اینجا نیستم، سازمان آب، تهران ۱۳۹۱

- میکی ماسک، گالری محسن، تهران ۱۳۹۰
- کمپوت لحظه‌ها، گالری محسن، تهران ۱۳۹۰
- تو منو به گریه می‌اندازی، گالری محسن، تهران ۱۳۸۹
- دلقک‌ها بچه دار نمی‌شوند، گالری طراحان آزاد، تهران ۱۳۸۸
- آرامش خیلی بزرگ، گالری طراحان آزاد، تهران ۱۳۸۷
- زیرزمین، گالری طراحان آزاد، تهران ۱۳۸۷
- پراکندگی، گالری ماه، تهران ۱۳۸۶
- من، شلی، مری، تو، گالری دی، تهران ۱۳۸۵
- صورت‌های دیگر، گالری لاله، تهران ۱۳۸۵
- عکس‌های خانوادگی، گالری دی، تهران ۱۳۸۴
- چیزی از دست رفته، گالری طراحان آزاد، تهران ۱۳۸۳
- بانوی زیبای من، گالری لاله، تهران ۱۳۸۳
- تهمانده‌های روز، گالری لاله، تهران ۱۳۸۲
- بهت، گالری طراحان آزاد، تهران ۱۳۸۲

فیلم‌های بلند

- ۱۳۹۸ نوتردام
- ۱۳۹۶ تردمیل
- ۱۳۹۲ روت کانال

فیلم‌های کوتاه

- ۱۳۹۵ نایس اند ایزی
- ۱۳۹۳ من برگشتم خونه
- ۱۳۹۱ من اینجا هستم
- ۱۳۹۰ من اینجا نیستم
- ۱۳۹۰ نفس کشیدن زیر آب
- ۱۳۸۹ تولدت مبارک
- ۱۳۸۸ زیتون
- ۱۳۸۷ کمد دیواری
- ۱۳۸۶ توی یک اتاق
- ۱۳۸۵ فرش‌ها و آدم‌ها
- ۱۳۸۵ مسیر
- ۱۳۸۵ چشم‌انداز قدیمی
- ۱۳۸۵ جهیزیه ای برای ماهرو
- ۱۳۸۴ تک گویی زیر نور سفید
- ۱۳۸۳ من عمودی ام
- ۱۳۸۲ بهت

کتاب‌شناسی

- ۱۳۹۸ اتاق الکل (مجموعه داستان کوتاه)
- ۱۳۹۷ زخم (مجموعه ای تصویری نوشتاری)



سونیا بالاسانیان



زاده ۱۳۲۱ خورشیدی اراک

همسر ادوارد بالاسانیان

سونیا بالاسانیان-آمریان (زاده ۱۳۲۱ خورشیدی) یک نقاش ایرانی ارمنی‌تبار است. او سال‌هاست که در نیویورک و ارمنستان زندگی می‌کند.

زندگی‌نامه

وی در سال ۱۳۲۱ خورشیدی (۱۹۴۲ میلادی) در اراک به دنیا آمد. پس از تحصیلات اولیه از سال ۱۳۴۶ خورشیدی (۱۹۶۷ میلادی) تا ۱۳۴۹ خورشیدی (۱۹۷۰ میلادی) در آکادمی هنرهای زیبای فیلادلفیای آمریکا با درجه لیسانس فارغ‌التحصیل گردید. در سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۱ خورشیدی (۱۹۷۱-۱۹۷۲ میلادی) به تحصیل آزاد در موزه هنرهای زیبای نیویورک پرداخت. او همچنین دارای ده جایزه از موزه‌ها و دانشگاه فیلادلفیا و نیویورک طی سال‌های ۱۳۴۶-۱۳۵۱ خورشیدی (۱۹۶۷-۱۹۷۲ میلادی) می‌باشد.

در سال ۱۳۵۴ خورشیدی (میلادی) و سال ۱۳۵۸ خورشیدی (میلادی) در «گالری زروان» (Zarvan)، «سامان» (Saman) تهران، «آکزیٹ آرت» (Exit Art)، «لوتوس گالری» (Loutos)، «فرانکلین فرنس» (Franklin Furance) نیویورک، «پارت انستیتو» (Part Institute) بروکلین بیش از ۲۰ نمایشگاه گروهی برپا داشته‌است.

سونیا بالاسانیان پس از استقلال ارمنستان سفرهایی به ارمنستان داشته و با نقاشان جوان نمایشگاه‌هایی برپا نموده‌است.

فعالیت هنری سال‌های اخیر وی را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

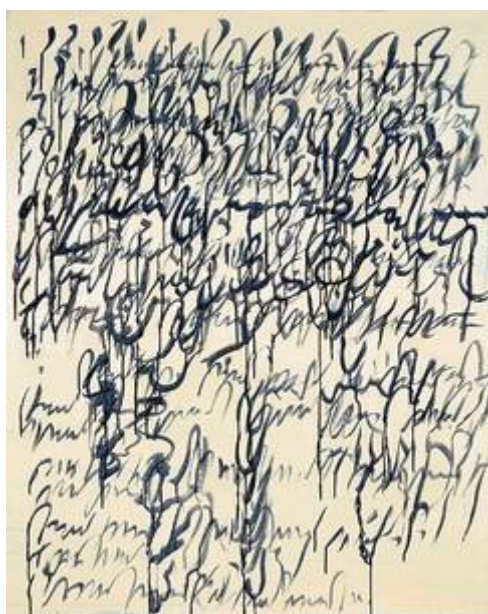
- از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی به هنر اینستالیشن (چیده‌مان) و از اواسط این دهه به هنر ویدیویی Video Art روی آورد و در حال حاضر تقریباً تمام کارهای وی به این دو شیوه انجام می‌گیرد.
- از سال ۱۳۷۲ خورشیدی (۱۹۹۳ میلادی) هر ساله نمایشگاه‌هایی به همراه هنرمندان جوان در شهر ایروان برپا می‌دارد.
- در سال ۱۳۷۳ خورشیدی (۱۹۹۴ میلادی) شرکت در نمایشگاه‌های در بوخوم، آلمان
- در سال ۱۳۷۴ خورشیدی (۱۹۹۵ میلادی) مدیر هنرهای غرفه ارمنستان در بینال ونیز

- سال ۱۳۷۵ خورشیدی (۱۹۹۶ میلادی) تأسیس «مرکز هنرهای تجربی» در ایروان (این مرکز در رشته هنرهای هنرهای تجربی، تجسمی، نمایش، موسیقی، عکاسی و معماری هنرمندان جوان را در بر می‌گیرد)
 - سال ۱۳۷۶ خورشیدی (۱۹۹۷ میلادی) شرکت در بینال ونیز
 - سال ۱۳۷۹ خورشیدی (۲۰۰۰ میلادی) شرکت در نمایشگاه گروهی آمستردام، هلند
- وی دانش آموخته دانشگاه هنرهای زیبای فیلادلفیا است.

از جمله فعالیت‌های او می‌توان به پایه‌گذاری مرکز هنرهای تجربی ارمنستان، شرکت در بیش از بیست نمایشگاه در شهرهای مختلف از جمله نگارخانه‌های زروان تهران، سامان تهران، اگزیت آرت نیویورک، گالری لوتوس نیویورک، فرانکلین فرنس نیویورک، پارت انستیتو بروکلین، دوسالانه ونیز و نمایشگاه گروهی نیویورک اشاره کرد. بالاسانیان دارای ده جایزه بین‌المللی از موزه‌ها و دانشگاه‌های فیلادلفیا و نیویورک طی ۱۹۶۸-۱۹۷۳ م است. آثار وی هم‌اکنون در موزه هنرهای معاصر ایران و موزه مرکز هنرهای معاصر ارمنستان و شماری از مجموعه‌های شخصی در سطح جهان نگهداری می‌شود.

بالاسانیان دو مجموعه کتاب به زبان ارمنی دارد به نام‌های «شاید قلبی دیوانه بوده باشد» و «عرضه رویاهای احساس به باران پرهیاهو» که در سال ۲۰۰۶ در یک جلد مشترک در ایروان چاپ شد. در سال ۱۹۸۳ کتاب پرتره‌های این هنرمند که به زنان قربانی آشفته‌گی‌های سیاسی اهدا شده بود منتشر شد. چاپ دوم این کتاب به مناسبت آغاز نمایشگاه کلاژهای آن در نگارخانه آریا که بعد از قریب ۳۰ سال غیبت وی از ایران برگزار شد منتشر شد.







شاهپری بهزادی



متولد تهران، ایران. 1351

همه نمایشگاه‌ها (۲۰) تحصیلات (۲) آرت فر (۱)

1370

دیپلم گرافیک، هنرستان آزادگان، تهران 1370

معلم نقاشی در مدرسه ابتدایی پیمان لاله‌ها، تهران 1371

فعالیت بعنوان عروسک‌ساز برای نمایش‌های مختلف، سفارت فرانسه، تهران 1371

ی طراحی گرافیک، دانشگاه آزاد، تهران دریافت مدرک کارشناسی در رشته 1377

ی طراحی گرافیک، دانشگاه آزاد، تهران دریافت مدرک کارشناسی در رشته

شرکت در سمپوزیوم جهانی سیمپات، شهر پاتینس، اسلواکی 1379

1380

نمایشگاه انفرادی، گالری اثر، تهران 1380

شرکت در سمپوزیوم بین‌المللی در کورانس، فرانسه 1380

نمایشگاه انفرادی، گالری اثر، تهران 1381

مدیر روابط عمومی گالری هنری اثر، تهران 1381

نمایشگاه انفرادی، گالری لیمش، کمارنو، اسلواکی 1381

نمایشگاه انفرادی، گالری ما، دونایسکاستردا، اسلواکی 1382

نمایشگاه انفرادی، گالری اثر، تهران 1383

نمایشگاه انفرادی، گالری اثر، تهران

نمایشگاه انفرادی، مرکز فرهنگی فهر، موشونماجارووار، مجارستان 1383

شرکت در سمپوزیوم بین‌المللی موشونماجارووار، مجارستان 1383

نمایشگاه انفرادی، گالری تیو، بانسکابیستریسا، اسلواکی 1384

نمایشگاه انفرادی، پالفیهو پلاس، براتیسلاوا، اسلواکی 1385

شرکت در سمپوزیوم بین‌المللی، «رنگ‌های مدیترانه‌ای»، تورو، پروانس، جنوب فرانسه 1385

نمایشگاه انفرادی، گالری اثر، تهران 1386

نمایشگاه انفرادی، گالری اعتماد، تهران 1389

1390

نمایشگاه انفرادی، گالری اعتماد، تهران 1391

نمایشگاه انفرادی، «یک نقطه»، گالری اعتماد، تهران 1393

نمایشگاه انفرادی، «آسمانی»، گالری اثر، تهران 1395

نمایشگاه گروهی، «رویکردها و گرایش‌ها در هنر معاصر ۲»، پردیس ملت، تهران 1397

نمایشگاه گروهی، «ذهن و احساس»، گالری پردیس ملت، تهران 1396

نمایشگاه گروهی، «حافظه مشترک»، گالری شیرین، تهران 1397

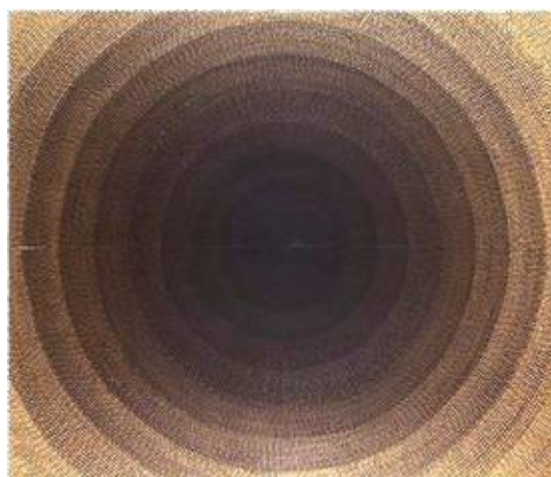
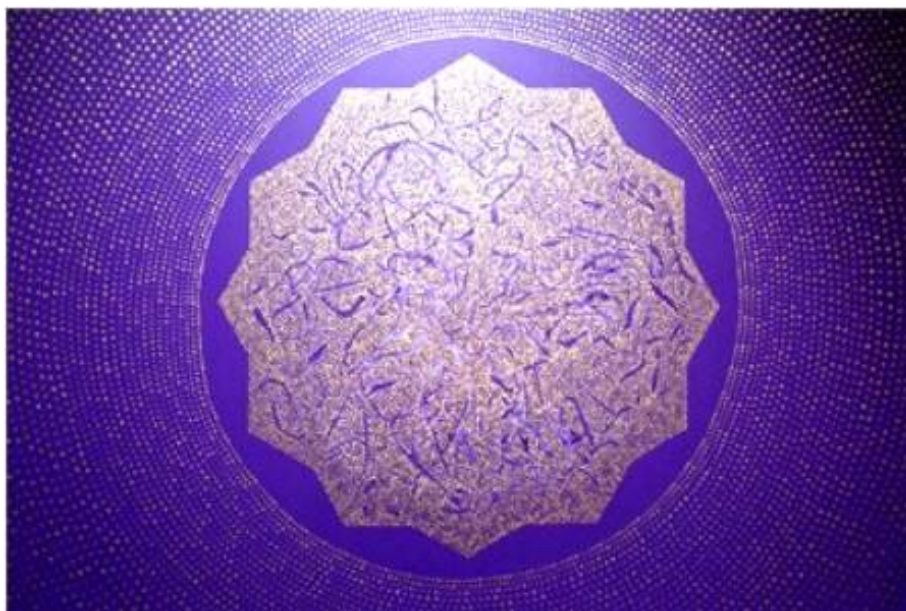
نمایشگاه گروهی، «طعم زندگی»، گالری ایوان، تهران 1397

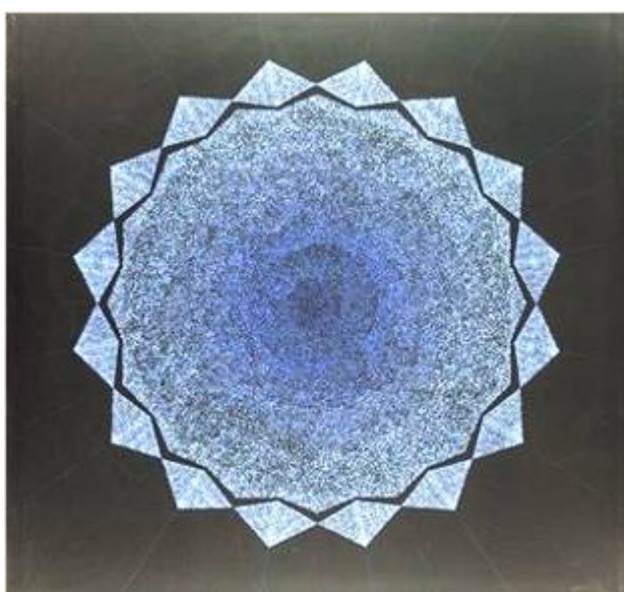
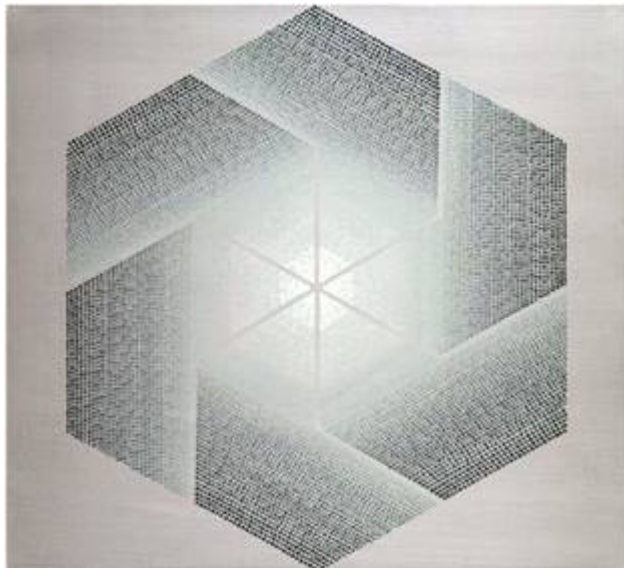
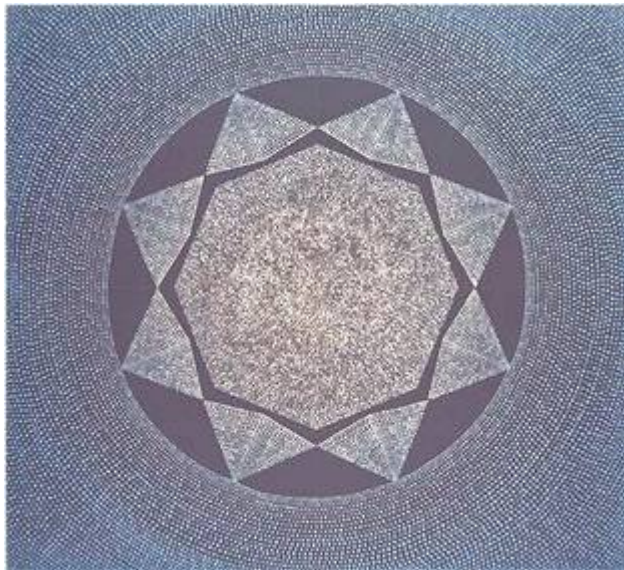
نمایشگاه گروهی، گالری اعتماد، تهران 1397

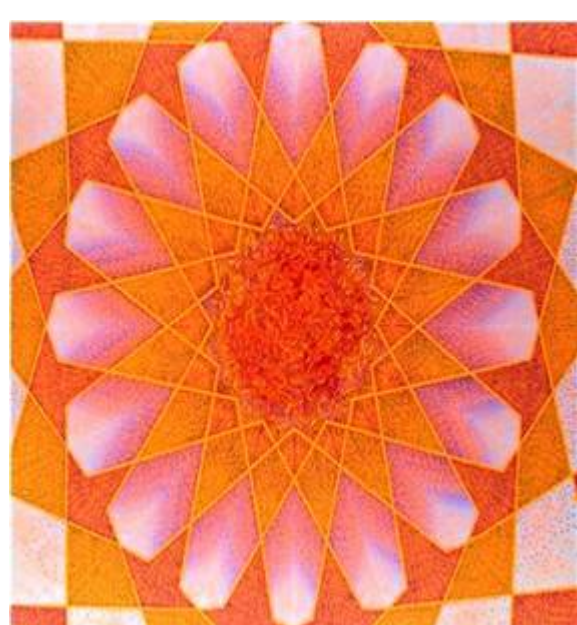
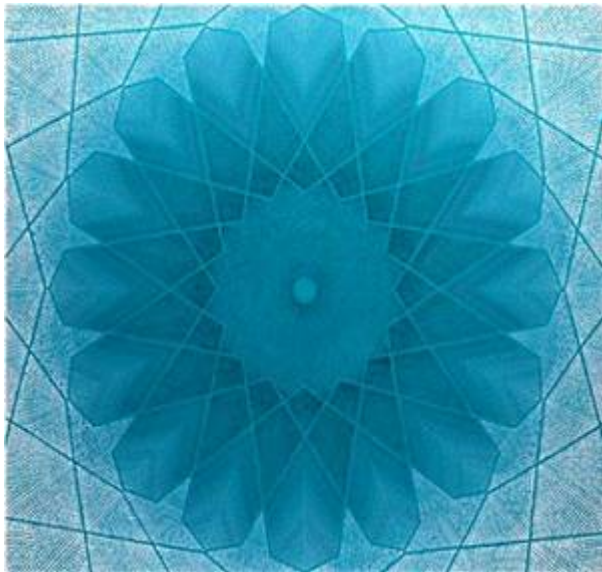
نمایشگاه گروهی، «نسخه‌های محدود - ۱»، پروژه‌های 009821، تهران 1398

نمایشگاه انفرادی، «نمایشگاه نقاشی»، گالری اثر، تهران 1398

آرت فر، تیر آرت، نمایش داده شده توسط گالری اثر، تهران 1399







شروین شماس



زاده

۱۳۵۷ تهران، ایران

سبک

تلفیقی نگارگری و هنر مدرن

وبگاه

<http://sherwin-shammas.ir/>

شروین شماس هنرمند تجسمی و مدرس هنر. متولد ۱۳۵۷ در تهران.

آثار وی تلفیقی از هنر نگارگری سنتی ایرانی و هنر مدرن می‌باشد. نمایشی از حفظ تفکر و زیبایی فرهنگ سنتی ایرانی در زندگی مدرن.

تحصیلات

- کارشناسی نقاشی از دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ۱۳۸۶
- کارشناسی مهندسی مکانیک از دانشگاه یزد ۱۳۸۰

رویدادها

- ۱۳۹۷- اثر منتخب برای نمایشگاه آثار زنان ۲۰۱۹-ایلینوی-ایالات متحده آمریکا
- ۱۳۹۷- اثر منتخب برای نمایشگاه 1010x فدراسیون هنرمندان کانادایی و نکور-کانادا
- ۱۳۹۷- اثر منتخب برای آرت پرایز-میشیگان-ایالات متحده آمریکا
- ۱۳۹۷- اثر منتخب برای نمایشگاه بین‌المللی سالانه فدراسیون هنرمندان کانادایی-ونکوور-کانادا
- ۱۳۹۷- اثر منتخب برای نمایشگاه هنری با عنوان گیاهان-گالری هنر معاصر آنالین-ایالات متحده آمریکا
- ۱۳۹۶- اثر منتخب برای یورو اکسپو آرت فورلی-ایتالیا
- ۱۳۹۷- اثر منتخب برای مرحله نهایی و و آرت (من زن هستم) -گالری هامون ساری
- ۱۳۹۷- اثر منتخب برای نمایشگاه و و آرت (من زن هستم)

۱۳۹۷- اثر منتخب برای نمایشگاه طبیعت، گلها، اقیانوسها-روز جهانی محیط زیست

۱۳۸۸- اثر منتخب برای دومین فروش بزرگسال هفت نگاه

۱۳۸۲- اثر منتخب برای جشنواره هنر جوان

نمایشگاه‌ها

۱۳۹۷-نمایشگاه گروهی -گالری سوترا-کوالالامپور-مالزی

۱۳۹۷-نمایشگاه گروهی نیدرا آرت-گالری ایدیل- استانبول-ترکیه

۱۳۹۷-نمایشگاه گروهی نیدرا آرت-گالری لیندا فارل-پاریس-فرانسه

۱۳۹۶-نمایشگاه گروهی هنرمندان معاصر گالری بین‌المللی احسان

۱۳۹۶-نمایشگاه گروهی هنرمندان معاصر فرهنگستان هنر

۱۳۹۶-نمایشگاه گروهی گالری مه و ماهی

۱۳۹۶-نمایشگاه گروهی هنرمندان گالری رنسانس باکو-آذربایجان

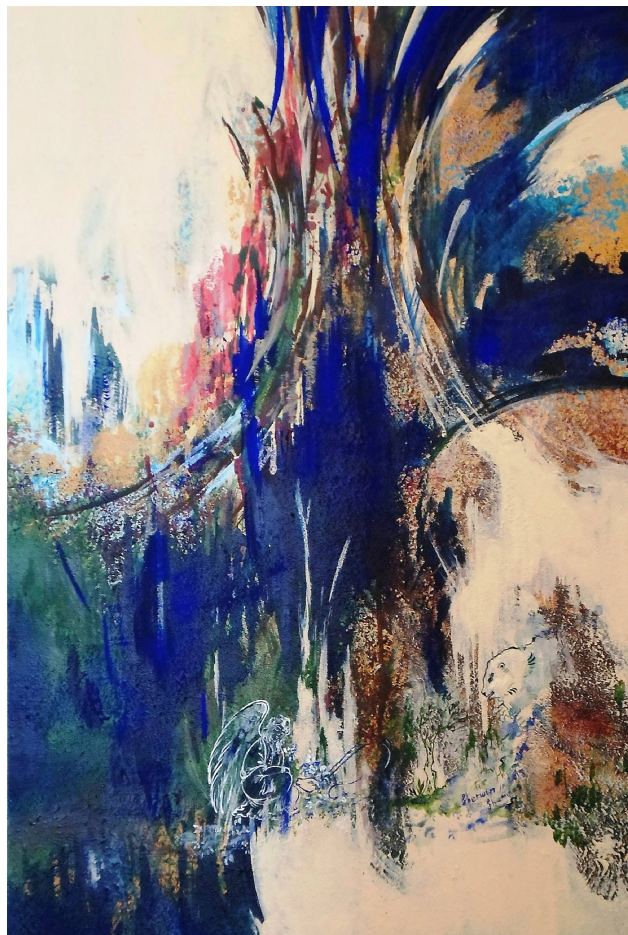
۱۳۹۶-نمایشگاه گروهی هنرمندان معاصر گالری آیریک

۱۳۹۴-نمایشگاه نقاشی انفرادی فرهنگسرای ابن سینا

۱۳۹۳-نمایشگاه نقاشی انفرادی گالری مجد

۹۲ و ۹۱ و ۱۳۹۰-نمایشگاه نقاشی انفرادی کارگاه گالری شخصی نقاش

۱۳۸۲-نمایشگاه گروهی نگارگری سپینود گالری درسا







شکوه ریاضی



زاده ۱۳۰۰ تهران

درگذشت ۱۸ تیر ۱۳۴۱

علت درگذشت بیماری سرطان

شناخته شده برای از پیشگامان هنر و نقاشی مدرن در ایران

شکوه ریاضی، (زاده ۱۳۰۰ خورشیدی - درگذشته ۱۸ تیر ۱۳۴۱) از پیشگامان هنر و نقاشی مدرن در ایران بود. وی نوگراترین زن نقاش ایرانی بود. او به عنوان یکی از بهترین مدرسان هنرستان عالی هنرستان تزئینی و منتقدان نقاشی سنتی راهگشای بسیاری از شاگردان و هنرجویان خود بود، شاگردانی که امروز جزو مطرح ترین هنرمندان نقاشی معاصر ایران به شمار می آیند.

زندگی نامه

شکوه الملوک ریاضی در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در تهران در یک خانواده فرهنگی-نظامی به دنیا آمد. والدین وی **بتول دولتشاهی** دختر شاهزاده **بدیع الملک میرزا عمادالدوله**، و **سرلشکر علی ریاضی** بودند او تا چهارده سالگی به خاطر شغل پدرش، **سرلشکر ریاضی** در **پاریس** زندگی کرد و بعد از قطع روابط ایران و فرانسه و بازگشت خانواده اش به ایران ساکن **شیراز** شد و خود را برای ورود به دانشکده پزشکی آماده کرد، اما بعد از چند سال این رشته را نیمه تمام رها کرد.

شکوه ریاضی جزو اولین شاگردان هنرکده هنرهای زیبا، در سال ۱۳۲۵ از این هنرکده فارغ التحصیل شد و برای اتمام تحصیلات خود دوباره به پاریس بازگشت. پدر وی در فروردین ۱۳۲۶ درگذشت. شکوه در سال ۱۳۳۳ (۱۹۵۵) توانست از «مدرسه بوزار» با کسب رتبه عالی و مدال طلا دانشنامه بگیرد. او پس از آن بیشتر از هر چیز خود را وقف تدریس و آموختن به شاگردانش کرد، نحوه تدریس و شیوه نگاه کردن به جهان پیرامونش مشخصه اصلی کارهای اوست.

وی بعد از فارغ التحصیل شدن از هنرکده هنرهای زیبا دوباره به فرانسه رفت و در بوزار زیر نظر آندره لوت تعلیم دید و در سال ۱۳۳۶ دوباره به ایران بازگشت و به مدت دو سال در هنرستان عالی هنرهای تزئینی به تدریس پرداخت. " شکوه ریاضی بر اثر بیماری سرطان در روز دوشنبه ۱۸ تیر ۱۳۴۱ در سن ۴۱ سالگی درگذشت.

شاگردان

از جمله شاگردان شکوه ریاضی، می‌توان آقایان حسین زنده‌رودی، فرامرز پیلارام و مسعود عربشاهی را نام برد.

تحصیلات

- تحصیل نیمه کاره پزشکی
- دانش‌آموخته دانشکده هنرهای زیبای تهران ۱۳۲۵
- دانش‌آموخته از بوزار فرانسه با رتبه عالی و مدال طلا ۱۹۵۵

آثار

از شکوه ریاضی تعداد محدودی پرتره، مجسمه، نقاشی منظره با رنگ و طراحی‌های با مرکب و زغال به جا مانده است که بیشتر آن‌ها در خانه دوستان و اقوام او در پاریس هستند. یکی از معروف ترین کارهای که از او به جامانده «پرتره صادق هدایت» است که با خطوط خیلی نرم، دلپذیر و روشن کشیده است.

عکس‌های بجا مانده از وی همه در میان دانشجویان و نقاشانی است که گرد او را گرفته‌اند و از نظریات استاد خود بهره می‌برند. کمتر کسی چون او توانست بر ذهن هنرمندان نوگرای معاصر، از جنبه معلمی، تأثیری اینچنین عمیق بر جا نهد

او، اولین زنی است که در نقاشی نوین ایران نقشی چون نقش کمال‌الملک - برای نقاشان سنت‌گرا - را دارا بوده است. همچون کمال‌الملک (محمد غفاری) تمایلات انسان‌گرایانه و منش‌های بارز اخلاقی داشت، و دقیقاً به مخالفت با ذهنیت کمال‌الملکی در هنر، نوع دیگری از نقاشی را در این سرزمین معمول کرد. او و مادام آشوب، در دهه ۳۰، تنها معلمینی بودند که در آموزش هنر رویکردی غرب‌شناسانه داشتند. در شرایطی که سفارتخانه‌ها در تهران از پی یک اندیشه اقتصادی-سیاسی پُر از مستشرقین شده بود و همگی پیگیر کوزه‌ها و کاسه‌های تپه مارلیک و شیفته جام حسنلو بودند؛ این دو معلم سر کلاس‌های درس از عجیب‌نگاری‌های واسیلی کاندینسکی و کودک‌نگاری‌های پُل کِلِه می‌گفتند.

هرچند نقاشی نخستین هنر اروپایی است که در ایران زمان شاه‌طهماسب صفوی- تقلید شد، اما واقعیت این است که ذهنیت سنتی و، مهم‌تر از آن، در اختیار بودن نقاشان به دربار و پادشاهان؛ اجازه تکامل طبیعی، از جنبه سیر تکمیلی آن در غرب، را در ایران ممکن نکرد. پادشاهان خوش داشتند صورت خود و جمال و کمال کاخ‌ها را در نقاشی به رخ بکشند؛ و در چهره و کمالات پادشاهی چیزی جز سنت هزارس اله دیده نمی‌شد. اولین تلنگر به ذهن پادشاهان جهت در اختیار گرفتن نقاشان به جای کاتبان از دوره صفویه شروع شد. در همین دوره است که برای ارتباط گرفتن با کشورهای دیگر، زبان مشترک از کتابت به نقاشی تبدیل می‌شود. پادشاهان غرب تصاویری از خود و کاخ‌های سلطنتی، به رسم هدیه توسط سفیران و مسافران برای پادشاهان ایران می‌فرستند و همین نقاشی‌هاست که یک نوع شیفتگی جهت تصویرگری در ذهن اینان به وجود آورد.

تا دوره رضاشاه نیز، علی‌رغم این که صنعت عکاسی ذائقه نارسایسیسم حکومتیان را ارضا می‌کرد، نقاشی مختص به دربار بود؛ و درباریان هنوز از همان جواهرات و همان تخت‌وتاج قدیمی استفاده می‌کرده‌اند. کمال‌الملک از مهمترین و، در حقیقت، آخرین فرد از این دسته نقاشان بود که با ایجاد یک مدرسه نقاشی (تنها مدرسه هنری موجود) با حمایت دولت بر همه نقاشان نسل بعد- که به اجبار و به واسطه دانش‌آموزی در مدرسه او شاگرد وی تلقی می‌شدند- تأثیر گذاشته بود. در نتیجه، تا پیش از آن که مادام آشوب و دیگر تحصیل‌کردگان مدرسه بوزار پاریس به ایران دعوت شوند، ذهنیت کمال‌الملکی معمول هنر نقاشی بود. آثار نقاشان جنبش مدرنیسم در جهان، اول بار توسط این دو معلم به دانشجویان ایرانی نشان داده شد.

شکوه ریاضی تمایلی به هنر نداشت. از کودکی در مهمترین تنفس‌گاه هنر مدرن (پاریس) زندگی کرده بود؛ چون استادان قدیم، غیر دسترس نبود. نگاه تفاخرآمیز نمی‌کرد. دستور نمی‌داد. به اجبار یک تابلو را نشان نمی‌کرد تا هنرجویان همه از روی آن کپی کنند. با هنرجو مشورت می‌کرد. از او حرف می‌گرفت. به او حرف می‌داد. این خصوصیات معلمی؛ به اضافه خصوصیات اخلاقی‌اش از او تندیسی ساخته بود که شیفتگی می‌آورد.

کم حرف می‌زد. تنها بود. کسی او را با کسی نمی‌دید، اما همیشه در جمع دیده می‌شد. عکس‌های بجا مانده از وی همه در میان دانشجویان و نقاشانی است که گرد او را گرفته‌اند و از نظریات استاد خود بهره می‌برند. اخم می‌کرد، اما خنده هم داشت. به شدت مقررات را رعایت می‌کرد، و این میراث پدرش بود. اما مقرراتی نبود. خوش داشت تنها باشد. سر کلاس بغض هم داشت. این اواخر که داشت می‌مرد، می‌دانست. سرطان را به او گفته بودند. یک جا ساکن نبود. کارهای خود را نکرد تا دیگران که راه را نمی‌دانستند، کارهایشان را به سرانجامی برسانند. جدیدترین حرف‌ها را از دهان او می‌شنیدند. جدیدترین آثار نقاشان را در دستان او می‌دیدند. گویی که همه جهان را دیده بود و هنر جدید دنیا را می‌خواست به اینجاییان نشان دهد. از کودکی به واسطه شغل پدر در سفر بود.

شکوه با دو فرهنگ ایرانی و فرانسوی رشد می‌کند. پس از قطع رابطه ایران و فرانسه، او چهارده‌ساله است که پدرش را از پاریس به تهران احضار و از وی خلع درجه می‌کنند. تلاطم‌های زندگی سیاسی پدر در روحیه نوجوان او تأثیر خود را می‌گذارد. مدتی عملاً پدر را بیکار نگه می‌دارند. بعد او را به وزارت فرهنگ منتقل می‌کنند. در همین وزارت‌خانه است که موزه پارس در شیراز را تأسیس می‌کند. یک سال بعد او را به شیراز می‌فرستند و رئیس فرهنگ فارس می‌شود. در همین سال آرامگاه حافظ را مرمت می‌کند. زندگی در شیراز برای دختر پانزده‌ساله‌ای که سال‌ها در پاریس درس می‌خواند، دشوار است. پدر بارها از دولت می‌خواهد تا او را به پایتخت منتقل کنند. در هجده‌سالگی شکوه، تیمسار ریاضی با ارتقا به درجه سرتیپی به ارتش بازگشت و رئیس اداره مهندسی در تهران شد. شکوه مدتی درس طب خواند، اما نیمه‌کاره رها کرد و وارد دانشکده هنرهای زیبا شد.

علاقه او به هنر نوین و تب رفتن به مدرسه بوزار پاریس- که در این دهه آرزوی پسران و دختران تهرانی است- گریبان او را نیز می‌گیرد. در 1325، که فارغ‌التحصیل هنرهای زیبا شد، برای تکمیل تحصیلات به فرانسه می‌رود. یک سال بیشتر از زندگی او در پاریس نمی‌گذرد که پدرش در فروردین 1326 می‌میرد. شکوه تا 1955 (1333) در بوزار درس می‌خواند و در همین سال با رتبه عالی و یک مدال طلا دانشنامه می‌گیرد و به ایران باز می‌گردد. دهه 30 در ایران، هنر به طور کلی از ذهنیت اجدادی خود جدا شده بود و اغلب دانشجویانی که محصل نقاشی بودند، به هنر مدرن غرب رویکرد داشتند. در نتیجه، حتی خانواده‌های اعیان پایتخت، که کودکان و نوجوانان خود را جهت تحصیل و یادگیری هنر می‌خواستند به جایی فرستادند، دیگر به مدرسه صنایع مستظرفه نمی‌فرستادند، بلکه استادانی می‌یافتند که تحصیلات خارجه داشتند و هنر نوین را می‌خواستند از طریق این کسان به فرزندان خود بیاموزانند.

شکوه ریاضی، دو سال در هنرستان عالی هنرهای تزئینی به تدریس طراحی- و نقاشی- می‌پردازد و در این دوره شاگردان ممتازی را تربیت می‌کند که بعدتر از سرآمدان هنر نقاشی نوگرا می‌شوند.

او شیوه آموزش هنر در دانشگاه را دگرگون کرد. لزوماً خود را مقید به درس‌آموزی از دروس پایه نمی‌کرد. اختیار می‌داد تا هنرجو هر طور که می‌پندارد بر بوم و کاغذ نقش بکشد. بر خلاف استادان دیگر بالای سر کار، ایراد نمی‌گرفت. ایرادات هنرآموزان را نوعی کار می‌دانست. هنرجو را مجبور به پیروی از يك سنت فکری خاص نمی‌کرد. خوش داشت تا جدا از آموزه‌های خود، هنرجو خلاقیت‌هایی بیشتر از آنچه می‌آموزد، نشان دهد. پیوسته بر این بود تا قیدوبندها را برای نقاشی پاره کند. می‌فهمید و می‌دانست و می‌خواست تا هنرجو از حقیقت معمول فرار کند؛ چون خوانده بود و نسل خود را در پاریس دیده بود که از فرط فرار از حقیقت، به افیون پناه آورده بودند. نسل بعد از جنگ جهانی دست به هر کاری می‌زد تا حقیقت، غیر واقعی گردد. او می‌دانست که حقیقت مستتر در مینیاتورهای ایرانی با واقعیت انسان امروز در تعارض است. پیوسته می‌گفت که هنرمند از زمانه خود جلوتر است.

منش‌های رفتاری او موج جدیدی از هنرجو به وجود می‌آورد که دیگر نه این که به پشت سر خود محترمانه نمی‌نگریستند، بلکه با نمایش آثاری بدیع و امروزمین به نوعی مجادله و مقابله با ذهنیت نقاشی سنتی می‌پرداختند. اندیشه نوخیز او بر کسانی تأثیر گذاشت که بعدتر آثارشان شروع آوانگاردیسم در هنر این مملکت تلقی شد.

طلیعه کامران - از آوانگاردهای دهه 40 که شاگرد وی بوده است - در مصاحبه‌ای می‌گوید، شیوه کلاسیک را به سفارش استاد خود- شکوه ریاضی- کنار گذاشته است. به همین علت می‌گوید، ”سوژه به آن صورت که عده‌ای فکر می‌کنند، لااقل از نظر من در نقاشی مطرح نیست، و بیشتر به کمپوزیسیون و هماهنگی رنگ‌ها فکر می‌کنم“، و این از آموزه‌های شکوه ریاضی است. حسین زندمرودی- پیشگام دیگری از هنر نوگرایی- یادگیری اصول نقاشی خود را وامدار ریاضی می‌داند.

از او چند طرح، چند تابلو نقاشی و چند مجسمه بر جا مانده است. لازم به یادآوری است که قسمت اعظم آثار او آزمایشی‌اند؛ یعنی بیشتر برای آموزش به هنرجویان کشیده شده‌اند. در نتیجه، طرح‌های بجا مانده از او با مداد، مداد رنگی، مداد رنگی بومی، مداد زغالی و مداد شمعی اتود زده شده است.

در طرح‌های زغالی نوعی فضا سازی را با ایجاد خطوط نشان می‌دهد. در عین حال، از فن مدادسایبی استفاده می‌کند؛ یعنی جدا از خط به نوعی از رنگ و حجم خود خط استفاده ابزاری را مورد نظر دارد.

دو نوع خط در طرح‌های او دیده می‌شود. يك نوع خط درشت که وجه ستونی (طولی) آنها مد نظر است و بیشتر چارچوب طرح را به وجود می‌آورد. در این نوع خط به ندرت انحنا دیده می‌شود. حتا انحناي فك و حالت چهره (فیس) نیز، مجموع خط‌هایی است که آن قدر کشیده و روی هم رفته تا فرم چانه را به وجود آورده است. در این نوع طرح‌ها او بیشتر تمایل دارد تا به هنرجو نشان دهد: این خطوط هستند که اندام را می‌سازند، نه رنگ‌ها و درون‌مایه مُدل. در حقیقت، او بر وجه خط برای طراحی تأکید دارد. به همین علت انواع مختلفی از خط را می‌سازد. در طرح‌های او خط ملیح، خط کتبی‌ای، خط سایه، خط دورگیر و حتا خط تحریری دیده می‌شود، و این نشان می‌دهد که او همه چیز را در خط می‌بیند. حتا بعدتر در آثار نقاشی خود نیز نشان می‌دهد که يك نقاش بیشتر از این که باید نقاشی کند، باید طراح باشد. در طرح‌های با خط ملیح و نازك‌کاری؛ از انحناهای ماتیس‌وار استفاده می‌کند.

ماتیس نیز با خطوط به رؤیت لخت فیگور به جای هرزه‌نگاری، جانی خداگونه می‌دهد. این تمایل در شکوه ریاضی به نقاشی که می‌رسد، طبیعتاً شیفته مودیلیانی می‌گردد. خود او بارها در سر کلاس‌ها و در آتلیه، بر هنه نشسته از مودیلیانی را نشان می‌داد و تأثیر طراحی بر نقاشی را گوشزد می‌کرد. تمام این اثر مشخصه‌هایی خطگونه و طراحی‌وار دارد. او از طریق این اثر می‌آموخت که خط مهم‌تر از

رنگ، نقاشی را به جلوه می‌آورد. از پی همین مهم اشاره به نفس‌کشی در بوم داشت؛ یعنی نمی‌گذاشت بوم با رنگ خفه شود و بار رنگ‌ها را بر خطوط استوار می‌کرد. در نتیجه، حتا در آسترزنی‌های تابلوهای نقاشی او با چپ و راست زدن فرچه و قلممو از سطح تابلو، جدا از رنگ، نوعی خط نیز به وجود می‌آورد. در هیچ يك از نقاشی‌های او رنگ پایه، خام ریخته نشده، بلکه با قلممو، خط‌خطی شده است.

شکوه ریاضی با نشان دادن تصویر مادام سونیا از مودیلیانی اشاره می‌کرد، مهم نیست سرشانه‌ها همانی باشد که در مدل دیده می‌شود. گردن‌های باریک و دراز و دست‌های کلفت این تابلو را نشان می‌داد و می‌گفت، خارج شدن از نمونه عادی- کوچک‌تر یا بزرگ‌تر کردن آن- از حقیقت مدل، حقیقتی دیگر می‌سازد! در اینجا است که دیگر حقیقت همانی نیست که در بیرون از تابلو دیده می‌شود، بلکه حقیقت همانی است که مودیلیانی در تابلو به وجود آورده است. جالب این که او به شاگردان تأکید می‌کرد، گرفتار پرسپکتیو نشوند. خوش داشت تا هر چه در پس تابلو می‌بایست باشد، در يك فضای فلوگونه ترسیم شود. او در آثار خود نیز این ذهنیت مودیلیانی را به اجرا درآورد؛ چون در آثار مودیلیانی ”دراز کردن سروگردن و كوچك کردن چشم و ساده کردن طرح صورت و سادگی رنگ و ”پرهیز از پرسپکتیو و سایه روشن، نکاتی است که آثار او را ممتاز می‌کند و صورتی نو می‌بخشد.

شکوه ریاضی به این خاطر شیفته مودیلیانی بود که او در درجه اول، پیش از آن که نقاشی قابل باشد، طراحی بی‌نظیر بود. خود نیز بر این اعتقاد بود که برای نقاش شدن باید طراح بود. در هیچ کدام از پرتله‌های بجا مانده از وی چشم همانی نیست که در بیرون تصور می‌شود. در معروف‌ترین پرتله کشیده شده به دست او، ظاهراً پس از به اتمام رساندن کار، با فشار قلممو یکی از چشم‌ها را پخش و پُر کرده است. آنچنان که در لحظه دیدن، يك چشم خط سیاه و باریکی است که چشم را تداعی می‌کند و چشم دیگر همان خط سیاه و باریک به صورت فرچه‌ای با قلممو پخش شده است. در تابلوی دیگری از او گوش يك لکه سیاه است که به فیگور اضافه شده و دقیقاً و به عمد نشان داده که پس از کشیدن فیگور با چند خط، گوش درست شده است. شکوه ریاضی در اغلب کارهای خود تعمد داشت تا ظریف‌کاری از بین برود.

شکوه علاقه داشت تا با خطوط پیگیر و بی‌واسطه عقل، اثری به وجود بیاورد که لزوماً عقلانی نباشد. او برای ساختن پس‌زمینه تابلو به شدت قلممو را فشار می‌داده و از چپ به راست و از بالا به پایین و بر عکس- رنگ را به تابلو می‌چسبانیده است. حتا به عنصر رنگ نیز در کار، بی‌اعتقاد بود. پیوسته به شوق می‌گفت که رنگ در کار مودیلیانی در خدمت خط است و این بدین معنی است که او از رنگ برای گویا کردن خطوط افقی و عمودی و گاهی منحنی استفاده می‌کرده است. حسین زنده‌رودی، که شاگرد شکوه ریاضی در هنرستان هنرهای زیبای پسران بوده است، به خاطر می‌آورد: ”خانم شکوه ریاضی آثار مودیلیانی را می‌ستود و هر گاه هنرجویان فیگورهایی با گردن‌های افراشته می‌ساختند، به ”آنان نمره‌های بهتری می‌داد

در طرح مرکب‌هایی که از او بجا مانده لکه‌های ابری با خط‌های مرکبی نوعی سکون و سکوت را تداعی می‌کند. او مرکب را نیز جهت استفاده از خطوطش به کار می‌برده است. چند نقاشی از او نیز روی تخته‌های فیبری دیده می‌شود که به مرور زمان پوسته انداختن رنگ بر فیبر فضای تازه‌ای در پس‌زمینه فیگور به وجود آورده است. او در تلاش بوده تا همچون مودیلیانی، که خط را به موسیقی نزدیک کرده است، نقاشی را به شعر پیوند دهد. در آثار بجا مانده از او يك نوع بی‌پندوباری و بی‌قیدی شاعرانه به وضوح دیده می‌شود. شاعران زمانه او، علی‌رغم تعهد در ارکان عروضی و اخلاقیات کهن‌الگویی، فضاهایی از زندگی بیرون را در شعر می‌ساختند- که هر چند نوعی رمانتیسیم عوامانه را تبلیغ یا توجیه می‌کرد- اما آن تصاویر همانی نبود که در زندگی روزمره دیده می‌شد. در نتیجه، شاعر، نقش پیام‌آوری را بازی می‌کرد که هر آنچه نسل فریب‌خورده و توسری‌خورده بعد از جنگ جهانی نداشت، به او نشان می‌داد. در حقیقت، در خیال، به او می‌داد

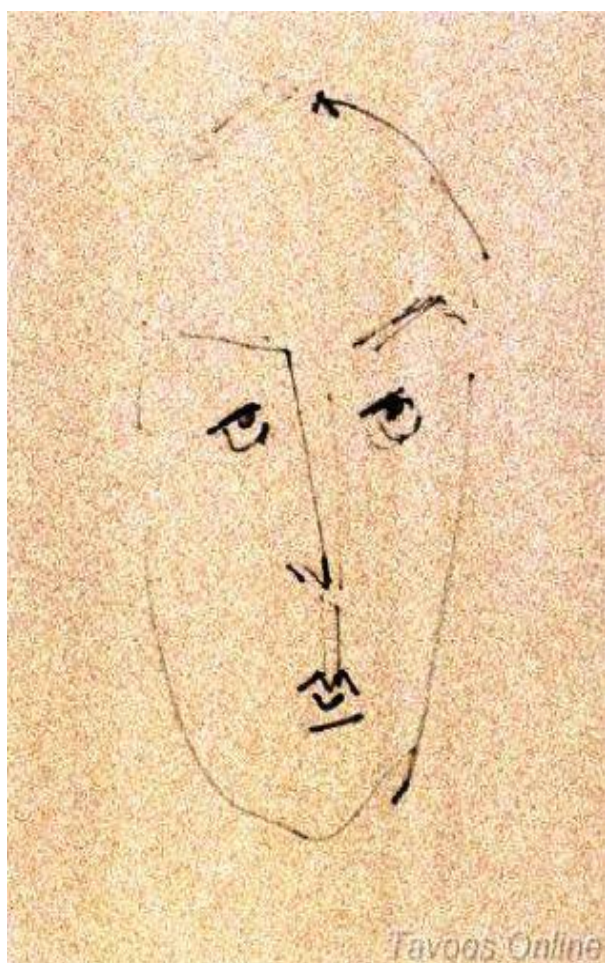
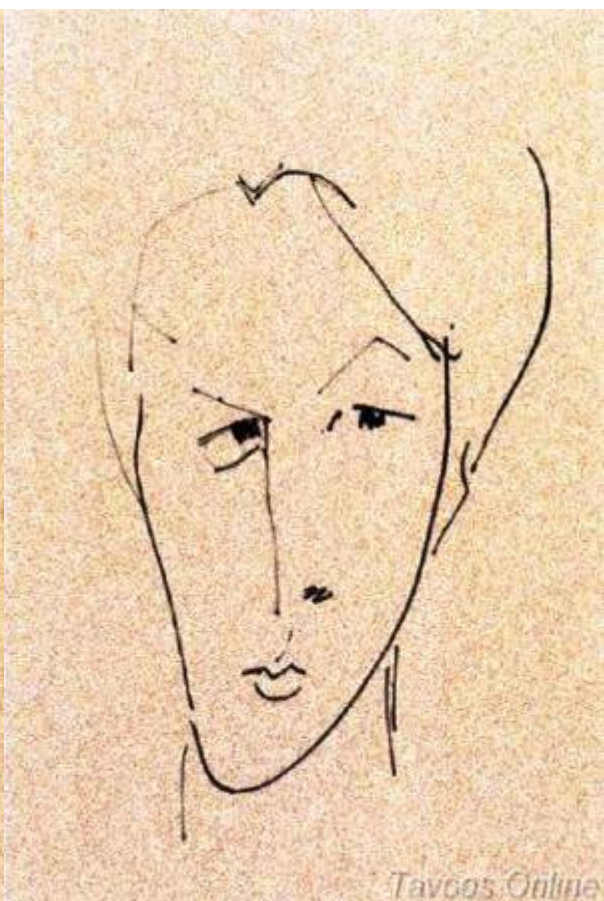
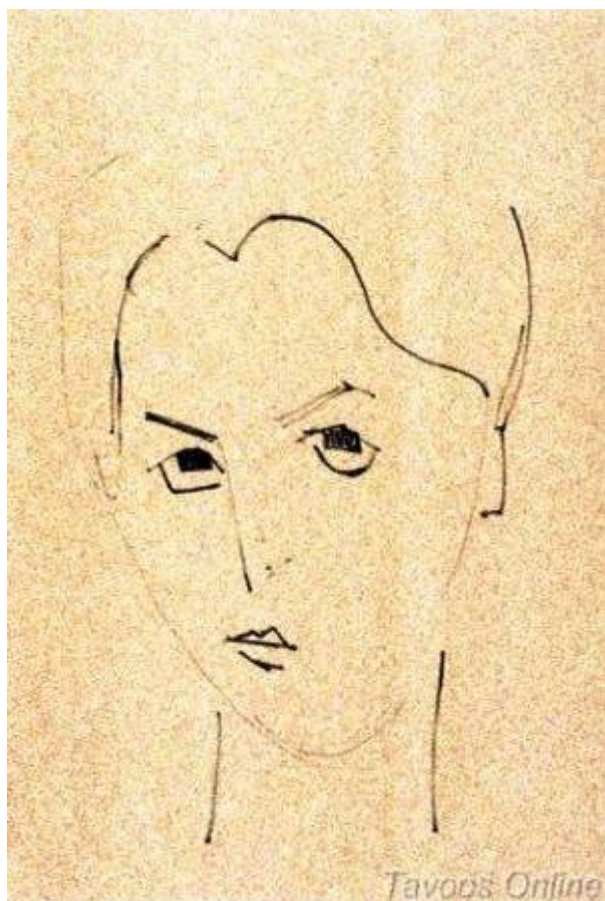
شکوه ریاضی، مهم‌ترین معلم نقاشی مدرن و یکی از مثبت‌ترین مخالفان ذهنیت نقاشی کمال‌الملکی در این مملکت، خون دل خورد تا ذهنیتی تازه اما سالم را بیاموزاند. همه وقت خود را در آتلیه و در سر کلاس درس دانشکده محدود کرد. همچون پدر خود، که می‌خواست برای ایران و ایرانی قدمی پیش ببرد، سرخورده، قدم واپس کشید. ناشاد زندگی کرد. همچون دیگر هنرمندان هم‌عصر خود در جهان، کمتر به زنده بودن درك شد. هیچ گاه سیلی و قندره‌ای که رضاشاه به صورت و پشت پدرش زد، فراموش نکرد. دانست که در اینجا يك ذهنیت ایلیاتی و اخلاق ددمنشانه بیمارگونه، همه چیز را از مغز تهی کرده است. خواست تا مغز را نشان دهد.

از او جز چند طرح، چند اتود، چند نقاشی، یکی دو مجسمه آموزشی و يك نام نيك در هنر ایران، هیچ دیگر نماند.









شهلا اربابی



زاده

۱۳۲۳ خورشیدی شیراز

محل تحصیل

دانشگاه تهران دانشگاه واشینگتن

پیشه

نقاشی

سال‌های فعالیت

۱۳۴۴ تا کنون

وبگاه

www.shahla-arbabi.com

شهلا اربابی (زاده ۱۳۲۳، شیراز) نقاش اهل ایران است.

زندگی‌نامه

شهلا اربابی در سال ۱۳۲۳ در شیراز در خانواده‌ای اهل هنر متولد شد و در سن ۹ سالگی نقاشی را آغاز نمود. او از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۴ در مدرسه هنرهای زیبا در تهران به تحصیل پرداخت سپس به رم رفت و به مدت چهار سال در رشته هنرهای زیبا ادامه تحصیل داد.

اربابی در اواخر دهه ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰ مدرس دانشگاه تهران شد، سپس به ایالات متحده مهاجرت کرد و در سال ۱۳۵۸ در رشته نقاشی و در سال ۱۳۶۱ در رشته حکاک از دانشگاه واشینگتن فارغ‌التحصیل شد.

نمایشگاه‌های بسیاری از آثار وی در اروپا و آمریکا برگزار شده‌است؛ و آثارش همواره مورد قدر دانی واقع شده‌است. آثار او موضوع مطالعه مقالات بسیاری در مورد نقاشی معاصر بوده‌است و برخی از آثارش به‌طور دائم در واشینگتن نگهداری می‌شود.

تحصیلات

فارغ التحصیل رشته هنرهای زیبا از رم، رشته های نقاشی و حکاک از دانشگاه واشینگتن

فعالیت‌های هنری

مدرس دانشگاه هنر دانشگاه تهران

نمایشگاه‌های انفرادی

- منطقه پرواز"، بنیاد استراتمور هال، راکویل پایک، بتستا، مرلند، آمریکا" 1391
- منطقه پرواز"، گالری هنری دانشگاه مرلند، کالج پارک، مرلند" 1391
- گالری 101 دانشگاه جرج تاون، دیپارتمان هنر، موسیقی و تئاتر، واشینگتن 1384
- پروژه های هنری مکالین، ویرجینیا 1382
- گالری آرتمیسیا، پاریس، فرانسه 1382
- روابط فرهنگی بین المللی، هنردوستان و حفظ هنر در سفارتخانه ها، واشینگتن 1378
- آکادمی ملی علوم، واشینگتن (دونفره 1377
- کالج هنر و طراحی مرلند، گالری گادلوسکی، مرلند 1375
- گالری بری، دانشگاه مری ماونت، آرلینگتون، ویرجینیا 1373
- گالری رابرت براون، واشینگتن 1373
- آستانه ها" با نمایش گردانی آنجلا آدامز، مرکز هنر الیپس، آرلینگتون، ویرجینیا" 1372
- هنرهای معاصر رابرت براون، واشینگتن 1370
- شهلا اربابی، "صداها باستانی"، سازه در کورت هاوس پلیس با همکاری مرکز هنرهای 1370
- آرلینگتون، آرلینگتون، ویرجینیا
- هنر معاصر رابرت براون، واشینگتن 1368
- مرکز هنرهای آرلینگتون، آرلینگتون، ویرجینیا 1368
- گالری نویل سارجنت، شیکاگو، الینوی 1368
- هنر معاصر رابرت براون، واشینگتن 1366
- گالری بوم گارتنر، واشینگتن 1362
- گالری فوندری، واشینگتن 1362
- دانشگاه جرج میسون، آرلینگتون، ویرجینیا 1362
- مرکز هنر آرلینگتون، آرلینگتون، ویرجینیا 1359
- والد هارکرادر و راس، واشینگتن 1359
- کتابخانه دانشگاه آمریکایی، واشینگتن 1357
- جامعه هنری صندوق بین المللی پول، واشینگتن 1356
- مرکز هنر آرلینگتون، آرلینگتون، ویرجینیا 1355
- گالری سیحون، تهران 1353
- گالری سیحون، تهران 1351
- گالری جیروکولو آرتیستیکو، ناپل، ایتالیا 1348
- گالری سیستین، رم 1348
- سی.آی.وی.آی.اس. رم 1347
- گالری "12"، رم 1346

نمایشگاههای گروهی

- بنیاد هنر و حفظ آن در سفارتخانه ها"، هنر آمریکایی، نمایندگی آمریکا در سازمان ملل، " 1390 نیویورک
- سال پس از 11 سپتامبر"، گالری پیکو ادیسون پلیس، واشینگتن 10 " 1390
- باز-بینی"، موزه دانشگاه آمریکایی کاتزن، واشینگتن" 1389
- کاتالیست"، موزه دانشگاه آمریکایی کاتزن، واشینگتن" 1389
- سولوهای زمستانی"، "امید و ترس"، مرکز هنر آرلینگتون، آرلینگتون، ویرجینیا" 1387
- همه در خانواده"، موزه دانشگاه آمریکایی کاتزن، واشینگتن" 1386
- امید و ترس"، مرکز هنر آرلینگتون، آرلینگتون، ویرجینیا" 1386

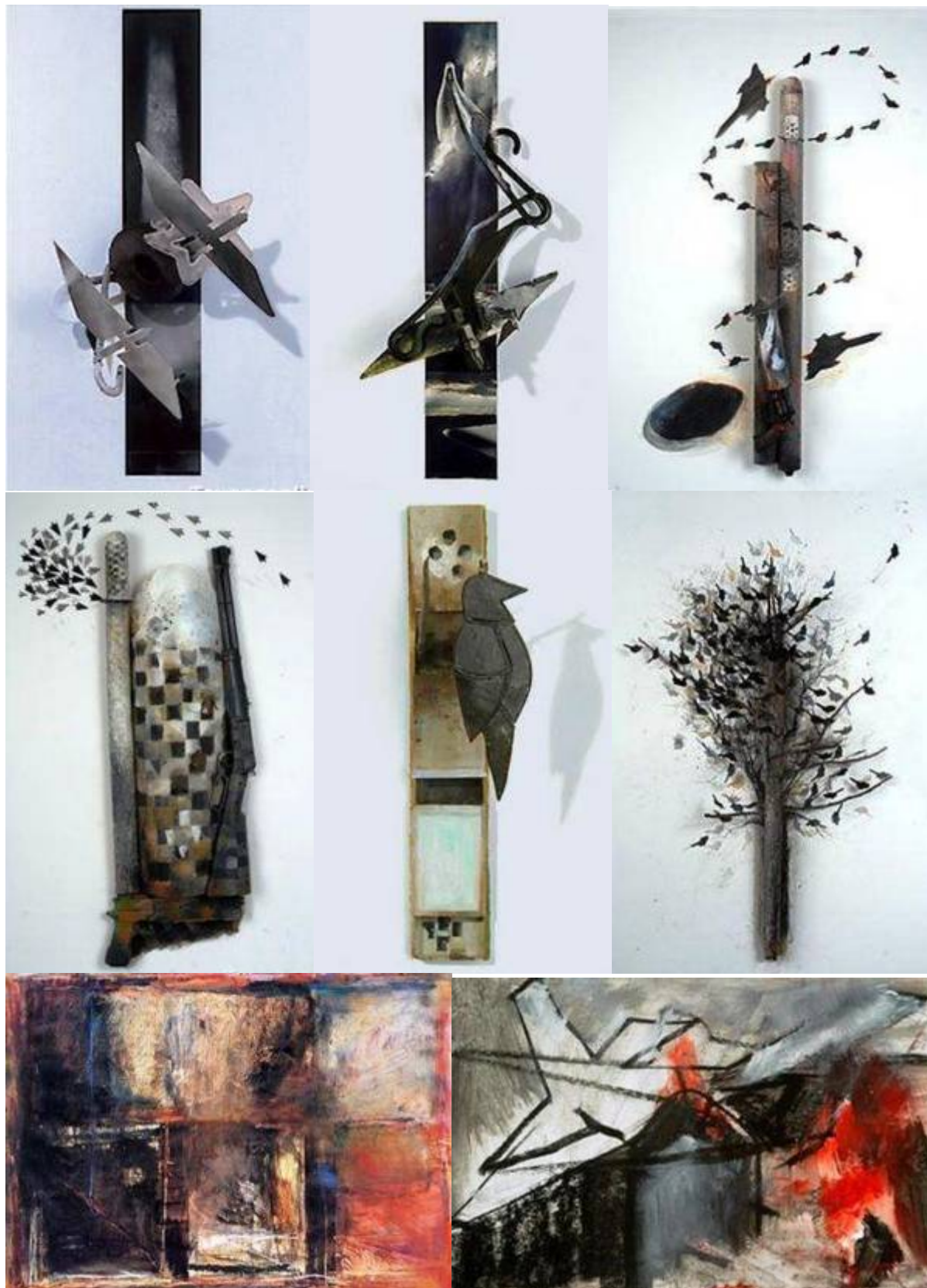
- بنیاد میر، واشنگتن 1386
- دجا وو"، مرکز هنر آرلینگتون، آرلینگتون، ویرجینیا" 1385
- فوتوجنسز"، پروژه هنرهای مک لین، مک لین، ویرجینیا" 1385
- دانشگاه مری ماونت، گالری بری، آرلینگتون، ویرجینیا 1381
- مجموعه فیلیپس، نمایشگاه یادبود جیمز مک لافلین، واشینگتن 1379
- لودویگ فوروم فور اینترناسیونال کونست، آلمان 1378
- مرکز هنر الیپس، آرلینگتون، ویرجینیا 1378
- جانوس 1"، مرکز هنر آرلینگتون، آرلینگتون، ویرجینیا" 1376
- گالری استون گری، سانفرانسیسکو، کالیفرنیا 1374
- آرت سایت سیکس، نمایشگاه چند مکانی به نمایشگاه‌گردانی جودیت فروست، مرکز هنرهای 1373
- گریتر رستون، رستون، ویرجینیا
- نمایشگاه تبادلات هنری واشینگتن-مسکو، کتابخانه کارنگی، واشینگتن 1370
- گروه تی.آر.وی اینتگریشن سیستم، با همکاری شورای هنری فیرفاکس، فیرفاکس، ویرجینیا 1370
- ضمیمه، "برخورد"، با نمایشگاه گردانی دیوید کارلسون، واشینگتن 1370
- گالری امرسن، پروژه هنرهای مک لین، مک لین، ویرجینیا 1369
- تبادلات هنری واشینگتن-مسکو، گالری دولتی ترتیاکوف، مسکو، روسیه 1369
- ملانکولیا"، به نمایشگاه گردانی آندریا پولن و جی. دبلیو. ماهونی، هنرهای زیبای دآندینو، " 1369
- واشینگتن
- نمایشگاه انتخابی اعضا مولتی مدیا، با داوری تد. اچ. پاتر، مرکز هنر معاصر جنوب شرقی، 1367
- وینستون، سالم، کارولینای شمالی
- مجموعه فیلیپس، با نمایشگاه گردانی ویلم دلوپر، گالری شیبی، نیویورک 1366
- نمایشگاه اعضای مرکز هنرهای آرلینگتون، با داوری ویلم دلوپر نمایشگاه گردان مجموع 1365
- فیلیپس، آرلینگتون، ویرجینیا
- روابط مبهم" تالار بنیاد استراتمور، با نمایشگاه گردانی دیوید تانوس، کنزینگتن، مرلند" 1365
- نمایشگاه رقابت سالیانه نقاشی، با داوری مارتین پوریر، مرکز هنرهای آرلینگتون، آرلینگتون، 1364
- ویرجینا
- بیان زمان ما"، موزه پاسیفیک آسیا، پاسادنا، کالیفرنیا" 1363
- گالری استایگر جونز، نیویورک 1363
- مرکز هنرهای موسوی، نمایشگاه بین‌المللی نقاشی، نیویورک 1363
- نمایشگاه رقابت سالیانه نقاشی، با داوری فردریک. آر. برانت، مرکز هنرهای آرلینگتون، 1362
- آرلینگتون، ویرجینا
- مجموعه فیلیپس/نمایشگاه کارکنان، واشینگتن 1362
- آرت بارن، واشینگتن 1362
- گالریهای بومگارتنر، واشینگتن 1362
- گالری خیابان دوم، دهمین نمایشگاه رقابتی آثار روی کاغذ، با نمایشگاه گردانی دیوید تانوس، 1361
- شارلوتزویل، ویرجینیا
- گالری واتکینز، دانشگاه آمریکایی، واشینگتن 1360
- گالری جک راسموسن، واشینگتن 1359
- گالری فوندری، واشینگتن 1357
- پروژه هنرهای واشینگتن، "دید چشم یک پرنده"، واشینگتن 1356
- پروژه هنرهای واشینگتن، "در شیشه‌ای: هنرمندان مهاجر واشینگتن"، واشینگتن 1355
- نمایشگاه بین‌المللی هنر، مرکز نمایشگاه‌های فرهنگی، تهران 1355
- گالری واتکینز، نامزد جایزه دیوید لرد کریگر، واشینگتن 1355

نمایشگاه آثار هنرمندان معاصر ایران با اسپونسری وزارت فرهنگ و هنر، اداره کل خلاقیت‌های ادبی و هنری، تهران

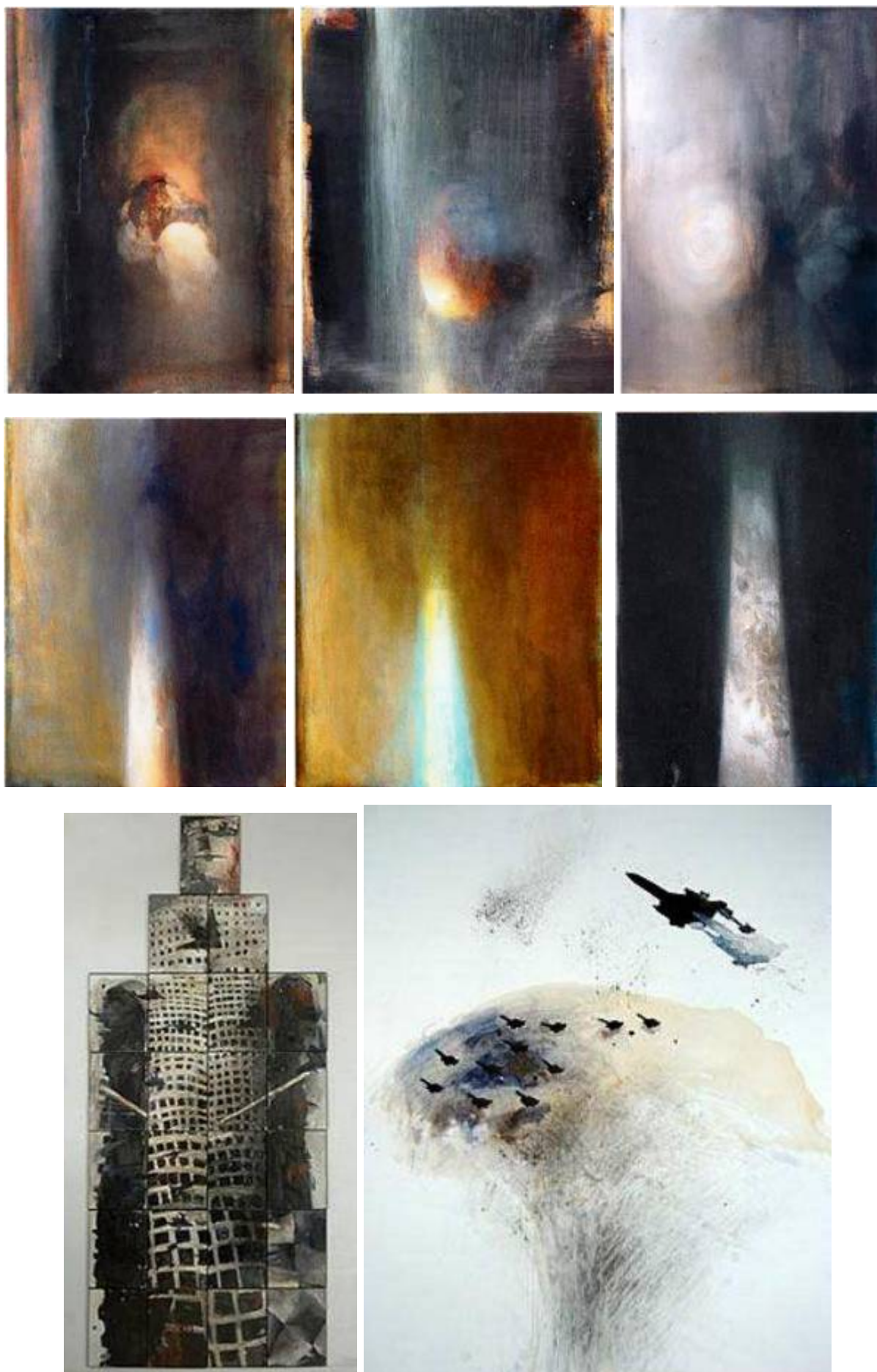
گالری سیستینا، رم، ایتالیا 1346

گالری ریچموند، لندن 1346

گالری هنر پالاسیو دل اسپرسیون، رم، ایتالیا 1344







شهلا حسینی



شهلا حسینی

متولد ۱۳۳۳، تهران، ایران

تحصیلات

کارشناسی هنرهای زیبا، دانشگاه تهران ۱۳۵۰

بیوگرافی

شهلا حسینی در خانواده‌ای فرهیخته بزرگ شد و تحصیلات رسمی-اش را با نام نویسی در هنرستان بهزاد آغاز کرد و بعد از آن وارد دانشکده-ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد. حسینی نخستین نمایشگاهش در قبل از انقلاب را در سال ۱۳۵۶ در گالری سیحون برگزار کرد. این نمایشگاه شامل پرتره-ها و منظره-هایی با تکنیک رنگ روغن بود. تقریباً ۱۰ سال بعد از این نمایشگاه در سال ۱۳۶۷ مجموعه کارهایی که در دوران انقلاب و جنگ ایران و عراق انجام داده بود را در گالری شیخ به نمایش گذاشت و سال بعد نیز گالری آریا با نمایش آثار آبرنگی او افتتاح شد. شهلا حسینی از آن زمان تا کنون به طور مستمر به خلق آثار هنری با مدیوم-های مختلف پرداخته و نمایشگاه-های متعددی از کارهایش را در داخل و خارج از ایران برگزار کرده است. آثار او در گنجینه-ی موزه-ی هنرهای معاصر تهران و بسیاری از مجموعه-های داخلی و خارجی نگهداری می-شوند.

نمایشگاه‌های انفرادی

گالری سیحون، تهران ۱۳۵۶

گالری گلستان، تهران ۱۳۷۸

گالری آو، تهران ۱۳۷۹

گالری آو، تهران ۱۳۸۰

گالری آو، تهران ۱۳۸۴

گالری آو، تهران ۱۳۸۵

گالری خاک، تهران ۱۳۸۷

گالری خاک، تهران ۱۳۸۹

نمایشگاه‌های گروهی

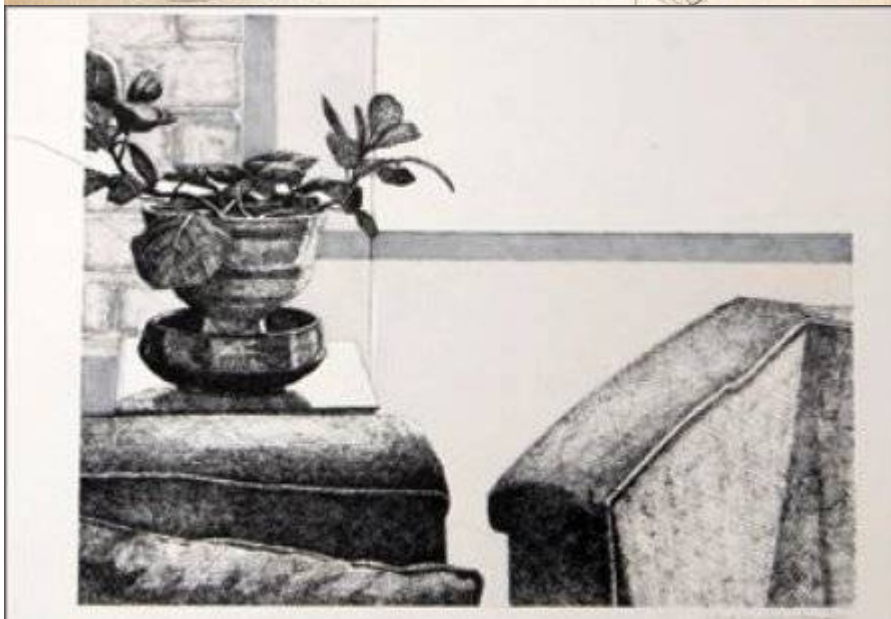
موزه‌ی هنرهای معاصر تهران ۱۳۷۸

نمایشگاه سالیانه‌ی خاک، گالری خاک، تهران ۱۳۹۳

اشارات، گالری امکان، تهران ۱۳۹۴







شهلا معززی



شهلا معززی (۱۰ آذر ۱۳۳۲ علی آباد کتول -) نقاش ایرانی است. معززی در فرانسه معماری خواند، سپس به نقاشی روی آورد و آثارش در نمایشگاه‌های گوناگونی در اروپا به نمایش درآمده است.

شهلا معززی در ۱۰ آذر ۱۳۳۲ در خانواده‌ای از زمین‌داران سرشناس علی‌آباد کتول به دنیا آمد و در دوران کودکی در علی‌آباد کتول زیست. سپس در ۱۳۵۰ برای تحصیل در رشته معماری به پاریس رفت. پس از آن به نقاشی روی آورد و آثارش در نمایشگاه‌های مهمی در فرانسه، بلژیک، اسپانیا، و دیگر کشورهای اروپا به نمایش درآمده است.

شهلا معززی معمار و نقاش معاصر با استعداد و نبوغ ذاتی خود تابلوهایی را خلق می‌کند که ماحصل شعر و رنگ هستند. استفاده از نمادهای خاص و اسطوره‌های شاهنامه از جمله ویژگی‌های آثار او به شمار می‌رود تا به هر بیننده‌ای بفهماند که این اثر به دستان یک هنرمند ایرانی خلق شده‌است.

نقاشی یکی از مهم‌ترین هنرهایی به شمار می‌رود که پیوسته در حال گسترش و تحول است. نقش ایران در شکوفا کردن هنر نقاشی در میان دیگر کشورها از همه بیشتر است به طوری که نقاشان ایرانی از هنر نقاشان دیگر تاثیر می‌پذیرفتند اما این تاثیرپذیری به صورت تقلید محض نبود، بلکه با بهره‌جویی از هنر آنان، آن را با ذوق و نبوغ خود درآمیختند و به صورت تازه‌ای عرضه کردند. به هر حال نقاشی ایرانی هنوز هم به عنوان یکی از بزرگترین سبک‌های نقاشی در جهان مطرح است. آسمان‌های آبی روشن، زیبایی شگفت‌انگیز شکوفه‌ها و گل‌ها بر روی درختان، طبیعت بکر و در میان آن تصاویر انسان‌هایی گوناگون، زشت و زیبا، خوب و بد بر بوم نقاشی هنرمندان ایرانی جلوه‌ای خاص یافته و برای ایرانیان در هر کجای جهان افتخار فراوان آفریده است. در میان هنرمندانی که در هنر نقاشی صاحب نام و سبک خاصی هستند، می‌توان به شهلا معززی اشاره کرد. او که معتقد است، نقاشی‌هایش ایرانی بودنش را فریاد می‌زنند.

سبک و شیوه آثار شهلا معززی

معززی درباره چگونگی تحصیلات خود می‌گوید: اصالتاً کتولی هستم. ۶ سال ابتدای عمرم را در علی‌آبادکتول بودم و چون این شهر در آن زمان، دبیرستان نداشت، به گرگان آمدم و دیپلم گرفتم. بعد هم برای ادامه تحصیل به فرانسه رفتم. سال ۱۳۵۰ بود و من هم ۱۸ ساله بودم. معماری را انتخاب کردم چون به هنر نزدیک بود. این که مستقیماً رشته نقاشی را ادامه ندادم، شاید به خاطر این بود که فکر می‌کردم این همه مشقت تحصیل برای رشته نقاشی ارزشش را ندارد و از طرف دیگر، نقاشی را آن طور که خودم در خودم رشد کنم، دوست داشتم. در شهر تولوز تا کارشناسی ارشد خواندم، برای ادامه تحصیل به پاریس رفتم و باگرایش معماری دکتری گرفتم.

شهلا معززی با پایان تحصیلات خود در ۱۳۵۰ خورشیدی به ایران بازگشت و در فاصله ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ خورشیدی در سازمان انرژی اتمی ایران به عنوان کارشناس انرژی‌های نو به فعالیت مشغول شد. او در همان سال‌ها چندین سخنرانی درباره معماری و انرژی‌های نو در مراکز علمی تهران داشت

معززی اوایل ۱۳۶۴ خورشیدی تصمیم می‌گیرد که دوباره نقاشی را آغاز کند و همین عاملی می‌شود تا یکسال بعد به فرانسه بازگردد و نقاشی را به صورت حرفه‌ای شروع کند. او در این باره می‌گوید: تاکنون از نقاشی جدا نشده‌ام. از آن زمان به نقاشی مشغولم و در کارگاهی که دارم با رنگ و نقش و نگار سرگرمم. من موضوعاتی مانند؛ طبیعت بی‌جان و غروب خورشید و... را دوست نداشتم و حس می‌کردم که این موارد یک نوع واقع‌گرایی است که عکاسی هم می‌تواند انجام دهد، از همان ابتدا برایم جذابیت نداشت و راستش کمی زده شدم

این نقاش برجسته در ابتدای شروع به کارش از رنگ روغن و آبرنگ استفاده می‌کرد اما در مقطعی تصمیم می‌گیرد تا روش خود را عوض کرده و از پاستل استفاده کند. یک نوع پاستل خشک که در تابلوهای او ثابت شده هستند. معززی درباره این نوع نقاشی بیان می‌کند: ۳۰ سال است با پاستل کار می‌کنم. من و پاستل، عاشق و معشوقیم و فکر می‌کنم هنرمند باید به کارش و حتی ابزار کارش عشق بورزد. در واقع پاستل یک نوع ابزاری در نقاشی است که روی تابلو تبدیل به خاک‌های رنگی زیبا می‌شود. وقتی این خاک‌های رنگی در فضا پخش می‌شود بی‌اختیار مرا به یاد خیم و اندیشه خیامی می‌اندازد و این باور دینی و عرفانی که همه از خاکیم

سبک هنری معززی بیشتر به صورت ذهنی است و از ادبیات ایران و جهان الهام می‌گیرد از بزرگانی همچون فردوسی، مولانا، آرتور رمبو، شارل بودلر و... که به صورت نقاشی روی پرده ظاهر می‌شوند. ذهن و دخل و تصرف‌های او در نمایش واقعیت بسیار جالب و چشمگیر هستند. در کارهای معززی آبستره، فیگوراتیو و رئالیزم آن هم به شیوه خاص دیده می‌شود. اغلب منتقدان درباره نقاشی‌های او می‌گویند شعر است و درست هم می‌گویند

تعلق خاطر معززی به ایران

او ایران را از دریچه هنری کوربن و شفیعی کدکنی شناخته است و این تعلق خاطر را یعنی گرگان، کتول و فرانسه هر کدام به اندازه‌ای در نقاشی‌های معززی سهم و حضور دارند. سه اثر از آثاری که معززی آنها را نقاشی کرده برپایه اشعاری است که در کتاب شفیعی کدکنی درباره مولانا نگارش شده است. به طوری که هر بیننده‌ای با دیدن آثار او می‌گوید: با کاری ایرانی روبه‌رو شده است. معززی در این باره اعتقاد دارد: می‌گویم ایرانی‌ام. نقاشی‌هایم هم همین را می‌گویند. آنها هم با صدای بلند می‌گویند ایرانی‌اند. ریشه‌ام در ایران است و تنهام در این خاک استوار شده و اما در هوای فرانسه بود. که شاخه‌هایم جوانه زد و برگ داد و تنفس در فرانسه موجب شد درخت وجودم و هنرم میوه بدهد

شهلا معززی با خواندن آثار هنری کوربن نویسنده و شرق شناس فرانسوی به ایران تمایل یافت و به سمت ایران کشیده شد. او با مطالعه دیگر کتاب‌های شفیعی کدکنی که شیوا و شیرین است، سه اثر از آثار خود را بر اساس اشعار این شاعر معاصر نقاشی کرد که موضوعات آن بیشتر به مولانا مربوط است

همچنین حضور شهلا معززی در جلسات هفتگی شاهنامه خوانی فریدون جنیدی شاهنامه شناس بزرگ و بنیانگذار بنیاد نیشابور سبب شد تا او با اسطوره‌ها و نمادهای ایرانی آشنا شود و از همان‌ها الهام بگیرد. این نقاش و معمار ایرانی، نمایشگاه‌های زیادی در فرانسه و چندین کشور اروپایی برگزار و جوایز و عناوین مختلفی را هم از جشنواره‌های اروپایی دریافت کرده است. این هنرمند نقاش مقیم فرانسه آثار خود را برای نخستین بار در ۱۳۹۴ خورشیدی در ایران به نمایش گذاشت. او در این باره های مختلف به خبرنگاران گفته بود: این نخستین نمایشگاه انفرادی من در ایران است و آثار من از سال

ام را شامل می‌شود. همچنین آثار شهلا معززی در نمایشگاه‌های مهمی در فرانسه، بلژیک، اسپانیا کاری و دیگر کشورهای اروپا به نمایش درآمده است

نقاشی‌های معززی همگی سوژه‌های ذهنی او هستند که ریشه در عرفان دارند. عرفان در حقیقت نقطه شروع کار معززی است که با پاستل خشک روی کاغذهای دست ساز یا مقوا کار می‌شوند. این آثار حالت نمادین دارند و روایی نیز هستند که ممکن است، فضایی انتزاعی نیز در آنها مشاهده شود. کارهای او بر پایه قواعد آکادمیک هنر نقاشی نیستند و به همین دلیل حالت خاصی دارند. زمینه بیشتر کارهای او سیاه هستند، زیرا او اعتقاد دارد که همه چیز از سیاهی به وجود آمده است، هرچه رنگ هست در سیاهی وجود دارد. به اعتقاد معززی، این سیاهی لزوماً شب را نشان نمی‌دهد و گاه در یک نقاشی ماه و خورشید را کنار هم دیده می‌شوند

تاریخ هنر ایرانی در آثار معززی

مجموعه آثار معززی مانند هر آنچه که در تاریخ هنر ایران از جمله نقاشی، ادبیات، خط و معماری بوده از هم منفک نیستند و تمامی اینها در آثار او تبدیل به شعر می‌شوند و سرودی یگانه را سر می‌دهند. آثاری برگرفته از اشعار شمس، مولانا، عطار، شاهنامه بودلر، رمبو (شاعران فرانسوی) و ... که به خوبی در نقاشی‌های معززی به چشم می‌خورد. خرقة رقصان، شمس تبریزی، بنیاد بر هیچ، ملکوت و شهر خاموش از جمله آثار شهلا معززی هستند که هر کدام با الهام از ذهن خلاق او به تصویر کشیده شده اند

کتاب نقاش گلستانی

کتاب شعر رنگ‌ها، فلسفه تصویرها اثر ممتاز شهلا معززی که حدود ۳۰ نقاشی او را هم در خود جای داده و در ایران منتشر شده است. همچنین کتاب شهلا معززی نوشته شاعر و منتقد فرانسوی ژان لوئی دوپیریس (۲۰۰۱-۱۹۳۱) که رایزن فرهنگی سفارت فرانسه در کشورهای مختلف بوده در ۱۹۹۰ میلادی به وسیله انتشارات آتلانتیکا در فرانسه به چاپ رسیده است. این کتاب به زندگی و آثار معززی می‌پردازد





شهناز زهتاب



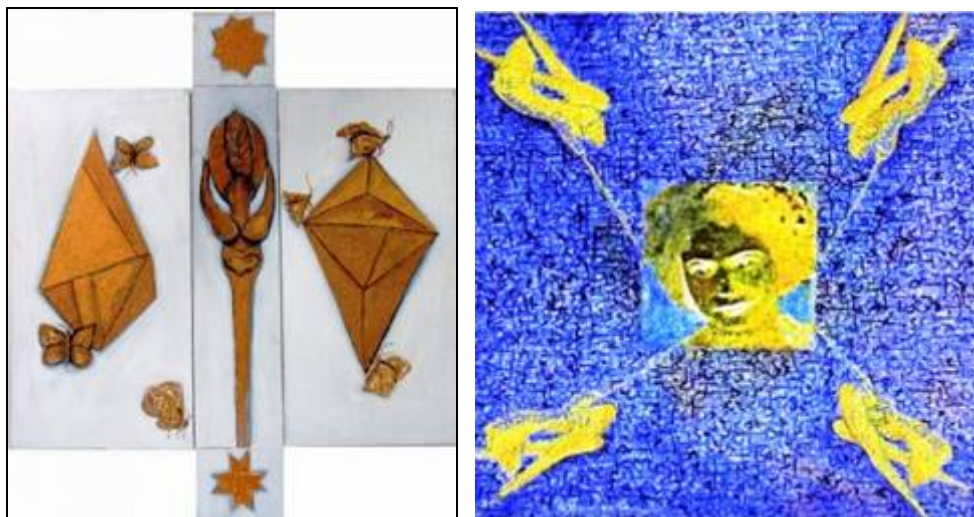
هنرمند ایرانی، متولد 1338 است

تحصیلات : فوق لیسانس نقاشی - دانشگاه آزاد اسلامی

خانم زهتاب تاکنون 5 نمایشگاه انفرادی و 38 نمایشگاه گروهی در داخل و خارج از ایران داشته است
تألیف چندین مقاله درباره هنر و هنرمندان ایران و جهان - تألیف و جمع آوری دو کتاب در باره هنرمندان
معاصر ایران با همکاری موزه هنر های معاصر تهران
مدرس دانشگاه آزاد اسلامی و سوره
عضو انجمن هنرمندان و نقاشان ایران







شهین بارور



متولد 1339 - وفات 1389

لازم می‌دانم نکته‌های مهم زندگی را برایتان بنویسم.
من شهین بارور متولد 1339 دهم شهریور، از بدو تولد به علت معلولیت 95% جسمی حرکتی با مشکلات زیادی روبه‌رو بوده‌ام.

می‌خواستم چون دیگران از زندگی استفاده کنم، اما مشکل‌های زیادی وجود داشت و من باید اول یاد می‌گرفتم چگونه با این همه مشکل‌ها، آن هم در شهرستانی به این کوچکی دسته‌پنجه نرم کنم. در سن یازده یا دوازده سالگی یاد گرفتم خود را ثابت کنم و سلول‌های خاکستری مغزم را با رنگ و کتاب باز بگشایم. نقاشی را از بچه‌گی دوست داشتم، نه برای شغل، بلکه برای وقت گذراندن. اما دیدم بهترین راه برای رسیدن به هدف‌هایم همین نقاشی‌ها هستند که من از همان بچه‌گی نقاشی می‌کردم و کتاب هم می‌خواندم.

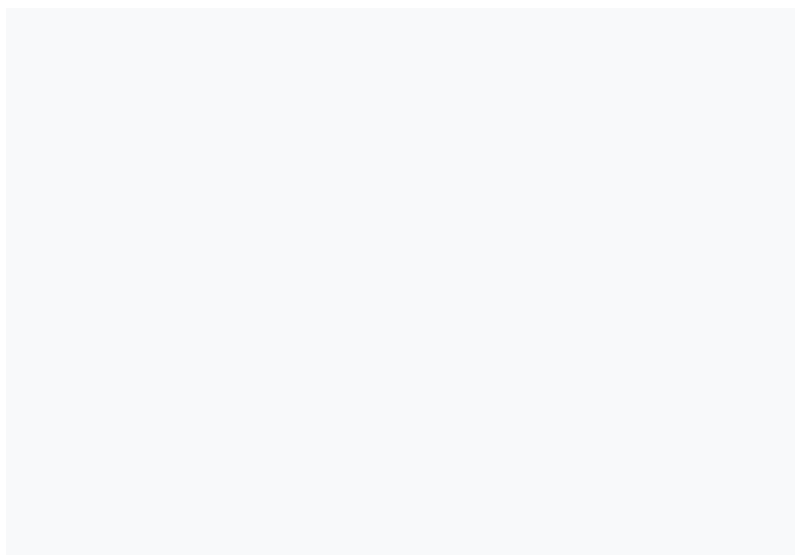
به مدت سه ماه نزد استاد محمد رضایی ترکیب رنگ‌ها را آموختم و در همان سال آغاز زندگی دوم را جشن گرفتم.

زندگی‌ام مثل همه زندگی‌های دیگر، البته با مشکل‌های خودش، پایین بالا داشت و من چون از اول زندگی با این فراز و نشیب‌ها آشنا بودم چندان برایم سخت نبود. غلبه بر این بالا و پایین رفتن‌ها، نتیجه‌اش این شد نقاشی‌هایم را در ایران و در کشورهای دیگر به نمایش گذارم.

در زمینه ادبیات هم کمی دست داشتم و دوستانم اصرار می‌کردند که «شعرهایت را به چاپ برسان...» و من اولین کتابم را بنام «تقدیم با سکوت» که یک کتاب شعر به همراه نقاشی‌های رنگی بود، به چاپ رساندم، بدون هیچ کمک مالی از هیچ ارگانی و فقط با حمایت نقاشی‌هایم و خانواده‌ام بود که این مرحله سخت را خوب به پایان رساندم. برای اولین بار نمایشگاه‌های نقاشی خیابانی را در شهرستان بندرانزلی دایر کردم که پربیننده‌ترین و پرخاطرترین‌هایش هم هست

تا کنون به لطف خدا توانستم 22 نمایشگاه انفرادی در انزلی، رشت و نگارخانه خانه آفتاب، نگارخانه سیحون، فرهنگسرای نیاوران و نگارخانه مژده در تهران، کپنهاگ دانمارک، دورتموند آلمان برگزار کنم و علاوه بر آن در 60 نمایشگاه جمعی نیز شرکت داشتم. در این سالها ادبیات را هم فراموش نکردم و پس از چاپ کتاب «تقدیم با سکوت»، کتاب «تیسیم تلخ» را به چاپ رساندم. سومین کتاب نیز به نام «ورقهای سیاه» به زودی پس از تأیید به دستتان خواهد رسید





شوکت‌الملوک خواجه نوری (درگذشته ۱۳۴۴ خورشیدی) یک نقاش ایرانی بود. او دختر عفت‌الدوله و میرزا ابوتراب خان نظم‌الدوله و از شاگردان کمال‌الملک بود. شوکت‌الملوک با هادی خانشقاقی ازدواج کرد و سرانجام در ۱۳۴۴ خورشیدی به دلیل سرطان کبد درگذشت. او یکی از اعضای خانواده خواجه نوری بود.



شیده تامی



متولد ۱۳۴۱، تهران، ایران

بیوگرافی

شیده تامی نقاش و مجسمه ساز که کتابی مشترک از چاپ و نشر هنر معاصر و گالری اُ از او منتشر شده است که در آن از بیوگرافی این هنرمند و منتخبی از آثار نقاشی، طراحی و حجم به چشم می خورد. تامی افرادی های زیادی برگزار کرده از جمله گالری هما، سری پرتره هیچکس، تهران ۱۳۹۰، گالری اعتماد، تهران، ایران، گالری ایکس وی ای و آو، دبی، ۱۳۸۷، گالری ۱۳، تهران، ایران، ۱۳۸۶، گالری ربل مینز، برلین، آلمان، ۱۳۸۴، گالری گلستان، تهران، ایران، انجمن هنرمندان ایرانی، تهران، ایران، ۱۳۸۱ و ...

او همچنین در گروهی های متعددی در ایران و خارج از کشور شرکت داشته است که می توان به مهم ترین آنها اشاره کرد :

به انتخاب سیمین دهقانی، گالری دارالفنون، کویت، کویت. ۱۳۹۰ قابل تشخیص، به انتخاب بهرنگ صمدزادگان، گالری فروهر، تهران، ایران ۱۳۹۰ گالری جنین رویز، بیروت، لبنان ۱۳۸۸، گوش ونگوگ، گالری ۱۰، تهران، ایران ۱۳۸۷ به انتخاب سیمین دهقانی، گالری دارالفنون، کویت، کویت ۱۳۸۷ «نقابه های شهرزاد»، گالری کندل استار، لندن، انگلستان ۱۳۸۶ شاگردان دهه ۶۰ آیدین آغداشلو، خانه هنرمندان ایران، تهران، ایران ۱۳۸۶ «میراث ایران»، لندن، انگلستان ۱۳۸۴ موزه ملی ارمنستان، یروان، ارمنستان ۱۳۸۳ گالری آرتیکالچرال، لس آنجلس، ایالت متحده امریکا ۱۳۸۲ گالری ویلیام تاور، هوست، تگزاس، ایالت متحده امریکا ۱۳۸۲ گالری ملی هنر، نیویورک، ایالت متحده امریکا ۱۳۷۹ گالری سیگنیچر، مونستر، آلمان ۱۳۷۳ فرهنگسرای نیاوران، تهران، ایران

متولد تهران، ایران. 1341

(همه نمایشگاه ها (۷۴) آرت فر (۲)

1370

نمایشگاه انفرادی، گالری منصوره حسینی، تهران 1371

نمایشگاه گروهی، گالری گلستان، تهران 1371

نمایشگاه گروهی، گالری افرند، تهران 1372

نمایشگاه گروهی، مرکز فرهنگی نیاوران، تهران 1373

نمایشگاه انفرادی، گالری منصوره حسینی، تهران 1373

نمایشگاه انفرادی، گالری منصوره حسینی، تهران 1375

نمایشگاه گروهی، سفارت فرانسه، تهران 1375

نمایشگاه انفرادی، گالری آریا، تهران 1377

- نمایشگاه انفرادی، انجمن هنر و فرهنگ پویا، پاریس 1377
 نمایشگاه انفرادی، شهرک هنرها، پاریس 1378
 نمایشگاه گروهی، سیته اینترنشتال د آرتس، پاریس 1378
 نمایشگاه گروهی، سیگنچر گالری، مونستر 1379
 نمایشگاه انفرادی، گالری منصوره حسینی، تهران 1379

1380

- نمایشگاه گروهی، گالری گلستان، تهران 1380
 نمایشگاه گروهی، سیگنچر گالری، مونستر 1380
 نمایشگاه گروهی، فرهنگسرای نیاوران، تهران 1380
 نمایشگاه انفرادی، انجمن هنرمندان ایران، تهران 1381
 نمایشگاه انفرادی، گالری گلستان، تهران 1381
 نمایشگاه گروهی، گالری گلستان، تهران 1381
 نمایشگاه انفرادی، گالری گلستان، تهران 1382
 نمایشگاه گروهی، گالری گلستان، تهران 1382
 نمایشگاه گروهی، گالری فرهنگی هنر، لس آنجلس، ایالات متحده 1382
 نمایشگاه گروهی، ویلیامز تاورز گالری، هیوستن 1382
 نمایشگاه گروهی، مدرسه‌ی ایتالیایی تهران، تهران 1382
 نمایشگاه گروهی، نیشنال آرتس کلاب، نیویورک 1382
 نمایشگاه گروهی، گالری ماه، تهران 1383
 نمایشگاه گروهی، گالری گلستان، تهران 1383

1390

- ی «هیچکس»، گالری هما، تهران نمایشگاه انفرادی، مجموعه 1390
 ی «هیچکس»، گالری هما، تهران نمایشگاه انفرادی، مجموعه
 نمایشگاه گروهی نقاشی، گالری نگاه، تهران 1392
 نمایشگاه گروهی، «حس خوشبختی»، گالری هما، تهران 1393
 نمایشگاه انفرادی، «جزر و مد»، گالری آ، تهران 1395
 آرت فر، آرت دبی، نمایش داده شده توسط گالری آ، امارات متحده عربی 1396
 نمایشگاه گروهی، «نسل سوم»، گالری آریانا، تهران 1396
 نمایشگاه گروهی، «خود در ادراکی دیگر»، گالری سایه، تهران 1397
 نمایشگاه گروهی، «نمایشگاه تابستانی»، گالری اعتماد، تهران 1397
 نمایشگاه گروهی، «طراحی به مثابه زیستن»، خانه هنرمندان ایران، تهران 1397
 نمایشگاه گروهی، «چکش و طراحی»، بزرگان طراحی، موزه طراحی، تهران 1396
 نمایشگاه گروهی، «جغرافیای انسان - قسمت دوم»، گالری ویستا، تهران 1397
 نمایشگاه گروهی، «پشت‌نویسی»، پروژه ازدار، ساری 1397
 نمایشگاه گروهی، «شب‌تاب 4»، گالری آزاد، تهران 1397
 نمایشگاه انفرادی، «شعر در نقاشی»، گالری آ، تهران 1397
 آرت فر، تیر آرت، نمایش داده شده توسط گالری آ، تهران 1397
 نمایشگاه گروهی، گالری اعتماد، تهران 1397
 نمایشگاه گروهی، «خیال‌باف»، گالری اکنون، اصفهان 1398
 نمایشگاه گروهی، «شب‌تاب 6»، گالری اردیبهشت، تهران 1398
 نمایشگاه گروهی، «صورتان»، گالری هما، تهران 1398
 نمایشگاه گروهی، «شب‌تاب 7»، گالری آزاد، تهران 1398
 نمایشگاه گروهی، «زیست بوم»، گالری باوان، تهران 1398
 نمایشگاه گروهی، «7+1393 - نمایش آنلاین»، گالری آ، تهران 1399







شیرین اتحادیه



متولد ۱۳۲۵، تهران، ایران

تحصیلات

تحصیل در مدرسه لوور رشته تاریخ طراحی و هنر ۱۳۶۲
دریافت مدرک دیپلم طراحی و معماری داخلی از پلی تکنیک ثاوث بانک لندن ۱۳۵۲
دریافت مدرک کارشناسی اجتماع هنرمندان و طراحان صنعتی لندن

بیوگرافی

شیرین اتحادیه نقاش است و تاسیس کتاب آزاد ۱۳۵۸ و تاسیس نگارخانه آزاد ۱۳۹۳ از فعالیت های این هنرمند به شمار می آید. اولین نمایشگاه نقاشی خود را در فرهنگسرای نیاوران به نمایش درآورد و سپس اولین آثار خود را در مبحث آینه ها در گالری گلستان به نمایش گذاشت. او در این سال ها حدودا ۲۶ نمایشگاه انفرادی در گالری های مختلف برپا کرده است. آثار او در حوزه انتزاعی و گاهی به سمت فیگوراتیو سوق پیدا می کند و باز به طراحی برمی گردد. برای اتحادیه پرتره همواره موازی با کار طبیعت بی جان و نقاشی های انتزاعی است. او معتقد است که باید آزادانه برخورد کرد تا خلاقیت به وجود آید و تلاش می کند برای درک مختصری از جهان هستی

تحصیلات دبستان و دبیرستان تهران (دیپلم ریاضی)

مدرسه لوور رشته تاریخ طراحی و هنر 1360-1362

دیپلم طراحی و معماری داخلی از پلی تکنیک ثاوث بانک لندن 1347-1352

لیسانس اجتماع هنرمندان و طراحان صنعتی لندن

تاسیس کتاب آزاد 195 وصال شیرازی 1358

نمایشگاه های انفرادی

نگارخانه ماه مهر 1390

نگارخانه اعتماد 1389

گالری خاک 1387

خانه هنرمندان 1384

گالری اعتماد 1384

نگارخانه برگ 1382

فرهنگسرای بهمن (ورزش) مروری بر آثار 1381

- خانه هنرمندان 1381
- نگارخانه برگ 1380
- نگارخانه برگ 1379
- نگارخانه آریا، تک چهره ها 1378
- نگارخانه برگ 1377
- نگارخانه پاسکال وان هوک - پاریس 1375
- کتاب آزاد 1374
- نگارخانه سیحون 1373
- نگارخانه نوین اصفهان 1372
- نگارخانه سبز 1370
- نگارخانه گلستان 1370
- کتاب آزاد - هر ساله 1369-1363

نمایشگاه‌های گروهی

- نمایشگاه نگاهی دیگر (سه نسل زنان نقاش ایران 1391)
- خانه هنرمندان، اولین سالانه نمایشگاه نقاشی و مجسمه سازی 1391
- نمایشگاه نقاشی زنان هنرمند ایرانی، یونان 1385
- سومین بینال بین المللی هنرهای اسلامی، خانه صبا 1385
- نمایشگاه هنرهای معنوی، فرهنگسرای نیاوران 1385
- نمایشگاه طبیعت در هنر شرق در تهران، خانه صبا 1384
- آرت اکسپو، تالار وحدت 1383
- بینال هنر اسلامی، خانه صبا 1382
- ششمین بینال نقاشی، موزه هنرهای معاصر 1382
- پنجمین بینال بین المللی شارجه 1380
- موزه هنرهای معاصر - بینال بین المللی هنرهای اسلامی 1380
- نمایشگاه دسته جمعی زنان هنرمند ایرانی - هلند 1379
- موزه هنرهای معاصر - نمایشگاه بین المللی طراحی 1378
- نمایشگاه دسته جمعی بانوان - فرهنگسرای نیاوران 1373
- نمایشگاه دسته جمعی مونثرو (بین المللی) برنده جایزه چهارم 1373
- دومین نمایشگاه صادراتی تخصصی نقاشی 1372
- نگارخانه کیهانی 1372
- موزه هنرهای معاصر - بینال دوم 1372
- نگارخانه دونل، پاریس 1371
- نگارخانه پاتریس الکیس تنون فرانسه 1371
- نگارخانه اتلان اویان فرانسه 1371
- نگارخانه پاتریس الکیس فرانسه 1369
- گراند پاله پاریس - نمایشگاه هنرمندان مستقل 1369
- اولین بینال موزه هنرهای معاصر تهران 1369
- سفارت فرانسه 1365
- موزه هنرهای معاصر نمایشگاه دسته جمعی زنان هنرمند 1363

نشریات

دی 1382 روزنامه تهران تایمز 29

و 17 مهر 1382 روزنامه اعتماد 10
آبان 1381 روزنامه اطلاعات
آذر 1380 روزنامه جام جم
مهر 1378 روزنامه انتخاب
آذر 1377 روزنامه قدس 8
تیر ماه 1373 – عکس تابلو پشت جلد آدینه شماره 93
دفینه روزنامه محلی فرانسوی 1372
آبان 1372 هفته نامه مسأزه فرانسوی
اسفند 1371 ابرار
دفینه روزنامه محلی فرانسوی 1371







طاهره صمدی طاری



متولد: 1360

تحصیلات:

۱۳۸۷-۱۳۸۴ فوق لیسانس نقاشی، دانشگاه هنر ، تهران

۱۳۸۴-۱۳۷۹ لیسانس نقاشی، دانشکده هنر و معماری، تهران

1384 فارغ التحصیل هنرستان هنر های تجسمی دختران ، وزارت فرهنگ و ارشاد

نمایشگاههای گروهی:(خارجی و داخلی)

1394 ماهی و مرجان خلیج فارس ، فرهنگسرا نیاوران ، تهران ،ایران

1393 سه نگاه ،گالری بوم ،تهران ،ایران

۱۳۹۳ در نگاه دیگری، گالری شیلا، تهران، ایران

۱۳۹۱ نگاهی دیگر ، سه نسل از نقاشان زن ایران، گالری پردیس ملت، تهران، ایران

۱۳۹۱ سرزمین عجایب، گالری شکوه، تهران، ایران

۱۳۹۰ رو به پایان، گالری شیرین، تهران، ایران

سوئیس، لوسرن ، AB Gallery ، street view ، ۱۳۹۰

1390 شرکت در دومین نمایشگاه آثار جوانان پیشرو، گالری پردیس ملت، تهران، ایران

۱۳۹۰ شرکت در نخستین حراج هنرهای تجسمی، گالری شیرین، تهران، ایران

۱۳۸۹ شرکت در نمایشگاه گروهی، دوحه، قطر

۱۳۸۹ از گذشته تا امروز، گالری دی، تهران، ایران

۱۳۸۹ هفت نگاه، خانه هنرمندان، تهران، ایران

آمریکا، نیویورک ، Volta Art Fair ، ۱۳۸۸

۱۳۸۸ Candlestar،Unbowed Iran، هتل هاییت، لندن، انگلیس

۱۳۸۸ ماسکهای شهرزاد، Candlestar ,Galleries Mall ،لندن، انگلیس

۱۳۸۸ شرکت در نمایشگاه گروهی هنرمندان معاصر ایران، گالری دی، تهران، ایران

۱۳۸۸ هفت نگاه ، گالری پردیس ملت، تهران، ایران

۱۳۸۷ نجوای رازها ، زمزمه خیالها، Galleries Mall ،لندن، انگلیس

۱۳۸۶ شرکت در هفتمین دوسالانه ملی نقاشی معاصر ایران، تهران، ایران

۱۳۸۵ شرکت در چهارمین دوسالانه بینالمللی نقاشی معاصر جهان اسلام، تهران، ایران

۱۳۸۴ شرکت در اولین سالانه طراحی کرج، تهران، ایران

۱۳۷۸ شرکت در نمایشگاه گروهی، بازتاب نقش، گالری لاله، تهران، ایران

حراجهای داخلی و بین المللی:

1393 حراج تهران، هنر مدرن و معاصر ایران ،هتل پارسپان آزادی ،تهران ،ایران

- ۱۳۹۲ حراج تهران، هنر مدرن و معاصر ایران، هتل پارسیان آزادی، تهران، ایران
 ۱۳۹۱ حراج تهران، هنر مدرن و معاصر ایران، هتل پارسیان آزادی، تهران، ایران
 ۱۳۹۰ حراج کریستیس، دوبی، امارات متحده عربی
 ۱۳۹۰ حراج کریستیس، دوبی، امارات متحده عربی
 ۱۳۸۹ حراج کریستیس، دوبی، امارات متحده عربی
 ۱۳۸۸ حراج کریستیس، دوبی، امارات متحده عربی
 ۱۳۸۷ حراج ساتبیز، لندن
نمایشگاههای انفرادی
 ۱۳۸۹ گالری دی، تهران، ایران
 ۱۳۸۸ گالری دی، تهران، ایران
 ۱۳۸۶ گالری دی، تهران، ایران







طلا مدنی



زاده ۱۹۸۱، تهران

پیشه نقاشی، انیمیشن

سبک انتزاعی

طلا مدنی (زاده ۱۳۵۹ در تهران) نقاش و هنرمند ایرانی آمریکایی است که هم‌اکنون در لوس‌آنجلس در کالیفرنیا آمریکا زندگی می‌کند.

تحصیلات

- ۲۰۰۶ کارشناسی ارشد هنرهای زیبا در نقاشی، دانشکده هنر دانشگاه ییل، نیو هون
- ۲۰۰۴: کارشناسی هنرهای زیبا، دانشگاه ایالتی آرگون، آرگون
- کارشناسی علوم سیاسی، دانشگاه ایالتی آرگون، آرگون

سبک

مردها، موتیو‌هایی هستند که به فراوانی در نقاشی‌های او به چشم می‌خورند. نکته‌ای که حضور فراگیر و غالب بدن زنانه را به عنوان موتیو در نقاشی به چالش می‌کشد. او سبک نقاشی‌های دارد. کارهایش فیگوراتیو و روایی هستند که اغلب دربردارنده جنبه‌های فنتیشی، عجیب و نامأنوس هستند. خیلی وقت‌ها مردانی که در کارهای او به چشم می‌خورند، دلقک گونه و به سخره گرفته‌شده به نظر می‌رسند، و خطوط رهای قلم‌های هنرمند، به علاوه فضای بصری صاف و مسطح کارها، کیفیتی کارتون‌گونه به نقاشی‌های او می‌دهند.

نمایشگاه‌ها

۲۰۱۳

Rip Image در موزه هنرهای مدرن مالمو، سوئد

۲۰۰۹

هنر مدرن خاورمیانه در گالری ساچی لندن (گروهی)

۲۰۰۷

Size Matters: XXL اندازه مهم است: خیلی کوچک-واپسین نقاشی‌های کوچک، مرکز هنرهای معاصر هودسون ولی، پیکسکیل، ایالات متحده Size Matters: XS اندازه مهم است: خیلی کوچک-واپسین نقاشی‌های کوچک، مرکز هنرهای معاصر هودسون ولی، پیکسکیل، ایالات متحده

۲۰۰۵

نمایشگاه فارغ‌التحصیلان، گالری گرین، دانشگاه ییل، ایالات متحده

۲۰۰۳

نمایشگاه ارشد، گالری فیربنکس، دانشگاه آرگون استیت، آرگون، ایالات متحده نمایشگاه گروهی، استودیو ۵۸۰، بند، ایالات متحده

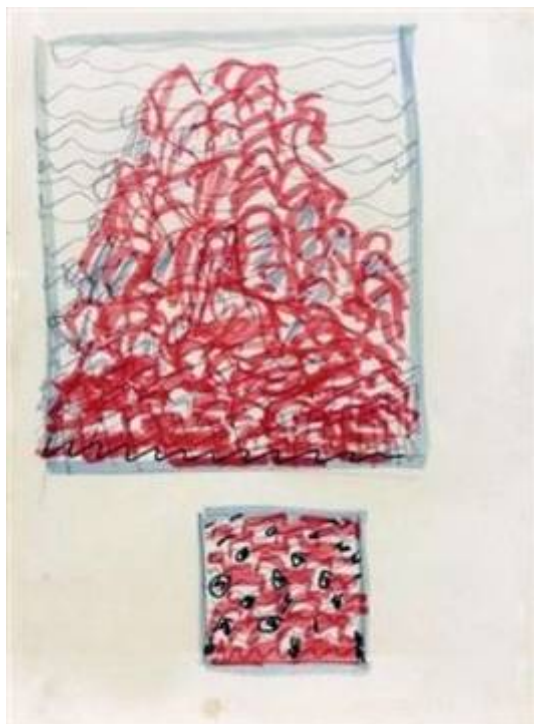
طلا مدنی یکی از جذاب ترین نقاشان نسل خود است. آثار او در یک پالت جسورانه و مجزا مشخص می شود. نقاشی های تاریک و طنز را به تصویر می کشد. در حالی که کارهای انتزاعی مقیاس بزرگ و انیمیشن های ویدئویی، صحنه های ناراحت کننده ای را که در آن مردان میانسال طاس همراه با خشونت و انحراف به تصویر می کشد چهره های کلیشه ای همراه با فعالیت های عجیب و پوچ. مدنی از طریق تکنیک نقاشی متمایز، نمادها و تصاویر تکراری را با یک پیچیدگی امکان پذیر می کند. نقاشی های مدنی محصول کنجکاوی، فانتزی می باشد

او تاکنون جوایز گوناگونی دریافت کرده از جمله: جایزه ریاست دانشکده برای تعالی در هنر، دانشگاه ایالتی آرگن ۱۳۸۲، برنده جایزه شیگی کالینگوود، دانشگاه ییل ۱۳۸۴، دریافت جایزه کاترین دکتروف برای نقاشی معاصر ۱۳۹۲

جشنواره هیرشهورن از ۳۱ زن هنرمند تقدیر به عمل می آورد که طلا مدنی یکی از این هنرمندان به شمار می آید

او تاکنون در دو سالانه ها و نمایشگاه های گروهی بسیاری شرکت داشته و انفرادی های بسیاری نیز برپا کرده است







طلیعه کامران



زاده ۱۳۰۹ تهران

درگذشته ۲۴ اسفند ۱۳۹۵

- **طلیعه کامران** (زاده ۱۳۰۹ در تهران – درگذشته ۲۴ اسفند ۱۳۹۵ در تهران) نوازنده سنتور، نقاش و شاعر اهل ایران بود. به او لقب «مادر سنتورنوازی قدیم ایران» هم داده‌اند.

زندگی هنری

طلیعه کامران در سال ۱۳۰۹ در تهران متولد و در خانواده‌ای اهل هنر متولد شد. پدر او ویلن می‌نواخت و از شاگردان حسین خان اسماعیل‌زاده بود و مادرش نیز، هم با موسیقی آشنا بود و هم به نقاشی مشغول بود. در کودکی، حبیب سماعی که از دوستان پدر طلیعه کامران بود، آموزش سنتور نوازی او را به عهده گرفت. حبیب سماعی از حدود سال ۱۳۲۱، هر دو هفته به آموزش وی می‌پرداخت. او از سال ۱۳۲۶ نزد دیگر شاگرد حبیب سماعی، مرتضی عبدالرسولی به تکمیل آموزه‌های خود پرداخت. طلیعه کامران همچنین، فراگیری ضربی‌های قدیمی و تجربه هم‌نوازی را نزد حسین تهرانی آموخت. حسین تهرانی او را به روح‌الله خالقی معرفی نمود و پس از آن، بخشی از کنسرت‌های انجمن موسیقی ملی به هم‌نوازی سنتور طلیعه کامران و تمبک حسین تهرانی اختصاص یافت. روح‌الله خالقی در سفری به روسیه، بخشی از اجرای ضبط شده او در دستگاه همایون را به عنوان نمونه هنر بانوان موسیقی‌دان ایران، به آن کشور عرضه نمود.

در اواخر دهه ۱۳۲۰ طلیعه کامران با توصیه روح‌الله خالقی، به آموختن نت موسیقی نزد وی و پس از آن نزد ابوالحسن صبا پرداخت. او در حدود سال‌های ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵، بخشی از آموخته‌های خود از حبیب سماعی شامل: دستگاه شور، آواز ابو عطا، آواز بیات اصفهان و دستگاه چهارگاه را نت نویسی کرد که بعدها در قالب کتاب «بخش‌هایی از ردیف حبیب سماعی به روایت طلیعه کامران» منتشر شد.

او همچنین در نقاشی نیز فعالیت نمود و با تشویق مادرش به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران راه یافت و لیسانس نقاشی گرفت. وی نخستین نمایشگاه انفرادی خود را در سال ۱۳۴۷ در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران برگزار نمود. او به منظور تکمیل آموخته‌های خود در زمینه نقاشی به پاریس و رم سفر کرد. آثار نقاشی او در ابتدا تحت تأثیر کمال‌الملک بود اما به مرور به

آثار مدرن گرایش پیدا کرد. وی ۱۱ نمایشگاه انفرادی برگزار کرد و در ۴۲ نمایشگاه گروهی در ایران و خارج از ایران شرکت نمود.

طلیعه کامران در زمینه شعر نیز به فعالیت پرداخت. بخش از اشعار او در کتابی با عنوان «بی‌نهایت، نهایت» در سال ۱۳۸۳ منتشر شد.

آثار موسیقی

از جمله آثار هنری طلیعه کامران در حیطه موسیقی، به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

- آلبوم موسیقی «صد سال سنتور»، دستگاه همایون (به همراه آثاری از سنتورنوازان ایرانی) مؤسسه فرهنگی هنری ماهور ۱۳۸۰
- کتاب «بخش‌هایی از ردیف حبیب سمعی به روایت طلیعه کامران»، انتشارات عارف ۱۳۸۸
- آلبوم موسیقی «یادگار حبیب»، سنتور طلیعه کامران، تمبک و آواز حسین تهرانی (حاوی بخش‌هایی از ردیف حبیب سمعی)، ۱۳۹۰

درگذشت

طلیعه کامران به دلیل ابتلا به سرطان، مدتی در بیمارستان بستری بود. او در ۲۴ اسفند سال ۱۳۹۵ در تهران درگذشت. مراسم تشییع پیکر طلیعه کامران در ۲۵ اسفند ۱۳۹۵ از مقابل موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد و پیکر او در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

طلیعه کامران؛ از افسرده‌ترین نقاشان معاصر ایران

در پاپ‌آرت‌های کامران، اوج افسردگی دیده می‌شود. زن و مرد هر دو در تابلواند، اما سیب (گناه) و گربه (وسوسه) نزدیکی را منع می‌کنند.



تندیس طلیعه کامران

سالی که طلیعه کامران در تهران متولد شد (۱۳۱۹)، کمال‌الملک در حسین‌آباد نیشابور درگذشت. اما سایه تأثیر هنر کمال‌الملک تا سنین جوانی کامران بر نقاشی ایران مستولی بود. کمال‌الملک، به علت شخصیت بارزی که در اواخر عمر از خود ساخته بود، ذهنیتی را به وجود آورد که بعدتر در میان شاگردان او تدوین، تداوم و تحکیم یافت. او، که در حقیقت میراث زنده هنر نقاشی ایرانی بود، علاقه داشت، حقیقت را به واقعی‌ترین شکل موجود، در تابلو نقش کند، و تأکید داشت:

نقاشی ایرانی پیوسته حول دو موضوع تشریح می‌شود؛ یکی شناخت طراحی از چیزها؛ و دیگری ملحوظ کردن واقعیات و انعکاس آن در شکلی فاخرانه و زیبا به بوم و کاغذ نقاشی!!

اما، در جوانی طلیعه کامران- که ابتدای دهه 40 است- به علت تأثیرات پوچ‌انگاران آمده از پی‌آمد جنگ‌های جهانی و مأیوس شدن جهان از واقعیات ممکن، هنر و ادبیات به ماورا و کشف حقایق در پس‌و‌پشت چیزها متمایل شد. در نتیجه، نقاشان جدید در ایران پیوسته با دو تناقض بزرگ به آفرینش آثار خود مشغول بودند: از يك سو، ذهنیتی سنتی و مبتنی بر تاریخ هنر و ادبیات گذشته؛ که آبشخور ذهنی آن در آثار کمال‌الملک (به عنوان نماد نقاشان سنتی ایران) بود، شکل می‌گرفت؛ و از دیگر سو، ذهنیتی که حقیقت را برای رسیدن به واقعیت چیزها از بین می‌برد.

طلیعه کامران از سنت، علاقه و تبحر در طراحی را گرفت و از مدرنیته، جدایی از گل‌گرایی، گلی‌بینی و علاقه به فردیت چیزها
او، نیز همچون نقاشان هم‌نسل خود، طبیعتاً از کلاسیک شروع کرد و به آبستره گرایش یافت

این دوجویی بودن هنر در سرآغاز ورود مدرنیسم به ایران و کندن از ذهنیت سنتی، ریشه‌های خانوادگی (فرهنگی) و قومی نیز داشت. طلیعه نوجوان از جانب پدر به موسیقی سنتی و از جانب مادر به نقاشی تحریک و تشویق شد. آنچنان که تا به امروز شناخت جامعه از او موسیقی‌دانی نقاش یا نقاشی موسیقی‌دان است.

سفر به پاریس و رم (دو پایتخت هنری جهان) و آشنایی با شکوه ریاضی (مهم‌ترین استاد دانشکده هنرهای زیبا) در جوانی سمت‌وسویی به ذهنیت وی بخشید. او، نیز چون دیگر نقاشان برآمده از هنرهای زیبا، به سفارش و تأکید و تشویق شکوه ریاضی، شیوه کلاسیک در نقاشی را رها کرد و، در نیمه دوم دهه 40، به طور کلی، از ذهنیت سنتی برید و از پی دریافت معرفت آثار نقاشانی چون بهمن محصص، زنده‌رودی، پیل‌آرام و سپهری (که سنت ایرانی را در درون آثار خود متلاشی، زخمی و سپس هضم کرده بودند) به دریافت‌های تازه‌ای دست یافت.

او یکی از بهترین طراحان برآمده از دانشکده هنرهای زیبا است. بیشتر از آن که نقاش باشد، طراحی چیره‌دست است. علاقه وی به سیاه‌قلم و طراحی از همان ابتدا تاکنون باعث شد، همیشه و در هر نمایشگاهی از نقاشی‌های خود، چند طرح نیز به نمایش بگذارد.

او، در نخستین حضور خود (در سومین بی‌ینال تهران در 1341)، چند طراحی گواش نشان داد و بعد با مرکب رنگی و رنگ‌های ماشینی نیز کار کرد؛ اما اهم آثار وی، به علت کار در شرایط آبستره، با اکریلیک است. هرچند از همین سال خود را به عنوان نقاش نشان داد؛ اما شروع کار حرفه‌ای او، به زعم تاریخ هنر نوگرایی ایران، از 1347 و از اولین نمایشگاه وی در تالار دانشکده هنرهای زیبا پیگیری می‌شود.

کامران، هرچند از کپی کردن منظره و کشیدن اندام شروع کرد و بعد خود را نقاشی آبستره شناساند، اما حقیقت آن که او را بیشتر- و به علت حضور تأثیرگذار در دهه 50، که شروع، اوج و افول پاپ‌آرت در ایران است- به عنوان یکی از نقاشان پاپ‌آرت می‌شناسند. نمایشگاه موفق او در گالری سیحون، در آن دهه، یکی از بهترین نمایشگاه‌های پاپ‌آرت در ایران بود. در تابلوهای او نمادهایی چون کیوتر و جغد همیشه وجود داشته‌اند، و در این نمایشگاه نیز در گوشه‌و‌کنار تابلوها به پرواز درآمده بودند. البته، بعدتر و پس از انقلاب مردمی در 1357، او با ایجاد سکون و خلوت کردن تابلو، انشعاب خود را از پاپ‌آرت نشان داد و کمی بعدتر اصلاً پاپ‌آرت بودن خود را نیز انکار کرد. نکته دیگری که ثمرات انقلاب در کار او به وجود آورد، دوری از بی‌پروایی بود که شور و حیات نقاشی‌های وی به اِشمار می‌آمد. با از بین رفتن بی‌پروایی و تمایلات تکامل روح؛ او بار دیگر به طراحی رو آورد.

تمایل وی به طبیعت‌سازی در نوجوانی، در ابتدای جوانی او را به حقیقت زندگی آورد. آنچنان که در کارهای نیمه دوم دهه 40 و خصوصاً ابتدای دهه 50 از آن طبیعت‌سرا و طبیعت‌ساز دیگر چیزی باقی نمانده بود و همه کارهای او را زندگی جدید و تمدن در بر گرفته بود. علاقه او به واقعیت عینی (آیژه) و بازتاب روح این واقعیت و تجلی آن در ذهن خود و سپس اجرای آن بر بوم باعث شد، عنکبوت، گربه، کبوتر، جارختی (جالبازی) و هر آنچه را در زندگی و تمدن جدید است، در کارهایش نشان دهد. با این تفاوت که دیگر اشیای درون اثر، همانی نبود که در بیرون و طبیعت دیده می‌شد. این همان تلاش شکوه ریاضی بود که می‌خواست، نقاشی به جهان واقع (آیژکتیو) تمایل نشان دهد و از تاریخ چندصدساله ذهنی (سوپرژکتیو) خود دست بشوید. طلیعه کامران، مهرنوش شریعت‌پناهی و لیلی متین‌دفتری، در دهه‌های 40 و 50، با آثار خود افسردگی و تنهایی زن ایرانی را نشان می‌دادند. این سه تن، در میان ده‌ها نقاش زن دیگر، از افسرده‌ترین نقاشان معاصر ایران قلمداد می‌شوند. در پاپ‌آرت‌های کامران، اوج افسردگی دیده می‌شود. زن و مرد هر دو در تابلواند، اما سیب (گناه) و گربه (وسوسه) نزدیکی را منع می‌کنند. او، اولین زنی است که به جای اندیشه‌های سانتیمانتال در تابلوهای خود جغد (نماد تنهایی) و عنکبوت (رفتار بی‌کسی) را در عنفوان جوانی به وفور نشان می‌دهد.

عدم ارضای نفسانی، عدم علاقه مذکر و مؤنث، دوری از عشق شربتی و ناکامی از عشق شهوتی، تأکید تابلوهای اوست. رؤیت فاصله مذکر و مؤنث در تابلوهای او و آوردن نمادهایی جهت تبیین ناکامی آنان؛ بیننده هنرشناس را به تاریخ هنر ارجا می‌دهد: ”یکی از نشانه‌های ویژه افسردگی احساس بی‌کسی و تنهایی است. در هنرهای تصویری به دو نمونه می‌توان اشاره کرد؛ تابلوی تنهایی ادوارد مونخ به خوبی نمایانگر تنهایی دو فرد است که زوجی را تشکیل می‌دهند. نقاشان بسیاری داشته‌ایم که نه تنها تصویرگر جهان درونی افسردگی بوده‌اند که وجنات‌وسکنات خاص افسردگی را نیز ترسیم کرده‌اند.

در تابلوی درون‌های افسرده اثر فردینان هادلر مردانی را می‌بینیم که سر در گریبان دارند با شانه‌های افتاده و اندام‌های منقبض که دقیقاً افسردگی را تداعی می‌کنند.“ در تمام روایت انسانی تابلوهای طلیعه کامران نیز نوعی بی‌کسی و تنهایی دیده می‌شود. این مسأله آنچنان بارز است که حتا در روابط عاشقانه آدم‌های تابلوهای او، نوعی حکومت وحشت وجود دارد. البته، جدا از ناکامی‌های يك هنرمند، قسمت اعظم این بی‌کسی مربوط به پاپ‌آرت بودن تابلوهای او نیز هست؛ چون در کار کسانی نظیر کامران کاتوزیان و کامران دیبا جدایی زن و مرد و تبلیغاتی شدن زندگی و، در نتیجه، بی‌احساسی و افسردگی را به عنوان هنرمندان پاپ‌آرت مشاهده می‌کنیم.

طلیعه کامران اما دوره‌های مختلفی را در کارنامه هنری خود به ثبت رسانده است. در جوانی- در دوره دانشکده- او شیفتگی خاصی به رنوار دارد. بعدتر متوجه می‌شویم که شادی رنگ را از رنوار آموخته است. او، بیشتر از آن که به نظریه علمی رنگ دقت نظر کند، پیگیر نظریه اخلاقی (احساسی) رنگ است. طیف‌هایی نرم، عدم تحدید سطوح و قالب‌پذیری رنگ در يك فضای مستقل و در عین حال کنار فضایی دیگر از اهمیت کارهای اوست. او، به علت ذات شاعرانه‌ای که دارد، پیوسته تلاش می‌کند با رنگ‌هایی خاص و ترکیب‌های رنگی نوعی ریتم را نشان دهد. رنگ‌های زردی می‌سازد که به جای جیغ بودن، نوعی لطافت زمینی را ندا می‌دهند. در مخلوط کردن چند رنگ جهت ساخت رنگ زرد، نگاه شعرانی او بر نگاه نثرانی‌اش برتری می‌یابد. علاقه شدید او به کولاژ باعث شده با کادربندی رنگ‌ها در يك تابلو، تداعی نوعی کاغذ چسبانی را یادآوری کند. نوعی کاغذ چسبانی (اما با رنگ) که بیننده را به یاد دوره‌ای از کارهای پیکاسو و براك می‌اندازد. گاهی با استمرار و تأکید تلاش دارد، رنگ‌ها را به نام خود کند. در همه بیست‌ویک اثری که در 1374، در گالری سیحون، به نمایش گذاشت، رنگ زرد چشمک می‌زند. به علت محدودیت‌های اجتماعی نقاشانی چون او، علی‌رغم تبحر در طراحی از اندام، پس از انقلاب به تصویرگری متمایل شدند.

يك بررسی سبك‌شناسانه نشان می‌دهد، بهترین دوره چهار دهه فعالیت حرفه‌ای او مربوط به دهه 50 است. در این دهه زنانی را کشید، در تابلوهای خود با سیب‌هایی در رنگ‌های مختلف، که این بار دیگر

همچون تاریخ ادبیات سبب تنها میوه گناه نبود، بلکه به نوعی خواستن، لذت و بودن آدمی در کنار مکمل (در آرزوی وصال) را تداعی می‌کرد. علاقه وی به هنر معمول این دهه (پاپ‌آرت) دوره‌ای از آثار این دهه او را فانتزی می‌کند. در شرایطی که می‌رفت تا از فانتزی به لوس شدن و افه‌های تبلیغاتی تبدیل شود، به علت تبحر در طراحی، کارهای او تمایلات گرافیکی می‌یابد. آنچنان که آثار کامران کاتوزیان را تداعی می‌کنند. در همه دوره‌های کاری، زن و پرنده کشیده است، اما در هر نمایشگاه، خطوط شکل عوض کرده و در فضای جدیدی همان مفهوم زن در آرزوی پرنده شدن (آزادی از قیود) را تکرار کرده است. در اواخر دهه 50، تمایل وی به آبستره‌فیگوراتیو نشان داد، پروازهای او در آسمان پاپ‌آرت، بال زدنی از سر شوق بود

از جنبه نمادگرایی از شلوغ‌ترین نقاشان دوره خود است: زنان در سینه خود کبوتری هاج‌وواج دارند، گربه‌ها از کله جغد می‌شوند، درخت‌ها توهمی از عزرائیل‌اند، گربه‌ها در کمین ماهی‌اند، زن و ماهی به رنگ گورخر درمی‌آیند، تصادف دو خودرو با نگاه يك جغد به وجود می‌آید؛ و همه این صحنه‌ها بازتاب روح ناآرام او بر بوم است با دو مهم: یکی ترکیب و دیگری عناصر رنگ! آنچنان، که علی‌رغم حضور جاندار و بیجان در کار او، مشخص است که به سوژه در نقاشی اعتقادی ندارد و بیشتر به ترکیب‌بندی و هماهنگی رنگ‌ها فکر می‌کند.

طلیعه کامران، در حسرت آرزوی پرواز، نیم‌قرن است که نقاشی می‌کند. پیوسته تلاش داشته تا نشان دهد، در کارهای او جغد نمونه‌ای از تنهایی، عنکبوت حالتی از وابستگی و کبوتر، آرزوی آزادی است. اما همیشه هم در لحظه ناب پریدن، عنکبوت مانع بوده و جغد همه چیز را بدیمن کرده است. علاقه او به خارج شدن از قفس و رهایی جان (در هیأت کبوتر) به ساحت شعر او نیز وارد شده است. او، که از نوجوانی شعر می‌سرود، در اوایل دهه 80 مجموعه‌ای از اشعار خود را منتشر کرد. این بار نیز مایوس از مفهوم رسیدن نام کتاب خود را بینهایت، نهایت می‌گذارد.

کتابی ساده، با اشعاری از نظر ساختار ابتدایی و بدون صنایع ادبی و وزن؛ اما عمیق و پُر تصویر

در حقیقت، از نام‌هایی که بر اشعار خود گذاشته، مفهوم نرسیدن را نشان داده است: غم غروب، من هیچ را پیمودم، اندوه فاصله‌ها، فردای نامعلوم، افسانه هیچ، انزواهای پیوسته، آزادی در قفس و عناوین دیگری که به ساده‌ترین حالت ممکن نگاه شاعری اعتراضی را نشان می‌دهد. در قطعه‌ای به نام دنیا را اگر می‌داشتم، می‌گوید: پرنده‌ای بر گرد اتاقم پرواز می‌کند/ و در نگاه مشتاق من/ سطری از صداقت بر پنجره می‌نویسد/ پلک‌هایم به سوییچ پر می‌کشند/ صدها اتاق، نه- خانه، نه/ که دنیا را اگر می‌داشتم/ به پروازش می‌فروختم ... و این نوع سادگی و بی‌پیراستگی از نقاشی که در ترکیب‌بندی‌هایش- لااقل در دوره‌ای- از فرم‌هایی بهره برد که فاقد هر نوع شباهت واقع‌گرایانه بود و ادراک آن نیاز به نقب زدن به عناصر چندگانه ذهنی داشت، بعید می‌نماید.





عذرا عقیقی بخشایشی



پیشه خوشنویسی

عذرا عقیقی (متولد قم ۱۳۴۷) هنرمند ایرانی است که با زمینه قرار دادن خوشنویسی اسلامی آثار معاصر خلق کرده است. او فرزند عبدالرحیم بخشایشی اسلام‌شناس و پژوهشگر حوزه دین است، لیسانس خود را در رشته ارتباط تصویری از دانشگاه تهران و رتبه ممتاز را از انجمن خوشنویسان اخذ کرده است. به عقیده عقیقی در گذشته خطاطی ایران، زنان جایگاه ناشناخته اما تحسین‌برانگیزی داشته‌اند، هر چند که سلطه سیاسی مردان بر این هنر همواره دستاوردهایشان را به حاشیه برده است. آثار او در موزه‌هایی چون بریتیش میوزیم و موزه اسلامی مالزی نگهداری می‌شود؛ قطعات هنری او در حراج‌های کریستی و ساتبیز و حراج تهران عرضه شده است. عقیقی عمدتاً خط نقاشی‌هایی است با الهام از خط کوفی پدیدآورده است.

نقاشی خط‌های عقیقی این روزها در گنجینه‌های متعدد هنر خاورمیانه‌ای نگهداری می‌شوند و تاکنون در لندن، کوالالامپور، استانبول، دبی، وین، میامی، ابوظبی، تاجیکستان، لبنان، ژنو و زوریخ و کویت به نمایش عمومی درآمده‌اند. عذرا عقیقی بخشایشی برخلاف بسیاری از هنرمندان عرصه نقاشی‌خط،

مصمم به استفاده از خط کوفی در آثارش است. او با تلفیق انواع کوفی مشرقی، کوفی مغربی و کوفی اولیه و ریز و درشت نوشتن آنها، ترکیبی پیچیده و سیال پدیدمی‌آورد. اولین قرآن‌ها به خط کوفی کتابت شده‌اند، به همین جهت با کیفیت معنامحور و معنوی آثار هنرمند بیشتر همخوانی دارند. در اثر حاضر رنگ‌سایه‌های آبی که از تیرگی در کناره‌ها به نور خالص در مرکز تابلو منتهی شده‌اند، همراه با خطوطی که به تدریج کوچکتر می‌شوند، چون پرتو نور الهی رخ می‌نمایند. ترکیب متقارن اثر با تمرکز بر نقطه مرکزی آن بر فضای معنوی و القای احساسی روحانی به مخاطب تأکید می‌ورزد.

نمایشگاه‌ها

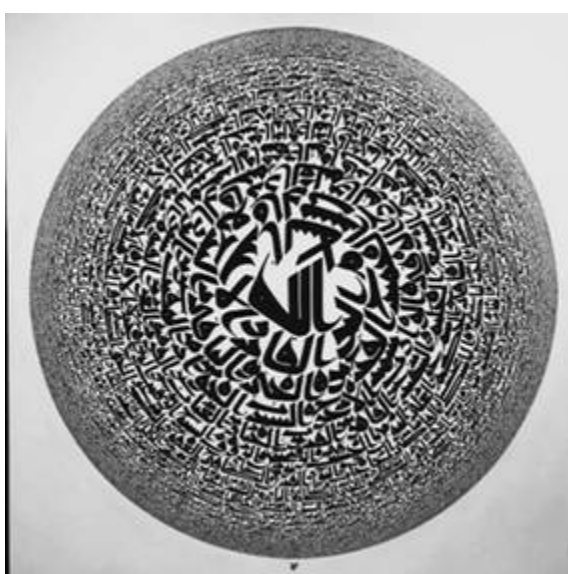
- سیاه مشق، گالری هما، تهران، ۱۳۹۷
- سری کهکشان، گالری هما، تهران ۱۳۹۵
- خلق یک جهان، مزنا، مسقط، ۱۳۹۷.
- کهکشان کلمات، گالری هما، تهران، ۱۳۹۵
- مجموعه آثار، گالری هما، تهران ۱۳۹۰

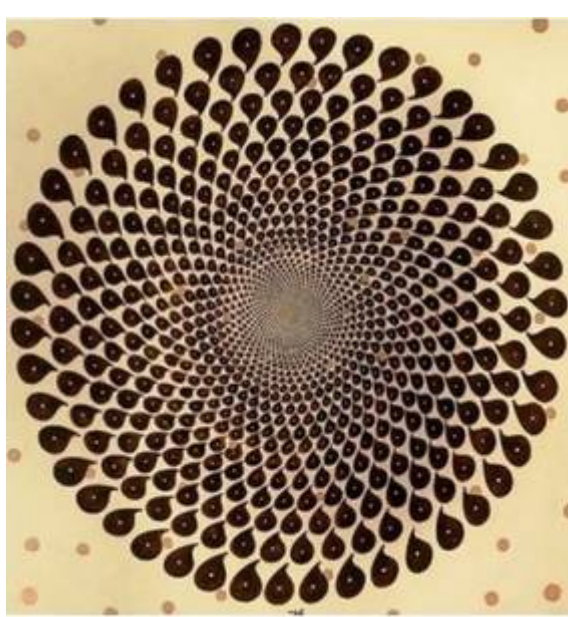
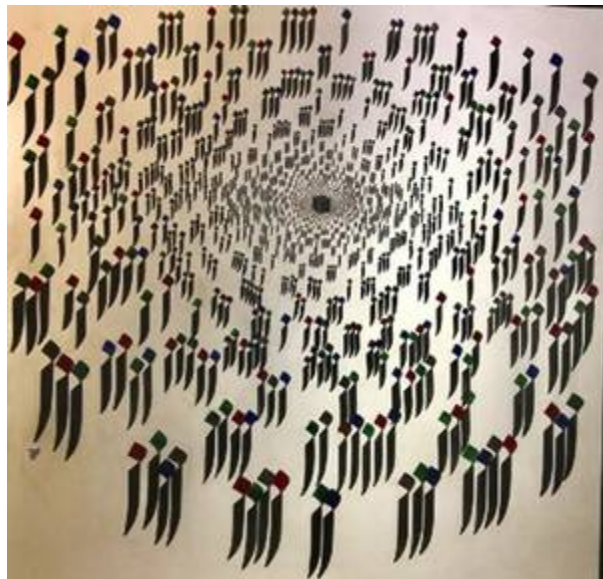
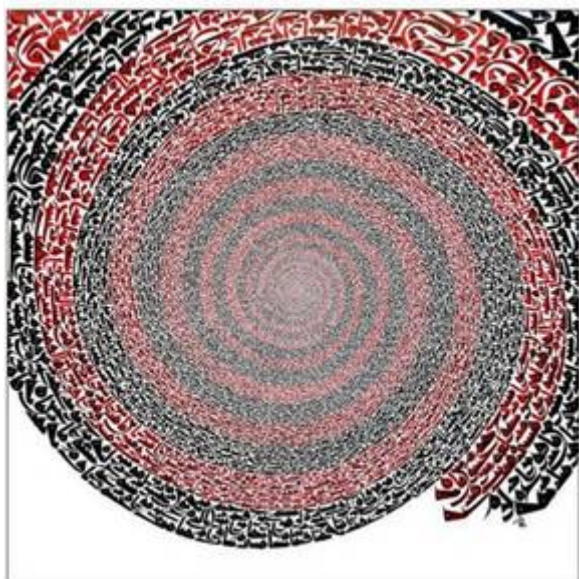
رخدادها

- ساتبیز دبی، دبی ۱۳۹۷
- آرت فر آنکارا، آنکارا ۱۳۹۶
- بونامز لندن، لندن ۱۳۹۴.
- بزرگان نقاشی خط، خانه هنرمندان، تهران ۱۳۹۳.
- مستریس لندن، گالری محتشمی، لندن ۱۳۹۳
- آلترناتیو کالیگرافی ۲، آرت فر وین، وین ۱۳۹۲.

کتاب‌شناسی

- زنان خوشنویس. نشر کلهر.
-





فاطمه حمادی



نام در زمان تولد فاطمه حمادی نصرآبادی

زاده ۱۲ بهمن ۱۳۶۷
سفیدشهر کاشان، ایران

شناخته شده برای نقاشی

فاطمه حمادی نصرآبادی (متولد ۱۲ بهمن ۱۳۶۷ در سفیدشهر کاشان) نقاش اهل ایران است. او به دلیل ناتوانی جسمی- حرکتی تصاویری از بازیکنان فوتبال را با پایش نقاشی کرده است.

او نمایشگاه‌هایی از آثارش در آران و بیدگل، کاشان و اصفهان برگزار کرده است. حساب رسمی لالیگا در توئیتر از او به خاطر آثارش تشکر کرد. از طرف اتحادیه فوتبال لالیگا به بهانه تشکر بابت نقاشی‌های او لباس رسمی رئال مادرید به فاطمه اهدا شد. پیج معروف چهار سه سه هم در پستی به فاطمه پرداخت و او را به عنوان هنرمند برتر معرفی کرد. لازم به ذکر است پیج چهار سه سه قبل از فاطمه تنها باشگاه پرشور ایران که به آن پرداخته بود و تحسین کرده بود باشگاه تراکتور تبریز بود.

فاطمه حمادی نصرآبادی متولد ۱۲ بهمن ۱۳۶۷ نقاش ایرانی اهل "سفیدشهر" شهرستان "آران و بیدگل" است. او که یک نقاش ماهر است که قادر است تصاویر چهره را به صورت بسیار زیبا نقاشی کند

او از بیماری معلولیت رنج می برد و تمام نقاشی ها را با دو انگشت پای خود می کشد. او به علت علاقه خود به فوتبال نقاشی بسیاری از چهره‌های معروف دنیای فوتبال را به تصویر کشیده است که با تحسین و تشکر بسیاری از اهالی فوتبال در سطح بین الملل روبرو شده است شاهکارهای فاطمه اکنون مدت هاست که مورد توجه رسانه های جهانی قرار گرفته است. از آن جایی که خانم حمادی به خاطر معلولیت امکان صحبت کردن طولانی را ندارد، مدیر برنامه وی "جواد بابایی" به همراه مادر محترم فاطمه طی مصاحبه ای تلفنی به سوالات گزارشگر اسپورتنیک پاسخ دادند

خانواده شما از چه سنی متوجه شدند که استعدادی در شما در زمینه نقاشی وجود دارد و از چه سنی نقاشی را شروع کردید؟

زمانی که به همراه خواهر خود به مدرسه میرفتم معلم سال اول ابتدایی متوجه شدند که استعداد نقاشی در من وجود دارد و از سن ۸ سالگی شروع به کشیدن نقاشی کردم اما به صورت حرفه ای در سال

۸۳ که ۱۶ سال داشتم زیر نظر یک استاد "بوجار" شروع به نقاشی کردم و کار حرفه ای من از آن زمان شروع شد

چه نمایشگاههایی تا به حال در ایران و سایر کشورها برگزار کرده اید؟

متأسفانه به دلیل مشکلات مالی قادر نبودم تا در کشورهای خارجی نمایشگاهی برگزار کنم اما در ایران در برج میلاد تهران و همچنین متروی تهران نمایشگاه های نقاشی ای برگزار کردم. از دیگر نمایشگاه های نقاشی من در خانه بروجرودی های شهر "کاشان" برگزار شده است. همچنین در کنار منزل خود نیز یک نمایشگاه دائمی بسیار بسیار کوچک برپا کرده ام که امیدوارم در آینده نزدیک در فضایی مناسب با کمک مدیر برنامه خود آقای "جواد بابایی" و همکاری دوستان آن را توسعه دهم

با توجه به استعداد بسیار حیرت انگیز شما آیا مسئولین به توسعه کار شما تا به حال کمکی کرده اند؟

متأسفانه خیر. اما به تازگی در سطح شورای شهر و منطقه کاشان کارهایی در دست اقدام هست که با همکاری شهردار محترم و اعضای شورا امیدواریم بتوانیم قدمی در توسعه نمایشگاه و گالری دائمی در فضایی مناسب برداریم

داستان تقدیر باشگاه لالیگا از شما چه بوده است؟

من علاقه زیادی به فوتبال دارم به طوری که حتی یکی از تیم های فوتبال شهر ما به نام "ذوالفقار" امسال به نام من نامگذاری شده است. این علاقه باعث شد تا چهره بسیاری از فوتبالیست های مطرح دنیا از جمله آقایان "رونالدو" و "مسی" را به تصویر بکشم. سپس با کمک دوستان به باشگاه لالیگا فرستادم. این اقدام با تقدیر و تحسین این باشگاه روبهرو شد و یکی از لباس های تیم رئال از طریق خود باشگاه لالیگا برای من ارسال شده است که بازتاب گسترده ای در سایت های ورزشی کل دنیا داشته است. همچنین آقای رونالدو نیز گفته است چنان که به ایران سفر کند حتماً شخصاً به دیدار من می آیند تا کارهای من را از نزدیک ببینند

آرزوی فاطمه به عنوان یک نقاش زبردست در ایران چیست؟

من آرزو دارم که بتوانم هم در ایران و هم در سطح بین المللی به همه مردم دنیا شناسانده شوم و بتوانم هنرم را در اختیار همه مردم دنیا بگذارم
از دیگر آرزوهای من داشتن گالری و کارگاه بسیار بزرگ است که بتوانم همه کارهایم را در آن به نمایش بگذارم. من دوست دارم آنقدر معروف شوم که هر کسی که به ایران می آید حتماً به دیدار من هم بیاید و از من و کارهایم هم دیدن کند. در نهایت دوست دارم جهانی شوم

به عنوان حسن ختام چه چیزی دوست دارید بگویید؟

من از استاد عزیزم آقای "رعیتی" که کمک بسیاری در جهت شکوفایی استعداد من کرده است تقدیر و تشکر می کنم. ایشان حق بزرگی به گردن من و خانواده ام و همه مردم شهر دارند که میخواستم از این فرصت استفاده کنم و تشکر نمایم.

صرفاً به خاطر چند لحظه دیر رسیدن اکسیژن نسبت به خواهر دوقلوی خود زهرا دچار معلولیت 80 درصدی شد، او تا مقطع ابتدایی با حمایت خواهر و مادرش توانست درس بخواند اما ادامه تحصیل بخاطر عدم همکاری مدرسه ناممکن شد
در سال 8 سالگی استعداد نقاشی کشیدن اش توسط خانم حلاجی معلم اش کشف شد اما بخاطر نبود امکانات این روند فاطمه تا سال 1382 و 15 سالگی ادامه دار بود
کلاس های نقاشی

در سال 1383 استاد سعید بوجار آرانی تدریس نقاشی به فاطمه را بر عهده گرفت و تا سال 1393 به مدت 10 سال بصورت حرفه ای او را با تعلیم داد

سپس از سال 93 به بعد فعالیت اش را زیر نظر استاد رعیتی ادامه داد تا اینکه از سال 94 شروع به کشیدن چهره های مشهوری چون علی دایی، علی پروین و امیر قلعه نویی کرد

از 3 سالگی از پاهای خود به جای دستانش استفاده می کرد بطوری که حالا علاوه بر نقاشی برای کار کردن با کامپیوتر و موبایل هم مشکلی ندارد

می گوید چهره هایی را که قصد طراحی آنها را دارم در تلفن همراهم ذخیره می کنم و از روی عکس، طراحی را انجام می دهم

او عاشق رنگ روشن، لباس و بدلیجات هم می باشد

تابستان 98 هم سلمان خان بازیگر مشهور بالیوود نیز در اینستاگرام خود با انتشار ویدیویی از فاطمه که در حال نقاشی چهره اوست نوشت :

خداوند نگهدار تو باشد، نمیتوانم این عشق را جبران کنم، اما دعا میکنم با عشقی فراوان

عضو افتخاری سازمان ملل

پروفسور یونگ هون کواک رئیس سازمان شهروندان جهانی نیز در سفر خود به ایران به دیدار فاطمه رفت و او را به عضویت افتخاری سازمان ملل درآورد

من معلول نیستم

فاطمه می گوید من معلول نیستم، معلول اونیکه لحظه ها رو ثبت نمی کنه

فوت خواهر دوقلو

پاییز 97 زهرا خواهر دوقلوی فاطمه که متاهل و یک بچه هم داشت بدون علت قبلی و یا بیماری بعد از خواب دیگر بلند نشد و به رحمت خدا رفت

ارتباط با فاطمه

خانم حمای حالا در اینستاگرام صدها هزار فالوور دارد که کارهایش را دنبال می کنند، اکانت رسمی را می توانید فالوو کنید @fatemehamami ایشان در اینستاگرام







فرح اصولی



زاده ۱۳۳۲ زنجان

پیشه نقاش

همسر خسرو سینایی

فرزندان سام آما

<http://www.farahossouli.com>

وبگاه

فرح اصولی (زاده ۱۳۳۲) نقاش معاصر ایرانی است. سبک نقاشی‌های فرح اصولی ترکیبی از نقاشی مدرن و مینیاتور ایرانیست. مضمون کارهای این نقاش برگرفته از مسائل اجتماعی زنان، اشعار و ادبیات فارسی و تاریخ هنر ایران و جهان است. آثاری از فرح اصولی در مجموعه موزه متروپولیتن نیویورک، موزه هنر مدرن لوس آنجلس و موزه هنرهای معاصر تهران نگهداری می‌شوند.

او از طرف مادرش نبیره حاج میر بهاءالدین زنجان است که از تجار و خیرین شهر زنجان در دوره قاجار بوده است.

تحصیلات و فعالیت حرفه ای

فرح اصولی دیپلم نقاشی را از هنرستان زیبای دختران و لیسانس گرافیک را ۱۳۵۶ از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران دریافت کرد. شرکت در نمایشگاه‌های گروهی و انفرادی، تدریس، تصویرسازی کتاب‌های کودکان و دبیری جشنواره‌ها و دوسالانه‌های نقاشی (دوسالانه ششم تهران ۱۳۸۲) از جمله سوابق فعالیت‌های اوست.

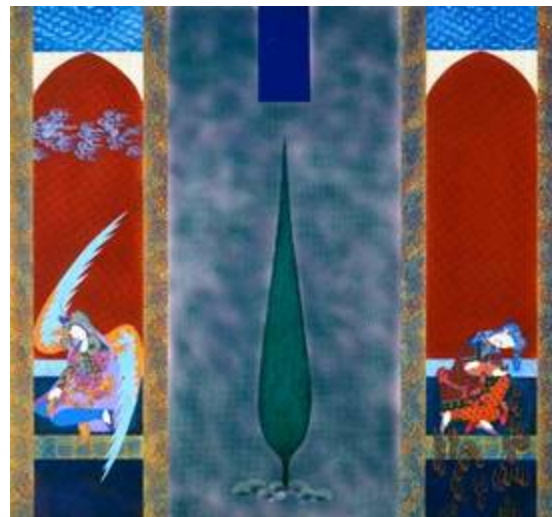
بیوگرافی

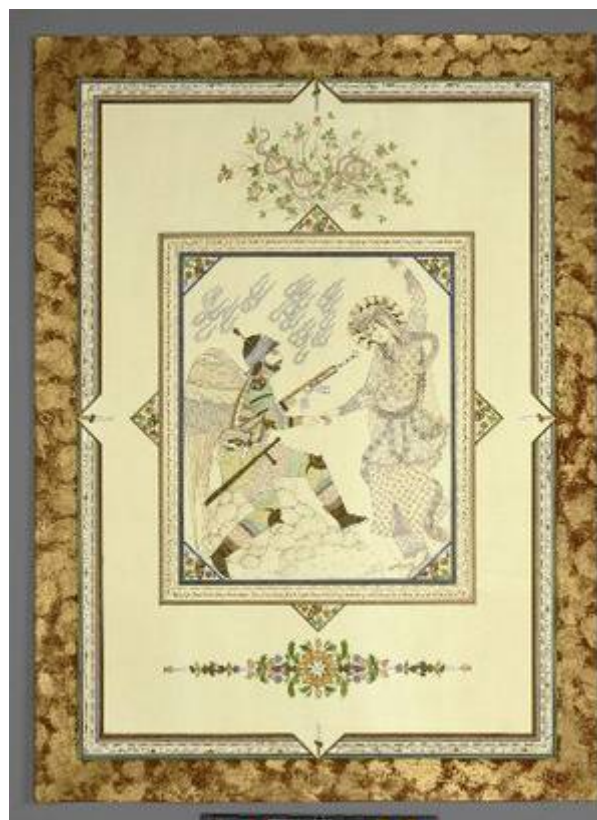
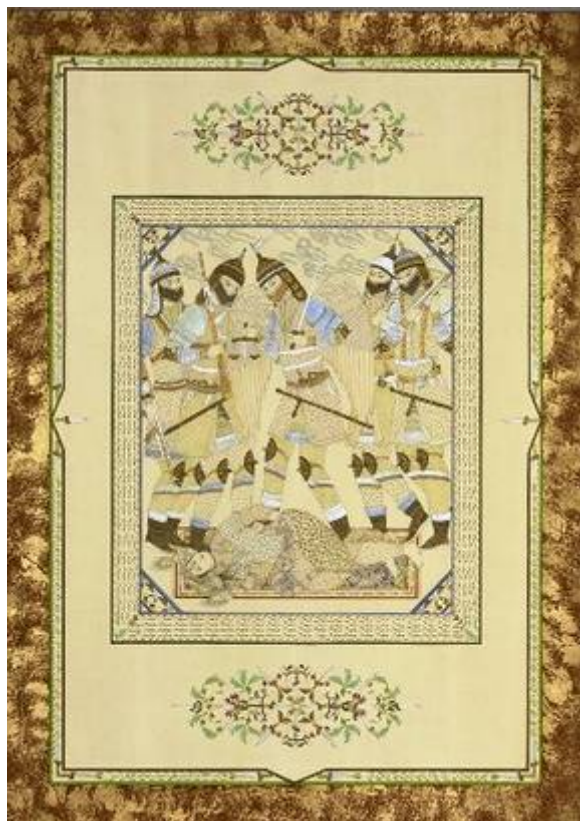
فرح اصولی نقاش معاصر ایرانی است. در دوره به کارهای گرافیکی و فیلم سازی و بازیگری پرداخته است. در نقاشی هایش تقسیم بندی فضا با اهمیت و فضاهای رنگی خود را با الهام از گلیم و گبه با ایر برایش ترسیم می کند. اسلوب نقاشی های اصولی ترکیبی از نقاشی مدرن و مینیاتور ایرانی است. مضمون کارهای این نقاش نیز برگرفته از مسائل اجتماعی زنان، اشعار و ادبیات فارسی، تاریخ هنر

و جنگ ایران است. یک دوره ی کاری او با الهام از نگارگری دوران صفوی می باشد که خصوصیات آن رنگ کم و دورگیری است. دوره ی دیگر کاری او بر گرفته از نقاشی های معروف جهان است با فضایی پررنگ تر اصولی موفق به دریافت جوایز گوناگون نیز شده است از جمله: برنده ی جایزه در نمایشگاه آیینه در آیینه، تهران ۱۳۷۶، برنده جایزه زنان شناخته شده ی ایرانی، تهران، ایران، ۱۳۷۹ و برنده ی جایزه ی هنرمندان زن ایرانی، تهران، ایران ۱۳۸۱. او تاکنون نمایشگاه های گروهی و انفرادی بسیاری در داخل و خارج از کشور برگزار کرده است.

نمایشگاه های انفرادی

- ۱۳۶۳ نمایشگاه انفرادی، استدیو خصوصی، تهران
- ۱۳۶۸ نمایشگاه انفرادی، گالری سیحون، تهران
- ۱۳۸۴ نمایشگاه انفرادی، موزه لودویگ، کولننتس، آلمان
- ۱۳۹۳ نمایشگاه انفرادی، گالری شیرین، نیویورک، آمریکا
- ۱۳۹۸ نمایشگاه انفرادی، «جاری در زمان»، پروژه های 009821، تهران
- ۱۳۹۸ نمایشگاه انفرادی، «مه و خورشید»، گالری شیرین، تهران
- ۱۳۹۸ نمایشگاه انفرادی، «مه و خورشید»، نگارخانه سروناز، شیراز







فرح نوتاش



(متولد ۱۳۲۰) نگارگر، تندیس‌ساز، سفال‌گر و آبگینه‌کار هنری.

زندگی‌نامه

او زاده تهران ست و آذری. در نوباوگی هنگامیکه هنوز بیش از دو سال و اندی نداشت مادر خود را از دست داد و شاید که از این بی‌مادری دخترک خردسال بسوی هنر کشیده شد. نخست او با گل باغچه از ریخت‌هایی که روزمره در هر سوی خویش می‌دید تندیس‌های کودکانه می‌ساخت و رفته رفته به نگاره‌گری و آواز و دست افشانی نیز روی آورد.

فرح در سال ۱۳۴۶ رهسپار لندن می‌شود و در هنر کده سرجان کاس به فراگیری چم‌های هنری می‌پردازد. سپس در سال ۱۳۵۳ آموزش خود را نخست در دانشکده هنرهای اخن-المان و سرانجام در ۱۳۵۷ در دانشکده هنری فلورانس دنبال می‌کند.

نوتاش بدون هراس با ماته‌های گوناگون کار می‌کند. برای نمونه، او ماته‌هایی همچون چوب، سفال، برنز، گچ و سنگ را در تندیس‌هایش و آبرنگ، رنگ روغن و اکریلیک را در نگاره‌هایش، با هم افزایی هر چیز دیگر مانند آینه و سفال و دیگرگها، به کار می‌برد. و به هر بنیان، او هر ماته را با انگیزه زیباشناسی و اینکه چه نودی را به بیننده فرا می‌رساند، بر می‌گزیند.

در اندیش‌گری کارهایش پیرو شدا-نگاری همگانه‌گری social realist است. با این روی، پرده‌هایش از سبک‌های کهن تا سبک‌های نوآورانه دامنه دارند و پرده‌هایش گستره‌ای از دیدسارها landscapes، و چهره نگارها را می‌پوشاند. اگر چه او بیشتر با کارهای فراگسیخت abstract دهه ۱۳۵۰ خود شناخته می‌شود، که در این پرده‌ها او تن خویش را با رنگ می‌پوشاند و سپس بر پرده می‌چسباند. خوشبختانه او این سبک را که در اندک هنگام به بن بست رسید به کنار گذاشت و در دهه‌های پسین به اندیشارهای فرهوده مردمی روی آورد.

نمایشگاه‌ها

نمایشگاه نگاره‌های انفرادی

۱۳۴۵، در مسجد سلیمان. ۱۳۴۶، در لندن. ۱۳۴۷، نگارخانه سیحون. ۱۳۵۱، نگارخانه طباطبایی. ۱۳۵۱، انستیتو گوته تهران. ۱۳۵۴، نمایشگاه فردی-پاریس. ۱۳۵۶، نگارخانه تخت جمشید-تهران. ۱۳۵۷، انستیتو گوته تهران. ۱۳۵۸، دانشگاه زاهدان. ۱۳۶۰، کتابخانه دانشگاه تهران. ۱۳۷۳، نگارخانه حکیم نظامی. ۱۳۷۴، نگارخانه کیهان. ۱۳۷۷، به مناسبت روز جهانی زن.

نمایشگاه‌های گروهی

۱۳۴۸، موزه جدید ایران باستان. ۱۳۴۸، سه نمایشگاه جمعی - نگارخانه‌های تهران. ۱۳۵۰، نمایشگاه بین‌المللی موزه تیت نگارخانه-لندن. ۱۳۵۰، نمایشگاه بین‌المللی سرامیک - اوزاکا ۱۳۵۲، نمایشگاه نقاشی و مجسمه (برنز سرامیک) انسیتیو گوته تهران. ۱۳۵۳، فرانکفورت. ۱۳۵۴، اخن ودوسلدورف. ۱۳۶۱، موزه هنرهای معاصر تهران. ۱۳۶۱، اصفهان. ۱۳۷۳، بینال نقاشی در موزه ازادی. ۱۳۷۳، تجلی احساس در فرهنگسرای نیاوران. ۱۳۷۴، فرهنگسرای بهمن. ۱۳۷۴، فرهنگسرای جمشید. ۱۳۷۵، فرهنگسرای بهمن. زن و هنر (نقاشی)، فرهنگسرای بهمن.





فریده لاشایی



۱۳۲۳ رشت

زاده

۶ اسفند ۱۳۹۱ (۶۸ سال)
بیمارستان جم، تهران

درگذشت

روستای دربندسر واقع در
۵۰ کیلومتری تهران

آرامگاه

پیشینه علمی

نقاشی، نویسندگی و ترجمه

شاخه(ها)

فریده لاشایی (زاده ۱۳۲۳ خورشیدی - درگذشت ۶ اسفند ۱۳۹۱) نقاش نوگرای، نویسنده و مترجم ایرانی. او را به پرده‌های انتزاعی معاصرش می‌شناسند. مهمترین کتاب او رمان شال بامو است و از دیگر آثارش می‌توان به ترجمه «نجوای شبانه» ناتالیا گینزبورگ و «گل‌های هیروشیما» از ادیتا موریس اشاره کرد. ناصر تقوایی قصد داشت فیلمی درباره زندگی و آثار او بسازد که با فوت فریده لاشایی این پروژه متوقف شد.

زندگی‌نامه

وی در سال ۱۳۲۳ در شهر رشت متولد شده‌است. فریده لاشایی، در ده سالگی پیش پتگر کپی سازی می‌کرده‌است. بعد از چند ماه پیش وارطان کهدر خیابان منوچهری تابلو فروشی داشت، کار می‌کند. پس از تحصیلات دبیرستانی به آلمان سفر کرد و پس از گذراندن مدرسه مترجمی در مونیخ، به تحصیل در رشته هنرهای تزئینی در وین پرداخت. پس از اتمام این دوره مدت دو سال در کارخانه Reidel در تیرول، اتریش به طراحی کریستال پرداخت و برخی از طرح‌هایش در استودیو روزنتال روی گلدان‌های چینی پیاده شده‌است.

وارد شدن به تحصیلات هنر، و حشر و نشر پیدا کردن او با نقاشان و مجسمه سازان و صحنه آرایان، مصادف با انقلاب فرهنگی چین و بازتاب‌های گسترده آن در جهان و از جمله در مونیخ می‌گردد. نقاش جوان و دوستان فرهنگی اش در مسیر ورزش این طوفان هستند، ولی با آنکه نقاش چون دیگر جوانان پرشور نسلش به این اجتماعات دل بسته است، اما وقتی در خلوت خود می‌خواهد اثری

بیافریند، بازی آرام بودیستی قلم نگاران ژاپنی است که ذهن و قلم او را هدایت می‌کند، نه تصویر گری عینی رنج‌های فرودستان.

اسفند ۱۳۶۶ نمایشگاهی از کارهای تازه اش در گالری کلاسیک، برگزار می‌کند، که ادامه کارهای پیشین اوست با این تفاوت که رنگ‌ها شفافیت و سیلان و تنوع بیشتری یافته و در کنار سبز-آبی‌های او، که آسمان و دریا و سبزی‌نگی جنگل را بازتاب می‌داد، رنگ خاکی سفالینه‌ها نمادی از زمین و خاک و مادر آفریننده بر فضای تابلوها، بر بدنه سفال‌ها و گلدان‌ها دیده می‌شود.

نقاشی‌های فریده لاشایی را می‌توان نمونه‌ای از حضور هنر گذشته در هنر معاصر به‌شمار آورد. حضور همان سفسطه‌های اندوهناک طبیعت که از اواخر سده هفدهم در آثار نقاشان شمال اروپا چهره نمایاند.

حضور سنت کارکرد رسانه نقاشی که از روزگار سزان به این سو بر جسمانیت رنگ تأکید ورزیده است. حضور همان سنتی که بر خط و رنگ‌های به هم آمیخته و فرم‌های نامنتظر تأکید دارد و سرانجام، حضور سنت نقاشی خاور دور همه و همه در آثار لاشایی حس شدنی است و با این همه نگاه او به طبیعت نگاهی نو و امروزی است.

سازه نقاشی‌های لاشایی زمین و درخت و گل و گیاه و در یک‌کلام عناصر طبیعت است. زیان‌ش نیز کم و بیش سنتی است اما او این توان را دارد که به این زبان لهجه‌ای نو و روزآمد بدهد. نمی‌خواهد با این زبان گزارش و روایتی از جهان و طبیعت به دست دهد. نقاشی‌هایش نه تصویر ظاهری جهانی است که به چشم دیده می‌شود. نه ایماژ جهانی رؤیایی است. آنچه لاشایی به نمایش می‌گذارد یادگارهای نگاهی گذرا به چشم‌اندازهایی است که تنها با نیروی تصور می‌توان به آن‌ها دست یافته نا با خیال پردازی.



هدف لاشایی بر پرده آوردن ظاهر طبیعت به شیوه و روشی خاص نیست به نمایش بخش و برشی از طبیعت نیز نمی‌پردازد. با این همه اثرش نوعی ترجمان احساس طبیعت است. احساسی که سخت واقعی و بی‌خدشه جلوه می‌کند و شکل حضور نقاش در برابر طبیعت را به خود می‌گیرد. طبیعتی که لاشایی تصویر می‌کند اهمیتی متفاوتی دارد و بازتاب نوعی آگاهی درونی است. گوشه‌ای از یک چشم‌انداز کلی است که گویی در بی‌زمانی مطلق نقاشی شده‌است. طبیعتی که در پیوند با کشمکش‌های درونی انسان مطرح می‌شود و دست کار نقاشی است که حیرت‌زده در برابر بی‌کرانگی و غنای طبیعت، تمام تجربه‌های هنری خود را بر پرده می‌آورد تا مگر تصویرگر لحظات پادگریز آن باشد. منظره پردازی همیشه ادبی و روایی بوده‌است اما چشم‌اندازی که لاشایی به نیروی تصور خود به تصویر درمی‌آورد بی‌زمان و بی‌روایت است و جزئیات آن، همان گونه که خاطره چشم‌انداز محو می‌شود، در فضای پرده مستحیل می‌شود و مرزهای مشخص اشیاء و عناصر طبیعت از میان می‌رود.

حتی هنگامی که به رشد علف و گیاه و شوق رفتن و رهیدن می‌پردازد نیز سکوتی و همناک بر کارش سایه می‌افکند و انگار همه چیز خود را تسلیم ضرباهنگ مرگ‌آور زمان کرده‌است. از همین رهگذر

هم هست که گیاه زنده را در هیئت عنصری بی‌جان در یک اثر تجسمی نقاشی می‌کند. لاشایی هرگز سر آن ندارد که نگاه خود را بر جزئیات و عناصر طبیعت متمرکز کند، نمی‌خواهد بیازماید و محک بزند. می‌خواهد طبیعت را به صورتی مبهم و نمادین و به شکلی شاعرانه و حسی تصویر کند. می‌خواهد به سنت نقاشان چینی و خاور دور به گونه‌ای نقاشی کند که فضای چشم‌انداز هایش احساس شود. با درهم آمیختن و درهم دواندن رنگ. تصویری سیال از طبیعت به دست می‌دهد و چشم‌اندازی نقاشی می‌کند که در آن ردپای چندان از نشانه‌های آشنا و تعارف طبیعت دیده نمی‌شود اما احساس طبیعت و نشانه‌های ساختن و انهدام مداوم و نیروی درونی آن حس شدنی است.

در نقاشی‌های لاشایی احساس کولی‌وار بی‌آنکه به پذیرش فرمی خاص تن دهد در فضای پرده سرگردان است و گاه به گونه‌ای گذرا و پادگریز در فرم‌های گوناگون جلوه می‌کند تا حضور آن‌ها را توجیه کرده باشد. از همین رو در آثارش جاذبه‌ای وجود دارد که گاه به سبب هنر است و گاه به علت احساس یا آنچه امانوئل کانت آن را معادل زیبایی می‌نامد.

رمان شال بامو

«شال با مو» نوعی زندگینامه در قالب رمان و در خلال روایت زندگی است و گوشه‌ای از تاریخ سیاسی اجتماعی ما نیز در آن به چشم می‌خورد. در «شال بامو»، مروری بر تاریخ اجتماعی سیاسی ایران از زمان جنگ ایران و عراق و لالایی که راوی برای دخترش می‌خواند شروع می‌شود. در این کتاب روایت لاشایی درست مثل نقاشی‌هایش است که منتقدی درباره آن گفته بود: آنچه فریده لاشایی به نمایش می‌گذارد یادگارهای نگاهی گذرا به چشم‌اندازهایی است که تنها با نیروی تصویری توان به آنها دست یافته باشد نه با خیال پردازی.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: در دسته‌بندی‌هایی شرکت می‌کردیم که نهایتاً به قصد رسیدن به قدرت صورت گرفته بودو آگاه یا ناآگاه، دوستی‌ها و دشمنی‌ها هم برحسب این دسته‌بندی‌ها شکل می‌گرفت... به ذهن کسی در آن زمان خطور نمی‌کرد که در مرکز همه این غوغاها، روحیه‌ای خشن، متجاوز و مردسالارانه حکم فرماست و این همه سرپوشی است بر هزاران عقده ناگشوده. مثل همیشه، و در کجای تاریخ سرکوب گر سیاسی و اجتماعی ما جرات داشت به این چیزها بیندیشد؟

درگذشت

وی در پی یک دوره طولانی بیماری و به خاطر ابتلا به سرطان سرانجام در ساعت ۱۷ روز یکشنبه ششم اسفند ۱۳۹۱، در سن ۶۸ سالگی در بخش آی سی یو بیمارستان جم تهران درگذشت و در بندر تهران به خاک سپرده شد.

نمایشگاه‌های انفرادی

- ۱۳۴۶، میلان، ایتالیا، نگارخانه Duomo میلان
- ۱۳۴۷، سلب، آلمان، استودیوی روزنتال
- ۱۳۵۲، تهران، ایران، نگارخانه سیحون
- ۱۳۵۲، تهران، ایران، نگارخانه تهران
- ۱۳۵۵، تهران، ایران، نگارخانه تهران
- ۱۳۵۶، خوزستان، ایران، مرکز فرهنگی شرکت ملی نفت ایران
- ۱۳۶۲، بیکرز فیلد، آمریکا، نگارخانه کلارک
- ۱۳۶۶، بازل، سوئیس، نگارخانه Demenga
- ۱۳۶۶، لاولتا، مالتا، موزه ملی هنرهای زیبا
- ۱۳۶۶، تهران، ایران، نگارخانه کلاسیک

- ۱۳۶۶، تهران، ایران، نگارخانه گلستان
- ۱۳۶۷، دوسلدرف، آلمان، نگارخانه Libertas
- ۱۳۶۷، بازل، سوئیس، نگارخانه Demenga
- ۱۳۶۷، ماموت لیک، آمریکا، نگارخانه هنر
- ۱۳۶۹، برکلی، آمریکا، دانشگاه برکلی
- ۱۳۶۹، لندن، انگلستان، نگارخانه هیل
- ۱۳۷۱، تهران، ایران، نگارخانه گلستان
- ۱۳۷۲، دوسلدرف، آلمان، نگارخانه Am Hufeisen
- ۱۳۷۴، تهران، ایران، نگارخانه گلستان
- ۱۳۷۴، فرانسه، نگارخانه Noutse Henric
- ۱۳۷۵، تهران، ایران، نگارخانه گلستان
- ۱۳۷۶، فرانسه، نگارخانه Chateau de Lascours
- ۱۳۷۷، تهران، ایران، نگارخانه گلستان
- ۱۳۸۴، تهران، ایران، نگارخانه ماه
- ۱۳۹۴، تهران، ایران، موزه هنرهای معاصر

نمایشگاه‌های گروهی

- ۱۳۴۷، بلژیک، نمایشگاه بین‌المللی هنرمندان جوان
- ۱۳۵۰، تهران، ایران، نمایشگاه بین‌المللی تهران
- ۱۳۵۲، تهران، ایران، نمایشگاه بین‌المللی تهران
- ۱۳۵۴، تهران، ایران، انجمن ایران - آمریکا، چهار نقاش زن
- ۱۳۵۷، بازل، سوئیس، نمایشگاه بین‌الملل







فلورا فیض بخش



متولد ۱۳۳۵، ایران

تحصیلات

دریافت مدرک کارشناسی اقتصاد اجتماعی

بیوگرافی

فلورا فیض بخش نقاش و عضو انجمن هنرمندان نقاش ایران و همچنین مدرس نقاشی به کودکان و نوجوانان از سال ۱۳۷۵ است

نمایشگاه‌های انفرادی

گالری اعتماد، تهران، ایران ۱۳۹۹

گالری اعتماد، تهران، ایران ۱۳۹۲

گالری هما، تهران، ایران ۱۳۸۶

گالری گلستان، تهران، ایران ۱۳۸۴

گالری آریا، تهران، ایران ۱۳۸۱

گالری برگ، تهران، ایران ۱۳۸۰

گالری الهه، تهران، ایران ۱۳۷۸

گالری افروند، تهران، ایران ۱۳۷۶

گالری بامداد، تهران، ایران ۱۳۷۵

نمایشگاه‌های گروهی

، گالری خط سفید، تهران، ایران ۱۳۹۸

، آرتیبیشن، تهران، ایران ۱۳۹۷

، گالری کاما، لندن، انگلستان ۱۳۹۷

، گالری خط سفید، تهران، ایران ۱۳۹۷

، حراج بزرگ تهران، تهران، ایران ۱۳۹۷

، گالری خط سفید، تهران، ایران ۱۳۹۷

، گالری خط سفید، تهران، ایران ۱۳۹۷

، انجمن نقاشان ایران، تهران، ایران ۱۳۹۷

، فرهنگسرای نیاوران، تهران، ایران ۱۳۹۷

، حراج بزرگ تهران، تهران، ایران ۱۳۹۶

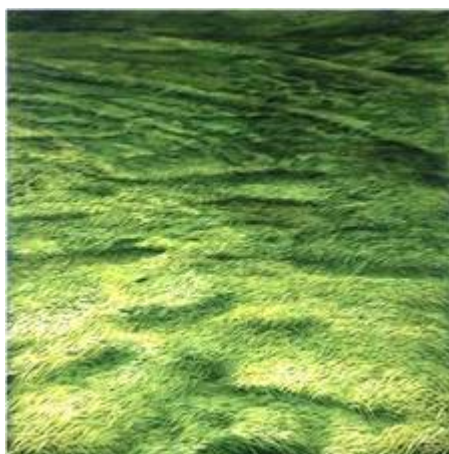
، انجمن نقاشان ایران، تهران، ایران ۱۳۹۳

، گالری پردیس ملت، تهران، ایران ۱۳۹۲

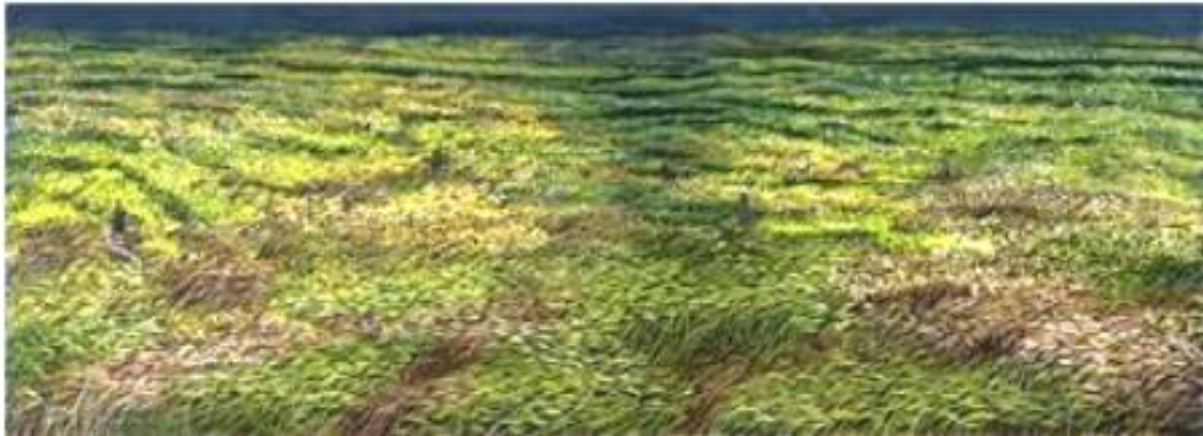
نمایشگاه گروهی زنان ایران، خانه هنرمندان، تهران، ایران ۱۳۹۲

نمایشگاه گروهی زنان نقاش ایران، گالری پردیس ملت، تهران، ایران ۱۳۹۱

- نمایشگاه گروهی ، خانه هنرمندان، تهران، ایران 1390
 نمایشگاه گروهی فرهنگسرای نیاوران، تهران، ایران 1389
 نمایشگاه گروهی ونیز، ایتالیا 2007
 نمایشگاه گروهی زنان نقاش معاصر ایران، تهران، ایران 1385
 نمایشگاه گروهی هنرمندان نقاش ایران، شمال، ایران 1384
 گالری سبک، تهران، ایران 1383
 گالری آریا، تهران، ایران 1382
 نمایشگاه گروهی هنرمندان نقاش ایران، زنجان، ایران 1382
 نگارخانه لاله، تهران، ایران 1382
 گالری آریا، تهران، ایران 1382
 خانه هنرمندان، تهران، ایران 1380
 موزه آزادی، با همکاری هانیبال الخاص، تهران، ایران 1378
 نمایشگاه جمعی ، اراک، ایران 1378
 گالری افزند، تهران، ایران 1378
 نمایشگاه گروهی ، استرالیا 1377
 گالری آفرینش لاله، با همکاری هانیبال الخاص، تهران، ایران 1377
 نمایشگاه طراحان معاصر، گالری افزند، تهران، ایران 1377
 گالری هفت ثمر، با همکاری هانیبال الخاص و فریمه تابعی، تهران، ایران 1377
 گالری افزند، با همکاری هانیبال الخاص، تهران، ایران 1376
 گالری افزند، با همکاری هانیبال الخاص، تهران، ایران 1375
 گالری آریا، با همکاری هانیبال الخاص، تهران، ایران 1374
 نمایشگاه آثار " فلورا فیض بخش " با عنوان " آفرینش چهارم " بهمن 1392









کلارا آبکار



زاده

۱۲۹۴ خورشیدی تهران

درگذشت

۱ فروردین ۱۳۷۵ تهران

علت درگذشت

در پی بیماری چند ماهه

آرامگاه

آرامستان بوراستان

پیشه

نگارگر

سبک

نگارگری، مینیاتور، تذهیب، تشعیرسازی، گرمچینی

همسر

ازدواج نکرد

کلارا آبکار (زاده ۱۲۹۴ – درگذشته ۱۳۷۵)، مینیاتورساز و تذهیب‌کار ارمنی‌تبار اهل ایران بود. کلارا آبکار هیچگاه آثار خود را به معرض فروش نگذاشت.

ابتدای زندگی

«کلارا آبکار هوانجانی» از خانواده نامی آبکاریان جلفای اصفهان بود. وی در سال ۱۹۱۶ میلادی (۱۲۹۴ شمسی) در تهران به دنیا آمد.

تحصیلات

در مدرسه ارامنه «داوتیان» (که بعدها کوشش نامیده شد) به تحصیل پرداخت. کلارا آبکار در دوران مدرسه، نقاشی را نزد مارکار قرابگیان (دو) و هاکوپ وارتانیان می‌آموزد.

زندگی هنری

در تهران نزد استاد محمد مهروان طراح بزرگ تمبر ایران، نگارگری ایرانی و مینیاتور را فرا گرفت.

بیماری و درگذشت

در آذرماه ۱۳۷۴ کلارا بیمار شد و در بیمارستان الوند که نزدیک منزلش بود بستری گردید. حدود ۳ ماه کلارا در بیمارستان الوند بود.

کلارا آبکار در بامداد اول فروردین ۱۳۷۵ برابر با ۲۰ مارس ۱۳۷۵ در بیمارستان آریا درگذشت. و در قبرستان آرامنه به خاک سپرده شد

آثار

مناظر اسب سواری، طبیعت بی جان، گل ها، آرامگاه خیام و عطار از سوژه های مورد علاقه این هنرمند برای کشیدن تابلوی مینیاتوری بود. آبکار همچنین در به تصویر کشیدن مجالس بزم تبحر داشت.

از تابلوهای معروف او می توان به «انوشیروان و بزرگمهر»، «شکار بهرام»، «یوسف و زلیخا»، «پیرزن و سلطان سنجر»، «مجلس شیخ صنعان»، «دختر ترسا»، «بزم» و «باده عشق» اشاره کرد. معروف ترین آثار آبکار عبارت اند از: انوشیروان و بزرگمهر، شکار بهرام، یوسف و زلیخا، پیرزن و سلطان سنجر و تاج پیمان (نگین کاری روی نقره). وی همچنین تابلوهای بسیاری در زمینه تذهیب دارد که تذهیب هشت ظلعی او با طرح بته جقه بسیار معروف است.

نمایشگاه ها

وی اولین نمایشگاه آثار خود را در سال ۱۳۶۷ در موزه هنرهای ملی ایران برگزار کرد

افتخارات

کلارا آبکار در زمان حیات خویش از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عنوان «استاد» را دریافت کرد.

////////////////////////////////////

تاریخ ایران و جهان به زندگی و سرنوشت چهره ها گره خورده است. هر یک خشتی گذاشته اند تا سقفی پدیدار شود؛ خشت هایی که گاه به قیمت زندگی و جان شان تمام شده است. در این معماری عظیم، زنان و مردان بسیاری نقش آفریده اند

از سوی دیگر، در تاریخ جهان بسیاری از زنان و مردان نیز به دلیل استعداد شگرف شان برای تخریب و نابودی ساخته های دیگران، «تأثیرگذار» نام گرفته اند. زنان ایرانی، نویسنده برگ های بسیاری از کتاب تاریخ ۲۰۰ سال اخیر ما بوده اند؛ چه به دلیل تأثیر مثبت بسیاری از آن ها در افزایش آگاهی عمومی، کاهش تبعیض علیه زنان، ارتقای سواد و موقعیت اجتماعی، مقابله با فشارهای مذهبی، مشارکت در پروژه های علمی، سیاست ورزی، موسیقی و سینما و چه به دلیل تأثیر بعضی از آن ها در تشویق به خشونت، گسترش جهل و جزم اندیشی و سوء استفاده از قدرت مالی و اقتصادی در جهت منافع خود. مجموعه «زنان تأثیرگذار» «ایران وایر» یک مقدمه است. افرادی که نام شان در این فهرست آمده است، نماینده برخی اقشار جامعه هستند که هر روز در ایران و کشورهای دیگر بر زندگی خانواده و اجتماع خود تأثیر می گذارند. بدیهی است که همه فعالیت ها و یا تمام افراد حاضر در این مجموعه مورد تأیید «ایران وایر» نیستند اما تأثیرگذاری هیچ یک از افراد این لیست را نمی شود کتمان کرد. این لیست، دومین سری سلسله بیوگرافی های زنان تأثیرگذار ایران است که به مرور تکمیل می شود. از مخاطبان «ایران وایر» درخواست داریم تا پیشنهادات خویش را برای غنای این مجموعه با ما در میان بگذارند.

۷۳ ساله بود که خانه شخصی‌اش را آموزشگاه نگارگری کرد و دو سال پس از آن موزه‌ای به نام او با آثارش در کاخ پیشین سعدآباد گشوده شد؛ زنی از ارمنی‌تباران جلفای اصفهان که ۱۳ آبان ۱۲۹۴ در تهران به دنیا آمد

کلارا آبکار هوانجانی» به نخستین زن نگارگر و مینیاتوریست ایرانی شهرت دارد و شگفت این که تا «پایان عمر هیچ یک از آثارش را به معرض فروش نگذاشت

والدین کلارا خیلی زود از استعداد او باخبر شدند. او تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه ارمنه «داوتیان» (که بعدها «کوشش» نامیده شد) به اتمام رساند. در کودکی ترجیح می‌داد با پول خود به جای خرید آنچه هم‌سن و سال‌هایش می‌پسندیدند برای مینیاتورها اشرافی بخرد. همین امر موجب شد بعدها در آثارش بسیاری چیزها آن‌قدر واقعی به نظر برسند که شگفتی بینندگان را به دنبال داشته باشند: «روی کاغذی سفید یک تکه پارچه ابریشمی قدیمی نقاشی کرده بودم. یکی از مهمانان هنرشناس از من پرسید: این نقاشی است یا پارچه واقعی؟ من برای آزمایش او گفتم پارچه است. و او دست را دراز کرد تا پارچه ابریشمی را لمس کند. همین شبهه برای وزیر فرهنگ و هنر وقت پیش آمده بود. او تصور کرد هبود نگین‌های فیروزه روی تصویر چپق واقعی هستند و با سرانگشت امتحان کرده بود

وقتی کلارا در دبیرستان بود معلم نقاشی‌اش بسیار او را تشویق کرد و به گفته خودش: «علاوه بر پدر و مادرم که خیلی زود به توانایی‌های من در زمینه نگارگری پی بردند، نقش معلمان دل‌سوز به خصوص معلم نقاشی‌ام، "مارکار قراگیان"، در پیشرفت من بسیار موثر بود.» مارکار قراگیان نقاشی که به یو تخلص داشت و شاعر ارمنی‌تبار بود.

کلارا آبکار در سال ۱۳۱۹ در ۲۳ سالگی به هنرستان دخترانه رفت و نزد استادی همچون «هادی تجویدی»، نگارگر و نوازنده‌ای که مینیاتور ایرانی را پس از سه قرن وقفه و رکود به سبک و شیوه‌ای اصیل و سنتی برگردانده است و مکتبی نو در مینیاتور معاصر پایه‌گذاری کرد، هنر مینیاتور را آموخت. از اساتید دیگر این بانوی هنرمند می‌توان به «طاهر جوادزاده» در مینیاتور، «میرزا علی درودی» در آموزش تذهیب و «حسین کاشی‌تراش» در گره چینی نام برد

او درباره آموزش نزد استاد کاشی‌تراش گفته است: «نوعی از نقوش گره را در کتاب‌های هنری ارمنه دیده بودم. وقتی در مسیر طولانی دوران هنری با استاد عالی‌قدر، حسین کاشی‌تراش، با آن همه نبوغ آشنا شدم، حیف آمد که از دریای معرفتش قطره‌ای برنگیرم. بدین‌ترتیب، نزد ایشان شروع به آموختن هنر گرهمچینی یا گره‌سازی (نقش و نگار روی کاشی و چوب) نمودم که الحق کاری بس مشکل و وقت‌گیر بود

این زن هنرمند ایرانی سه سال پس از ورود به هنرستان موفق شد گواهینامه درجه یک مینیاتور را دریافت کند و به هنرستان عالی وارد شود. آبکار به نگارگری ایرانی (مینیاتور)، تذهیب، تشعیرسازی، گرهمچینی و نقاشی زیرلاکی مسلط بود. «پوران فرخزاد» که خود از زنان شناخته شده معاصر ایران است در کتاب «کارنامه زنان کارای ایران» گفته است که کلارا آبکار در زندگی خود بیش از ۳۰۰ اثر هنری ماندگار به جا گذاشت که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به سه اثر «مجلس شیخ صنعان»، «دختر ترسا» و تابلویی از «یوسف و زلیخا» که روی عاج نقاشی شده است، اشاره کرد

تشعیرسازی که به آن تشعیراندازی هم گفته می‌شود، یکی از شیوه‌های نگارگری کتاب و مرقع است. گرهمچینی هم یکی از شاخه‌های معماری و کاشی‌کاری سنتی است که علاوه بر معماری در صنایع چوب رواج دارد

کلارا آبکار چهل ساله بود که پس از ۱۴ سال کار و آموزش به استخدام «دانشکده هنرهای زیبا» درآمد و سه سال بعد در سال ۱۳۳۷ که تحصیلات در رشته‌های هنرهای زیبا معادل مدرک لیسانس ارزش‌یابی شد، موفق به کسب مدرک لیسانس خود شد.

یکی از ویژگی‌های بارز آثار این هنرمند توانا استفاده از چهره زنان است که به شیوه قلم‌زنی کار می‌شدند. در تابلوهای او از رنگ‌هایی با طیف‌های متنوع و اغلب سفید، سبز، زرد، قهوه‌ای و ارغوانی با زمینه سیاه استفاده شده است.

آبکار تابلوهای زیادی در زمینه تذهیب دارد که تذهیب هشت‌ضلعی او با طرح بته جقه از همه شهرتر است.

سال ۱۳۵۶ کلارا بازنشسته شد، اگر چه بر این باور بود که: «برای هنرمندان نباید بازنشستگی وجود داشته باشد، زیرا درست در زمانی که یک هنرمند با دنیایی از تجربه و ذوق در اوج شکوفایی می‌تواند» به آفرینش هنری پردازد، ابلاغ خانه‌نشینی به او می‌دهند.

در سال ۱۳۶۷ وقتی که در آستانه ۷۳ سالگی بود از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درجه استادی در رشته‌ی مینیاتور را که معادل دکترای هنری بود، دریافت کرد. در همان روزها تصمیم گرفت به خاطر عشق به فرهنگ و هنر منزل مسکونی خود را برای کلاس آموزشی تقدیم کند؛ جایی که به نوعی نمایشگاهی از آثارش نیز به حساب می‌آمد.

در نهایت هم منزل و کلیه آثار هنری خود را به «سازمان میراث فرهنگی» اهدا کرد.

در ۲۹ اردیبهشت سال ۱۳۷۳ و هم‌زمان با روز جهانی موزه مجموعه آثار این بانوی هنرمند در «کاخ موزه‌های سعدآباد» افتتاح شد. بنای موزه مینیاتور آبکار یکی از ساختمان‌های نه چندان قدیمی مجموعه کاخ سعدآباد است.

از دستاوردهای بین‌المللی این مینیاتوریست برجسته می‌توان به طراحی سیمرغ او اشاره کرد که موفق شد برای آن جایزه «کارل کروپ» را از آن خود کند.

او علی‌رغم نیاز مالی هیچ‌گاه آثارش را در معرض فروش قرار نداد و پاسخش در برابر کسانی که به «اصرار قصد خرید آثارش را داشتند، این بود: «مگر شما می‌توانید فرزندان‌تان را بفروشید؟»

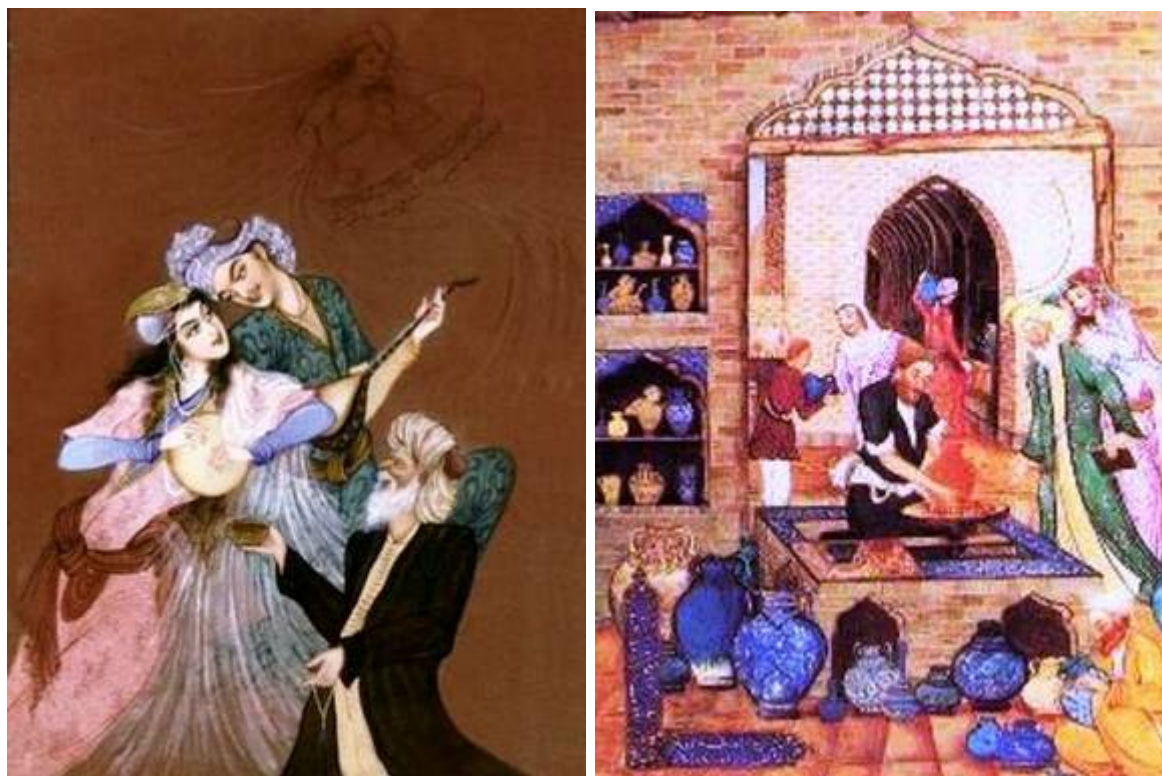
به باور او مینیاتور از روزی که روانه بازار شد ارزشش را از دست داد و دلالتان به این افت ارزش دامن زدند: «آنان برای سودجویی و فروش تابلوهای مینیاتور در دیگر کشورها جوانان هنرمند را وادار می‌کردند که شتاب‌زده مینیاتورهایی بکشند که فاقد هرگونه ارزش هنری بودند. حالا نقاشی کردن آسان است. می‌توان رنگ‌های بسیاری مانند "گواش" به کار برد. ولی ما با همان روش‌هایی که از اعماق قرون به ما رسیده بود نقاشی می‌کردیم. رنگ را از ساییدن شن‌گرف به دست می‌آوردیم و یا مثلاً رنگ سفید را از سرب به دست می‌آوردیم. رنگ طلایی را از "اشرفی" تهیه می‌کردیم که به دلیل سختی، آن را لای پوست آهو می‌گذاشتند و ۴۰۰۰ ضربه بر آن می‌نواختند. کارگران دایره‌وار می‌نشستند و هر یک از آنان ۵۰ ضربه به اشرفی می‌زد و آن را به دیگری می‌سپرد. پس از ۴۰۰۰ ضربه طلا مانند کاغذ نازک می‌شد و مورد استفاده قرار می‌گرفت. امروزه این سنت‌ها منسوخ شده‌اند. زرورق‌های آماده درجه دوم جایگزین ورق اشرفی شده‌اند که آن‌ها نیز نایاب هستند. امروزه حتی ماده «مهمی چون موم نیز که در آخر کار بر روی تابلوی نقاشی می‌زدیم یافت نمی‌شود»

این بانوی هنرمند ایرانی در اول فروردین سال ۱۳۷۵ پس از یک دوره بیماری و در سن ۸۱ سالگی درگذشت و در «قبرستان ارامنه تهران» به خاک سپرده شد.



آرامگاه کلارا آبکار در گورستان بوارستان







گلناز فتحی



متولد تهران، ایران. 1351

(همه نمایشگاه‌ها (۱۰۲) تحصیلات (۲) جایزه‌ها (۵) آرت فر (۸) بی‌ینال (۳)

1370

دوسالانه‌ی نقاشی ایرانی در موزه‌ی هنرهای معاصر تهران، ایران 1372

برنده‌ی دیپلم افتخار از نمایشگاه طراحی و نقاشی 1372

برنده‌ی دیپلم افتخار از نمایشگاه طراحی و نقاشی

دومین نمایشگاه نقاشی و مینیاتور در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران 1372

نمایشگاه دانشجویان دانشگاه هنر، موزه‌ی هنرهای معاصر، تهران 1373

نمایشگاه گروهی بانوان، ترکیه 1373

برنده‌ی جایزه‌ی بهترین خوشنویس زن در خط کتابت، انجمن خوشنویسان ایران، تهران 1374

دریافت مدرک کارشناسی هنر در رشته‌ی گرافیک، دانشگاه آزاد هنر، تهران 1374

نمایشگاه گروهی، دومین رقابت هنری دانشجویان، موزه‌ی هنرهای معاصر تهران، تهران 1374

نمایشگاه دانشجویان هنر، موزه‌ی هنرهای معاصر، تهران 1374

تحصیل برای دریافت دیپلم خطاطی در جامعه‌ی خوشنویسان ایران 1375

نمایشگاه گروهی، جشنواره‌ی خطاطی در گالری سیحون، تهران 1375

نمایشگاه خطاطی گروهی، موزه‌ی رضا عباسی، تهران 1375

نمایشگاه گروهی، اولین جشنواره‌ی خطاطی دنیای اسلام، موزه‌ی هنرهای معاصر، تهران 1376

نمایشگاه گروهی، گالری سیحون، تهران 1376

نمایشگاه گروهی نقاشی، گالری سیحون، تهران 1377

1380

نمایشگاه گروهی، «ده نقاش زن ایرانی»، بروکسل 1380

نمایشگاه گروهی نقاشی، گالری گلستان، تهران 1380

نمایشگاه گروهی نقاشی، گالری کورت یارد، دبی 1380

نمایشگاه گروهی نقاشی، انجمن مریدین، واشینگتن 1380

نمایشگاه گروهی، خانه کتاب، بروکسل 1380

نمایشگاه گروهی، تالار شهر سن-ژیل، بلژیک 1380

نمایشگاه گروهی، گالری گلستان، تهران 1381

نمایشگاه گروهی، گالری دُن املونی، لس آنجلس 1381

نمایشگاه گروهی، «هنر نوی ایران»، موزه‌ی هنر جنوب شرق، تگزاس 1381

نمایشگاه گروهی، «هنر نوی ایران»، گالری کتابخانه‌ی کوئین، شهر نیویورک 1381

نمایشگاه انفرادی، گالری گلستان، تهران 1381

نمایشگاه گروهی، گالری برج ویلیامز، هیوستون 1382

نمایشگاه گروهی، ششمین دوره‌ی دوسالانه‌ی نقاشی‌های معاصر تهران، موزه‌ی هنرهای 1382
معاصر، تهران

نمایشگاه گروهی، مدرسه‌ی ایتالیایی تهران، ایران 1382

نمایشگاه گروهی، کلوپ هنرهای ملی، نیویورک 1382

1390

برنده‌ی جایزه‌ی «یانگ گلوبال لیدر» از وُرد اکانامیک فروم، ژنو، سوئیس 1390

آرت فر هنگ کونگ، نمایش داده شده توسط گالری پرل لم فاین آرت، چین 1390

نمایشگاه گروهی، «تصاویر نوشته‌شده: خوشنویسی معاصر خاورمیانه»، گالری سان‌درام 1390
تاگور، نیویورک

نمایشگاه گروهی، «هنر نوشتن»، انجمن هنر ویس‌بادین، آلمان 1390

نمایشگاه گروهی، «ترا-آوانگارد: هنر معاصر از سرتاسر جهان»، گالری اکتبر، لندن 1390

هنرمند مهمان، «آرت کمپوس»، کارخانه‌ی ظروف چینی مایسن، آلمان 1391

نمایشگاه گروهی، «نگاه جایگزین: سه نسل از زنان ایرانی»، گالری ملت، تهران 1391

نمایشگاه گروهی، «تصاویر نوشته‌شده: خوشنویسی معاصر خاورمیانه»، گالری سان‌درام 1391
تاگور، هنگ کنگ

نمایشگاه گروهی، «نیمه‌ی دیگر ایران»، گالری سیم‌آرت، موناکو 1391

نمایشگاه گروهی، «داستان‌های جهانی - صداهاى جهان»، موزه‌ی برایتون، انگلستان 1391

نمایشگاه گروهی، «اساتید ترا-آوانگارد»، گالری اکتبر، لندن 1391

نمایشگاه گروهی، «فیل در تاریکی»، بنیاد هنر دوی، دهلی نو، هندوستان 1391

نمایشگاه انفرادی، «جاده‌ی زنده»، توسط گالری پرل لم فاین آرت، شانگهای 1392

1400

آرت فر، آرت دبی، نمایش داده شده توسط گالری خاک، دبی 1400

=====

گفتگو با هنرمند دارنده نشان نخبگان زیر 40 سال دنیا/
گلناز فتحی: ناراحت‌م نقاشان جوان ما جهان را تاریک می بینند



او 9 سال است در تهران نمایشگاه نداشته اما می گوید بسیار شلوغ است: هنگ کنگ، شانگ های، لندن، نیویورک، سنگاپور و دبی نمایش انفرادی و گروهی بسیاری در اروپا و آمریکا و خاور دور برگزار کرده. موزه متروپولیتن، موزه بریتانیا (4 اثر)، موزه برایتن، موزه هنرهای معاصر هند، موزه سنگاپور، موزه مالزی و... اثری از او را به گنجینه شان اضافه کرده اند

گلناز فتحی در سال 1351 در تهران به دنیا آمد. او دارای مدرک کارشناسی طراحی گرافیک است و از انجمن خوشنویسان ایران نیز دیپلم دارد. این هنرمند برنده جایزه بهترین خوشنویس زن ایران در سال 1374 است و نمایشگاه های بسیاری از آثارش به صورت گروهی و انفرادی در داخل و خارج از کشور برگزار شده اند. گلناز فتحی جزو معدود زنانی است که در زمینه خطاطی و خوشنویسی به مقام استادی دست یافته است. او در سال های اخیر به واسطه زبان جدیدی که در نقاشی خط به وجود آورد در مجامع هنری بین المللی شناخته شده است.

در ادامه گفتگوی ایران آرت با این هنرمند را بخوانید.

خانم فتحی شما در ابتدای امر یک خوشنویس بودید و به صورت رسمی خودتان را در این عرصه معرفی کردید؟ اما به مرور زمان شما به سمت نقاشی تمایل پیدا کردید و خط و نقاشی در آثارتان توأمان شد و امروز می بینیم که دیگر تنها ردی از خط در آثار شما وجود دارد. این روند چگونه شکل گرفت؟

خانواده من یک خانواده خیلی هنری نبود ولی یادم می آید که پدرم یک روز به خانه آمد و کتاب خطی که از خیابان کریمخان خریده بود را به من و خواهرم نشان داد و گفت که ببینید خط خوش یک پرستیز است. ایشان گفت که خط خوش برگ برنده است و اگر خط خوش داشته باشید برای شما شخصیت قائل می شوند. بعدها متوجه شدم که آن کتاب خطی که پدرم خریده بود، کتاب میرزا غلامرضا اصفهانی بود. به هر حال پدرم خواست که ما را به انجمن خوشنویسانی که دایر بود ببرد تا حداقل دستخطمان خوب و خوانا شود. من آن زمان 13، 14 سال داشتم که بعد از هفته های اولیه کلاس های انجمن، شیفته خط شدم. آن اتفاق برای من یک آغاز بود و انگار که ناخودآگاه برایم یک دری باز شده بود. بعد از آن حدود 3 سال افتخار کار کردن با استاد عبدالله فرادی را داشتم و از ایشان خیلی چیزها یاد گرفتم.

استاد فرادی به من یاد داد که کار هنری یک نوع از خودگذشتگی می خواهد. بعضی وقت ها شما به چیزی علاقه دارید و آن علاقه شما سرکوب می شود و گاهی هم مثل اتفاقی که برای من افتاد، استاد فرادی عشقم به خط را شعله ور کرد. من روزانه 8 ساعت تمرین می کردم، به طوری که وقتی انگشتانم را باز می کردم، همه شان خشک شده بودند. یادم می آید که آن زمان اهل خانواده مرا صدا می زدند و من اصلاً نمی شنیدم، چون خوشنویسی مثل مدیتیشن است و آدم را به عالم ماوراء می برد.

مدتی بعد من در خط کتابت بین زنان ایران رتبه اول را کسب کردم و انجمن خوشنویسان حسابی مرا جدی گرفت. در تاریخ هنر خوشنویسی ایران هم هنرمند خوشنویس زن وجود ندارد و همین دلیلی می شد که من بیشتر تشویق شوم. علت آن که من گرافیک خواندم این بود که به تحصیل آکادمیک برای هنر ناب عقیده ای ندارم. من می ترسیدم که نقاشی را یاد بگیرم، بنابراین سعی می کردم که گرافیک را به عنوان یک فن بیاموزم. با این وجود، در زنگ تفریح های کلاس های انجمن برای خودم نقاشی می کردم. البته در نقاشی هم خود آموخته هستم و استاد و معلم خاصی نداشته ام. این اتفاقات ادامه داشت تا این که یک روز اساتید از جمله استاد فرادی که می دانست من نقاشی می کنم، گفتند که تو هم در نقاشی و گرافیک استعداد داری و هم در خط، ولی آدم نمی تواند همه را با هم انجام دهد و تو باید بین نقاشی و گرافیک و خط یک کدام را انتخاب کنی. آن ها به من گفتند که ترجیح می دهند خط را انتخاب کنم چون می دانند که در این زمینه موفق تر می شوم. من گفتم که اگر اجازه دهید فکرها را انجام بدهم و بعد تصمیم بگیرم.

در دوراهی انتخاب میان نقاشی و خوشنویسی سه چیز فکر مرا به خود مشغول کرده بود. نخست آن که خوشنویسی نیاز به تمرینات مداوم داشت و من باید در روز 8،7 ساعت تمرین می‌کردم که این 7،8 ساعت خیلی از زمان مرا می‌گرفت و دیگر نمی‌توانستم به کارهای دیگرم فکر کنم. از طرفی دیدم که در خوشنویسی سنتی هدف این است که خوشنویسان معاصر مثل میرعماد یا میرزا غلامرضا اصفهانی شوند، پس هیچ انتهای هیجان‌انگیزی برای خوشنویسی وجود نداشت و من اگر بهترین خطاط هم می‌شدم، تازه به میرعماد یا میرزا غلامرضا می‌رسیدم که حتی آن اتفاق هم نشدنی بود. این نگرش باعث شد که در ذهنم یک سوال به وجود بیاید؛ خوشنویسی صنعت است یا هنر؟

از طرفی من با مسئله عدم وجود نوآوری در خوشنویسی هم درگیر بودم چون معمولاً خوشنویسی سنتی اجازه نوآوری به آدم را نمی‌دهد و هنرمند در این زمینه دستش بسته است. آن زمان دوره سخت زندگی من بود چون من میان علایقی که داشتم باید یک کدام‌شان را کنار می‌گذاشتم و تمرکزم را می‌گذاشتم روی دیگری. روزی که می‌خواستم تصمیمم را به انجمن اعلام کنم، به انجمن رفتم و لبخندی که روی لب اساتیدم بود را گرفتم و گفتم که نقاشی را انتخاب کرده‌ام. انجمن به من گفت که موفق باشی ولی روزی را می‌بینیم که به سراغ خوشنویسی می‌آیی و دیگر دیر است. اساتید جوری با من رفتار کردند که گویی تصمیمم اشتباه بوده ولی برای من تا به حال روزی پیش نیامده که بگویم اشتباه کردم.

من عاشق فرم خط هستم و با دیدن هر فرم خطی اعم از لاتین، ژاپنی، چینی و... منقلب می‌شوم. مفهوم آخرین چیزی است که من می‌خواهم. همه خوشنویس‌ها هزاران بیت شعر حفظ هستند و من این‌طور نیستم. متأسفانه من شعرهای زیادی را حفظ نیستم چون حتی آن زمانی که شعرها را یادداشت می‌کردم تا حفظ شوم نیز حواسم به سربالایی یا سرپایینی خطها بود. از یک جایی به بعد تکلیفم را با خودم مشخص کردم و به این نتیجه رسیدم که نباید خوشنویس سنتی باشم چون قوانین خوشنویسی سنتی خفهام می‌کند. اما از آنجایی که بدون دانش نمی‌شود قانونی را شکست، باید آن را یاد می‌گرفتم و سپس شروع به دفرمه کردنش می‌کردم. وقتی یک نقاش از همان ابتدا می‌آید و می‌گوید که می‌خواهم آبستره کار کنم، معلوم است که اثر آبستره او بی‌هویت و تو خالی خواهد بود و هیچ ارزشی نخواهد داشت چون دست باید تعلیم ببیند، طراحی و آناتومی را یاد بگیرد و بعد آموخته‌هایش را تخریب کند. همه این تفرکات و اتفاقات آغازی شد بر شروع کار من در حوزه نقاشی خط.

بعد از این اولین نمایشگاه نقاشی‌ها را برپا کردید که به نظر می‌رسد بعد از آن حتی دوباره روند آثارتان دگرگون شد. چه اتفاقی در آن نمایشگاه رخداد که مسیر جدیدتری در نقاشی‌خط را پیش گرفتید؟

اولین نمایشگاه انفرادی‌ام را در سن 24 سالگی در گالری سیحون گذاشتم. آثار آن نمایشگاه را به سبک خودم با دست آزاد نوشتم. آن خط نقاشی‌ها به حدی واضح نبود که بشود آن‌ها را خواند. هر کسی که از من می‌پرسید چه نوشته‌ای، می‌گفتم که حافظ است. مثلاً بیت "صبح است ساقیا قندی پر شراب کن / دور فلک درنگ ندارد شتاب کن" را نوشته بودم که مخاطب از آن خوشش می‌آمد و با خواندن آن منقلب می‌شد. با این وجود، این تمام خواسته‌های من نبود و نمایشگاه اولم برگ برنده‌ام نشد. قدم بعدی‌ام پس از آن نمایشگاه این بود که اصلاً هیچ چیزی ننویسم تا وقتی که از من می‌پرسند چه نوشته‌ای، بگویم که هیچ. در واقع تابلوی من باید "هیچ" با مخاطب حرف می‌زد نه آن‌که معنای عمیق شعر حافظ او را تحت تأثیر قرار دهد. این نگرش یک چالش بزرگ در زندگی من بود که به موجب آن مدام خط را ورز می‌دادم.

زمانی که من خط نقاشی را شروع کردم، این خط نقاشی‌هایی که در 7،8 سال اخیر مد شده اصلاً مد نبود. من از روی عشق و علاقه به سراغ این کار رفتم و شروع کردم به کار کردن. در اواسط کارهای من مخصوصاً در این 10 سال اخیر، یک مرتبه خط نقاشی، مد شد. من از مد شدن هنر خیلی بدم می‌آید. هنر یک چیز اصیل است و هیچ چیز اصیلی نباید درگیر فشن شود. به هر حال من در طول این سال‌ها بارها این‌ور و آن‌ور رفتم و کار کردم. خیلی وقت‌ها با موسیقی کار می‌کردم و خیلی از کارهای

من با یک پرفورمنس شکل گرفت. آنجا بود که دیگر هیچ ردپای سنتی در کارم وجود نداشت. در واقع خط به فرمی رسیده بود که باید تصویری دیده می‌شد، نه به طور ادبی و نه با قوانین سنتی نقاشی.

شاید این نگرش موجب آن شد که آثارتان وجهی فرا ملی و بین‌المللی پیدا کند.

به نظرم هنرمند ابتدا باید در خاک کشور خودش کار کند و مورد پذیرش مردم خودش قرار بگیرد، سپس می‌تواند مرزها را بشکند و برود خاورمیانه و جاهای دیگر. من الان به غیر از منطقه اسکانندیناوی و استرالیا، در تمامی مناطق دیگر دنیا بیش از 120 نمایشگاه برپا کرده‌ام. به نظرم برپایی یک نمایشگاه بسته گریخته، خیلی بد است. من اعتقاد دارم که هنرمند باید با یک ایجنت کار کند تا تصمیماتش حساب شده باشد. امروز دنیا آنقدر بزرگ است که برای همه جا دارد. من وقتی رقابت‌های خبیثانه را در ایران می‌بینم، می‌گویم که افق دیدتان را گسترده‌تر کنید. دنیا بزرگ است و برای همه‌مان جا دارد، بنابراین دلیلی وجود ندارد که راه یکدیگر را ببندیم.

بازارهای مهم خاورمیانه، بیشتر حراج‌های جهانی، خیلی از آرتهای بین‌المللی و داخلی و حتی گالری‌های متعددی در داخل کشور به مقوله نقاشی خط می‌پردازند، به طوری که در کشور خودمان طی سال‌های اخیر دست کم صدها نمایشگاه نقاشی خط برگزار شد. به نظرم امروز برگزاری نمایشگاه نقاشی خط و خوشنویسی و حتی فروش آنها به طور حساب شده صورت می‌گیرد و استقبال از آن آگاهانه است؛ ولی از طرفی آنقدر روی نقاشی خط مانور داده شده که توجه همگان به سمت آن جلب شده و یک اتفاق بد هم آن را تهدید می‌کند. نکته‌ای که امروز نقاشی خط را تهدید می‌کند این است که نقاشی خط از حالت هنر خارج شده و به تولید انبوه برسد و شکل بازاری پیدا کند، کمالینکه تا حدودی این اتفاق هم افتاده است. نظر شما در این باره چیست؟

من چندی پیش در سنگاپور در منزل یکی از ایرانیان مقیم آنجا بودم که به من گفت بیا و کلکسیون مرا ببین. از درب اتاق که وارد شدم، گفتم این آثار برای آقای احصایی است؟ گفت نه، برای فلان خطاط است. من گفتم که چرا پول می‌دهید و اثر کپی می‌خرید؟ این کار در وهله اول خیانت به هنرمندی چون آقای احصایی است. آن فرد گفت که آثار آقای احصایی گران است. من گفتم بله همینطور است ولی ارزشش را دارد و خرید یک اثر گران به مراتب بهتر از خریدن یک اثر کپی و بی‌ارزش است. آکشن (حراجی) در همه جای دنیا هست و ارزش خود را دارد. آکشن چیزی نیست که شما بتوانید با آن ارزش یک اثر هنری را اعتبارسنجی کنید.

آکشن برای خاورمیانه یک مقوله جدید است. من وقتی دیدم که می‌آیند اثرم را امروز در نمایشگاه می‌خرند و 4 ماه دیگر در حراجی می‌گذارند، متوجه شدم که وضعیت مارکت ما خراب است. الان با خریدار قراردادی بسته می‌شود و مثلاً گالری می‌گوید که شما تا 5 سال آینده حق گذاشتن فلان اثر را در آکشن ندارید. من یک مدت همه آثارم به فروش می‌رفت و این اتفاق مرا خیلی می‌ترساند. مدتی بعد کار به جایی رسید که دیگر اثری نداشتم به گالری‌ها بدهم و آن‌ها فکر می‌کردند که نمی‌خواهم به گالری همکاری کنم، در حالی که این‌طور نبود و همه آثار مرا می‌خریدند. گالری‌دارها از دست من ناراحت شده بودند و من دیگر گفتم که تماس نگیرید چون اثری برای فروش ندارم. آن زمان فهمیدم که باید درها را بست، چون دیدم حجم کاری که دارد از دستم می‌رود و به فروش می‌رسد، معنا ندارد. از این ترسیده بودم که به یک هنرمند بازاری تبدیل شوم و پول مرا گول بزند. من نمی‌خواستم که تولیدم را بالا ببرم و کیفیت کارم پایین بیاید، بنابراین تصمیم گرفتم که درهای پیش رو را ببندم. آن زمان بخش مادی خطاطی را کنار گذاشته و در داخل کشور واقعاً غیب شدم و تمرکزم را روی فعالیت‌های خارج از ایران گذاشتم.

در سطح اول هنر تجسمی در دنیا، هنرمندان تحت حمایت گالری‌دارها هستند و به خوبی محافظت می‌شوند ولی اگر ببیند که هنرمند ضعیف کار می‌کند و نوآوری ندارد، او را ننگه نمی‌دارند چون افراد دیگری هم هستند که در این عرصه فعال‌اند و می‌خواهند کار کنند. هنر اروپا و آمریکا قبل‌تر این راه‌ها را رفته و چنین اتفاقاتی در آن حل شده است. در آنجا وقتی یک نفر اثری را از گالری می‌خرد،

گالری‌دار مطمئناً به او گوش‌زد می‌کند که آن اثر را به آکشن نبرد. البته من ضد آکشن نیستم و معتقدم که آکشن هم باید باشد و کار خودش را انجام دهد. آکشن خیلی هم برای ایران مفید بوده است. قبلاً در ایران هنرمند جایگاه آن‌چنانی نداشت ولی الان همه متوجه شدند که هنرمند یک آدم محترم و متخصص است ولی این‌که بگویند فلان هنرمند در فلان حراجی آنقدر فروخت برای من یک جور بی‌احترامی محسوب می‌شود و منزلت او را پایین می‌آورد. آرت‌فر هم همین شرایط را دارد و در هیچ کجای دنیا به عنوان بخشی از رزومه یک هنرمند محسوب نمی‌شود چون مارکت است. آرت‌فر و آکشن هدفشان فروش است و هیچ بدی هم ندارد ولی به عنوان رزومه هنری هنرمند نمی‌آیند.

وقتی اثری وارد آرت‌فر و یا حراج می‌شود، دیگر هیچ چیزی به هنرمند ربطی ندارد...

دقیقاً. من از رفتن به آرت‌فرها بر حذرم چون آرت‌فر جای هنرمند نیست و آن‌چه هنرمند نباید ببیند را در آن‌جا می‌بیند. آرت‌فر جای گالری‌دار است و حضور در آن‌جا وظیفه هنرمند نیست. به نظرم سخت‌گیرترین فرد به کار هنرمند باید خود آن هنرمند باشد. خود او باید کارش را محک بزند. به نظرم اثر کپی و تکراری اصلاً ارزش ندارد. وقتی که سن یک نفر رشد می‌کند و تغییر می‌یابد، باید در کار او هم تغییراتی صورت بگیرد، نه آن‌که یک فرد بیاید و آثار 10 یا 20 سال پیش خودش را تکرار کرده و یا آثار هنرمندی دیگر را کپی کند. به اعتقاد من تکرار کردن، مرگ هنری یک هنرمند است.

البته تغییر کردن هم جرأت می‌خواهد که خیلی‌ها این جرأت را ندارند.

کاملاً موافقم. تغییر دادن مسیر هنری خیلی جرأت می‌خواهد ولی هنرمند باید سعی کند این جرأت را داشته باشد چون در غیر این صورت ممکن است که یک روز به خودش بیاید و متوجه شود که تمام عمر کپی کرده و اثر تکراری کشیده است. به نظرم اگر یک هنرمند کار خودش را به بهترین نحو ممکن انجام دهد و اثرش کیفیت لازم را داشته باشد، حتی اگر اکنون شناخته شده نباشد، یک روزی حتماً دیده می‌شود و اثرش به جایگاهی که لازم است می‌رسد.

نظرتان چرا بعد اقتصادی نقاشی‌خط و خوشنویسی تا به این اندازه مهم شده است؟ آیا دلیلش صرفاً درخواست مخاطب است یا دلیل دیگری دارد؟ این را بدین خاطر می‌گویم که آن‌چه در مورد وجود نمونه کپی آثار آقای احصایی در سنگاپور گفتید، در شهر تهران هم به تعدد اتفاق می‌افتد و حتی عده‌ای که مدعی نوآوری هستند نیز کپی می‌کنند و در تکرار آثار خودشان مانده‌اند.

ببینید مردم همه آگاهند و هیچ کسی را نمی‌شود با آثار تکراری گول زد. آن‌چه که گزیده است ارزش دارد نه اثری که در هر گالری بروید نمونه آن را به وفور ببینید. من اصلاً دلم نمی‌خواهد دست دوم کارم را بزنند. خلق کردن و نوآوری کار خیلی سختی است و شاید به خاطر آن‌ست که عده‌ای فقط کپی می‌کنند ولی این کپی صحیح نیست و به کار هنرمند مؤلف هم که اثرش کپی شده لطمه می‌زند.

من افتخار یک پرفورمنس مشترک و زنده با یکی از بزرگ‌ترین اساتید خوشنویسی مدرن و سنتی در چین را داشته‌ام که جزو لذت‌بخش‌ترین تجربه‌های زندگی‌ام است. 4،5 سال پیش که من برای اولین بار به گالری شانگ های رفتم، این گالری برای من یک بلیت گرفت تا به دیدار یکی از مهم‌ترین خوشنویسان مدرن و سنتی چین در شهر هانگ‌زو بروم. این خوشنویس آقای Wang Dangling (وانگ دانگلینگ) بود. به هر حال من به همراه یک مترجم به شهر هانگ‌زو رفتم که مهم‌ترین دانشکده‌های هنری چین در این شهر قرار دارد. وقتی به خدمت آقای دانگلینگ رسیدم، به مترجم گفتم که به ایشان بگویند که من و قبلاً به همراه شما در موزه شهر ویسبادن آلمان در نمایشگاهی که برای خطاطان نوآور برگزار شد، حضور داشته‌ام. ایشان که پیام مرا دریافت کرد، کتابخانه آتلیه‌اش را نشان داد و گفت که تصاویر آن نمایشگاه را به من نشان بده. در آتلیه بزرگ آقای دانگلینگ، از سر تا ته یک دیوار طولانی تا سقف کتابخانه بود و حجم زیادی از کتاب در آن‌جا وجود داشت که من بالأخره مدارک نمایشگاه موزه ویسبادن را پیدا کردم و به ایشان نشان دادم. آقای دانگلینگ که تصاویر آن نمایشگاه را دید، خواست دست مرا ببوسد و گفت که شما هنرمند بزرگی هستید. ایشان که منقلب شده

بود، یک کتاب بزرگ و زیبا که تازه چاپ کرده بود را به من هدیه داد. بعد از آن ما دیگر با زبان‌های خودمان با یکدیگر دیالوگ دو نفره داشتیم و نیازی به مترجم نبود؛ درست مثل دو موزیسین از ملیت‌های مختلف که با زبان موسیقی حرف یکدیگر را متوجه می‌شود. من به مدت 2 ساعت در حضور آقای دانگلینگ بودم و از بزرگواری ایشان خیلی آموختم. در پایان هم ایشان به من گفت که من با تو کار مشترک انجام خواهم داد چرا که آرزوی همکاری با یک خطاط ایرانی را داشته‌ام و حالا تو را انتخاب کرده‌ام.

مدتی بعد بی‌ینال خط نقاشی مدرن هانگ زو در سطح بین‌المللی برگزار شد که از همه دنیا در آن حضور داشتند و من هم در آن حضور داشتم. بعد از آن هر بار که آن بی‌ینال برگزار شد، از من هم کار خواستند. من اولین نمایشگاه انفرادی‌ام در شهر شانگ‌های را در سال 2013 گذاشتم و قرار شد که ما یک روز یک پرفورمنس داشته باشیم. وقتی که گالری شانگ‌های به من گفت یک نفر در این پرفورمنس در کنارم خواهد بود، من دیگر نپرسیدم که آن شخصیت کیست و با کمال میل پذیرفتم. روز اجرا رفتم و دیدم که آن هنرمند آقای دانگلینگ است که حضور ایشان مرا سورپرایز کرد. در آن برنامه که فیلمبرداری می‌شد و به صورت زنده پخش می‌شد، آقای دانگلینگ گفت که این نمایش برای توست و برو دو تا کار را به صورت تنهایی انجام بده. من این کار را انجام دادم و سپس دو کار را به صورت بداهه با یکدیگر انجام دادیم که من همان لحظه هنر را به عنوان یک پل فرهنگی میان ایران و چین احساس کردم.

آن اتفاق یکی از هیجان‌انگیزترین تجربیات زندگی‌ام بود و از آن لحظه‌هایی بود که می‌خواستم به استاد فردی و دیگر اساتید انجمن خوشنویسان بگویم که بابت آنچه به من آموختید از تان ممنونم چرا که بدون این آموخته‌هایم نمی‌توانستم قاعده‌ها را در هم بشکنم. من قواعد را یاد گرفتم و سپس شروع کردم به تغییر دادن یاد گرفته‌هایم. نوآوری بدون یادگرفتن محال است. امکان ندارد که نقاشی‌خط را بدون یک بک‌گراند قوی و عمیق بشود مدرن کرد. همچنین در وهله بعد باید هنرمند جسارت داشته باشد و خودش را بیش از هر کسی نقد کند. تشویق شدن هنرمند هم خیلی مهم است ولی باید تشخیص داد که این تشویق کجا سازنده و کجا هنرمند را به نابودی می‌کشاند تا نتیجه مخربی نداشته باشد.

می‌خواهم درباره آثار اخیرتان کمی صحبت کنیم آثاری که شاید دیگر نتوانیم آن را نقاشی خط بنامیم و فرم متفاوتی از این هنر است. خودتان چقدر با این حرف من موافقید؟

برای این است که من هر سال یک چیز اضافه از خط را زدم. برای یکی از کارهای من به زبان انگلیسی عنوان Unwritten (نابوشته) انتخاب کردند. البته این اثر آخرم دیگر واقعاً خط است و قوس و قزح ندارد. برای من هنری‌ترین بخش در خوشنوسی، سیاه مشق است، در حالی‌که سیاه مشق برای ایرانیان یک نوع دست گرمی، حساب می‌شود اما من عاشق سیاه مشق هستم چون در سیاه مشق دست با فرم و بدون فکر می‌چرخد و در آخر یک صفحه زیبا با ترکیبی از رنگ‌های سیاه و سفید به وجود می‌آید. من به این فکر می‌کردم که وقتی می‌توانم سیاه مشق را امروزی کنم چرا آن را انجام ندهم. من ساعت‌ها مدیتیشن می‌کنم و همان حالتی که با خوشنویسی سنتی داشتم را با یک زبان و تکنیک جدید امروزی با سیاه مشق هم دارم. به نظرم هنرمند مدام باید بخواند. هنرمند بودن کار خیلی سختی است. یک هنرمند باید بداند که یک فیلم، موسیقی، شعر یا ادبیات خوب چیست. تمام این هنرها به یکدیگر مرتبط هستند. یک فیلم می‌تواند مرا متقلب کند و من در تأثیر از آن فیلم، چیزی را به تصویر بکشم. به اعتقاد من هنرمند بودن بدون شگفتی امکان ندارد و یک هنرمند باید تا ابد مثل یک بچه تازه متولد شده بیاموزد.

سرعت حرکت دنیا بسیار شدید است و هر لحظه یک ابداع جدید صورت می‌گیرد. برای خلق آثار جدید همواره یک رقابت و تلاش گسترده وجود دارد. استاد فردی می‌گفت که اگر یک روز خوشنویسی کار نکنی، فردای آن روز باید ناز قلمت را بکشی تا دوبار با تو دوست شود. بنابراین حتی شهرستان هم که می‌رفتم قلم و دواتم را هم همراه خودم می‌بردم. شما ببینید که همه اساتید خوشنویسی در همه عمرشان

هر روز از الف تا ی حروف الفبا را می‌نویسند که این اتفاق حیرت‌آور است. خوشنویس هر روز باید خودش را به چالش بکشد که از این جهت به نظرم خوشنویسی سخت‌ترین و در عین حال لذت‌بخش‌ترین شغل دنیاست. عشق و انرژی خوشنویسی زندگی را برای ما جذاب و قابل تحمل‌تر می‌کند. سختی آن هم از این جهت است که شما باید مدام کار کنید و چیزی را خلق کنید که شخص دیگری آن را خلق نکرده است.

شما باید دائماً در حال کشف باشید و استعاره بسازید.

دقیقاً. بعضی‌ها به من می‌گویند که تو به کار کردن اعتیاد داری ولی من می‌دانم که در غیر این صورت امکان ندارد از پس کارهایم بر بیایم. من واقعاً تعطیلی ندارم چون هم باید بتوانم از پس کارهایم بر بیایم و هم از طرفی به آن عشق دارم و کار کردن بیشتر از سفر یا مهمانی به من می‌چسبد. به نظرم نوآوری هم از دل خود کار می‌آید و به آدم وحی نمی‌شود. خود کار کردن است که راه و اتفاقات جدید را به شما نشان می‌دهد.

آخرین نمایشگاه‌تان در تهران 9 سال می‌گذرد. در این فاصله چه فعالیت‌هایی داشتید؟

من برای این غیبت برای کارم دلیل هم دارم. مثلاً من اثرم را به گالری‌ها تحویل می‌دادم و در نهایت بدون عذرخواهی آن را پاره شده تحویل می‌گرفتم که اتفاق خوشایندی نبود و بسیاری از اتفاق‌های دیگر که شاید به زبان آوردن‌شان درست نباشد. اما در این فرصت من نمایشگاه‌های انفرادی در هنگ کنگ، شانگهای، لندن، نیویورک، سنگاپور و دبی داشتم. البته نمایشگاه‌های گروه بسیاری هم در اروپا و آمریکا و خاور دور برگزار کردم. از طرفی در طی این 9 سال در بسیاری از موزه‌های بزرگ دنیا اثرم را به نمایش گذاشته‌اند. موزه متروپولیتن، موزه بریتانیا (4 اثر)، موزه برایتن، موزه هنرهای معاصر هند، موزه سنگاپور، موزه مالزی و... موزه‌هایی‌ست که در آن آثار من وجود دارد. البته قرار دادن اثر در موزه‌ها جنبه مالی ندارد و بیشتر جنبه افتخاری آن مدنظر است. قرار گرفتن یک اثر در موزه‌های بزرگ دنیا هم کار راحتی نیست. بنابراین من در هیاهوی کار در تهران نبودم ولی کارم همچنان ادامه داشت. به نظرم باید مرزها را شکست و به زبانی همگانی سخن گفت نه فقط برای یک خطه خاص.

خانم فتحی شما اخیراً در ششمین دوره بینال دامون‌فر عضو شورای انتخاب آثار بودید. به طور کلی آثار این دوره از دوسالانه دامون‌فر را چگونه دیدید و نظر‌تان در مورد این بینال غیر دولتی چیست؟

برای برگزاری این دوسالانه کار اصلی را آقای پویاراد انجام می‌دهد که در برگزاری آن پافشاری می‌کند چون همان‌طور که می‌دانید در کشورمان دیگر بی‌ینال رسمی وجود ندارد و دوسالانه‌های که وجود داشتند متلاشی شدند. من هم خیلی خوشحال شدم که سهم کوچکی در این بی‌ینال داشتم. روز اول 3000 اثر مورد بررسی قرار گرفت که ما آن‌ها را به صورت دیجیتالی و از روی پرده نگاه کردیم. من آثار را که می‌دیدم، خیلی ناراحت می‌شدم چون نشان می‌داد که نسل جوانی که 20 سال دارد و باید در عنوان شور و شوق جوانی باشند، چقدر جهان تاریکی دارند. این خیلی غم‌انگیز و ناراحت‌کننده بود. روز دوم آثار الک شده به دست ما رسید که تعدادشان به 300 اثر رسیده بود و کیفیت آثار خیلی ترقی داشت. آن‌جا بود که گفتم حتماً یک آینده درخشانی در ادامه راه این جوانان است. دیدن شادی جوانان و پیشرفت آن‌ها واقعاً لذت‌بخش است.

من آقای پویاراد را از پیش می‌شناختم ولی در این بی‌ینال احترامم به ایشان صدبرابر شد چون یک بخش خصوصی هیچ دینی به هنر ندارد. بی‌ینال دامون‌فر در همه مراحل دارد یک کار حرفه‌ای می‌کند. این دوسالانه از چند ماه قبل فکر همه‌جا را کرده و مستندهایی برای آن تدارک دیده شده است. فیلم‌ها و موسیقی‌های ساخته شده برای این بی‌ینال هم کاملاً حساب شده بود. این نشان می‌دهد که یک رئیس موفق پشت این دوسالانه است و دارد این کار را انجام می‌دهد.

دوسالانه نقاشی دامون‌فر در روز اختتامیه هر دوره از یک پیشکسوت فعال در این عرصه تقدیر می‌کند که من از این اتفاق واقعاً بغضم گرفته بود. من وقتی جایزه را در دست آقای محمد ابراهیم جعفری دیدم خیلی خوشحال شدم چون هم خود ایشان خوشحال شده بود و هم بی‌ینال دامون‌فر کار ارزنده‌ای انجام داد و از هنرمند زنده تجلیل کرد. ما معمولاً مرده‌پرست هستیم و تا یک نفر می‌میرد برایش تجلیل می‌گیریم، در حالی‌که دیگر خود او نیست که آن اتفاقات را ببیند. هنر جاودانه است و باید به هنر بها داد. سیاست‌مدار می‌آید و می‌رود و این هنرمند است که می‌ماند. در همه جای دنیا هنرمند در 30، 40 یا دیگر نهایتاً در 50 سالگی اجر و قرب پیدا می‌کند و در ایران می‌گذارند که موهای هنرمند سفید شود تا بعد به او لقب‌های خوب بدهند که البته به خیلی از آن‌ها هم در زمان زنده بودنشان احترام آن‌چنانی گذاشته نمی‌شود. اول آن‌که اصلاً سن مهم نیست و اثر هنری است که آدم را بزرگ می‌کند و دوم این‌که ارزش یک هنرمند را باید تا زمانی که زنده است و برای کشورش اثر مانا خلق می‌کند دانست.

می‌توان آثار هنرمندان پیشکسوت را در اماکن عمومی گذاشت تا حداقل خودشان ببینند و کمی از خستگی‌شان در برود. در همه جای دنیا یک مقدار از بودجه هر ساختمانی صرف هنر می‌شود و در محوطه ساختمان‌ها مجسمه‌های عظیم تمام هنرمندان بزرگ تاریخ هنر آن کشورها دیده می‌شود. به نظرم جامعه هم در تربیت مردم سهم است. من در برخی از موزه‌های خارج از کشور دیده‌ام که خانواده‌ها بچه‌ها را هم با خودشان به موزه می‌آورند و بچه‌ها حتی اظهار نظر هم می‌کنند که حیرت‌انگیز است. من گاهی آثار را رها کرده و مات آن‌ها می‌شوم. این اتفاق باعث می‌شود که کودک دیگر با موزه قهر نباشد و آثار هنری به عنوان بخشی از زندگی او شود.

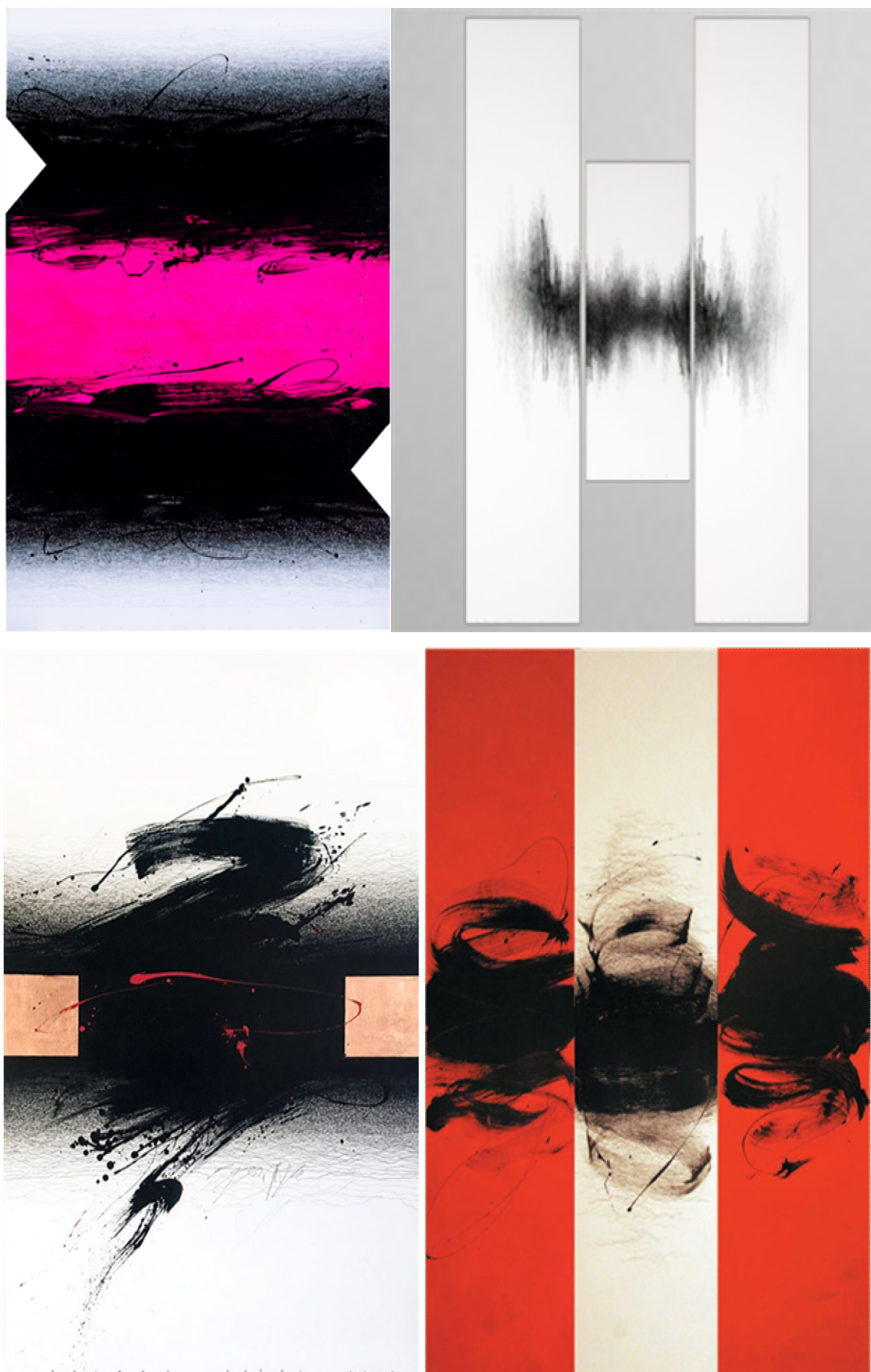
شما چند سال پیش یک جایزه‌ای را برای فعالیت‌تان در هنر دریافت کردید. لطفاً در مورد آن جایزه توضیح دهید.

من در سال 2011 جایزه Young Global Leaders (رهبران جوان جهانی) که به نخبگان جهانی زیر 40 سال تعلق می‌گیرد را برای فعالیت‌م در حرفه خط‌نقاشی و پرطرفدار بودن سبک خطاطی‌ام دریافت کردم. نهادی که این جایزه را اهدا می‌کند، رزومه همه هنرمندان را بررسی می‌کند و به افرادی که فعالیت‌های برجسته‌ای داشته‌اند عنوان رهبران جوان جهانی را می‌دهد. البته باید بگویم این جایزه صرفاً را به افراد مختلف در عرصه‌های پزشکی، علمی، اقتصادی و البته هنر اهدا می‌کنند و شاید گستره افرادی که این جایزه را شامل می‌شوند بسیار است.

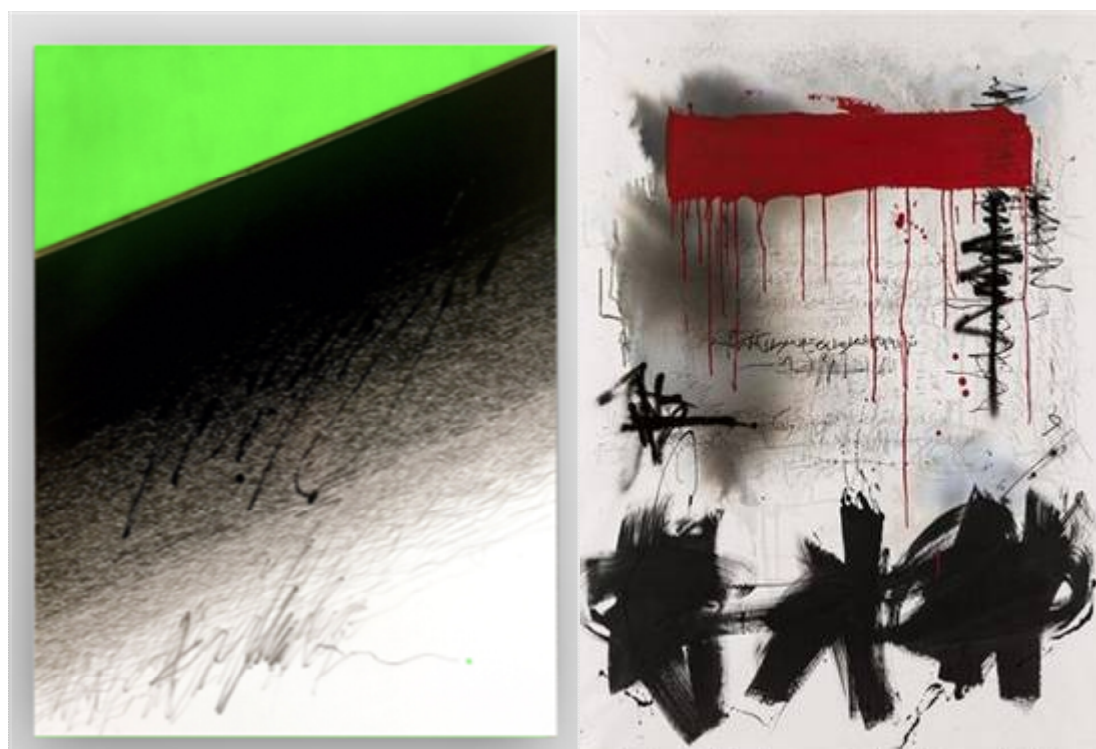
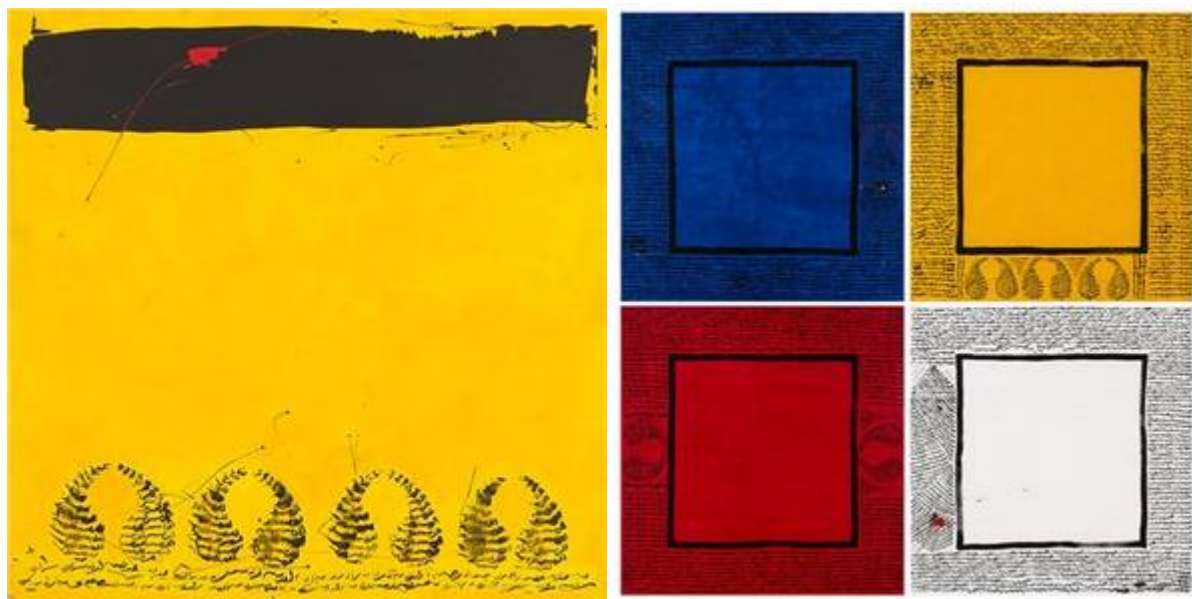
شما در ادامه فعالیت‌های بین‌المللی‌تان چه رویدادی را در پیش رو دارید؟

مرا یکی از بزرگترین سازمان‌های فرهنگ و هنر دنیا "The Asia Society Hong Kong" که در هنگ‌کنگ واقع شده و در نیویورک هم شعبه‌ای دارد، برای یک سمینار از من دعوت کرده است و در آن‌جا ضمن فرصت سخنرانی به من، برایم 10 ساعت تدریس مشترکلاس گذاشته‌اند که من در آن 10 ساعت هم خوشنویسی سنتی و هم خط‌نقاشی مدرن را تدریس خواهم کرد. هنگ‌کنگ خیلی جای مهمی است که باید برای پیشرفت کار هنرمند حتماً جدی گرفته شود.









گیتی نوین (ناوران)



زاده

۱۳۲۳ کرمانشاه

سبک

فرا انگاشت

گیتی نوین (ناوران) (۱۳۲۳/۱۹۴۴ در کرمانشاه) **نگارگر، تندیسگر، گرافیست ایرانی ساکن کانادا و بنیان‌گذار جنبش هنری فرا انگاشت (Transpressionism)** است. گیتی نوین در سال ۱۳۵۳ برای ادامه پژوهش هنری و برپایی نمایشگاه، نخست به **هلند** و سپس به **بریتانیا** رفت و از سال ۱۳۷۷ تاکنون در **ونکوور** کانادا زندگی می‌کند. پرده‌های نقاشی گیتی نوین در کلکسیون‌های عمومی و خصوصی اروپا، آمریکا، آسیا و استرالیا ارجمند شناخته می‌شوند.

زندگی‌نامه و کارنامه

زندگی و آموزش

گیتی نوین در خانواده‌ای فرهیخته در **کرمانشاه** زاده شد. پدرش **عبدالرحمان ناوران** تنها فرزند بازرگانی به نام **عبدالرحیم ناوران** از اهالی **بندر انزلی** بود. **عبدالرحیم** با کشتی‌های بازرگانی خویش در میان **بنادر باکو، لنکران و آستارا** در **آذربایجان** به دادوستد می‌پرداخت. در سال‌های آغازین قرن بیستم سرزمین‌های کناره‌ای دریای مازندران به کانون بارزی برای نقشه‌های استراتژیک پیکار گاه‌های جنگ جهانی نخست گزیده گشته بود. پس از کودتای اکتبر بلشویک‌ها و آغاز جنگ‌های داخلی در روسیه تزاری «ارتش سرخ» باکو را در ۱۹۱۸ فرارورید و ناوگان شکست خورده «ارتش سپید» به **بندر انزلی** که در زیر فرماندگاری نیروهای انگلیس بود گریخته و به آن‌ها پناه آورد. «ارتش سرخ» در ۱۹۲۱ بر **بندر انزلی** یورش آورد و بر آن چیره گشت و اندکی چندان نگذشت که همه کشتی‌های **عبدالرحیم** را همانند داروندار دیگر بازرگانان بومی ایران تاراج کرد و به **تاوان** گرفت.

عبدالرحیم که با از دست دادن کشتی‌هایش توان ادامه دادوستد را نداشت و ورشکست شده بود دست به خودکشی زد. **عبدالرحمان** پسرک خردسالش از مادر جوان خود جدا شد و نزد خانواده ناوران پرورش یافت و پس از پایان آموزش دبیرستانی در **گمرک** به کار پرداخت و پس از چند گاهی مادر را به نزد خویش آورد و از آن پس هرگز از او جدا نشد. **دیری** نپایید که او به **گمرک قصر شیرین** فرستاده شد؛ و

چنین بود که او که روزهای فراغت خویش را در کرمانشاه می‌گذراند، با همسر خود ملوک کاشفی آشنا شد؛ و این آشنایی در کوتاه هنگام به زناشویی انجامید و برآورد آن چهار فرزند بود که نخستین آنان گیتی بود. گیتی نه سال داشت که خانواده‌اش برای همیشه در تهران ماندنی شد. در سال‌های نوجوانی بود که دبیر نگاره‌گری دبیرستان اسدی به مند هنری بارز او آگاه شد و او را به نوید آورد تا در هنرستان هنرهای زیبای دختران نام‌نویسی کند.

گیتی گواهینامه هنری خود را در سال ۱۳۴۴ از هنرستان هنرهای زیبای دختران دریافت کرد، و سپس هنرنامه دانشگاهی (لیسانس) خود را در رشته گرافیک از دانشکده هنرهای تزیینی در سال ۱۳۴۹ بدست آورد. در سال ۱۳۵۳ پس از زناشویی با دکتر فرید نوین رهسپار هلند شد و در دانشگاه آزاد لاهه *Vrije Academie voor Beeldende Kunsten* آموزش خود را دنبال‌گیری نمود. سپس در ۱۳۵۴ راهی منچستر گردید و چم‌های گوناگون نگارگری را نزد استادان برگزیده فراگرفت. سرانجام در کانادا خانه برپا کرد نخست در شهر کینگستون در سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۶۲ سپس در مونترال ۱۳۶۲-۱۳۶۳ آنگاه در اتوا ۱۳۶۳-۱۳۷۷ و سرانجام از سال ۱۳۷۷ تاکنون در ونکوور به سر می‌برد. گیتی مادر سه فرزند پسر است.

سالهای سخت (تراژدی)

در تابستان ۲۰۱۶ دو تراژدی جانگاہ زندگی گیتی را به همگی دگرگون ساخت. نخست برادرش کامران در تورونتو به بیماری سرطان دچار شد و در فاصله چند هفته درگذشت و در همان فاصله پسر بزرگ او که در نشویل تنسی زندگی می‌کرد و آفرینشگر هوشیاری‌های مصنوعی بود در سفری به لس آنجلس از هوش رفت و در بیمارستان سیدار سینایی بستری شد گیتی و همسرش از ونکوور به لس آنجلس پرواز نمودند و دو روز پس از آن پس از یک عمل جراحی غده یی سرطانی پیش رفته در مغز را پیدا نمودند. گیتی سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ را در کنار پسرش بسر برد تا در پرتو درمانی و شیمی درمانی به همراه او باشد. در میانه سال ۲۰۱۷ هنگامی که بنظر می‌رسید بیماری سرطان به واپس کشیده شده گیتی به ونکوور بازگشت و به آفرینش پرده‌هایی تازه پرداخت و در نمایشگاه هنر در باغ ونکوور شرکت نمود. اما بیماری سرطان پسرش بازگشت و این بار پرتو درمانی بر توان حرکت فرزند او اثر گذاشت و گیتی برای دیگر بار به نزد فرزند رفت.

نمایشگاه‌ها

نمایشگاه‌های ایران

نخستین نمایش کارهایش در نگارخانه نگار، به مدیریت افسانه هویدا در یکشنبه هفتم آذر ۱۳۵۰ بود. گیتی این نمایش را «گویا و خاموش» نامیده بود (او این سنت نام‌گذاری نمایش‌های آثارش را همواره دنبال کرد). این نخستین نمایش با خوش آمد بسیار هنردوستان و روزنامه‌های هنری روبرو شد.

منصوره حسینی نگارگر نامی نوگرا در نقد خود بر این نمایشگاه در بخش هنر و اندیشه روزنامه کیهان نوشت:

«گویا و خاموش، این نامگذاری را می‌پسندم، نه برای اینکه هنر پلاستیک را با پردازش شاعرانه صفت و کلمه پیوند زده باشم، بل برای اینکه طبیعت بیجان، اشیاء و گل‌ها با تمام بی‌جانی می‌توانند از غم، آرامش، مالیخولیا و ثبات سخن بگویند... در انتخاب موضوع تابلوها نوعی وحدت وجود داشت: نمایشگر شخصیت روشن و آگاه نقاش. در رنگ‌آمیزی تابلوها، انتخاب گام رنگ، که همان گام با کم و بیشی آشکار در تمام تابلوها بکار گرفته شده، از ثبات ذهن جستجوگر نقاش سخن می‌گفت.»



زنی با گلابی‌ها

در خرداد ماه سال ۱۳۵۲ گیتی دومین نمایشگاه خود را در نگارخانه سیحون با نام «پوستموس» سیری در فضاهاى شعری احمد شاملو برپا نمود. این نمایشگاهی گفتگوی برانگیز بود، بهروز صوراسرافیل نوشت:

محتوا و مضمون تابلوها بیشتر از شاملوست نه گیتی نوین

اما گیتی در گفتگویی با فیروزه میزانی منتقد هنری مجله تماشا از برایش خود چنین گفت:

روزی که تصمیم گرفتم روی شعرهای شاملو کار کنم، ترس عدم موفقیت در رساندن فضاهاى شعری او، و اینکه بیننده نمایشگاه هم تصور کند برای جلب بیننده از اسم شاملو سوء استفاده کرده‌ام همیشه با من بود، ولی پس از مدتی احساس کردم که فضاهاى شعری هم می‌تواند مانند یک جسم مثل یک گلدان طراحی شود. به هر حال آنچه نقش بسته، احساس است و مدد قلم؛ از تابلوهاییم سعی کرده‌ام تا آنجا که امکان دارد بار عایت و ابستگی به شعر یک شخصیت جداگانه به وجود بیاورم تا به تنهایی نیز چیزی برای دیدن داشته باشد. »

شاملو خود در یادداشتی برای معرفی این نمایشگاه نوشته است

اما توجه گیتی به جنسیت آدمهای پرده‌هایش حیرت آورست چیزی که ... می‌تواند کنایه از انگیزه‌های رستاخیز نهایی شمرده شود - گیتی به» آیدا در آینه «کمترین توجهی، و از رابطه این دو شعر کمترین آگاهی نداشته، و با این وجود پیدا است که برای رستاخیز انگیزه‌ای می‌جسته است. جستجویی که سرانجام به عشق می‌انجامد. آیا گیتی می‌خواسته همین را بگوید؟ من یقین دارم.

پس از این دو نمایشگاه تک-تنه و چندین نمایشگاه گروهی گیتی نوین در نخستین نمایشگاه هنری بین‌المللی تهران با همیاری نگارگران اروپایی Salon d' autumn پاریس شرکت نمود.

آخرین نمایشگاه تک-تنه او در ایران «تنناها یا هو» نام داشت که در سال ۱۳۵۳ در نگارخانه سیحون برپا شد.

نمایشگاه‌های در بیرون از ایران

شمار نمایشگاه‌های گیتی نوین در اروپا و آمریکا بسیار است. ورا که این نمایشگاه‌ها را می‌توان به دو دوره پیش و پس از برپایی ترانسپرسیونیزم رده‌بندی نمود. از نمایشگاه‌های پیش از برپایی ترانسپرسیونیزم می‌توان نام برد از:

سال	نمایشگاه	نام نگارخانه	مکان
۱۹۷۸	"گردون‌های آهنگین Melodious Spheres "	نگارخانه نوردیند Nordinde Gallery	<u>لا‌هه، هلند</u>
۱۹۷۹	"در گوهر " In Essence	نگارخانه دیدزبری Didsbury Gallery	<u>منچستر</u>
۱۹۸۱	"خلسه" Meditation	براک استریت نگارخانه Brock Street Gallery	<u>کینگستون</u>
۱۹۸۲	"پرده‌های سروشین Rhapsodic Opuses"	نگارخانه تریلیوم Trillium Gallery	<u>اتاوا</u>
۱۹۸۳	"الهامی پرشور" Wistful Prophecy	کریستوفر هیوز نگارخانه Cristopher Hughes Gallery	<u>تورنتو</u>
۱۹۸۵	"بندهای شیدایی" Ecstatic Bonds	نگارخانه دوروشه Durocher Gallery	<u>مونترال</u>
۱۹۹۵	"سرودی برای کلیتای A Serenade for Clytie "	نگارخانه آرتکس Artex Gallery	<u>اتاوا</u>
۱۹۹۶	"گل سرخ است که مهم است L'important, C'est La Rose "	نگارخانه شهرداری <u>کمبرلند</u> ، <u>انتاریو</u>	
۱۹۹۷	"رویای تعبیرگر رویاها: شناسایی با ترانسپرسیونیسم Dream-reader's Dream: Introducing Transpressionism "	نگارخانه آرتکس	<u>اتاوا</u>
۱۹۹۸	"نگاریدن سایه‌ها بر خط‌هایی خیالی Painting Shadows over Imaginary	نگارخانه گوتنهام Guthenham Gallery در	<u>گرانویل</u> <u>آیلند، ونکوور</u>

		Line "	
کوکیتلام	پلاس دزآرت Place Des Arts	"دوره کارهایم در بریتیش کلمبیا: جایای هزاره‌یی از دست شده My BC Period - Traces of a Lost Millenium "	۲۰۰۱
نورث ونکوور	نمایش هنر در باغ Art in Garden Show"	"پردیس تکتایی (The Bliss of Solitude	۲۰۰۴
		"با این همه، آسیب سال‌ها مرا نه‌راسیده میابد و خواهد یافت" ویلیام ارنست هنلی (And Yet the Menace of the Years Find, and Shall Find, Me Unafraid)	۲۰۰۶
		"و آشتی و راستی و دوستی نا گسسته را به زمزمه گفت" جان کیتز (Whispered of peace, and truth, and friendliness unquelled)	۲۰۰۷
		"در و پنجره‌اش را گشود و دل و روان بدرون شدند " دبلیو بی یتز (She opened her door and her window, And the heart and the soul came through)	۲۰۰۸
		"اما عشق آسمان است و من برای توام، به همان بلندی و به اندازه بلند" ای ای کامینگز (but love is the sky and I am for you, just so long and long enough)	۲۰۰۹
	نگارخانه فری بیلدینگ	پیکر و روان (Body & Soul)	۲۰۰۷

۲۰۰۸	اینجاست و بتو می‌نگرد (Here's looking at you)	Ferry Building Gallery
۲۰۰۹	تمنا (Longing)	نگارخانه سیتی اسکایپ Cityscape Gallery

کارهای گیتی نوین نخستین گرافیکست زن ایرانی است که کارهایش در ایران و جهان شناخته شده است. گرافیک او بر روی جلد مجلات نگین، زمان، کتاب اول و دوم سینمای آزاد، جنگ چاپار و ماهنامه در اتاوا چاپ شده است. گیتی گرافیکست نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم Breaking the Silence تهران بود، و طرح روی جلد کاتالوگ جشنواره ازوست

رامین مهجوری در هفته نامه پیوند و نکور در باره او نوشته است

برای برنامه رادیو بین کتابهایم دنبال قطعه‌ای می‌گشتم که چشم به مجموعه‌ای افتاد به نام «دریچه». این مجموعه را در آخرین روزهای پیش از کوچ اوایل سال ۱۳۶۲ در تهران خریده بودم. در آخرین بخش کتاب عکسی بود از گیتی نوین و چند نمونه از طرح‌هایش. گیتی اولین زن طراح ایرانی است که کارهایش را در مطبوعات ایران در آن سال‌ها در سطح گسترده به چاپ رساند.

در گردآورده «دریچه» درباره ویژگی‌های طرح‌های گیتی آمده است :

ویژگی طرح‌های گیتی، از جمله سری کارهای در اویش اش که در مجله نگین منتشر شده است را می‌باید در محتوای فکری آن‌ها جستجو کرد. اگرچه طرح‌هایش در وهله اول تزیینی به نظر می‌رسند اما تماشاگر با اندکی تعمق مفاهیم بسیط ذهنی روشن‌گر را دریافت می‌کند. در طرح‌های گیتی خط اهمیتی ویژه دارد. استفاده از خط باید در نهایت صرفه و آگاهانه باشد و مهمترین مسئله این که خط‌ها محکم، بدون لرزش و بدون گوشه باشند. خود او چه در طرح‌ها و چه در نقاشی‌اش تأکید فراوان دارد که جستجوی استتیک برایش فاقد اهمیت است؛ برای من در وهله اول محتوای فکری است که اهمیت دارد. اما وقتی به آثارش نگاه می‌کنی نوعی تعادل ریاضی را مشاهده می‌کنی، کمپوزیسیون‌هایی کامل و به نهایت ایجاز و سادگی. بدون شک مفاهیم بزرگ را می‌باید در سادگی طرح جستجو کرد. خصیصه مهم گیتی را در جستجوی فراوان او برای کشف فضاهای تازه می‌توان مشخص کرد. او این خصیصه را وسواس گونه دنبال می‌کند. اما از مصاحبه و گفتگو درباره کارهایش به شدت گریزان است و معتقدست که هنر باید خود به خود جا بگیرد و او برای تفسیر کارهایش هرگز صحبت نخواهد کرد."

شهرام معتضدی در هفته نامه شهروند تورو نتو می‌نویسد :

من در بیست و هشت سال پیش افتخار شاگردی گیتی نوین را داشتم و یادم می‌آید وقتی با استاد راهنمایم در باره انتخاب واحدهای درسی مشورت می‌کردم ایشان به من گفتند که: امسال شانس آن را داری که در کلاس گیتی نوین شرکت کنی، چرا که ما ایشان را با زحمت بسیار متقاعد کرده‌ایم که درس بدهند و سال دیگر ممکن است این شانس را نداشته باشی. در آن سال‌ها ایشان دو کلاس گرافیک و تزیین معماری داخلی را در مدرسه عالی ساختمان درس می‌دادند و من در هر دو واحد ثبت نام کردم و هیچ وقت نشده است که از بخت خوش خود سپاس‌گزار نباشم. چرا که بعدها که برای تحصیلات به اروپا رفتم، دریافتم که کارهای استاد نوین در میان گرافیکست‌های بزرگ دنیا شناخته شده است و حتی

طرح‌های ایشان را در کلاس‌های مختلف مورد بررسی و تحقیق قرار می‌دهند... وقتی استاد نوین را دیدم هنوز همان شراره درخشانی که نشان از شیدایی ایشان به هنرشان ست از دیدگانشان تلالو می‌زد. پس خویشتن را به ایشان شناسانیدیم و گفتیم که افتخار شاگردیشان را داشته‌ایم، و از استاد اروپایی‌مان برایشان گفتیم که پس از نشان دادن «لیز تایلور سرخ» کار «اندی وار هول»، کار «صادق هدایت» از طراحی‌های استاد را، به عنوان گام دیگری ر تفکیک گرافیکی سطح‌های رنگی یک پرتره به ما ارائه کرده بود.

فرا-انگاشت (ترانسپرسیونیزم)

گیتی نوین نخستین پایه‌های ترانسپرسیونیزم را در سال ۱۹۹۴ پی ریزی کرد. جنبش ترانسپرسیونیزم و سر آن داشت که آرمان‌های «High modernism» پاسخی بود. به دیدگاه‌های «فرا نو گرایی» را با برداشت‌های زیباشناسانه «acroamatics» و ارزش‌های «عرفانی» humanism - «مردمانی» زیبایی، آهنگینی، و فره وری بازگشایی و روشنی دهد. ترانسپرسیونیزم به رویارویی با دام کژبینی برمی‌خیزد، که مرگ هنر را آوا کرده بود. اما ترانسپرسیونیزم «post modernism» - «پسا-نوگرایی» هنر را سرچشمه همیشگی زاینده‌گی و آفرینشی و هومنی می‌خواند و از تماشاگر خود می‌خواهد که او را در تلاش هنرش یاری دهد تا که شاید به آفرینش «شگرف» شدایی دهد. در این روندار نقش هنرمند تنها آنست که راه گشای و برانگیزنده نیروی تخیل تماشاگر باشد و از عشق مدد گیرد تا که مگر سامان دهد به دنیایی که هم در روان پنهان و هم در سیمای آشکار خود آشفته ست

برای دست یابی به این آرمان ترانسپرسیونیزم از افسانه‌ها و اسطوره‌ها که یادآور خاطره‌های مشترک انسانی ست یاری می‌گیرد، افسانه‌هایی همچون داستان «کلیتای»، دوشیزه‌ای که به «آپولو» خداوندگار خورشید دل باخت و سرانجام او آن شد که به گل آفتاب گردان تبدیل شود و هر روز از دورها نظاره گر پرتو آن یار باشد که پهنه آسمان را بر گردونه زرین خویش می‌پاید؛ و «کلیتای» از تابش و روشنی عشق او زندگی می‌گیرد و رشد می‌کند. گیتی نوین در شناسایی ترانسپرسیونیزم می‌نویسد:

من تحصیلات دانشگاهی خود را در دهه ۱۹۶۰ میلادی به انجام رساندم. در آن زمان‌ها مدرنیسم و پست-مدرنیسم گروندگان بسیار داشتند و نفوذ غربی در عرصه هنر. فرهنگ آن روزها نقاشان فیگوراتیو و هنر تجسمی را به سخره می‌گرفت و این جهت‌گیری طرفه می‌نمود. آنچه در هنر مهم تلقی می‌شد شوکه کردن تماشاچی بود با گونه‌ای ظاهر سازی. زیبایی و تحسین عقلانی شور زیبایی تحمل می‌شد. اما ارزش روشنفکرانه تحسین یک کار زیبا که موفق در جلب محبوبیت عامه می‌شد مورد انکار قرار می‌گرفت به این اعتبار که این راهی ست بسوی ابتذال منقدان ارزش نقاشی را به عنوان یک کار هنری زیر سؤال می‌گذاشتند و با بکارگیری یک مجموعه از صفت‌های تحقیرآمیز همچون کهنه پسند، سترون، بی بارو امثال آن به توصیف زیبایی هر گونه کار می‌پرداختند... در کارهای ترانسپرسیونیزم من، اهمیت اساسی روی کمپوزیسیون و انحنای فضاهاست که در تحرک خویش امکان یک یگانگی را القا می‌کنند... من همچون کانت به شدت احساس می‌کنم که زیبایی لازمه خوشایندی ست زیرا که می‌تواند موجب خوش آیند دیگران نیز بشود و بنا بر این سلیقه فقط در جامعه ممکن می‌شود. همچنین در هر مورد زیبایی، به خصوص در نقاشی، چیز زیبا هنگامی که به پنداشت آن می‌اندیشیم بایست خوشایند باشد و نه آنکه چگونگی انگاشت موجب خوشایند باشد؛ و چنین ست که من فکر می‌کنم که پیش درآمد بیانیه ترانسپرسیونیزم باید آنچه که در این زیر می‌آید را دربر گیرد

چه در نقاشی، چه در مجسمه‌سازی، و به راستی در همه هنرهای تجسمی... تا به آنجا که در شمول هنرهای زیبایی، کمپوزیسیون اصل اساسی ست. آنچه که بنیان سلیقه را تشکیل می‌دهد تنها خوشایند احساسی نیست که بل تمامیت آن برانگیختگی ست که فرم برمی‌انگیزد

هنرمندانی که پذیرای ترانسپرسیونیسم شده‌اند اینانند:

(برزیل) Fer Veriga فر وریگا

(اوکراین) Irina Kupyrova ایرینا کوپیروا

(صربستان) Diana Zwibach دیانا زویباخ

ref> (آمریکا) Terri Baugh-Norman تری باو-نورمن

(هلند) Lorena Kloosterboer لورنا کلوستربر

(نروژ) Ellen Marlen Hamre الن مارلن هامر

(آمریکا) Shano شانو

افزون بر این هنرمندان تتی چند دیگر نیز هم مانند ماری لاشانس نقاش کوبکی خود را از پیروان این مکتب می‌شمرند





لادن بروجردی



متولد ۱۳۵۰، تهران، ایران

تحصیلات

دریافت مدرک کارشناسی رشته نقاشی از دانشگاه الزهرا تهران ۱۳۷۵

بیوگرافی

لادن بروجردی نقاش می باشد و آثارش اغلب تم نقاشی های لاکه و یا نگارگری را دارد از او کتابی نیز به چاپ رسیده است: تهران آرت، نشر کانتیمپورری آرت پابلیکیشن، سنگاپور بروجردی در آرت فر، «اشتباهات تاریخی»، آرت میامی، ایالات متحده ۱۳۹۲ و آرت فر، «اشتباهات تاریخی»، بازل، سوئیس ۱۳۹۲ شرکت داشته است

نمایشگاه های انفرادی

- سری قورباغه ها و معما، گالری هما، تهران ۱۳۹۱
- سری حماقت های تاریخی، گالری هما، تهران ۱۳۸۹
- سری گروگان، گالری هما، تهران ۱۳۸۸
- سری ایران فراموش شده، گالری آتین، تهران ۱۳۸۷
- سری دریافته ها، گالری نقش جهان، تهران ۱۳۷۵

نمایشگاه های گروهی

- حماقت های تاریخی، آرت میامی ۱۳۹۲
- حماقت های تاریخی، آرت اسکوپ بازل ۱۳۹۲
- مهمانی هنر ۲، خانه هنرمندان ایران، تهران ۱۳۹۲
- صلح، گالری اپرا، لندن ۱۳۹۲
- هفته طراحی، گالری هما، تهران ۱۳۹۱
- سری حماقت های تاریخی، اسکوپ، میامی ۱۳۹۱
- آلترناتیو کالیگرافی ۲، آرت فر وین، وین ۱۳۹۱







لیلی متین دفتری



زاده ۱۸ ژانویه ۱۹۳۷ تهران، ایران

درگذشت ۱۷ آوریل ۲۰۰۷ (۷۰ سال)
پاریس France

محل تحصیل Slade، Cheltenham Ladies' College
School of Fine Art

سبک نوگرایی، مینی‌مالیستی

لیلی متین دفتری (زاده ۱۳۱۵ در تهران - درگذشته ۱۳۸۶ در پاریس) نقاشی ایرانی است. وی از هنرمندان هنر نوگرا و معاصر ایران و از بنیان‌گذاران سبک نقاشی مینی‌مالیستی یا ساده‌گرایانه در ایران به حساب می‌رود. او دختر احمد متین دفتری، نخست‌وزیر ایران بود و تا پیش از انقلاب ۱۳۵۷ ایران، در حلقهٔ دوستان نزدیک فرح پهلوی قرار داشت.

لیلی گلستان، لیلی متین دفتری را از پیشگامان نقاشی زنان ایرانی می‌داند.

او در ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۹ در مدرسه‌ی هنر اسلید در یونیورسیتی کالج لندن و سپس در کالج هنر کامبرول تحصیل کرده بود و تا سال ۱۳۵۷ در دانشگاه تهران پنج سال مجسمه‌سازی درس داد. او دختر احمد متین دفتری، نخست وزیر سابق ایران، خواهر هدایت الله متین دفتری و نوه محمد مصدق، نخست وزیر سابق ایران بود. متین دفتری، علاقهٔ زیادی به مصاحبه با رسانه‌ها نداشت و این موجب شد تا نزد مردم، ناشناخته بماند.

~~~~~

لیلی متین دفتری عموماً موضوعات خیلی ساده زندگی مانند اشیای موجود در خانه را با فرم‌های ساده، رنگ‌های تخت و زمینه‌های وسیع خالی نقاشی می‌کرد. برایش فرقی نمی‌کرد که پرتره‌ای را می‌کشد، یا دودکش یک خانه، قوری روی اجاق، خرمالوها یا لادن‌ها. این موضوعات ساده همیشه در کارش تکرار شده‌اند. برای او بیش از خود موضوع، نحوه برخورد با آن‌ها به عنوان یک فرم بصری مهم است و همین او را در جایگاه نقاشان مدرن هم‌عصرش قرار می‌دهد. با قرائتی امروزی از آثارش می‌توان او را در زمره نقاشان فمینیست اولیه قرار داد. او با جدیت بیش از پنجاه سال پیایی نقاشی کرد و از رنگ‌های ملایم، فرم‌های ساده به خصوص رنگ سفید به شکلی فوق‌العاده بهره‌گرفت. او به بیننده دوباره دیدن و دقیق دیدن را یادآور می‌شود.



جواد مجابی درباره متین دفتری می‌نویسد: «کسی که به درون پر غلغله اشیا واقف است، اما بیرون را با کمترین خط و رنگ و نور نشان می‌دهد، تناقضی هستیانه را با ما در میان می‌نهد. زبانش اگرچه چون نقاشی کودکان ساده است، اما بیانش فراتر از سادگی ظاهری به طرف نوعی رده‌بندی عارفانه دنیا و خلاصه کردن زندگی می‌رود که درک نقاشی‌اش را برای بی‌صبران دشوار می‌نماید»

در اثر حاضر لادن‌های نارنجی با برگ‌ها و شاخه‌های پیچ‌درپیچ‌شان که بارها در نقاشی‌های متین دفتری بازنمایی شده‌اند، قاب پنجره‌ای بسته را آراسته‌اند. پنجره به سادگی در میانه بوم تصویر شده با تأکید بر پرده‌های بسته آن. سفیدی پرده‌ها، با سفیدی پس‌زمینه (دیوار) مکرر شده است. نگاه بیننده بیشتر از آن‌که لادن‌ها با رنگ‌های درخشان‌شان را دنبال کند، در جست‌وجوی آن‌چیزی است که در پس پرده قرار داد. موضوع و نحوه کار نقاش بسیار پاک و شفاف است. سفیدی و سادگی و شیرینی در نگاه اول بیننده را به خود جلب می‌کند، اما در عین‌حال نوعی غم و درونگرایی پرده نقاشی را در خود گرفته است

لیلی متین‌دفتری نقاشی بود که خلوت خود را بر جنجال‌های هنرمندانه ترجیح می‌داد. آرام و بی‌صدا و به دور از جریانات هنری زمان خود نقاشی می‌کرد؛ از همین رو آثاری که از او در دسترس باشد، بسیار نادر و اندکند. با همه این‌ها جایگاه او در هنر نوگرایی ایران قابل انکار نیست

مجابی، جواد؛ نود سال نوآوری در هنر تجسمی ایران؛ نشر پیکره، ۱۳۹۵، جلد دوم، ص ۲۵۳.













## لئونی تاشچیان



لئونی تاشچیان از نقاشان پیشکسوت و نامدار ایرانی است که در سال ۱۳۰۵ در شهر مراغه متولد شده و تاکنون در نمایشگاه‌های گروهی و بی‌ینال‌های نقاشی مختلفی شرکت داشته‌است.

## ابتدای زندگی و خانواده

لئونی تاشچیان، در یک خانواده هنری ارمنی در سال ۱۳۰۵ (۱۹۲۶) در شهر مراغه به دنیا آمد. وی نخستین فرزند مگردیچ و آروسیاک بود. وی زبان هنر را از دوران کودکی نزد پدر و مادر فرا گرفت و به گفته خود او، از دانشگاه آنان فارغ‌التحصیل شد.

## تحصیلات

فقر و ناتوانی جسمی که لئونی از کودکی گرفتار آن بود، مانع از ادامه تحصیل او در مدارس دولتی شد. وی همواره از بیماری کم‌خونی رنج می‌برد، اما مشکلات نتوانست مانع ادامه تحصیل وی شود و با این حال لئونی بعد از پایان دوره اول دبیرستان، دوره چهارساله زبان ارمنی را نیز گذراند و فارغ‌التحصیل رشته زبان و ادبیات ارمنی شد و همچنین زبان فارسی را در دوره‌های شبانه فرا گرفت.

## زندگی هنری

وی از کودکی به هنر نقاشی روی آورد و زیر نظر پدر تحت تعلیم این هنر قرار گرفت.

## سایر فعالیت‌ها

لئونی در سال ۱۳۴۳ (۱۹۶۳) در مدرسه نائیری و دو مدرسه فارسی‌زبان دیگر به تدریس نقاشی پرداخت. و در سال ۱۳۵۳ از خدمات دولتی بازنشسته شد. در همین زمان به مؤسسه فرانکلین که کتاب‌های درسی، هنری و پیک‌های دانش‌آموزی را تهیه و نظارت می‌کرد، رفت. در آن هنگام مادر لئونی به همراه تعداد دیگری از خیرین، انجمن هنری، فرهنگی و ورزشی "سیپان" را بنیان نهاد و تعداد زیادی از جوانان ارمنی را در آنجا جمع کرد. بعد از فوت مادر، لئونی همکاری با مؤسسه فرانکلین را قطع کرد و به‌طور جدی و پیگیر به آموزش نقاشی پرداخت. همچنین وی حدود ده سال در انجمن فرهنگی سیپان به کار مشغول بود.

## زندگی شخصی

لئونی هرگز ازدواج نکرد.

## نمایشگاه‌ها

در این نمایشگاه ها ۳۰ تابلوی نقاشی آبرنگ، رنگ روغن، پاستیل و سیاه قلم با موضوعات پرتنه عیسی مسیح، زنان و مردان در لباس محلی تفلیس، ارمنی و ایرانی، در معرض دید عموم قرار گرفت.

#### آثار

از دیگر آثار ماندگار تاشچیان تندیس سنگی تمام تنه‌ای از مادرش است که بر روی صندلی نشسته و کتابی در دست دارد. وی در این باره می‌گوید:

«در نوجوانی برای ساخت تندیس مادرم، به گورستان ارمنیان در جاده خراسان رفتم و از کسانی که روی سنگ گورها کنده‌کاری می‌کردند روش کار با قلم و چکش را آموختم، آنان نیز روی یک تکه کوچک سنگی آموزش لازم را دادند. پس از خرید سنگ در درازای یک سال و اندی تندیس مادرم را ساختم.»

#### قدردانی‌ها

در هفته بزرگداشت مقام زن در سال ۱۳۸۰ش از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز امور مشارکت زنان به عنوان یکی از هنرمندان پیشکسوت زن مورد تقدیر قرار گرفت و تندیس و لوح تقدیر دریافت کرد.

لئونی تاشچیان در سال ۱۳۰۵ در شهر کوچک مراغه به دنیا آمد. خانواده‌اش مراغه را به سبب شیوع بیماری مالاریا که در تابستان بیداد می‌کرد، ترک کرد و به تبریز رفت. تاشچیان درباره‌ی این دوره از زندگیش می‌گوید: " شنیدیم که دهات ساوجبلاغ را سیل ویران کرده است و از مردم تبریز کمک فوری خواسته‌اند. آن طور که پدرم تعریف می‌کرد، حاکم تبریز که باید صوراسرافیل بوده باشد و رئیس شهربانی آقای شازده، جلسه‌ای تشکیل داده بودند و تمام تاجرها چه ارمنی و چه ترک و مدیران مدرسه و نیز پدرم (تاشچیان) را دعوت کرده بودند که چاره‌ای بجویند تا بتوانند به موقع به کمک آن‌ها بشتابند. تمامی تاجرها همان جا پولی جمع کردند و به حکومت دادند و پیشنهاد کردند که پدرم چند نمایش در ساوجبلاغ بدهد. قرار شد بلیت‌های گران قیمت را به بازرگانان بفروشند و این کار را تاجرها با کمک حکومت انجام دهند. پدرم دست به کار شد و چند تن از بازیگران خوب خود را از آموزگاران ارمنی به همراه رئیس شهربانی، که بهترین بازیگر پدر بود، انتخاب کرد و راهی ساوجبلاغ شدیم. ساوجبلاغ یک شهر کوچک کردنشین بود که تنها یک مدرسه داشت. در حیاط مدرسه که درازای زیادی داشت، یک صحنه نمایش تابستانی ساختند. تمام کارها را گروهی انجام دادند و شروع کردند به تمرین تئاتر ....

مگردیچ تاشچیان، پدر لئونی تاشچیان در مصر متولد شد. پدر مگردیچ تاجر الماس بود و چون در تجارت ورشکسته شد، به همراه خانواده اش به تفلیس مهاجرت کرد. فضای فرهنگی تفلیس، باعث شد تا مگردیچ به سوی هنر برود. در تفلیس به زودی به استخدام انجمن "آرتیستاگان" در آمد و با توجه به نبوغ، استعداد و پشتکارش توانست بعد از چند سال کار، یکی از هنرمندان صاحب نام کشور روسیه گردد. او در رشته‌های تئاتر، نقاشی و مجسمه سازی فعالیت کرد، ولی در این میان، تئاتر او را با تمام وجود به سوی خود کشاند.

وی در رشته‌های گوناگون نمایشی، همچون کارگردانی، بازیگری، گریم و صحنه آرایی، مانند دیگر هنرمندان تئاتر، در آن روزگاران کارکرد و در هر زمینه توانست از خود چهره‌ای ممتاز بسازد. مگردیچ به عضویت انجمن حرفه‌ای هنرمندان روسیه درآمد و کم‌کم یک گروه هنری تشکیل داد و به اجرای نمایش پرداخت. در همین زمان با بانوی زیبایی که او هم هنرمند و بازیگر توانایی در تئاتر بود، ازدواج کرد، اما ازدواج آنان دوام چندانی نیافت و منجر به جدایی شد. در همین هنگام مگردیچ به توصیه دوستان برای اینکه از آن حال و هوا و ناراحتی پس از جدایی از همسرش



بیرون بیاید، با گروهی از هنرمندان خود در سال 1917م به ایران آمد و به فعالیت در قلمرو تئاتر در آنجا پرداخت.

با توجه به تجربه و کار در صحنه تئاتر تفلیس — که از کانون های هنری متمدنی اروپا بود و افرادی همچون پوشکین و لرمانتوف در فضای فرهنگی آن رشد کرده بودند — مگردیچ در ایران جانی تازه به صحنه تئاتر داد. وی در ایران به زبان های ترکی و ارمنی، نمایش روی صحنه می برد و اغلب، درآمد حاصل از برنامه های هنریش را صرف بنگاه های خیریه می کرد. مگردیچ تاشچیان در سال 1952م دارفانی را وداع گفت، ولی نام او در تاریخ نمایش معاصر ایران، همواره زنده و جاویدان خواهد ماند.

آروسیاک، مادر لئونی در باکو متولد شد. تحصیلاتش را در رشته ریاضی در مدارس دولتی ارمنستان به اتمام رساند و همزمان به آموختن زبان های مختلف پرداخت. به گفته استاد لئونی، مادرش در مدتی کوتاه می توانست به خوبی به یک زبان تسلط یابد. وی مترجم بود و به ادبیات جهان و موسیقی تسلط داشت. آروسیاک در سال 1921م به همراه گروهی از زنان، پای پیاده از ارمنستان به سوی تبریز آمد و در آنجا با مگردیچ آشنا شد و پس از مدتی با یکدیگر ازدواج کردند و آروسیاک نیز عضوی از گروه هنری تئاتر مگردیچ شد و به صحنه تئاتر رفت. وی در سال 1947م در تهران چهره در نقاب خاک کشید.

استاد لئونی تاشچیان

لئونی تاشچیان چنان که در بالا آمد، در یک خانواده هنری در سال 1305ش در شهر مراغه چشم به جهان گشود. او اولین فرزند مگردیچ و آروسیاک بود. وی زبان هنر را از دوران کودکی نزد پدر و مادر فرا گرفت و به گفته خود او، از دانشگاه آنان فارغ التحصیل شد. فقر و ناتوانی جسمی که لئونی از کودکی گرفتار آن بود، مانع از ادامه تحصیل او در مدارس دولتی شد (خانم لئونی همواره از بیماری کم خونی رنج می برد)، اما مشکلات نتوانست مانع ادامه تحصیل وی شود و با این حال لئونی بعد از پایان دوره اول دبیرستان، دوره چهارساله زبان ارمنی را نیز گذراند و فارغ التحصیل رشته زبان و ادبیات ارمنی شد و همچنین زبان فارسی را در دوره های شبانه فرا گرفت. او از کودکی به هنر نقاشی روی آورد و زیر نظر پدر تحت تعلیم این هنر قرار گرفت.

علاقه وی به آموزش و نیز خلق آثار نقاشی به گونه ای بود که در 15 سالگی توانست هنرمندی صاحب سبک شود. به هنگام برگزاری نمایشگاه جهانی کودک و نوجوانان در هندوستان، وقتی یکی از تابلوهای نقاشی لئونی را جهت شرکت به این نمایشگاه فرستادند، مسئولین نمایشگاه به این دلیل که اثر او کار یک هنرمند حرفه ای است و به یک نوجوان 15 ساله تعلق ندارد، از قبول آن سر باز زدند.

لئونی در 5 سالگی همراه خانواده اش از تبریز به تهران آمد. آنان پس از یک سال و نیم زندگی و اقامت در تهران به اصفهان رفتند. در این شهر، مگردیچ به سوی صحنه تئاتر رفت و هنگامی که به همراه کارگردان مشغول بازسازی سالن تئاتر بود، دچار سرماخوردگی و در نهایت بیماری مزمنی شد که پزشکان از آن پس به وی اجازه ندادند به روی صحنه نمایش برود. پس از این ماجرا بود که مادر لئونی به همراه خواهر کوچک ترش سدا — سدا تحصیل کرده موسیقی است و هم اکنون در هلند زندگی می کند — به منظور اجرای نمایش و کسب درآمد برای مخارج خانه به شهرهای گوناگون می رفت و در آن شهرها برای مدارس ارمنیان تئاتر اجرا می کرد. درآمد حاصل از این برنامه مابین آنان و مدارس تقسیم می شد. این وضع حدود دو سال طول کشید، در آن دوران لئونی در منزل می ماند و از پدرش پرستاری می کرد.

خانواده تاشچیان پس از یک سال و نیم اقامت در اصفهان به ناچار به شهر اراک رفت. پدر همچنان بیمار بود و به تجویز پزشکان باید او را به منطقه ای گرم سیر می بردند. در نهایت خانواده تاشچیان بر آن شد تا به آبادان بروند. در همین دوره مادر و خواهر لئونی در شرکت ملی نفت ایران مشغول به کار شدند. لئونی بیشتر پرتره کار بود و پرتره های خانواده های خارجیانی را که در آبادان و شرکت ملی نفت ایران کار می کردند، می کشید و همزمان نیز به طور افتخاری در اداره فرهنگ آبادان به فعالیت می پرداخت. رئیس اداره فرهنگ آبادان به پاس خدمات خانواده تاشچیان به هنر و نیز برای ارج گزاردن به فعالیت های او، لئونی را به استخدام اداره فرهنگ آبادان در آورد. بدین ترتیب او در سال 1323 ش در سن هفده سالگی، وارد خدمات دولتی شد. وی در آبادان به توفیقی بزرگ در امر تدریس دست یافت، از او دعوت شد تا در دبیرستان رازی — که معلمانش استادان دانشگاه بودند — به تدریس بپردازد. این امر هم افتخاری بزرگ و هم تجربه ای گرانبها برای لئونی بود.

سرانجام بعد از هیجده سال زندگی و کار در آبادان و اتمام جنگ جهانی دوم، لئونی به توصیه پزشکان، آبادان را ترک گفت و به تهران آمد. مادرش نیز بعد از بازنشستگی و فوت همسر در تهران به او پیوست و پس از چند سال توقف در کارهایش، در تهران به تدریس نقاشی در مدرسه نوبار مشغول شد و نیز کلیه امور فرهنگی — هنری مدرسه مزبور را به عهده گرفت.

لئونی در سال 1343 ش (1963 م) در مدرسه نائیری و دو مدرسه فارسی زبان دیگر به تدریس نقاشی پرداخت و در سال 1353 از خدمات دولتی بازنشسته شد. در همین زمان به مؤسسه فرانکلین که کتاب های درسی، هنری و پیک های دانش آموزی را تهیه و نظارت می کرد، رفت. در آن هنگام مادر لئونی به همراه تعداد دیگری از خیرین، انجمن هنری، فرهنگی و ورزشی "سیپان" را بنیان نهاد و تعداد زیادی از جوانان ارمنی را در آنجا جمع کرد.

بعد از فوت مادر، لئونی همکاری با مؤسسه فرانکلین را قطع کرد و به طور جدی و پیگیر به آموزش نقاشی پرداخت. همچنین وی حدود ده سال در انجمن فرهنگی سیپان به کار مشغول بود.

شیوه های کار

آثار هنری نقاشی های استاد لئونی تاشچیان، در آغاز تحت تأثیر کارهای پدرش بود. او به شیوه واقع گرایی روسی — ارمنی کار می کرد.

از همین رو، زمانی که لئونی با رنگ و بوم آشنا شد، به تصویر اشیا و طبیعت پیرامون خود پرداخت. آثار استاد با تکنیک های آب رنگ، رنگ روغن، پاستیل و سیاه قلم است و موضوع آثارش اغلب پرتره و طبیعت و بیش تر پرتره زنان و مردان در لباس های محلی تفلیسی، ارمنی و ایرانی است. او در طبیعت سازی، بیش تر علاقه مند به ابنیه و آثار تاریخی است. یکی از دلایل این علاقه مندی آن است که به مدت سه ماه، همراه پدرش در تخت جمشید اقامت داشته و آثار آن مجموعه را نقاشی کرده است. باید اشاره کرد که استاد بیشتر عمر خود را صرف آموزش هنر نقاشی به جوانان و نوجوانان کرده است.

نمایشگاه ها

چهره شاد و متبسم و چشمان پرفروغ استاد لئونی تاشچیان، بازتاب تفکر و روحیه عمیق او است. نگاه وی در تمام دوران زندگی، در صدد کشف و به تصویر کشیدن درون انسان ها و جاودانه نمودن هر چه نیکی و به دور ریختن هر چه پلیدی است، بود. این روحیه را استاد از پدرش به ارث برده است. پدری که زندگی در عرصه هنر را به وی آموخت و او را با بوم و

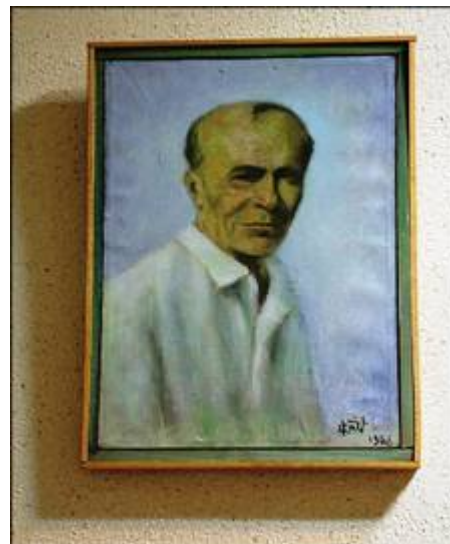


رنگ آشنا کرد و مجموعه ای غنی از کتاب های نفیس ملل مختلف را برایش به یادگار گذارد و همچنین مادری مهربان که یار و همدم او بود.

به مناسبت هزار و هفتصدمین سال پذیرش مسیحیت در ارمنستان به استاد لئونی تاشچیان پیشنهاد شد تا تاریخ ارمنستان را به روایت تابلوهای نقاشی تصویر کند. ایشان با کمال میل این مسئولیت را پذیرفته و این مجموعه را آماده نموده اند.

استاد برای شناخت بیش تر منابع تصویری تاریخ ارمنستان دست به مطالعات وسیعی زدند و با توجه به این مطالعات سعی نمودند تا ساخت و سازهای صحنه های تاریخی و نیز پوشاک شخصیت های این مجموعه از آثار خود را، با دوران تاریخی مورد بحث حتی الامکان نزدیک کنند. ترکیب بندی و تونالیت های رنگ ها نیز متأثر از رنگ های آثار تاریخی ارمنیان است. به طور کلی موضوع این تابلوها مربوط به سده های سوم الی ششم قبل از میلاد مسیح است.

استاد لئونی می گوید: ”با توجه به عشق و علاقه ای که به کارهای تاریخی داشته ام، بی وقفه روی این آثار کار کردم. از سال 1994م شروع به کار ساخت و ساز صحنه های تاریخی و جنگ های ارمنستان که منجر به رسمیت شناختن دین مسیح در ارمنستان شد، نمودم و در نهایت سی و شش مجلس را بر روی سی و شش بوم نقاشی به تصویر در آوردم. خلق هر یک از این صحنه ها هم اکنون به صورت خاطره ای در ذهن من مانده است که هرگز آن لحظات را فراموش نمی کنم.







## ماتیس کازرونی



## تحصیلات

دریافت مدرک کارشناسی ارشد نقاشی از دانشگاه هنر تهران

## بیوگرافی

ماتیس کازرونی از هنرمندان معاصر و عضو انجمن نقاشان ایران است. او عضو گروه ۳۰ نیز بوده است. از دیگر فعالیت های این هنرمند می توان به تدریس طراحی، نقاشی و تصویرسازی کتاب کودک اشاره کرد

ماتیس کازرونی ، هنرمندان معاصر و دانشجوی کارشناسی ارشد نقاشی :  
زنان در اجتماعشان می توانند قشر مطرحی باشند

زنان ایرانی نسبت به دیگر زنان محدودیت اجتماعی دارند که از همین روی تأثیرات آن ها را در جامعه کم رنگ تر می بینیم. ماتیس کازرونی از هنرمندان معاصر و دانشجوی کارشناسی ارشد نقاشی ضمن بیان این مطلب افزود: زنان در اجتماعشان می توانند قشر مطرحی باشند و تأثیر مثبت داشته باشند ولی تأثیر آن چنانی نمی گذارند. کازرونی همچنین تصریح کرد: مطرح نبودن زنان هنرمند نقاش ما ، به دلیل ذهنیت مردسالاری در جامعه ما است و یک زن بر فرض آرتیست بودن نیز آن قدر به فکر پوشاک و ظاهر خود است که به عمق نمی رود و همین امر ذهنیت او را بی ارزش می کند و این زمانی دگرگون می شود که به حد باور جامعه برسد و از دایره بسته خود را نجات دهند.

ماتیس کازرونی با اشاره به این که به جداسازی زن و مرد اعتقاد ندارد ، ولی به تمایز این دو معتقد است ، گفت: این کشور، یک کشور اسلامی است و چون اسلام پاک، سیال و شفاف است، اگر ما نیز آن گونه ببینیم ، مسلماً زنان خیلی پیشرفت خواهند داشت. و بین هنرمندان چه زن، چه مرد باید همبستگی باشد و بر خلاف نفی، همدیگر را درک کنند. ماتیس کازرونی در ادامه افزود: زن ها همان قدر نقششان مهم است که نقش مردها مهم است. اگر فضا باز شود، فرصت شناسایی پدید می آید و کسانی را که تا آن موقع حضور داشتند ، ممکن است دور شوند و تنها کسی که حرفی برای گفتن دارد می ماند. وی در پایان ایراداتی را به برپایی دوسالانه ها در موزه ها و گالری ها در خارج وارد دانست و گفت: در این نوع مراکز یک عده خاص راه می یابند و همان ها شرکت می کنند. ولی جوانانی که در گروه بندی خاصی نیستند و دلیلی برای ارایه کارهای خود ندارند ، مطرح نمی شوند ؛ شاید بعضی ها شایستگی ارایه خودشان را نداشته باشند ولی انتخاب کنندگان نیز یا بسیاری از کارها را می شناسند و رد می کنند یا نمی شناسند و رد می کنند، یا چون کارها را می شناسند قبول می کنند یا چون نمی شناسند قبول می کنند. باید دید در جریان آب ، سنگ کف رود که همیشه هست و آن ماهی که می گذرد، کدام موفق ترند.







## ماروسیا واهرامیان



زاده ۱۲۹۸ آرمویر

درگذشت ۱۳۹۱ تبریز

شریک زندگی گریگور واهرامیان گاسپار بگ

فرزندان وارطان

ماروسیا واهرامیان یک نقاش و کارگردان تئاتر بود.

## زندگی‌نامه

با نام اصلی **ماروسیا آراکلیان** در سال ۱۹۱۹ میلادی (۱۲۹۸ خورشیدی) در شهر **آرمویر** به دنیا آمد. در سال‌های کودکی به همراه خانواده اش در شهر **تبریز** سکونت گزید و در مدرسه ارمنه این شهر به تحصیل پرداخت و سپس به ادامه تحصیل و تأمل در هنر نقاشی نزد استاد واهرامیان که از **مسکو** به تبریز آمده بود پرداخت. به زودی تابلوهای وی در نمایشگاه‌های مختلف در تبریز در معرض دید عموم قرار گرفت.

در سال ۱۹۵۸ (۱۳۳۷) با استاد خود **گریگور واهرامیان گاسپار بگ** پیوند زناشویی بست. نقاشی‌های وی بر پایه اصول کلاسیک و استفاده از پس زمینه رنگی و سمبولیک استوار است.

از تصاویری بسیار زیبا از طبیعت **ارومیه** و **مراغه** و نیز نمونه‌هایی از منازل و مناظر زیبای **تبریز** که در حقیقت گویای شهرسازی آن زمان می‌باشند آفریده‌است.

ماروسیا واهرامیان دستی نیز در موسیقی داشت و منزل وی مهد هنر و موسیقی در سال‌های ۱۹۳۹-۱۹۳۸ (۱۳۱۷-۱۳۱۸) فعالیت در تئاتر را با گروه ادبی هنری خانم «شوشانیک خان آرامیان» آغاز نمود؛ و نمایشنامه‌های «خاتابالا» و «خانه ویران شده» نوشته گابریل سوندوکیان را بازی نمود. پس از آن نیز به هنرنمایی در این رشته ادامه داد و بازی قابل تحسینی در «ملکه قلعه سقوط کرده» نوشته نامی ارمنی **لوون شانت** را ارائه داد.

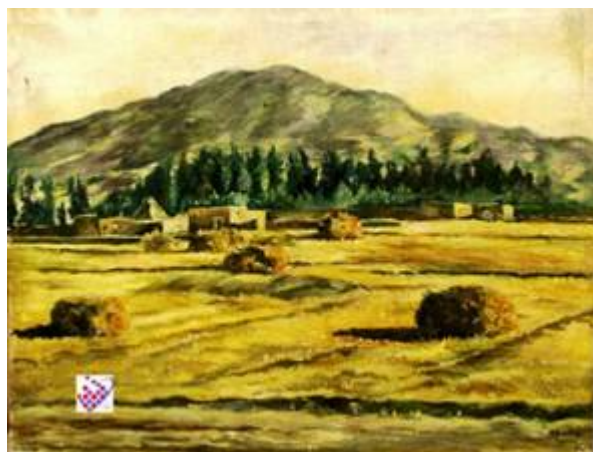
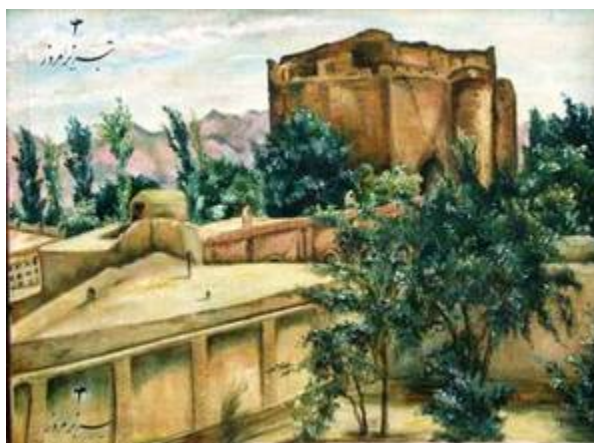
وی نزدیک به سی سال به کارگردانی تئاتر و تدریس می‌پرداخت و همچنین مدیریت یک گروه تئاتر ده نفری را بر عهده داشت.



ماروسیا واهرامیان در طول دهه‌های ۱۹۸۰ و ۲۰۰۰ میلادی به بازی در نمایش‌های «داماد خارجی»، «به خاطر آبرو»، «خاتابالا»، «خانه ویران شده»، «قربانی دیگر» به‌طور افتخاری پرداخت. وی در سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) در شهر تبریز درگذشت.

#### مستند ماروسیا

نوید میخک فیلم مستندی ۳۰ دقیقه‌ای تحت عنوان «ماروسیا» را کارگردانی نمود. این مستند دربارهٔ این هنرمند است که قصد دارد برای آخرین بار اثر تئاتری تحت عنوان «کومیتاس» را به اجرا ببرد اما مشکلاتی بر سر راهش قرار می‌گیرد. مستند ماروسیا در جشنواره بین‌المللی فیلم آریا در هالیوود، جشنواره کازان روسیه، جشنواره بین‌المللی زردآلوی ارمنستان و جشنواره بین‌المللی مستند سینما حقیقت به نمایش درآمد.





مریم شیرینلو



متولد 14 آبان 1345 تهران- ایران  
**تحصیلات** 1369 لیسانس نقاشی و گرافیک- دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در نورت ریج- آمریکا/  
**بیوگرافی**

مریم شیرینلو در تهران متولد شد. وی تا سن ۱۲ سالگی در ایران زندگی کرد. پس از انقلاب، او به همراه والدینش ابتدا به فرانسه و سپس به ایالات متحده نقل مکان کرد و در آنجا در کالیفرنیا به تحصیل هنر پرداخت. او بعداً به تهران بازگشت و به سبک فارسی حروف و خوشنویسی که همزمان با کشف نمایشنامه ها و اشعار عرفای ایرانی بود، علاقه مند شد. او شروع به ساختن یک فرم هنری با استفاده از متن کنترل نشده پرننگ برای انتقال درک خود از حقایق اساسی نهفته در عرفان کرد. وی تأکید می کند که این رسم الخط نیست، بلکه نوعی بیان است که غالباً معنای خاصی ندارد. بینش و خلاقیت هنری به دنیای عرفان منجر شد و سرانجام فلسفه معنوی آثار هنری وی را غنی و تحت تأثیر قرار داد.

روش کار مریم اساساً کلاژ رسانه های ترکیبی با استفاده از کاغذ و چسب و همچنین مواد دیگر است. او ۲ سبک کار دارد. او معمولاً از تکنیک مشابه کلاژ در هر دو سبک استفاده می کند. کلاژهای مجازی، معمولاً اکسپرسیونیست. کلاژهای خوشنویسی، با الهام از نوشتن فارسی و عربی و شعر عرفانی و همچنین گاهی خط میخی.

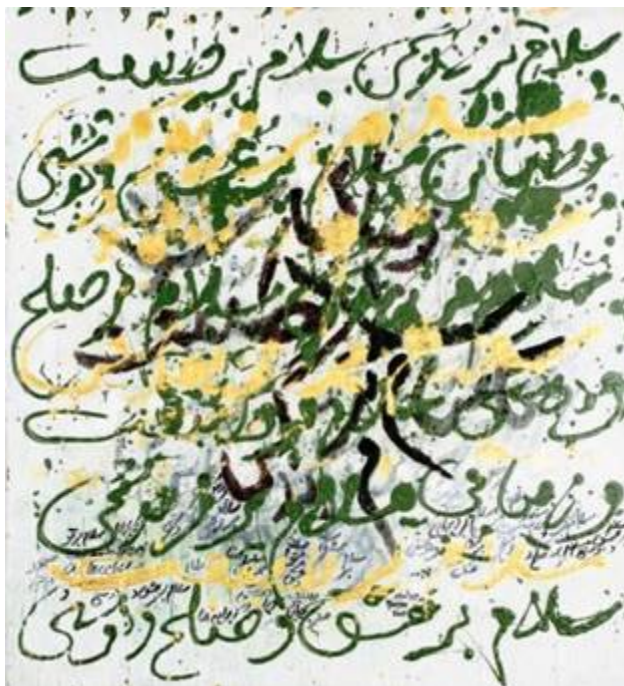
#### نمایشگاه های مریم شیرین لو

برگزیده ای از نمایشگاه های انفرادی

1388 گالری دی- تهران- ایران// 1388 گالری گسرکس- لندن- انگلستان// 1386 گالری ماه- تهران- ایران// 1382 گالری گلستان- تهران- ایران// 1380 گالری طرح و رنگ- تهران- ایران// 1379 گالری گلستان- تهران- ایران// برگزیده ای از نمایشگاه های گروهی 1387 ماسک های شهرزاد- کندل استارو گالری دی- گالری مال- لندن- انگلستان// 1387 آرت پاریس ابو ذبی- گالری



گسرکسس- ابو ذبی- امارات متحده عربی // 1387 آثار معاصر آسیا- گالری گسرکسس- نیویورک- آمریکا // 1387 آرت اکسپو تورونتو- گالری گسرکسس- تورنتو- کانادا // 1387 هنر معاصر ایران- گالری کنتراست- شانگهای- چین // 1387 نمایشگاه آثار خیریه انجمن محک- رنگ عشق- تالار آبی کاخ موزه نیاوران- تهران- ایران // 1387 نمایشگاه خیریه انجمن امید مهر- گالری فکوس- دبی- امارات متحده عربی // 1387 افتتاحیه گالری اعتماد- گالری اعتماد- تهران- ایران // 1387 آرت اکسپو دبی- گالری گسرکسس و کنتراست- دبی امارات متحده عربی // 1386 نمایشگاه هفت نگاه- فرهنگسرای نیاوران- تهران- ایران // 1386 نمایشگاه آرزوها و رویاها- آکادمی هنرهای زیبای نیویورک- نیویورک- آمریکا // 1386 نمایشگاه آرزوها و رویاها- مرکز بین المللی مریدین- واشنگتون دسی- آمریکا // 1385 گالری آزجاتکا- گروه دنا- ورشو- لهستان // 1384 موزه لودویگ- گروه دنا- کوبلنز- آلمان // 1383 گالری آرت اسپیس- دبی- امارات متحده عربی // 1383 اولین آرت اکسپو تهران- گالری شفق- تالار وحدت- تهران- ایران // 1383 مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم پایه- گروه دنا- زنجان- ایران // 1382 موزه هرهای معاصر اصفهان- گروه دنا- اصفهان- ایران // 1382 خانه هنرهای معاصر اصفهان- گروه دنا- اصفهان- ایران // 1382 موزه لئو هایسو- گروه دنا- شانگهای- چین // 1382 موزه یان هوانگ- گروه دنا- پکن- چین // 1382 تالار شهرداری رادهوست- گروه دنا- اسلو- نروژ // 1382 گالری سالاونو- گروه دنا- رم- ایتالیا // 1382 مرکز فرهنگی کایزا- گروه دنا- هلسینکی- فنلاند // 1382 جشنواره زنان ایران- گروه دنا- ساختمان شهرداری- اوری- فرانسه // 1381 موزه کوکولا- گروه دنا- کوکولا- فنلاند // 1381 گالری هاگزه کونسکرینک- گروه دنا- لاهه- هلند // 1381 ساختمان پارلمان اروپا- گروه دنا- بروکسل- بلژیک // 1381 اکسپو آرت سود- گالری آریا- قصر کنگره- پاریس- فرانسه // 1381 گالری ویگادو- گروه دنا- بوداپست- مجارستان // 1381 ساختمان سازمان ملل- گروه دنا- ژنو- سوییس // 1381 فابین فرینس فاین آرت- موندو استودیوز- گروه دنا- ماریبا- اسپانیا // 1380 ویلا دل کاردیناله- گروه دنا- ناپل- ایتالیا // 1380 خانه کتاب خط و نقاشی- بروکسل- بلژیک // 1380 ده نقاش زن از ایران- هتل دو ویل سن ژیل- بروکسل- بلژیک // 1380 //نمایشگاه گروهی زنان- گفتگوی تمدن ها- ساختمان اجلاس- تهران- ایران



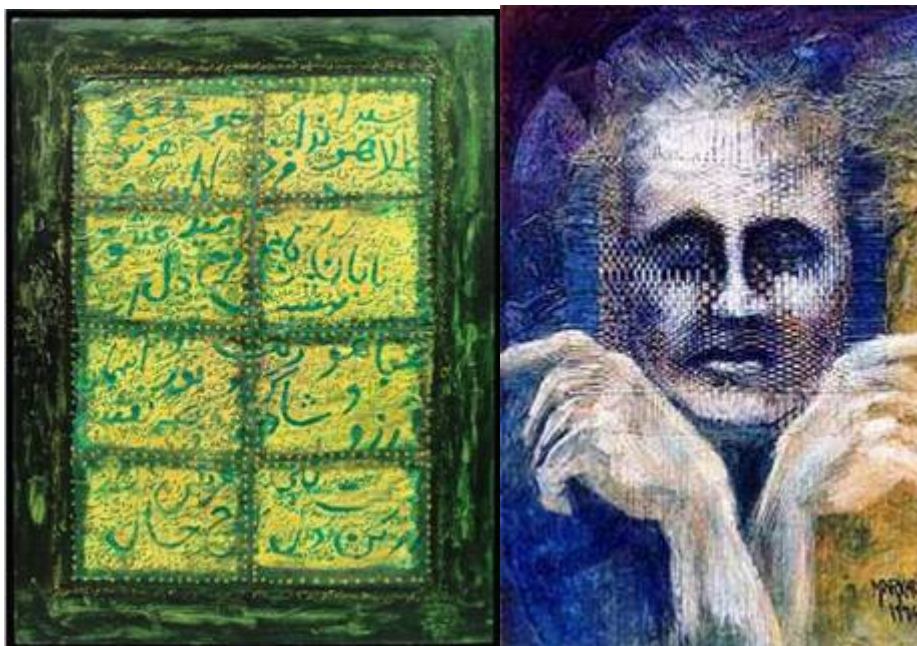












مریم عیوضی



زاده

۴ اردیبهشت ۱۳۵۹ زنجان

محل تحصیل

آکادمی هنرهای زیبا، بولونیا، ایتالیا

پیشه

نقاشی

سبک

آبستره انتزاعی

مریم عیوضی (زاده ۴ اردیبهشت ۱۳۵۹ در زنجان) نقاش ایرانی است. اغلب آثار او را نقاشی‌های انتزاعی تشکیل می‌دهند.

زندگی‌نامه



مریم عیوضی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹ در شهر زنجان زاده شد. اولین فرزند خانواده بود و تحصیلات مقدماتی خود را در این شهر گذراند. در ۱۳ سالگی با دیدن اثری از ویلم دکونینگ (Willem de Kooning) (یکی از برجسته‌ترین نقاشان جنبش اکسپرسیونیسم انتزاعی) (زن ۳) شیفته قدرت و جادوی نقاشی شده و تصمیم به ادامه تحصیل و البته فعالیت در این رشته می‌نماید. تا این که سرانجام موفق به اخذ مدرک کارشناسی زیر نظر هنرمندانی چون رضا بانگیز از دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی می‌شود.

وی تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی ارشد در رشته هنرهای زیبا در آکادمی هنرهای زیبا در شهر بولونیا در ایتالیا به پایان می‌رساند.

#### سبک شناسی

آثار او همگی فضایی انتزاعی دارند و ریشه در موضوعات مربوط به طبیعت دارند؛ موضوعاتی که وابستگی او به طبیعت را نشان می‌دهد. تنوع مواد و پالت رنگی در آثارش نقش مهمی بازی می‌کند. در آثار او تکنیک‌های مختلفی با هم آمیخته شده‌است و در آن‌ها از زغال تا مداد شمعی و اکریلیک استفاده شده‌است. از نظر دیداری، لحظات ناپایدار و معلق و خطوط سیال آثار او، مانند لحظه به پرواز درآمدن اشیا بر اثر وزش بادی تند، شبه‌تصویری مانند منظره را تداعی می‌کند.

مریم عیوضی می‌گوید: رنگ‌های موجود در نقاشی‌هایم نشانه‌ای از رابطه‌های خاکستری است که در جامعه وجود دارد.

او درباره رنگ‌های به کار رفته در آثارش گفت: خاکستری‌های رنگی موجود در کارها نشانه‌ای از رابطه‌های خاکستری است که در جامعه وجود دارد و ارتباطات سرد و خاکستری میان افراد را نشان می‌دهد. در عین حال رنگ‌های زنده‌ای که در بخش‌های کوچکی از تصاویر دیده می‌شود نشان‌دهنده قسمت‌های شیرین یا لذت‌های زودگذر زندگی است.

عیوضی با بیان اینکه هیچ‌وقت خود را به متریال محدود نکرده است گفت: همیشه ترجیح می‌دهم موقع کار آزاد باشم و با استفاده از مواد گوناگون حس خود را نشان دهم. احساساتی مانند خشونت یا آرامش هر کدام به شکلی متفاوت و با مواد مختلف به تصویر درمی‌آید، به همین دلیل وقتی می‌خواهم کار کنم نمی‌توانم خود را به یک ماده محدود کنم و هر وسیله‌ای که در آن لحظه به کار بیاید را استفاده می‌کنم.

عیوضی افزود: اصراری ندارم که کارهایم در دوره‌های مختلف شبیه هم باشند و با توجه به رشد و سیر و سلوکی که در مسیر هنر پیدا می‌کنم، نقاشی‌های خود را نیز در همان مسیر پیش می‌برم. قطعاً نشانه‌هایی از کارهای قبلی در کارهای جدید خواهد بود اما خود را به یک شیوه یا حالت محدود نمی‌کنم. هدف دیگری که در این کارها داشتم این بود که بین طراحی و نقاشی هیچ محدودیتی قائل نباشم. در تمام سال‌های فعالیت خود هدفم این بوده که مرز بین طراحی و نقاشی را از بین ببرم و هیچ محدودیتی در کار خود قائل نباشم.







## مزگان شجریان



زاده ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۸ تهران، ایران

دانشگاه دانشگاه هنر، دانشگاه آزاد اسلامی

مزگان شجریان (زاده ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۸) طراح گرافیک، نقاش، خواننده و نوازنده سه‌تار است

مزگان شجریان ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۸ در تهران متولد شده‌است. او فارغ‌التحصیل کارشناسی نقاشی و کارشناسی ارشد ارتباط تصویری (گرافیک) از دانشگاه آزاد اسلامی است و علاوه بر آن نیز کارشناسی موسیقی از دانشگاه هنر دارد.

مزگان شجریان با محمدعلی رفیعی که مدیر برگزاری کنسرت‌های محمدرضا شجریان و بعدتر همایون شجریان بوده ازدواج کرده و صاحب یک دختر به نام مهر رفیعی و دو پسر دوقلو به نام‌های سام و سپهر می‌باشد.













## معصومه بختیاری



متولد 1344 تهران

تحصیلات

فوق لیسانس انیمیشن: دانشگاه تربیت مدرس 1378

لیسانس نقاشی: دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران 1370

نمایشگاه های انفرادی

گالری اثر، تهران 1383

گالری دپواسکوار، بوستون، آمریکا 1383

گالری ویلیم تاور، هیوستون، آمریکا 1382

گالری اویسی، لس آنجلس، آمریکا 1378

نمایشگاه های گروهی

گالری طراحان آزاد 1387

موزه هنرهای زیبا، کاخ سعد آباد 1386

گالری اثر 1384-85-86

بنیاد فرهنگی نیاوران 1384

آرت اکسپوی پکن 1384

موزه هنرهای معاصر تهران 1383

سومین بینال نقاشی، تهران 1376

هنرمندان زن معاصر ایران 1373-75











## معصومه سیحون



نام در زمان تولد منیر نوشین

زاده ۱۳۱۳ رشت

درگذشت ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۹ (۷۶ سال)  
تهران

پیشه بنیانگذار گالری سیحون

همسر هوشنگ سیحون ۱۳۳۱-ج. ۱۳۵۴

فرزندان ۲

## جایزه ها

لوح ویژه تقدیر سازمان میراث  
فرهنگی و گردشگری مراسم  
بزرگداشت ۴۰ سال فعالیت هنری  
گالری سیحون، ۱۳۸۳  
لوح تقدیر انجمن نقاشان ایران  
۱۳۸۸

## پشتیبان

هوشنگ سیحون

**معصومه سیحون** (نام قبل ازدواج: معصومه نوشین) (۱۳۱۳، رشت - ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۹ تهران) هنرمند نقاش، از پیشکسوتان هنرهای تجسمی در ایران و مدیر گالری سیحون، قدیمی‌ترین نگارخانه هنری فعال در ایران بود. او دارای حدود نیم قرن پیشینه فعالیت هنری بود و نقش برجسته‌ای در معرفی استعداد های هنری ایران داشت. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و انجمن نقاشان ایران به ترتیب در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۸ از وی به پاس یک عمر فعالیت بی‌وقفه هنری تقدیر کردند.

## زندگی‌نامه

معصومه نوشین در سال ۱۳۱۳ در شهر رشت چشم به جهان گشود. سالهای کودکی را در رشت و شاهی (قائم‌شهر کنونی) گذراند. پدرش کارمند راه‌آهن بود و مدتی به شهر اهواز منتقل شد. بدین ترتیب معصومه نیز چندسالی در آنجا زندگی کرد. او به گفته خودش دانش‌آموز درس‌خوانی نبود و اما از کودکی به نقاشی علاقه‌مند بود، و به یاد نمی‌آورد که چرا و چگونه با نقاشی آشنا شد. در دوره دبستان در اهواز گاهی برای معلم‌ها نقاشی سفارشی می‌کشید.

پس از ده سال زندگی در اهواز، خانواده نوشین به تهران نقل مکان کردند و او سالهای پایانی دبیرستان را در تهران گذراند. خانواده‌اش دوست داشتند پزشکی شود اما او در سال ۱۳۳۵ در کنکور دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران در رشته نقاشی پذیرفته شد.

او در دانشگاه با هوشنگ سیحون آشنا شد که در آن دوران ریاست دانشکده را بر عهده داشت. چندی پس از این آشنایی، معصومه نوشین و هوشنگ سیحون با هم ازدواج کردند. پس از آن نام او «معصومه سیحون» شد و تا پایان عمر به همین نام شناخته می‌شد.

## گالری سیحون

در سال ۱۳۴۵ معصومه سیحون با یاری همسرش گالری سیحون را بنیان نهادند. گالری سیحون یکی از اولین نگارخانه‌های هنری ایران است و قدیمی‌ترین گالری هنری فعال در کشور به‌شمار می‌آید. گالری سیحون با تلاش و مدیریت معصومه سیحون، از سال ۱۳۴۵ تاکنون بدون وقفه به فعالیت ادامه می‌دهد.

گالری سیحون از آغاز کار تاکنون بیش از ۱۵۰۰ نمایش از آثار معاصر هنرمندان نوپای ایرانی ارائه داده‌است، از جمله آثار هنرمندانی که بعدها به شهرت ملی رسیدند مانند ژاله طباطبایی، سهراب سپهری، مسعود عربشاهی، حسین زنده رودی، رضا مافی، مکرّمه قنبری و علیرضا اسپیهد.

## بزرگداشت

در سال ۱۳۸۳ سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مراسمی برای بزرگداشت ۴۰ سال فعالیت هنری گالری سیحون برگزار کرد که طی آن لوح تقدیری به معصومه سیحون داده شد. در این مراسم، معصومه سیحون ابراز امیدواری کرد که پسرش نادر پس از او مدیریت گالری را بر عهده گیرد. وی افزود:



تمام زندگی من در این گالری خلاصه می‌شود. این جا سال‌های سال است هنرمندانی چون سهراب سپهری، حسین زنده رودی، پرویز تناولی، رضا مافی، فرامرزیل آرام و حسین کاظمی و... رفت‌وآمد داشته و دارند. میراث فرهنگی بزرگترین کار را انجام داد چون هنرمندان را به واسطه نزدیک شدن به نگارخانه‌ها با خودش پیوند داد. وجود هنرمندان بزرگی که در این نگارخانه‌ها نمایشگاه می‌گذارند یکی از افتخارات ما و میراث فرهنگی است.

آخرین نمایشگاه و بزرگداشت معصومه سیحون در زمان حیاتش در ۲۷ مهرماه ۱۳۸۶ گالری هما برگزار شد و کتابی از نقاشی‌هایش در همکاری با مجله تندیس منتشر شد. در این مراسم آیدین آغداشلو، احمد نصراللهی و پرویز ملکی سخنرانی کردند.

خانه نقاشان ایران نیز در سال ۱۳۸۸ مراسم تقدیری به مناسبت فعالیت‌های هنری وی در پردیس سینمای ملت برگزار کرد.

### درگذشت

معصومه سیحون روز ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۹ در تهران درگذشت و در بهشت سکینه به خاک سپرده شد.

////////////////////

در رشت به دنیا آمدم و پدرم، رئیس پلیس راه‌آهن بود و به واسطه شغلش به‌طور مرتب در مسیر راه‌آهن جابه‌جا می‌شدیم. يك سالی از تولدم گذشته بود که به ساری و بعد از مدتی نیز به شاهی نقل مکان کردیم. یادم هست وقتی را که رضا شاه به ساری آمده بود و قرار بود که من به او گل بدهم. همه از او مثل موش می‌ترسیدند. من کوچولو بودم و نمی‌دانستم که رضا شاه یعنی؛ ترس و احساس هم نمی‌کردم. پدرم مرا راهنمایی می‌کرد که چه باید بگویم و چگونه رفتار کنم. از پدرم پرسیدم او کیست؟ گفت: شاه. فقط یادمه که کلمه شاه توی کلام خیلی اثر گذاشت. وقتی گل را به او دادم، رضا شاه با آن اسب و قیافه‌اش مرا بغل کرد، بوسید و نوازش کرد. آن‌قدر احساس غرور کردم که فکر می‌کردم من هم شاهم.

دوره کودکی معصومه (سیحون) در شهرهای رشت و شاهی می‌گذرد. این سال‌ها مصادف می‌شود با سال‌های جنگ دوم جهانی و نفوذ روس‌ها در شمال ایران. «سربازان روسی مردم خشنی بودند و چنین رفتاری، هم با خودشان و هم با مردم ما داشتند. یادم هست يك باری را که سربازی روسی، که نمی‌دانم چه جرمی کرده بود، به دو کامیون بستند و از دو جهت مخالف آن‌قدر کشیدند تا سرباز دو نیم شد. این به اتفاق برای من به‌قدری هولناک بود که تا مدت‌ها کابوس شبانه من شده بود.» از آن روزها خاطره دیگری یادم مانده است، در ساری بود که پدرم وقتی داشت با يك افسر روسی حرف می‌زد، آمدند و گرفتندش.

پدرم تلاش بسیاری کرد که آن‌ها را قانع کند به این‌که وقتی در رشت زندگی می‌کردیم این زبان را به‌خاطر تماس‌هایی که با آن‌ها داشته یاد گرفته است. بالاخره آن‌ها به‌خاطر مادرم و من، پدرم را رها کردند. پدرم از ترس این‌که ما را نکشند و یا نذرند، مدتی ما را در واگن‌های قطار مخفی می‌کرد و هر بار در يك واگن از نقطه‌ای به نقطه دیگر در حرکت بودیم. «عاقبت پدر موفق می‌شود که ما را به تهران بفرستد. تهران هم چندان وضع مناسبی نداشت. قحطی بود و ناامنی. به هر صورت مدتی در تهران زندگی کردیم تا پدر، انتقالی به اهواز می‌گیرد و راهی آن‌جا می‌شویم. در جنوب، انگلیسی‌ها حضور داشتن و اوضاع نسبتاً بهتر بود.

با هر اوضاع نابه‌سامانی که بود، (و البته بعد از مدتی هم رفته رفته وضعیت بهتر می‌شد) احساس می‌کنم که زندگی برای من بهتر از حالا بود. فکر می‌کردم زندگی دارای مفهومی است. دیدن يك فیلم یا شنیدن يك موزیک خوب چقدر لذت‌بخش بود و پدرم هر جور که بود هرچه را که می‌خواستم برای من تهیه می‌کرد. چون قبل از من چهار تا بچه‌اش مرده بودند و من تنها فرزند و عزیز کرده‌ی آن‌ها بودم

نمی دانم چرا و چگونه با نقاشی آشنا شدم، ولی هر چه یاد دارم از بچگی نقاشی را خیلی دوست داشتم « به خصوص دوران دبستان را در اهواز به خاطر می آورم که چقدر مورد توجه و تشویق معلم هایم بودم چندان درس خوان نبودم ولی خوب نقاشی می کردم. به همین خاطر هم گاهی جایزه های می گرفتم و یا سفارشی از يك معلم که برایش نقاشی بکشم، و این هم در آن سن و سال، کم تشویقی نبود.» به تدریج نقاشی کار دایم می شود. «عصرها که از مدرسه به خانه برمی گشتم، نقاشی می کردم و یا شیطنت، از دیوار بالا می رفتم.» در دوره دبیرستان خودم را يك نقاش تمام عیار می دانستم و خیلی احساس هنرمند بودن می کردم

آیا برای ما مقدور است تا لحظه ای چشممان را روی هم بگذاریم و با هر سن و سالی که هستیم، شصت سالی به عقب برگردیم و خود را نوجوانی چهارده، پانزده ساله تصور کنیم که رها از هر قید و بند، بسیار پُر انرژی و بی آن که دلشوره ها و نگرانی های پدر و مادر برایمان مهم باشد، کله سحر که خبری از آفتاب سوزان جنوب نیست، جست و خیزکنان اطراف شط، یا پرنده های را دنبال می کنیم و یا در جستجو و به بهانه صید ماهی (که حتی يك بار هم موفق نبوده ام)، بازیکنان خود را به آب بزنیم و شناکنان به عمق شط فرو برویم و بالا بیاییم و باز شناکنان به قایقی بزنیم توی قایق، با هر آنچه از تهمانده زوری که در بازوی مان مانده است و تا آخرین رمق پارو بزنیم، وسط شط برسیم شصت سال به عقب برگشتیم

نه صدای ماشینی هست و نه صدای تلمبه ای. وسط شط هستیم و سکوت مطلق است. حتی نسیمی هم نمی وزد. تنها حضور خودمان را احساس می کنیم، که گاه آن را هم حتی فراموش می کنیم. پاروها را بالا کشیده ایم و دسته ایمان را رها روی پاهایمان گذاشته ایم و دوست داریم به نقطه ای نگاه کنیم که تا بی نهایت جز آب چیزی نبینیم. به چه فکر می کنیم و خود هم نمی دانیم. آنقدر در این وضع می مانیم تا بانگ بلند و نگران پدر و یا مادرمان ما را به خود می آورد. «معصومه تو مدرسه نمی خواهی بروی، گرسنه ات نیست» پدرم می گفت تو ماجراجو به دنیا آمده ای. ولی حالا فکر می کنم که من ماجراجو نیستم. «حتی از ماجرا متنفرم ولی ماجرا به دنبال می آید

خانواده معصومه سیحون بعد از ده سالی زندگی در اهواز، آنجا را با همه خاطرات خوش و همه گرمای محبت مردمش که مثل گرمای جنوب بی دریغ است، به قصد تهران ترك می کنند و او مدرسه را از کلاس یازده به بعد در آنجا سپری می کند.

. «در تهران در دبیرستان نوربخش درس می خواندم همه لات بازی می کردند، محیط خیلی فرق می کرد اوایل وقتی سوال های درسی معلم ها را جواب می دادم، همه با من بد شده بودند و من هم کم کم یاد گرفتم مثل اون ها رفتار کنم. مادرم گاهی نصیحت می کرد که تو نباید سعی کنی مثل دیگران شوی و من گاهی «می پذیرفتم و گاهی هم لج می کردم

اواخر سال های دهه بیست هست و دوران نخست وزیری مصدق و جریان نهضت ملی شدن نفت، تظاهرات خیابانی بود که هر روز برپا می شد و دامنه این تظاهرات و فعالیت احزاب به مدارس کشیده شد. «من شدم يك کمونیست دو آتشف، و مدام در راهپیمایی ها شرکت می کردم. خسته به خانه که برمی گشتم پدرم می پرسید کجا بودی، می گفتم راهپیمایی و او از این مسئله بسیار نگران می شد و با همین نگرانی هایش توانست ذهنیت مرا تغییر دهد.» «بعد از مدتی باز به اهواز برگشتیم و از شر و شور سیاست دور شدم کمی هم عاقل تر شده بودم. با پدر و مادرم خیلی خوشبخت بودم، چون بی نهایت به من توجه می کردند، مواظب بودند. بد و خوب را لخت به من می گفتند. گاهی لجم می گرفت ولی کمی «که گنده تر شدم دیدم چقدر ممنون آن ها هستم

بعد از پایان مدرسه و بعد از مدتی که در اهواز به سر می برد، مجدداً به تهران برمی گردند. مادر معصومه خیلی مایل بود و بسیار اصرار داشت که او پزشك شود و برای این منظور قرار بود که برای تحصیل آن به آلمان برود. ولی تقدیر او را راهی دانشکده هنرهای زیبا کرد. «اصلاً از وجود چنین دانشکده ای خبر نداشتم. بعد از پایان مدرسه و یکی دو سالی در خانه ماندن پاك افسرده شده بودم. به اصرار یکی دو تن از دوستان، با هم به کلاس های آزاد دانشکده هنرهای زیبا رفتیم و بعدها فهمیدم که این کلاس های آمادگی کنکور است



به توصیه دوستان در کنکور شرکت کردم و قبول هم شدم (۱۳۳۵). در دانشکده هنرهای زیبا که قبول شدم، آن قدر درگیر نقاشی بودم که قید سفر آلمان و تحصیل رشته پزشکی را پاك زدم. خیلی با علاقه و بسیار کار می‌کردم، ولی خیلی زود با یکی از استادانم، مهندس «هوشنگ سیحون» ازدواج کردم و متأسفانه درگیر زندگی شدم. ولی بعد از ازدواج، باز این شوهرم بود که مرا تشویق می‌کرد که نقاشی کنم. خیلی سخت‌گیر بود. ولی حالا هر چه دارم و به هر چه که رسیدم، همه از او دارم. برای آن که کار کردن را به من یاد داد

من عاشق آدم‌های قوی هستم. او با اعتماد به نفس زیاد و قدرت کامل از من خواستگاری کرد من به او گفتم تو جای پدر منی و نمی‌خواهم با تو ازدواج کنم، فکر می‌کردم اختلاف سنی مان زیاد باشد. او گفت: تو چه بخواهی و چه نخواهی زن منی. از این به بعد هم نباید موهایت را فلان کنی و فلان لباس را بپوشی و ...

همون سال‌های اول دانشکده بچه‌دار شدیم و پای پروژه دیپلم که بودم، بچه دوم توی شکم بود. بعد از ۲۳ سال زندگی مشترکی که با هوشنگ سیحون داشت، عاقبت از هم جدا شدند. هوشنگ سیحون ابتدا به امریکا و سپس مقیم ونکور در کانادا شد. «او طراح، نقاش، مجسمه‌ساز و معماری برجسته و از خانواده‌ای درست و حسابی بود. پدر بزرگش میرزا عبدالله از موسیقی‌دانان بزرگ ایران بود. استاد عبادی دایی او بود که سهار می‌زد، مادرش معلم استاد عبادی بود و تار و سهار می‌زد. پدرش نیز ضیاءالله سیحون تار می‌زد و شاگردان زیادی داشت

علی محمد حیدریان، خانم امین فر (مادام آشوب) و محمد جواد حمیدی از جمله اساتید خانم سیحون هستند «خانم امین فر، زن بسیار توانا، خوش ذوق و با سلیقه‌ای بود. گاهی که روی نقاشی‌ها کار می‌کرد، پارچه‌ای رنگی می‌کرد، روی گوشه‌ای از بوم می‌مالید و بعد چند لکه به آن اضافه می‌کرد و کارها از این رو به آن رو می‌شد.» او هم از میان همه اساتید خود، بیش از همه از آموزه‌های خانم امین فر استفاده می‌کرد. بنابراین از همان سال‌های اول دوران دانشکده، خیلی زود برخورد طبیعت گرایانه‌ای را که پیش از این فرا گرفته بود کنار می‌گذارد و مجذوب شیوه‌های امپرسیونیستی و پست‌امپرسیونیستی در نقاشی می‌شود.

همین روش را هم در سال‌های اول بعد از دانشکده ادامه می‌دهد. بعد از پایان تحصیل، مدتی برای دانشگاه کار می‌کند، ولی زود آن را کنار می‌گذارد تا برای خودش نقاشی کند. در چندین بی‌ینال و نمایشگاه گروهی هم شرکت می‌کند. از جمله نمایشگاهی به مناسبت روز مادر در گالری صبا که مدیریت آن به عهده خانمی فرانسوی که نام ایرانی «افسانه» را برای خود انتخاب کرده بود. «افسانه هویدا» طی چند سالی که در ایران بود و گالری داری می‌کرد، بعد از جدایی از همسرش متأسفانه از ایران رفت. او زن بسیار مشخص و دانایی بود اما در نمایشگاهی که به مناسبت روز مادر برپا کرده بود کاری از «پرویز تناولی» را در داخل گالری ابتدا به طبقه‌ای دیگر، و بعداً به بیرون از گالری انتقال داد.

وقتی به او اعتراض کردم و گفتم که او از همه ما استادتر است و چرا این کار را کردی، گفت: کار خیلی بزرگ است و نمی‌تواند توی این فضا باشد. همه از این کار او ناراحت بودند بیش از همه تناولی. به بچه‌ها گفتم من به خاطر این هم که شده قول می‌دهم تا هفته دیگر يك گالری برپا کنم از همان فردا شروع کردم و با كمك‌هایی هم که همسرم به من کرد، واقعاً خیلی زود گالری‌ها راه افتاد (زمستان ۱۳۴۵)، اولین نمایشگاه هم نمایشگاهی گروهی با کارهای سهراب سپهری، ابوالقاسم سعیدی، اردشیر محصص، پرویز تناولی و ..... بود. نمایشگاه بسیار خوبی که متأسفانه روز افتتاح همراه شد با بارش برف شدید و نگران از این که باز دیدکننده‌ای نیاید

فروغ فرخزاد که متوجه دلشوره من شده بود گفت نگران نباش پیش سهراب رفت و سوپج ماشینش را گرفت و رفت سراغ آدم حسابی‌هایی که می‌شناخت و با ماشین آن‌ها را به گالری آورد. گالری پُر شد و تا آخر شب بچه‌ها گفتند و خندیدند و قرار گذاشتند که به نوبت، هر کدام نمایشگاهی آن‌جا داشته باشند و دقیقاً تا يك سال برنامه گالری کاملاً پُر شد. من هم خیلی زحمت کشیدم تا از همان ابتدا گالری فعالی باشد. شب و روز نداشتم و با عشق تمام، یکسره همه وقت را صرف آن کردم

گالری‌داری، دوره و تجربه‌ی تازه‌ای در زندگی معصومه سیحون بود. تجربه‌ای که قریب به چهل سال و تقریباً به‌طور مستمر تداوم داشته و بر تداوم آن نیز پایمردی داشته است. اگر چه این کارهای او را تا حد زیادی از نقاشی کردن بازداشت و فرصت کمتری برای این کار پیدا می‌کرد، ولی حضور مستمرش به‌عنوان یک گالری‌دار از گذشته تا کنون، حمایت و دفاع از هنر و هنرمندان معاصر ایران بوده است برای اولین بار نمایشگاه خوشنویسی را من باب کردم.»

«یکی از افتخارت من این است که کارهای علی‌اکبر یاسمی را برای اولین بار به نمایش گذاشتم. بعداً دیگران این کار را کردند. کار رسام ارزنگی را هم اول بار من به نمایش گذاشتم. «در طول چهل سال فعالیت که تا کنون داشته‌ام صدها هنرمند در گالری من نمایشگاه گذاشته‌اند. نقاشانی نظیر سپهری، زنده‌رودی و بسیاری دیگر از نقاشان استخوان‌دار معاصر در این‌جا بالیده و معرفی شده‌اند و بی‌انصافی است اگر در معرفی آن‌ها به مردم و شهرشان سهم گالری سیحون را نادیده گرفته شود معصومه سیحون ابتدا گالری خود را در یکی از طبقات خانه خود به راه انداخت و سپس سال ۱۳۵۱ به‌جای کنونی خود نقل مکان کرد

سیحون در تجارب هنری خود بین سال‌های ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ یک تکنیک شخصی دست پیدا می‌کند تا تا سال‌ها همراه اوست و آن استفاده از رنگ‌های صنعتی می‌باشد رنگ‌هایی که برای اتومبیل استفاده می‌شود از قدرت و استحکام بی‌نظیری برخوردارند، ضمن آن که بسیار شفاف و براق هستند. این تکنیک اولین بار به توسط من مورد استفاده قرار گرفت، اما چند سال بعد بعضی‌ها به آن گرایش پیدا کردند، کارهایی از آن دوره دارم که در برخی از نشریات هنری اروپا «و آمریکا رسیده است».

در این مدت سیحون در کنار کار گالری‌داری به‌عنوان مجموعه‌دار نیز تعداد زیادی اثر گردآوری کرده است. اما بخشی از این مجموعه در سال ۱۳۶۰ و با دستگیری و زندانی شدنش، مصادره شد. «بین سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ یک سال در زندان اوین ماندم. به اتهام همکاری با فرح. گفتم با او نه نهاری خوردم و نه شامی که با او دوست باشم. فقط موظف بودم که کارهای نقاشی و نقاشان را به او معرفی کنم، ولی با همین اتهام، خانه‌ام و هر آنچه که در آن بود را مصادره کردند زندان خیلی جای عجیبی بود. خیلی سخت می‌گذشت ولی بسیار هم آموزنده بود. مدت کمی بعد از آزادی، دوباره گالری را به راه انداختم. یعنی در سال‌های شصت و در اوج جنگ ایران با عراق و زمانی که کمتر گالری‌ها فعالیت می‌کرد

فعالیت‌های گالری سیحون از سال ۱۳۶۳ مجدداً از سر گرفته شد و با همه اوج و فرودهای خود، هنوز فعالانه پابرجاست و حتی بیماری قلبی او و عمل سختی که در فرانسه انجام داد و منجر به تعویض قلبش شد، در فعالیت آن وقفه‌ای به‌وجود نیاورد (۱۳۷۷) «قلبم بسیار ناراحت بود، وقتی به پزشک مراجعه کردم گفت باید عوضش کنی. گفتم هرگز این کار را نمی‌کنم با همین قلب عاشق شدم، فارغ شدم. گفت ببین ۲۵ روز دیگر بیشتر زنده نیستی قلب نه عاشق می‌شود و نه فارغ. همه این کارها را مغز می‌کند.» «هیچ امیدی به ادامه زندگی من نبود. ولی حالا دارم زندگی می‌کنم، و این تجربه عجیبی بود. خیلی عجیب. همه باورهایم به کل عوض شد. خدا را با همه وجودم درک کردم.» تعویض کامل قلب پایان مصایب معصومه سیحون نبود. او هنوز باید امتحان دیگری را نیز پس می‌داد. «دزدان توی خانه‌ام ریختند، مرا کتک زدند و استخوانم را شکستند و اموالم را بردند.» چنانچه هنوز نیز این مصایب ادامه دارد. ما مصاحبه خود را در حالی با او انجام دادیم که ایشان در بستر بیماری بودند. «کار من تا امروز ادامه یافته و الان می‌بینم که چقدر زحمت کشیده‌ام، البته برای دلم بود. ولی انتظاری هم که در مقابلش داشتم این بود که بچه‌ها قدر بدانند که آدم کار کرده، و تنها تشکری و دستت درد نکنه. همین. درست مثل پدر و مادری که از فرزندان‌شان می‌خواهند که بدانند چقدر برایشان زحمت کشیده‌اند





خانم سیحون تقریباً از بعد از بیماری قلبی خود، گالری را به اتفاق «نادر» پسرش که در امریکا زندگی می‌کرد و برای این منظور به ایران برگشته، اداره می‌کند. دخترش «مریم» نیز اخیراً در امریکا کار مادر را ادامه می‌دهد. «من و پدر مریم تصمیم داریم تا همه آثار خوبی که جمع کرده‌ایم به دخترمان بسپاریم تا در امریکا بنیادی را به نام «بنیاد سیحون» تشکیل دهد و در کنار آن نیز يك گالری به همین نام و به سرپرستی خودش راه بیندازد. خودم هم تصمیم گرفته‌ام برای همیشه از ایران بروم. لطمه‌هایی که بر اثر مسایل عاطفی خوردم خیلی به من آسیب می‌زند. من که وقتی انقلاب شد و خیلی‌ها رفتند، به‌خاطر عشقی که به این خاک داشتم ماندم، من که وقتی بچه‌هایم از ایران رفتند گفتم هر جا می‌خواهید زندگی کنید ولی تابعیت هیچ جا را نگیرید. چون باید یادتان باشد که ایرانی هستید. من که وقتی برای تعویض قلبم به فرانسه رفته بودم، با خودم به‌جای کفن، پرچم سه رنگ ایران را برده «بودم، اما حالا تصمیم گرفته‌ام از ایران بروم. بعد از تعویض قلبم روحیه‌ام خیلی عوض شد. خیلی به خدا احساس نزدیکی می‌کنم. مذهبی شده‌ام. بعد از تمام شدن درس دانشکده تا مدتی فیگوراتیو کار می‌کردم، ولی رفته رفته کارهایم آبستره شد و به همین شکل هم ادامه یافت. هنوز هم آبستره کار می‌کنم و حالا ریتمی مذهبی یافته‌اند. بعد از تعویض قلب، موضوعات کارم همه مذهبی شدند. ائمه را می‌کشتم. حضرت علی و یا حضرت زهرا را کشیده‌ام که خیلی عاشقشان هستم. يك بار هم عیسی مسیح را کشیدم. فیگوراتیو نیستند، اما خیلی خوب این «احساسات معنوی من را انتقال می‌دهند.

سیحون آخرین نمایشگاه انفرادی نقاشی خود را در سال ۱۳۸۱ برگزار می‌کند که با استقبال فراوان مواجه می‌شود و از پس آن نیز گهگاه انگیزه‌ایی که بیش از همه دل آوازش را می‌دهد، دست به کار می‌شود. شاید خستگی يك عمر تلاش وضعیت جهانی سبب شده است تا این دغدغه در او کاستی بگیرد.







## معصومه مظفری



زاده ۱۳۳۷ تهران، ایران

نقاشی

پیشه

نقاشی واقع‌گرایانه

سبک

**معصومه مظفری** (زاده ۱۳۳۷) مدرس دانشگاه در زمینه هنر و نقاش فیگوراتیو ایرانی است. نقاشی‌های او از چهره مردم عادی ایران از جمله مهم‌ترین کارهای او بوده‌اند. او در سال ۱۳۹۲ خورشیدی رئیس انجمن نقاشان ایران شد و در تاریخ ۸ تیرماه ۱۳۹۷ دوره‌ی مدیریتش به پایان رسید.

مظفری تحصیلات کارشناسی خود را در سال ۱۳۶۸ در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به پایان رساند و مدرک کارشناسی ارشد خود در زمینه هنرهای زیبا را از دانشکده هنر و معماری - دانشگاه آزاد اسلامی گرفت.

سبک کاری مظفری، کشیدن فضاها و اشیای انسان‌های درون آن‌ها به شکل واقع‌گرایانه است؛ اگرچه گاه از کوبیسم نیز بهره می‌گیرد. در فضاها، مظفری، اشیایی چون قاشق‌ها و چنگال‌ها در معرض سقوط قرار می‌گیرند و انسان‌های درون فضاها به بیننده خیره شده‌اند. او در پرتره‌های خود، چهره‌هایی سرد، خنثی، و بی‌روح را به تصویر می‌کشد که ترس و نگرانی از فضای بیرون در چشمانشان دیده می‌شود. مظفری در کارهای خود از رنگ اکریلیک و رنگ روغن و همین‌طور متریال‌هایی مثل مداد و خودکار بهره می‌گیرد.

## تحصیلات

دریافت مدرک کارشناسی ارشد دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی ۱۳۷۶

دریافت مدرک کارشناسی دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران ۱۳۶۸

فارغ التحصیل از هنرستان هنرهای تجسمی ۱۳۵۷

عضو انجمن هنرمندان نقاش ایران از سال ۱۳۷۷ تاکنون -

رئیس هیئت مدیره ی انجمن هنرمندان نقاش ایران از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ -

عضو گروه دنا -

عضو شورای عالی خانه ی هنرمندان ایران از سال ۱۳۸۴ تاکنون -

تدریس:

- مدرسه هنر و ادبیات (وابسته به صدا و سیما) از 1369 تا 1373 -
- کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (مرکز آموزش) از 1370 تا 1381 -
- دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی از 1370 تا کنون -
- دانشگاه علوم پایه (مرکز تحصیلات تکمیلی) زنجان سال 1380 -
- دانشگاه هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز از 1382 تا 1386 -

#### تالیفات

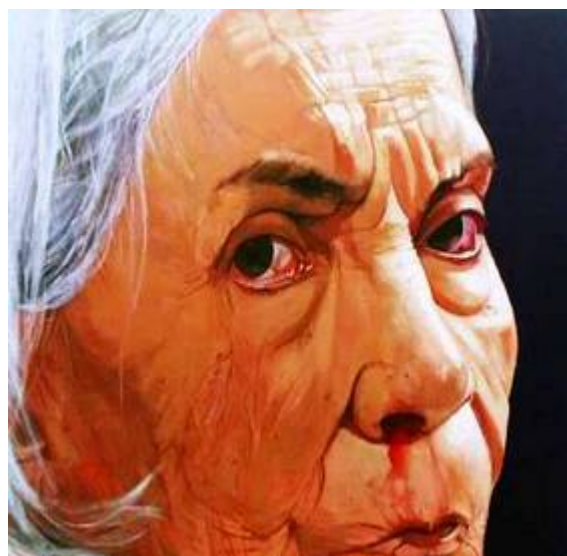
- مقاله "بازتاب انسانگرایی در آثار کمال الدین بهزاد"، ویژه نامه گردون 1370 -
- کتاب درسی "آشنایی با نقاشی کودکان" برای آموزش مکاتبه ای از راه دور مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تهران 1378
- کتاب درسی: "رنگ در نقاشی" همراه با خانم توران قمری، سازمان برنامه ریزی آموزشی - 1379
- مقاله "نامه عاشقانه اثر یان ورمر"، فصلنامه حرفه هنرمند پائیز 1382 -
- مقاله "دوسالانه هفتم در راه است" گزارش 9 بهار 1383 (نشریه داخلی انجمن هنرمندان نقاش ایران)
- مقاله "پشت در"، فصلنامه حرفه هنرمند، تابستان 1388 -

#### داوری

- عضو هیئت انتخاب آثار طراحی نخستین جشنواره و همایش طراحی دکتر سندوزی - موزه امام علی، تهران، 1386
- عضو هیئت داوری طراحی و نقاشی (شهر تهران) - موزه امام علی، تهران، 1387 -
- عضو هیئت انتخاب و داوری جشنواره ی سراسری هنرستان های ایران، کرمانشاه، 1387 -
- عضو هیئت انتخاب و داوری آثار طراحی دکتر سندوزی - موزه امام علی، تهران 1388 -
- عضو هیئت انتخاب و داوری چهارمین دوره منتخب نسل نو - گالری هما، تهران 1388 -

#### سخنرانی ها

- مارک شاگال"، فرهنگسرای نیاوران 1380 -
- پاپ آرت و اندی وارهول"، فرهنگسرای نیاوران 1382 -
- نقاشی در قرن بیستم"، دانشکده هنر اسلام شهر 1383 -
- نقاشی ایران از دوران صفویه تا کنون"، اصفهان 1384 -
- زنان نقاش معاصر ایران"، مرکز ایران شناسی کراکف، لهستان، 1384 -
- برگزاری سه نمایشگاه انفرادی و بیش از چهل نمایشگاه گروهی در ایران، فرانسه، لهستان، چین، کویت، فنلاند، نروژ، آلمان، شارجه، ابوظبی، دبی، ترکیه، زاگرب و ...













## مکرمة قنبری



مکرمة قنبری (شناخته شده به نام **ننه مکرمة**)، (متولد: ۱۳۰۷ (۱۹۲۸) در دری‌کنده بابل، ایران - درگذشت: ۲ آبان ۱۳۸۴ (اکتبر ۲۰۰۵) نقاش سبک یست مدرنیسم بود که به خاطر نقاشی‌هایش به شهرت جهانی رسید.

نقاشی‌های وی موجب شد تا به عنوان بانوی سال نقاش در سال ۲۰۰۱ توسط دوازدهمین کنفرانس ایران‌شناسی در دانشگاه دولتی سوئد، معرفی شود.

مکرمة تحصیلات دانشگاهی و سواد خواندن و نوشتن نداشت و دوره علمی هم نگذرانده بود. او در سن ۶۷ سالگی نقاشی را شروع کرد و نخستین نمایشگاهش در سال ۱۳۷۴ در گالری سیحون برپا شد. اولین بار در سال ۱۹۹۸ فیلمی از مکرمة و آثارش توسط مجید ماهیچی ساخته شد.

نمایشگاه‌های بسیاری از آثار مکرمة در سراسر دنیا برگزار شده و هر ساله برگزار می‌شود. مکرمة که خانه‌اش جزء میراث فرهنگی کشور به ثبت رسیده و به موزه تبدیل شده، هر ساله پذیرای بازدید کنندگان فراوانی از سراسر دنیا است. خانه موزه مکرمة همکاری‌های بسیاری با موزه‌های مختلف دنیا از جمله موزه باورز در ایالت کالیفرنیا داشته که ماحصل آن برپایی نمایشگاه‌هایی در کالیفرنیا بوده و سایر کشورها بوده است.

## فیلم مستند

- مکرمة، خاطرات و رؤیاها، عنوان فیلمی مستند است که ابراهیم مختاری در مرداد سال ۱۳۹۲ ساخته و توسط مؤسسه فرهنگ و هنر رها فیلم انتشار یافت و جوایز بسیاری را از آن خود کرد.
- در سال ۱۳۸۰ هالی کارگردان و مستندساز معروف آمریکایی مستندی از این نقاش بین‌المللی و خودآموخته ایرانی ساخته است.

قنبری ننه مکرمة شهرت جهانی

مکرمة قنبری معروف به «ننه مکرمة» در سال 1307 در شهرستان بابل متولد شد. وی تحصیلات دانشگاهی و سواد خواندن و نوشتن نداشت و دوره علمی هم نگذرانده بود، او در 67 سالگی نقاشی را شروع کرد و نخستین نمایشگاهش در سال 1374 در گالری سیحون برپا شد. نمایشگاه‌های بسیاری از آثار مکرمة در سراسر دنیا برگزار شده و هر ساله برگزار می‌شود. مکرمة که خانه‌اش جزء میراث فرهنگی کشور به ثبت رسیده و به موزه تبدیل شده هر ساله پذیرای بازدیدکنندگان فراوانی از سراسر دنیا است. موزه مکرمة همکاری‌های بسیاری با موزه‌های مختلف دنیا از جمله موزه باورز در ایالت کالیفرنیا داشته که ماحصل آن برپایی نمایشگاه‌هایی در کالیفرنیا و سایر کشورها بوده است.



ننه مکرمه» نامی آشنا برای جامعه ی هنری ایران است. مکرمه قنبری مشهورترین هنرمند خودآموخته ی ایرانی است. او در سال 1307 در یکی از روستاهای مازندران متولد شد و زمانی که بیش از 60 سال سن داشت، نقاش شد. سنی که برای بسیاری از مردم سن پیری و از کار افتادگی است؛ اما او قلم به دست گرفت و آنچه را که سال ها در ذهن و دل داشت، با رنگ ها و خط ها جان بخشید تا امروز که خودش از دنیا رفته نامش جهانی شده باشد

### ننه مکرمه قنبری نامی آشنا برای مردم ایران است

او خواندن و نوشتن نمی دانست، برای همین بود که کلمه ها و حرف های دل مکرمه به صورت نقش هایی بر دل دیوارها و پنجره ها درآمدند. نقاشی هایی که در مشهور شدن او تاثیر زیادی داشتند. شاید اگر او حرف هایش را می نوشت، نمی توانست با زبان نقاشی که زبانی جهانی است با مردم دنیا ارتباط برقرار کند، تا جایی که بارها آثارش را به خارج از مرزها ببرند و به نمایش بگذارند

نقاشی های «ننه مکرمه» روایتگر داستان مادر بزرگ هاست. داستان هایی تلخ و شیرین از سال های دور. او رویاهایش را به تصویر کشید و برای این کار به هیچ چیز جز دلش رجوع نکرد. تاثیر محیط زندگی بر نقاشی های مکرمه قنبری کاملا مشهود است. همچنین زندگی سخت او، دردها و رنج هایی که متحمل شده بود در نقاشی هایش کاملا پیداست



### خانه فوق العاده زیبای ننه مکرمه قنبری

فعالیت جدی «ننه مکرمه» در این زمینه از زمانی شروع شد که به خاطر فروخته شدن گاو محبوبش افسرده بود و برای رهایی از این اندوه به نقاشی پناه برد و آنچه را که در دل داشت، روی دیوارها جان بخشید. یکی از فرزندان ننه مکرمه که علاقه ی مادرش به نقاشی را دید، برای او از شهر وسایل نقاشی خرید تا بتواند راحت تر کار کند

مکرمه آن قدر در مسیر هنری اش مصمم شد که توانست نخستین نمایشگاهش را در یکی از بهترین گالری های تهران برپا کند. برپایی این نمایشگاه آغاز راه شهرت او بود. شهرتی که روز به روز بر آن افزوده شد و نام مکرمه قنبری و نقاشی هایش بر سر زبان ها افتاد.

اولین نمایشگاه ننه مکرمه سال 1374 برگزار شد و این نقطه ی آغازی بود بر حضور پررنگش در بسیاری از نمایشگاه های انفرادی و گروهی دیگر. در سال 1391 نمایشگاهی شامل 35 اثر نقاشی از مکرمه قنبری در موزه باورز کالیفرنیا برگزار شد. او در سال 2001 برای برپایی نمایشگاهش به اروپا سفر کرد و به عنوان «زن سال سوئد» برگزیده شد. نام او حتی به هالیوود هم رسید و قرار بود فیلمی از زندگی او ساخته شود.



### نقاشی های زیبای ننه مکرمه قنبری

درباره ی سبک نقاشی این هنرمند بارها صحبت شده است، اما آنچه بیش از سبک آثار او جلب توجه می کند، نمود بیرونی احساساتش در این نقاشی هاست. او علاوه بر نشان دادن بخش هایی از زندگی واقعی روستایی، تابلوهایی را خلق کرده که در آن ها، انسان ها از دنیای رئال و واقعی فاصله گرفته اند، اما حالات آن ها برگرفته از همان رویدادهای زندگی مکرمه هستند.

خانه ی این هنرمند که مملو از نقاشی هایش است، در فهرست آثار ملی به ثبت رشیده و به عنوان خانه - موزه ننه مکرمه شناخته می شود. این موزه با جمع آوری آثار نقاشی از میان فرزندان و خانواده و با همکاری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان مازندران ثبت شد. به نظر می رسد این موزه در طول سال های گذشته به مرمت های اساسی نیاز دارد و باید مورد توجه مسئولان قرار گیرد.

آثار مکرمه قنبری هنوز هم در بسیاری از نمایشگاه های گروهی روی دیوار گالری ها می رود. چند ماه پیش در طوفان مازندران خانه - موزه ی او دچار آسیب هایی شد و فرزندش از بی توجهی



مسئولان به مرمت و نگهداری از این خانه - موزه گلایه داشت. او معتقد بود اگر نتوانیم جلوی آسیب ها را بگیریم، نقاشی های روی دیوارها از بین می رود.

مکرمه قنبری تا مدتی قبل از درگذشتش بر اثر عوارض ناشی از سکته ی مغزی تحت درمان بود تا این که دوم آبان ماه سال 1384 از دنیا رفت









## منصوره حسینی



|                  |                                                                      |
|------------------|----------------------------------------------------------------------|
| نام در زمان تولد | منصوره حسینی تبریزی                                                  |
| زاده             | ۱۰ شهریور ۱۳۰۵<br>۱ سپتامبر ۱۹۲۶<br>تهران                            |
| درگذشت           | ۲۶ خرداد - ۸ تیر ۱۳۹۱<br>۲۸ ژوئن ۲۰۱۲ (۸۵ سال)<br>تهران              |
| آرامگاه          | <u>قطعه هنرمندان (قطعه ۸۸) ردیف ۱۵۳ شماره ۳۱ بهشت زهرا</u>           |
| محل تحصیل        | <u>دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران</u><br>آکادمی هنرهای زیبا - رم |
| جنبش             | <u>امپرسیونیست، پست امپرسیونیست</u>                                  |

**منصوره حسینی** (زاده ۱۰ شهریور ۱۳۰۵ - درگذشته ۲۶ خرداد تا ۸ تیر ۱۳۹۱) نقاش، پیکرساز، و نقاد هنری ایرانی بود.

## زندگی‌نامه

منصوره حسینی زاده سال ۱۳۰۵ در تهران ست. او در سال ۱۳۲۸ لیسانس نقاشی خود را از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران دریافت کرد. سپس در سال ۱۳۳۸ از آکادمی هنرهای زیبا - رم پایان‌نامه گرفت. هنگامی که منصوره حسینی در دانشکده هنرهای زیبا آموزش خود را آغاز کرد، این دانشکده چهار پنج سال بیشتر نداشت. استادان منصوره، حیدریان، وزیری، صدیقی، مقدم، رولان دوبرول و مارت سلسنین آبو (خانم امین‌فر) بودند. در اندک هنگام، منصوره حسینی با پژوهش بسیار از بند آموخته‌های خشک دانشکده‌های می‌گیرد و شیفته آزادی سبک‌های امپرسیونیست‌ها (دریافتگری) و پست امپرسیونیست‌ها (پسا دریافتگری) می‌شود.

«مادام آشوب مرا تشویق می‌کرد، ولی حیدریان متلک می‌پراند و می‌گفت سزآنک شده‌ای، در حالی‌که من اصلاً سزان را نمی‌شناختم و سال‌های آخر دانشجویی بود که کم‌کم با کارهای او آشنا شدم.»

#### تحصیلات در ایتالیا

بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه (۱۳۲۸) به‌عنوان نقاشی نوگرا فعالیت خود را ادامه می‌دهد و در چند نمایشگاه گروهی نیز شرکت می‌کند و سرانجام در اسفند سال ۱۳۳۳ برای ادامه تحصیل به ایتالیا می‌رود. «در آکادمی هنرهای زیبای رُم پذیرفته می‌شود و اجازه می‌یابد تا در سال دوم نام‌نویسی کند. استاد راهنمای او امریکو بارتولی است که در نقاشی فیگوراتیو شیوه‌ای آزاد دارد.»

در ایتالیا او، همانند بسیاری دیگر از نقاشان ایرانی آموزش دیده در آکادمی رم، از مکتب نقاشی رم (یا به ویژه شاخه‌ای از اکسپرسیونیسم آرام) هنایش گرفت. بی‌گمان هماهنگی احساس او با زیبایی‌شناسی مکتب رم نیز در این میانه بازیگر بود. در سال ۱۳۲۵ منصوره از نخستین هنرمندان ایرانی است که در دوسالانه ونیز حضور پیدا می‌کند. در سال ۱۳۳۶ نگارخانه «وانتاجو» در شهر رم نمایشگاهی از ۱۹ پرده نقاشی او را به تماشا می‌گذارد و «گزارشگر هنری روزنامه دومنیکا در این باره نوشت: به‌نظر می‌رسد که منصوره، نقاش آینده‌دار ایرانی و میهمان عاشق رم، هوشمندانه از «مکتب رم» بهره گرفته و حال و هوای نقاشی ما را با پیچیدگی تزئینی و خیالی نقاشی قدیم ایرانی درآمیخته‌است.»

#### نمایشگاه‌ها

کارهایش را در نمایشگاه‌های تک‌تته و گروهی بسیار در ایران، ایتالیا، چکسلواکی، یوگسلاوی و از جمله دوسالانه‌های تهران (۱۳۳۷ تا ۱۳۴۵) دوسالانه (بی‌ینال) ونیز (۱۳۳۵)، چهارسالانه رم (۱۳۳۷) نشان داد و چند جایزه از جمله: نمایشگاه «نقاشان آسیایی در رم» (۱۳۳۷)، مسابقه ثبت زیبایی‌های رُم (۱۳۳۸)، مسابقه نقاشی از مناظر شهرستان جوانی کامپانو (۱۳۳۸)، نمایشگاه ملی هنر معاصر «الهام از حیات نبات» (۱۳۳۸) را برنده شد.

کارهای او در نمایشگاه مروری بر آثار در فرهنگسرای نیاوران ۱۳۷۷ و پنجمین نمایشگاه «پیشگامان نوگرایی در ایران» در موزه هنرهای معاصر ایران (۱۳۸۳) نشان داده شده‌ست.

#### نقدهای نقاشی

منصوره حسینی افزوده بر کارهای نقاشی در روزنامه‌ها و مجلات هنری نقدهای اندیشه‌برانگیز و پرمایه درباره نقاشی و هنرمندان نقاش قلم می‌زد. او در نقدی بر نمایشگاه گویا و خاموش گیتی نوین در بخش هنر و اندیشه روزنامه کیهان زیر عنوان؛ چرا نمایشگاه بیننده ندارد نوشت:

شب افتتاح نمایشگاه‌ها، داستانی دیگر است، دوستان نقاش برای دیدن یکدیگر و احیاناً خود نقاش جمع می‌شوند و گفتگو می‌کنند... گاهی پشت به دیواری که تابلوها نصب شده دارند و گاهی در باب انجام وظیفه، لیوان بدست، نیم نگاهی هم به تابلوها می‌اندازند. البته اگر بتوان از زاویه سرها و شانه‌ها و در آن ازدحام راهی برای بیم نگاه... یافت.

روزهای دیگر، خلوت‌ترین مکان، برای فکر کردن، برای کتاب خواندن و احیاناً... برای دیدن تابلو، گالری و نمایشگاه است. برای بیننده کنجکاو و علاقه‌مند، این خلوت و اینکه تنها بیننده باشد، صدایی و کلامی و دیگری، گشت و گذار و حضور ذهن او را مختل نکند، بزرگ نعمتی است. نعمتی که فقط در مملکت ما می‌توان به آن دست یافت.

اما این نعمت... گاهی گزش تلخ تاسفی را نیز همراه دارد... چرا نمایشگاه‌ها بیننده ندارند. چرا گالری‌ها معمولاً آنقدر خالی است، چرا این متاع که در آفرینش آن ذهن و اندیشه بکار رفته، آنقدر بی‌مشتري است؟

از نمایشگاه گیتی نوین بدور می‌روم، نمایشگاه مجسمه‌ساز نامدار معاصر، هنری مور، در تالار جدید موزه ایران باستان نیز چنین بود، با اینکه بلیط ورودی نداشت و تماشا رایگان بود... هربار که رفتم،



تنها تماشاچی بودم.. تازه از فرنگ برگشته‌ای با تعجب پرسیده بود موضوع چیه؟ یعنی اصل کار هنری مور را می‌شود دید، این موضوع حادثهٔ قرنه، باید دم بگیرم، چه ساعتی خلوت تره... از راز چشم الکتریکی و تجهیزات نگهبانی دیگر برای محافظت این گنج سخن می‌گفت. با یک شاعر موج نو و سرشناس مان در راهروی سالن تأثر موزه صحبت می‌کنم: مجسمه‌های هنری مور را دیدی؟ می‌گوید کدام؟ اون هیکل‌ها... آره.. اما من فکر کردم کار توئه.

گویا و خاموش تیتری شاعرانه بود بر نمایشگاه گیتی در گالری نگار. موضوع تابلوها اکثراً کوزه و طبیعت بی جان بود. کوزه‌هایی نظیر خام پخت‌های چالوسی، ره آورد شمال، گاهی دو یا سه شاخه گل و گاهی خالی.

گویا و خاموش، این نامگذاری را می‌پسندم، نه برای اینکه هنر پلاستیک را با پردازش شاعرانه صفت و کلمه پیوند زده باشم، بل برای اینکه طبیعت بیجان، اشیاء و گل‌ها با تمام بی‌جان می‌توانند از غم، آرامش، مالیخولیا و ثبات سخن بگویند... در انتخاب موضوع تابلوها نوعی وحدت وجود داشت: نمایشگر شخصیت روشن و آگاه نقاش. در رنگ‌آمیزی تابلوها، انتخاب گام رنگ، که همان گام با کم و بیشی آشکار در تمام تابلوها بکار گرفته شده، از ثبات ذهن جستجوگر نقاش سخن می‌گفت..

مرگ

پیکر منصوره حسینی در روز پنج‌شنبه، هشتم تیر ۱۳۹۱، ۱۵ روز پس از درگذشتش، توسط همسایگان پیدا شده و به پزشکی قانونی منتقل شد. او در سال ۱۳۹۰ نیز به دلیل بیماری قلبی و کهولت سن در بخش سی‌سی‌یو بیمارستان شهدای تجریش بستری شده بود.













متولد 1334 تهران، ایران  
لیسانس نقش و چاپ پارچه از دانشکده هنرهای تزئینی (دانشگاه هنر).  
فوق لیسانس نقاشی از دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی.  
رئیس گروه نقاشی دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد از سال 1368 تا 1377.  
عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی.  
عضو انجمن هنرمندان نقاش ایران.  
عضو هیأت موسس انجمن هنرمندان نقاش ایران.  
رئیس شورای مدیریت کمیته آموزش انجمن هنرمندان نقاش 79 تا 81.  
عضو هیأت مدیره انجمن هنرمندان نقاش ایران (دوره دوم) 81 تا 84.  
عضو گروه هنری + 30

#### مقاله و مصاحبه

درباره هویت و هنرهای تجسمی ویژه نامه خبری نقش سومین نمایشگاه دوسالانه نقاشی ایران، 1374.  
هنر مدرن و ارتباط هنر با جامعه نخستین نمایشگاه آثار فرهنگی هنری استادان دانشگاه آزاد، خبرنامه شماره 2، 1373  
تضاد، مجله حقوق زنان، دی و بهمن سال 1378.  
آن سوی رنگ و بوم مجله سروش، مرداد 1379.  
هنرنگارگری همچون عالم برزخ، روزنامه آفتاب امروز، بهمن 1378.  
هیچ جنبشی در ایران روند منطقی و طبیعی خود را طی نمی‌کند، روزنامه توسعه، شهریور 1380.

#### جوایز

دریافت مدال نقره و لوح افتخار «نفر دوم» از سه سالانه بین المللی هنر معاصر پاریس سپتامبر و اکتبر 2002  
دریافت مدال و لوح یادبود «برگزیده هنرمند زن نقاش» در مراسم تجلیل از زنان هنرمند ایرانی، نهاد ریاست جمهوری و خانه سینماگران جوان، شهریور 1381  
لوح تقدیر اولین نمایشگاه هنرهای تجسمی بانوان استان تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران، شهریور 1379  
دریافت لوح تقدیر هیأت داوران در جشنواره هنری آینه در آینه 1375  
دریافت لوح تقدیر به مناسبت برپایی دومین نمایشگاه هنری دانشجویی سراسر کشور، موزه هنرهای معاصر 1374  
دریافت لوح تقدیر از نمایشگاه آثار فرهنگی هنری استادان دانشگاه آزاد اسلامی 1373  
لوح تقدیر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، «استاد نمونه دانشکده هنر و معماری» 1379  
لوح تقدیر از دبیر کمیسیون امور بانوان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، شهریور 1379  
فعالیت‌های فرهنگی  
مسئول برگزاری بخش هنری نخستین نمایشگاه آثار فرهنگی و هنری استادان دانشگاه آزاد اسلامی مرکز آفرینشهای هنری کانون پرورش فکری 1373



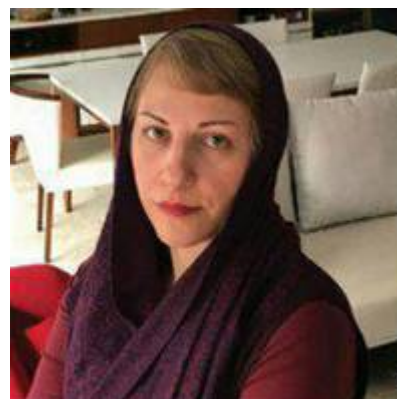
مسئول برگزاری نخستین نمایشگاه سالانه دانشجویان دانشکده هنر دانشگاه آزاد اسلامی مجموعه فرهنگی آزادی، تیر 1371  
 دبیر مسابقات نقاشی، طراحی، خط سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، فرهنگسرای بهمن، مرداد 1380  
 مسئول برگزاری نمایشگاه هنرمندان نقاش و دختران یاس با همکاری سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و سازمان زیباسازی فرهنگسرای هنر و گالری برگ، خرداد 81  
 عضو هیأت داورى همایش فرهنگی و هنری فرهنگسرای بانو، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، 1380







مهناز پسیخانی



مهناز پسیخانی

رزومه هنری

تاریخ تولد 04/08/1346

رشته هنری نقاشی

مدرك تحصیلی کارشناسی ارشد

رشته تحصیلی ارتباط تصویری

شهرستان تهران

پست الکترونیکی mpassi@yahoo.com

آدرس اینستاگرام mahpassi



نقاشی خیابانی یک هنر است و نه یک سفارش اگر شما هم بین سال‌های ۸۱ تا ۸۶ از میدان کتابی به سمت جنوب تا فرهنگسرای ارسباران عبور کرده باشید شاید مرور یک خاطره بسیار ساده شود. خیابانی که با خانه‌ها و پنجره‌ها حتی با تیرهای چراغ برق یکی شده بود. دیوارهایی که قصه شهرنشینی، ترافیک، خلاف‌های رانندگی و عشق‌های عابرانش را باز می‌گفت متفاوت از دیوارهای که بار شعارها و چهره‌ها را به دوش می‌کشند تعاملی متعالی بین خیابان، زندگی شهری، آدم‌ها و خانه‌ها، خانه‌هایی که هیچ ممانعتی در حرکت سیال نقاشی‌ها بروی دیوارها و درهای‌شان نداشتند و قطعه‌های رنگی آرام و روان که اکنون . . . عابر خیابان جلفا چند خطی می‌نویسد تا خاطره اتفاقی خوب عمری فراتر از طراحی زیبای خیابان جلفا داشته باشد. مواردی کوتاه از دیده‌عابر که در خیابان‌های دیگر شهر تا به حال ندیده است و نشان از حرکتی نو در طراحی خیابان‌ها داشت. در پروژه نقاشی خیابانی جلفا به طراحان هیچ سفارشی (ایده، طرح کلی) داده نشده و ایده‌پردازی،

مطالعه محیط و نحوه اجرا به طراحان کار واگذار شد. نقاشی‌های خیابانی که در حال حاضر روی دیوارهای شهر حضور دارند، محصول سفارش سازمانی به هنرمند هستند بدون در نظر گرفتن سابقه و روح حاکم بر کار هنرمند و نتیجه کار را نیز برای اجرا، به دست گروهی دیگر سپرده می شود که گام به گام باعث نزول کیفیت زیبایی‌شناسی شده و در این شیوه کم‌رنگ‌ترین فضا در سازماندهی کار هنری به هنرمند تعلق دارد.

انتخاب نقاشی برای خیابان یا انتخاب خیابان برای نقاشی! در نقاشی خیابانی جلفا فضای ارائه و محتوای آثار درست انتخاب شده بود. مانند پله‌هایی که برای عبور عابران از پل پرستو به خیابان جلفا ایجاد شده، محل خروج موتورسواران از اتوبان همت شده بود؛ در این محل نقاشی روی دیوار موتورسواری را در حال عبور نشان می دهد که مضطرب با حرکت خطی سری که چندبار تکرار شده به سمت تابلوی عبور موتور سیکلت ممنوع راهنمایی‌وراندگی که در همان‌جا نصب شده نگاه می کند. تأکید بر موضوعی قدیمی با قالبی جدید که هر دو یک هدف را دنبال می کنند. یکی از فرم‌هایی که عابر از کنار آنها بارها و بارها در روز عبور می کند تیر چراغ برق خیابان هاست. در جلفا به طور خاص قسمت‌هایی که عرض خیابان هم کم می شود رنگ تیر چراغ برق‌ها دقیقاً رنگ دیوار پشت بودند و در حال عبور هیچ توجه‌ای را به خود جلب نم کردند. این طراحی باعث آرامش بیشتری در نگاه عابر می شد.

در خیابان جلفا اندازه نقاشی‌ها نسبت به کادر خیابان بود. معمولاً در شهر ما به دو صورت نقاشی دیواری سفارش داده می شود. گاهی نقاشی انتخاب می شود و دیواری برای آن پیشنهاد می شود یا بر اساس دیوار منتخب طرحی زده می شود، که طراح در هر دو صورت کادر خود را دیوار می داند و بر اساس آن کار پیش می رود در صورتی که در نگاه عابر نقاشی دیواری کادر چند وجهی به ابعاد خیابان دارد و بخشی از یک خانواده درخت‌ها، جوی آب، کیوسک تلفن و سر در خانه‌ها دیده می شود و در اصل نقاشی دیواری بخش از برنامه‌ریزی طراحی یک خیابان است. در واقع مشکل اصلی طراحی شهر ما وضعیت نا به سامان نقاشی دیواری‌ها نیست بلکه عدم تعادل بصری طراحی فضای شهری است که سازه‌ها، حجم‌ها، پیاده‌روها، مبلمان شهری و ... را در بر می گیرد. و تشکر عابر خیابان جلفا از زحمات جمشید حقیقت شناس، پویا آریان پور، سیمین کرامتی، مهناز پسیخانی و علیرضا جودی که خیابانی را برای چند سال زیبا ساختند.











مهین دخت عظیما



۲۱ آذر ۱۳۰۸ تهران

زاده



|           |                                    |
|-----------|------------------------------------|
| درگذشت    | ۱۹ تیر ۱۳۹۸ (۸۹ سال) تهران         |
| تحصیلات   | کارشناسی نقاشی                     |
| محل تحصیل | دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران |
| پیشه      | نقاش                               |
| سبک       | نقاشی پشت شیشه                     |
| همسر      | مسعود برزین                        |
| فرزندان   | ۳                                  |

**مهین عظیمی** با نام اصلی **مهین دخت عظیمی** (زاده ۲۱ آذر ۱۳۰۸ در تهران - درگذشته ۱۹ تیر ۱۳۹۸ در تهران) نقاش ایرانی یکی از آخرین بازماندگان نسل طلایی نقاشی بود.

#### زندگی‌نامه

مهین دخت عظیمی در ۲۱ آذر ۱۳۰۸ در تهران زاده شد. وی در سال ۱۳۲۷ (خورشیدی) به عنوان دوازدهمین دختر دانشجوی کارشناسی نقاشی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران پذیرفته شد و پس از فارغ‌التحصیلی در سال ۱۳۳۲ (خورشیدی) با مسعود برزین ازدواج کرد. در سال ۱۳۴۸ (خورشیدی) زمانی که همسرش برای مأموریتی عازم خوزستان شد با جمعی از بانوان، خیریه‌ای را برای کمک به مردمان سیل‌زده خوزستان تشکیل داد و در خانه «عبد الجلیل» پرآوازه‌ترین نقاش آن منطقه با سبک نقاشی پشت شیشه (وینترای) آشنا شد و با اینکه در فضای هنر نوگرا کار می‌کرد تصمیم گرفت این شیوه قدیمی از نگارگری ایرانی را با سبکی نوین دوباره احیا کند.

مهین عظیمی در آغاز با رنگ روغن معمولی و به صورت خودآموخته کار می‌کرد اما بعدها به استفاده از اکریلیک پرداخت. او در بیشتر آثار خود به نمایش جلوه‌هایی از طبیعت پرداخته و با رنگ‌هایی زنده و شاد، گل‌ها، درختان و پرندگان را در پس‌شیشه نقش می‌زد. از مهین عظیمی تاکنون نمایشگاه‌های مختلف انفرادی و گروهی بسیاری در ایران و کشورهای چون بلژیک، فرانسه، یوگسلاوی، و ترکیه برپا و در سال ۲۰۰۲ (میلادی) نمایشگاهی از آثار او در دانشگاه هاروارد برگزار شده‌است. وی در سال ۱۳۸۲ (خورشیدی) موفق به دریافت نشان درجه یک هنری و دکتری از شورای ارزشیابی هنرهای سنتی شد.

کتاب زندگی‌نامه و مجموعه آثار مهین عظیمی تماشاگر رؤیا نام دارد. در این کتاب گزیده‌ای از آثار نقاشی مهین عظیمی به همراه بایگانی از نگاره‌ها، مدارک و مطالب نشریات گوناگون درباره آثار او وجود دارد.

#### گفتاورد

مهین عظیمی معتقد بود نقاشی باید در زمان خودش و به شکل تازه ارائه شود. نقاش باید نقاش زمانه خودش باشد و فقط ایده و گوشه‌ای از سبک‌های قدیمی را بگیرد.

#### درگذشت

مهرین عظیم‌ا عصر روز سه‌شنبه ۱۸ تیر ۱۳۹۸ پس از تحمل دوره‌ای بیماری درگذشت. وی از سال ۱۳۹۳ (خورشیدی) توان نقاشی کردن را از دست داده بود. پیکر عظیم‌ا در کنار همسرش و در مقابل قطعه نام‌آوران به خاک سپرده شد.













میترا کاویان



متولد ۱۳۴۲، اصفهان، ایران

**تحصیلات**

دریافت مدرک کارشناسی نقاشی از دانشگاه آزاد تهران

**بیوگرافی**

میترا کاویان نقاش و عضو انجمن نقاشان ایران می باشد. آثار او اغلب درباره ی ادبیات، انسان و رابطه اش با زندگی است و نقش مایه های نگارگری در نقاشی هایش به چشم می خورد

او تا کنون در نمایشگاه های متعددی شرکت داشته و در سال ۱۳۸۰ موفق به کسب جایزه از موزه ی هنرهای معاصر اصفهان شده است. کاویان داوری نمایشگاه بین -المللی عکس ایتالیا را نیز بر عهده داشته است

**نمایشگاه های انفرادی**

نمایشگاه انفرادی، گالری هفت ثمر، تهران ۱۳۷۷

نمایشگاه انفرادی، گالری برگ، تهران ۱۳۷۸

نمایشگاه انفرادی، میلان، ایتالیا ۱۳۸۲

نمایشگاه انفرادی، گالری گلستان، تهران ۱۳۸۲

نمایشگاه انفرادی، «روشنی گل ها»، گالری ساربان، تهران ۱۳۹۶

















مینا نوری



نام در زمان تولد مینا وثوقی نوری

زاده ۱۶ دی ۱۳۲۹ تهران، ایران

پیشه نقاشی، چاپ دستی

مینا نوری (زاده ۱۶ دی ۱۳۲۹) هنرمند نقاش و Printmaker و اهل ایران است. آشنائی مینا نوری با هنر چاپ دستی (معادلی نه چندان دقیق برای چاپ دستی) به سال ۱۳۴۹ یعنی زمان ورود او به آکادمی هنرهای زیبای رم برمیگردد. او از سال ۱۳۵۲ تا امروز به شکل مستمر و جدی این هنر را دنبال کرده است. از سال ۱۳۶۳ به تدریس و ترویج چاپ دستی در دانشگاه هنر پرداخت و امروز یکی از چهره‌های شاخص و فعال این هنر در ایران محسوب می‌شود.

## سوابق تحصیلی

1. تحصیل در رشته نقاشی، حکاکی روی چوب، حکاکی روی فلز (۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵)
2. آکادمی هنرهای زیبای رم
3. آکادمی آلبرتینا تورینو
4. انستیتو دولتی هنر اوربینو

فعالیت آموزش (۱۳۵۴ تا ۱۳۷۵)

- عضو رسمی هیئت علمی دانشگاه فارابی تهران
- عضو رسمی هیئت علمی دانشگاه هنر تهران

تألیف کتاب

- آموزش عملی سیلک اسکرین، چاپ اول ۱۳۶۰، چاپ دوم با تجدید نظر ۱۳۷۱، چاپ سوم ۱۳۸۰، چاپ چهارم ۱۳۸۵
- چاپ دستی، تکنیک کالکوگرافی، چاپ اول ۱۳۷۴، چاپ دوم با تجدید نظر ۱۳۹۰
- حکاکای های مینانوری - با توضیح فنی برخی اصطلاحات چاپ - چاپ اول ۱۳۸۱

## ترجمه کتاب

«پیدایش فرم» نوشته‌ی: ماریو آرنابولدی - اینریکو گاربانیاتی، چاپ اول ۱۳۷۲، چاپ دوم ۱۳۸۰  
ناشر: دانشگاه هنر تهران

## مطبوعات

- روزنامه کیهان، شماره ۸۵۳۳، دوم دی ۱۳۵۰، «جلوه رنگ‌های آبی»، منصوره حسینی
- مجله تماشا، سال هفتم، شماره ۳۴۲، آذر ۱۳۵۶
- روزنامه آیندگان، سال دهم، شماره ۲۹۸۸، آذر ۱۳۵۶، «به سخن آوردن چوب خشک»، لاله بردبار
- روزنامه رستاخیز، شماره ۸۸۶، فروردین ۱۳۵۷، «به دنبال امیال و آرزوهای سر کوفته»، مینا خلوتی
- مجله تماشا، سال هشتم، شماره ۳۶۰، اردیبهشت ۱۳۵۷، «آدم‌هائی رنگ پریده و رنجور»
- مجله مناطق آزاد، سال چهارم، شماره ۳۸، فروردین ۱۳۷۳، «ذهنیت تازه، در آخرین نقش‌های مینا نوری»، مینا معلم
- مجله گردون، سال پنجم شماره ۴۰-۳۹، اردیبهشت ۱۳۷۳، «من حرفم را در نقاشی‌هایم زده‌ام»، رضا قیصریه
- ماهنامه فرهنگی و هنری کلک، شماره ۶۸-۷۰، آبان - دی ۱۳۷۴، «کتابی مهم درباره چاپ دستی»، فیروزه مهاجر
- مجله آدینه، شماره ۱۱۰، خرداد ۱۳۷۵، «راهی به سوی یک شیوه‌ی مردمی در هنر»، ثمیلا امیرابراهیمی
- مجله صنعت چاپ، شماره ۱۶۲، تیر ۱۳۷۵
- روزنامه انتخاب، شماره ۴۵۰، آبان ۱۳۷۹، «دلبستگی‌های تب آلود به رنگ‌های کودکی»، همایون لنگرودی
- روزنامه جام جم، سال سوم، شماره ۷۲۰، آبان ۱۳۸۱، «نقاش نور و سنگ و سکوت»، محمد حسن حامدی
- مجله دو هفته نامه تندیس، شماره ۷۶، خرداد ۱۳۸۵، «هنرمندان معاصر»، حسن موریزی نژاد
- روزنامه همشهری، سال یازدهم، شماره ۴۲۶۵، اردیبهشت ۱۳۸۶، «حرکت در عمق»، علیرضا یزدانی
- مجله صنعت چاپ، سال بیست و نهم، شماره ۳۴۶، آذر ۱۳۸۹، «چاپ دستی هنر است»
- مجله دو هفته نامه تندیس، شماره ۲۳۶، آبان ۱۳۹۱، «آفتاب از پشت پنجره‌های بسته و پرده‌های کشیده»، ایمان افسریان
- مجله دو هفته نامه تندیس، شماره ۲۸۵، مهر ۱۳۹۳، «خلوت تر از همیشه»، مینا فشنگچی
- فصل نامه حرفه: هنرمند، شماره ۵۲، پائیز ۱۳۹۳، «اشیا و روایت‌ها» ثمیلا امیرابراهیمی
- روزنامه آسیا- واریته، ۲۲ مهر ۱۳۹۳، «وقتی عینک‌ها دنیا را جور دیگری می‌بینند»
- روزنامه آسیا- واریته، ۱۰ آبان ۱۳۹۳، اعظم علیزاده



- روزنامه جام جم، ۴ آبان ۱۳۹۳، «عینک‌های تماشایی و داستان زندگی»
- Printmaking TODAY, Contemporary graphic art worldwide, Vol12, No 4, Winter 2003 \_ Of ropes, rocks and opposing forces
- Printmaking TODAY, Contemporary graphic art worldwide, Vol 18, 2009 No 3, Autumn \_ Printmaking in Iran
- ماهنامه اجتماعی زنان امروز، سال سوم، شماره ۱۸، خرداد ۱۳۹۵، «سنجاق قفلی‌ها» آیدا عباسی

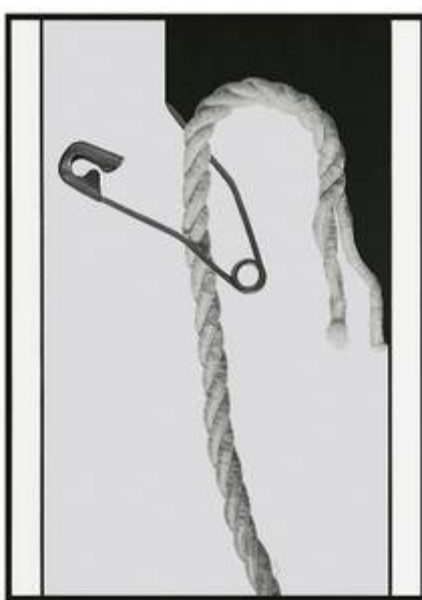
#### نمایشگاه انفرادی

- ۱۳۹۷ گالری طراحان آزاد (نقاشی \_ مونوپرینت)
- ۱۳۹۵ گالری امکان (چاپ دستی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۱)
- ۱۳۹۳ گالری اثر (نقاشی)
- ۱۳۹۱ گالری هفت ثمر (نقاشی - کالوگرافی)
- ۱۳۸۹ گالری هما (کالوگرافی - نقاشی)
- ۱۳۸۸ گالری اثر (کالوگرافی)
- ۱۳۸۶ گالری هفت ثمر (کالوگرافی - نقاشی)
- ۱۳۸۱ گالری هفت ثمر (کالوگرافی)
- ۱۳۷۹ گالری آریا (نقاشی)
- ۱۳۷۵ گالری هفت ثمر (مونوپرینت - نقاشی)
- ۱۳۷۲ گالری سیحون (نقاشی - مونوپرینت)
- ۱۳۶۹ گالری سیحون (نقاشی)
- ۱۳۵۷ انجمن فرهنگی ایران و آمریکا (نقاشی)
- ۱۳۵۶ گالری لیتو (سیلوگرافی)
- ۱۳۵۴ گالری تهران (نقاشی)
- ۱۳۵۰ تالار قنبریز (نقاشی)

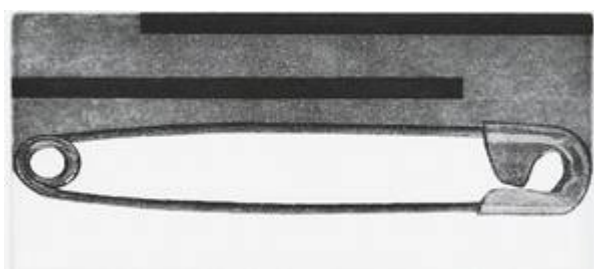
#### نمایشگاه گروهی

- ۴۴ نمایشگاه گروهی از ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۵ (نقاشی - چاپ دستی) در ایران، ایتالیا، هند، آمریکا، سوئیس، فرانسه









## نوریه مظفری



زاده ۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۹ تهران، ایران

پیشه نقاشی نوگرا

سبک آبستره

نوریه مظفری نقاش معاصر و استاد دانشگاه ایرانی-کانادایی در زمینه هنر است.

## زندگی‌نامه

مظفری در سال ۱۹۶۰ در تهران به دنیا آمد و در رودسر در شمال ایران بزرگ شد. وی در سن ۱۸ سالگی پس از مهاجرت به تهران به طور جدی به پیگیری نقاشی پرداخت. او مدرک کارشناسی هنر خود را از دانشگاه الزهرا ایران در ۱۹۸۹ میلادی گرفت و تکنیک‌های گوناگون نقاشی را نزد آیدین آغداشلو فراگرفت. وی سپس مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته نقاشی از دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد تهران در سال ۱۹۹۶ به دست آورد. پس از آن، مظفری جزو هیئت علمی همان دانشگاه شد و به تدریس هنر پرداخت. مظفری در دوران هنری خود با چهره‌های هنری سرشناسی چون همایون سلیمی، مهدی حسینی، حبیب‌الله آیت‌اللهی، شهلا حبیبی، جعفر روحبخش، بهمن بروجنی، روئین پاکباز، و هانیبال الخاص کار کرد.

وی در سال ۱۹۹۸ به ونکوور در کانادا مهاجرت کرد و مدرکی در طراحی جواهر و سنگ‌شناسی گرفت. از آن هنگام تاکنون، او ۲۰ نمایشگاه فردی و بیش از ۱۲۰ نمایشگاه گروهی در چندین کشور جهان، از جمله ایران، داشته است. آثار او در دوسالانه‌های موزه هنرهای معاصر تهران، موزه نیاوران، موزه سعدآباد، و چندین موزه و گالری دیگر در فرانسه، ایالات متحده، انگلستان، و سوئیس به نمایش درآمده‌اند.

## آثار

سبک هنری مظفری اکسپرسیونیسم انتزاعی است و خود نقاشی رئالیستی تا شیوه مدرن را تجربه کرده است. کارها، به شکل عمده، اکسپرسیونیسم را در قالب آبستره به تصویر می‌کشند. کارهای وی شیوه‌ای از نقاشی خالص را ادامه می‌دهند که در اندیشه مسائل کلاسیک مربوط به فضای تصویری و بیان و



گویایی صفحه تصویر است. مهمترین شاخص کارهای او، متأثر بودن آثارش از اجتماع و فرهنگ ایران است و در آن‌ها از المان‌های مربوط به فرهنگ این کشور بهره فراوان گرفته شده است. در میان آثار وی می‌توان به تابلوهایی از زنان نامدار ایرانی همچون قمرالملوک وزیری و فروغ فرخزاد که به صورت ترکیبی از هنر انتزاعی و رئالیسم در کنار عکس و نقاشی پدید آمده‌اند اشاره کرد. او در بعضی آثار خود، زنان معمولی ایرانی را به تصویر کشیده است که «در زندگی روزمره زنانی ویژه نیستند، ولی در تاریخ فرهنگ ایران ماندگارند».

مظفری در آثار میکس مدیای خود تصاویر انسان‌ها یا مکان‌ها را بر روی بوم چاپ می‌کند و سپس بر روی آن‌ها به نگارگری می‌پردازد. او از لایه‌های طلا برای نشان دادن تندیس‌های گذاشته شده بر بالای طاق‌های شهر پاریس یا تابش خورشید در فضاهاى بزرگ بهره می‌گیرد. نقش تصویرهای چاپ شده در کارهای او تا حدی محو و در زیر رنگ خود نفوذ کم پیدا می‌شود. در آثار با ابعاد بزرگتر خود، مظفری از رنگ‌های نارنجی روشن و آبی تیره برای ایجاد فضاهاى مه‌آلود بهره می‌گیرد.











### نیلوفر قادری نژاد



نیلوفر قادری نژاد در سال ۱۳۳۶ در تهران متولد شد. بعد از پایان دوره راهنمایی با مدرک دیپلم از هنرستان نقاشی بهزاد فارغ التحصیل شده و سپس در سال ۱۳۵۴ وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد و در رشته نقاشی مشغول به فراگیری شد.

او مدرک لیسانس خود را در سال ۱۳۵۸ دریافت کرد

او در حین کار به تصویر سازی برای کتاب و مجله و نقاشی دیواری مشغول بود و تدریس در رشته های طراحی و نقاشی را نیز از دوران دانشجویی به طور جسته و گریخته تا به حال ادامه داده و نمایشگاه های متعددی در خارج و داخل کشور برگزار کرده است

این هنرمند از جمله نقاشان فیگوراتیو است که خیزش و جوشش انبوه مردم در معابر عمومی (فیگورهای در حال حرکت و برانگیخته)، اضمحلال و سقوط یک نظام سیاسی (فیگورهای درمانده)، استقرار و برپایی یک انقلاب (فیگورهای مصمم و به پا خاسته)، وقوع جنگ (فیگورهای مقاوم و



شجاع)، حماسه (فیگورهای به یادماندنی)، شهادت (فیگورهای خونین و زیبا)... را با همه وجودش لمس کرده است.















### وانشا رودبارکی



زاده ۲۷ آبان ۱۳۴۵ رشت

سبک اکسپرسیونیست

وانشا رودبارکی (زاده ۲۷ آبان ۱۳۴۵ در رشت) هنرمند نقاش ایرانی است.

### زندگی‌نامه

وانشا رودبارکی، زاده ۲۷ آبان ۱۳۴۵ در رشت از سال ۱۳۶۹ ساکن پاریس می‌باشد. او فعالیت هنری خود را در رشته نقاشی به‌طور حرفه‌ای پیش گرفت. او که تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته ریاضیات به پایان رسانیده، همواره از فلسفه و ابزار ریاضیات در خلق تابلوهایش بهره گرفته‌است. نقاشیهای او، به دلیل حضور نوعی نور ویژه، حرکت و نوعی انرژی پیش برنده، مورد توجه کارشناسان و منتقدان هنری چون، ژان لوک شالومو، ژرارد شوریکورا، ماریا ترزا پرستیژیاکومو، فرانسیس پاران، دومینیک استال و برنارد بوآ قرار گرفت و مقالاتی در مورد آثارش نوشته‌اند. بیش از صد نمایشگاه از آثارش در گالری‌ها، سالن‌ها و بینال‌های بین‌المللی در اروپا، آمریکا و آسیا برگزار شده که از جمله آن‌ها می‌توان از نمایشگاه‌های: گراند پله، کاروسل دو لوور، سالن

دوتون، آرت ان کاپیتال و کمپرزون در پاریس، سالن بین‌المللی هنر شانگهای و موزه هنرهای معاصر آن شهر کیجن آرت می‌وزیم، جشنواره بین‌المللی رم، نگارخانه سانترو استوریکو و دوسالانه فلورانس و موزه چیان چیانو در ایتالیا، دوسالانه لندن، کی میک سانترو در ونکوور، گورا گالری در مونترآل، آرت فر در گوانگجو چین، گالری سیحون در لس‌آنجلس و میامی آرت فر نام برد.

## مقالات

- ژان لوک شالومو: (تاریخدان و منتقد هنری فرانسوی) وانشا رودبارکی، یا گفتگوی نور و تاریکی
- ژرارد شورینگورا: (تاریخدان، نویسنده و منتقد هنری فرانسوی) وانشا رودبارکی، استعاره‌ای از زندگی
- ماریا ترزا پرستیژیاکومو: (تاریخدان و منتقد هنری ایتالیایی) وانشا رودبارکی، نور مدیترانه

////////////////////

وانشا رودبارکی، نقاش فرهنگ و تمدن ایران  
وانشا رودبارکی، نقاش فرهنگ و تمدن ایران است. از پنجره‌ی فرهنگ ایران به دنیا نگاه می‌کند. تولد میترا، پهلوانان زورخانه با شلوارهای پوشیده از بته‌جقه، برگرفته از سرو آریایی، دماوند سربلند و خلیج همیشه فارس، همه نشانه‌هایی از ایران و فرهنگ ناب آن دارند.

وانشا نقاش طبیعت هم هست. او در شهر رشت به دنیا آمده است. در همان‌جا نقاشی را نزد استادش سیاوش یحیی‌زاده آغاز کرده، تحصیلات دانشگاهی‌اش را در رشته‌ی ریاضیات به پایان رسانده، اما همیشه نقاش باقی مانده است. بیش از بیست سال است که در فرانسه زندگی می‌کند و در حال حاضر از چهره‌های شناخته‌شده‌ی نقاشی در این کشور است.

تازه‌ترین نمایشگاه وانشا رودبارکی در مرکز جهانی زرتشتیان در پاریس برپا بود. تابلوهایی با سوژه‌های طبیعت، شقایق‌ها، خورشید ایران در تابلوهای میترا و خلیج فارس با عقابی که از منطقه‌ی جیرفت کشف شده است و نشانه‌ی زنده‌ای از تاریخ چند هزارساله‌ی این سرزمین و مردمان آن به شمار می‌رود.

این نقاش ایرانی طبیعت‌گراست و طبیعت را موضوع مهمی برای انسان می‌داند  
او می‌گوید:

بله. دقیقاً همین‌طور است. من طبیعت‌گرا هستم، ولی اگر بخواهید بدانید چرا طبیعت‌گرا هستم، به خاطر این است که فکر می‌کنم طبیعت یک موضوع مهم است برای انسان که در آن زندگی می‌کند. نمی‌شود گفت جنگ یا مبارزه، ولی این کنکاشی که وجود دارد میان انسان و محیط پیرامونش، و به‌خصوص طبیعت، از مدت‌ها قبل وجود داشته و همچنان ادامه خواهد داشت.

## ندای ایران

وانشا رودبارکی، با وجود زندگی و کار در خارج از ایران در ۲۰ سال گذشته، همچنان رویدادهای ایران را دنبال می‌کند؛ رویدادهایی که روی آثار هنری او هم اثر می‌گذارند. تابلوی «ندای ایران» که نامزد جایزه‌ی عقاب شهر نیس در جنوب فرانسه شده است، از جمله‌ی آنهاست.

این هنرمند می‌گوید: «فردای روزی که آن فاجعه اتفاق افتاد، آن کشتاری که در ایران صورت گرفت و آن بانوی جوان ایرانی به آن شکل بسیار ناگوار و تکان‌دهنده کشته شد، پس از دیدن فیلم مربوط به آن، تابلوی ندای ایران را توانستم بسازم که نمایانگر حرکت اعتراضی و جنبش مردم ایران بود. پس از آن «چند تابلوی دیگر به‌نام مردان گود در پی تابلوی ندای ایران کشیدم که هنوز به نمایش درنیامده‌اند».



## شقایق‌های وطن

در نمایشگاه نقاشی‌های وانشا رودبارکی، شقایق‌های سرخ در زمینه‌ی آبی‌رنگ با اندازه‌های بزرگ خودنمایی و تماشاگر را به‌سوی خود جلب می‌کنند. شقایق‌هایی که به‌یاد جان‌باختگان جنگ در ایران کشیده شده است  
او می‌گوید :

من البته روی موضوع شقایق خیلی نقاشی کشیده‌ام و این تازگی ندارد. ولی این که از چه زمانی « خواستم شقایق را با این ابعاد نقاشی کنم، از سال ۲۰۰۸ به بعد بوده است. شقایق برای من یک‌جورایی یادآور دوران جنگ است. در دوران جنگ ایران و عراق من در ایران به‌سر می‌بردم و از نزدیک شاهد بودم که چگونه جوانان ایرانی به جنگ و تا پای جان هم می‌رفتند و جان‌شان را نثار نگهبانی خاک ایران می‌کردند.

من همواره با این موضوع زندگی می‌کنم و هر بار که تابلوی شقایق را نقاشی می‌کنم، در واقع برای شادی روان این عزیزان از دست رفته‌ی ایرانی است که جان‌شان را برای پاسداری از خاک ایران از «دست دادند

## سفر فرهنگ ایران

وانشا رودبارکی تاکید می‌کند که با ایران زندگی می‌کند و بخشی از آن را همه‌جا با خود می‌برد  
او می‌گوید :

همیشه گفته‌ام که من در خاک ایران نیستم، ولی با ایران زندگی می‌کنم. یعنی بخشی از ایران در « موجودیت من هست. فکر می‌کنم که من این دوری را به این ترتیب برای خودم حل کرده‌ام. فلسفه‌ی من این است که به‌هر جا که می‌روم، بخشی از ایران را با خودم می‌برم. برای این که موجودیت من با موجودیت وطنم ایران به‌هم آمیخته‌اند و از هم جدایی‌ناپذیرند

نمایشگاه‌های بعدی او در چین، آمریکا، کانادا، فرانسه و سپس بینال بین‌المللی فلورانس در ایتالیا خواهد بود: «نمایشگاه دیگری که الان دارم آماده می‌کنم و تابلوهایش را فرستادم، نمایشگاهی است که در یکی از ایالات شمالی کشور چین خواهد بود. آنجا یک مرکز فرهنگی تأسیس شده است، به‌اضافه‌ی یک موزه که از من دعوت شده برای افتتاحیه‌ی آن، تابلوهای من به نمایش دربیاید. الان هم حدود صدتا تابلو در پکن هست که آماده‌ی نمایش هستند

پروژه‌ی بزرگی است و من باید برای آن مدتی در چین بمانم. قبل از آن دو نمایشگاه دیگر هم هست که در آمریکا و در کانادا خواهد بود: در لس‌آنجلس و تورنتو. نمایشگاه دیگری که خواهم داشت، در ماه «نوامبر سال آینده، در فرانسه خواهد بود. بعد مجدداً به بینال بین‌المللی فلورانس خواهم رفت

## قدمت پنج‌هزارساله

تابلوی «خلیج فارس»، روایت دیگری از وانشا رودبارکی از این خلیج ایرانی است  
او می‌گوید :

رنگ‌های اصلی تابلوی خلیج فارس، رنگ آبی است که همان رنگ خلیج فارس است. آبی تیره و روشن. بعد آن رنگ قرمز و نارنجی است. حال برای‌تان توضیح می‌دهم که چرا از این رنگ‌ها و از این سوژه استفاده کردم. سوژه‌ی این تابلو، یک عقاب است؛ عقابی مشابه همان عقاب که در حفاری‌های جیرفت کشف شد. من سعی کردم آن عقاب را با همان ابعادی که داشت در این تابلو بازسازی کنم و در همان جایی بگذارم که کشف شده بود

البته به طور تقریبی، چون به هر حال کاری که من می‌کنم آن قدر دقیق نیست. پس به طور تقریبی در محلی گذاشتم که کشف شده بود. در رابطه با استفاده از رنگ قرمز و نارنجی نیز باید بگویم که مدتی روی گنجینه‌ای که در جیرفت کشف شده بود، مطالعه کردم. قدمتی که این اشیا دارند چیزی است در حدود سه هزار تا سه هزار و پانصد سال پیش از میلاد. یعنی در کل می‌شود پنج هزار تا پنج هزار و پانصد سال پیش.

متخصصین و کارشناسانی که از یونسکو، فرانسه و اروپا به آنجا رفته بودند، وقتی این نمونه‌ها را بررسی کردند، متوجه شدند مرجان‌هایی که برای دکوراسیون این اشیا استفاده شده، از خلیج فارس آمده و تنها در خلیج فارس است که ما می‌توانیم چنان رنگی از مرجان‌ها ببینیم. به خاطر همین من زمین ایران را بیش‌تر با همین رنگ کشیده‌ام. این کار برای من باز هم نوعی بیان تاریخ و تمدن ایران بود. با نگاه به اسنادی که در دست داریم، می‌توانیم بگوییم ما بیش از پنج هزار و پانصد سال قدمت داریم؛ قدمتی با این زیبایی، با این هنر، با این مهارت و با این دقت.

برای من استفاده از رنگ مرجان‌ها نوعی بیان ارتباط میان قدمت خلیج فارس با ایرانی، نژاد آریایی و آراتا بود. آراتا در واقع همان نژادی بود که در منطقه‌ی جیرفت زندگی می‌کردند و همان آریایی‌ها بودند، اما سومی‌ها به آنها آراتا می‌گفتند.

حالا خلیج فارس، ندا، نماد جنبش آزادیخواهی مردم ایران، مردان گود، دماوند و شقایق‌های وانشا رودبارکی به همه جای دنیا به عنوان نشانه‌های نابی از فرهنگ سرزمین ایران سفر می‌کنند.

### تقدیم به دوست فرزانه ام وانشا رودبارکی

تصویر تصویرت بر بوم مصور باد  
از بوم آب و رنگ تا مرز و بوم عشق

از هند و بخارا و نشابور و سمرقند  
از هر کجای ملک کهن تا به روم عشق

گیلان سبزنا به شیراز معرفت  
هر جا که رود خامه تو ارض روم عشق

جغرافیای فکر بشر تا کجا رود؟  
هر جا که نهد پای بود زاد بوم عشق

احساس مجسم شود از شعر شعورت  
هر سنگ دماوند به دستت چو موم عشق

گرمای مهر تو چو به خورشید سر زند  
سوزد ازل آنچه مدرج به بوم عشق

از بام فلک آتش تو شعله می کشد  
آندم که کشی آه بر روی بوم عشق

Aug 4, 2010 سهیل شریفان ،



















آریا بهرام  
زنان بزرگ مجسمه سازی ایران در طول تاریخ





مجسمه سازان معروف زن در ایران

- 298 اعظم طباطبایی
- 301 اکرم جهان پور
- 303 المیرا سلامت
- 306 النانبی الهی
- 310 امینه کاظم زاده
- 312 بهناز محمد هادی
- 314 بیتا فیاضی
- 321 پویه پیمان فرخ
- 323 ریحانه پیرزاده مقدم
- 325 زیبا پشنگ
- 329 سارا راه انجام
- 334 سمیرا شفیع
- 338 سمیرا مهندسان
- 341 سهیلا ایلدار
- 344 سیده زهرا رسولی
- 346 سیمین اکرامی
- 351 شبرخ گلپاز حق
- 354 شیرازه هوشیاری
- 359 عفت جلیل نژاد
- 362 فاطمه اردکی
- 364 فاطمه اسعدی
- 368 فاطمه امدادیان
- 371 فاطمه چگینی
- 374 فرزانه حسینی
- 378 فرزانه وزیری تبار
- 381 گلی توکلی
- 383 لیلا بهرامی
- 385 لیلیت تریان
- 388 مریم پارسا زاده
- 391 مریم خلیفه
- 393 مریم سالور
- 398 معصومه روستا
- 402 معصومه فروزان
- 404 معصومه وظیفه شناس
- 406 مهدیه حمداله زاده
- 408 موژان طباطبایی مقدم
- 410 نادره حکیم الهی
- 415 ناهید سالیانی
- 418 ندا مرادی
- 419 نرگس حسینی
- 422 نگار نادری پور
- 426 هذا زرباف
- 430 یاسمن سینایی









اعظم طباطبایی



نام هنرمند: اعظم طباطبایی

سال تولد: 1364

مدرک تحصیلی :

فارغ التحصیل رشته مجسمه سازی، دانشگاه فردوسی مشهد 1388 فارغ التحصیل رشته نقاشی ،  
دانشکده سمیه نجف آباد 1383

نمایشگاه های انفرادی

پروژه و نمایش شهری گالری سیار، اصفهان، 1395

مجسمه، تهران، گالری هور 1391

مجسمه، اصفهان، گالری آیدانا 1391

نمایشگاه های گروهی

جشنواره بین المللی فیلم سبز، تهران، فرهنگستان هنر، گالری صبا 1395

سمپوزیوم ملی بهارستان، تهران 1394

ایونت، یک وعده هنر، اصفهان 1394

نمایشگاه گروهی نیو مدیا، اصفهان، گالری اکنون 1394

سمپوزیوم بین المللی مجسمه سازی، شهر پدیده، مشهد 1393

چهارمین بینال مجسمه های فضای شهری، باغ موزه قصر، تهران 1393

نمایشگاه گروهی مجسمه، برج میلاد 1393

ورکشاپ گروهی مجسمه، گالری اصفهان سیتی سنتر، اصفهان 1393

نمایشگاه دو سالانه نقاشی و مجسمه سازی، تهران، خانه هنرمندان ایران 1392

نمایشگاه گروهی مجسمه، تهران، گالری لاله 1392

نمایشگاه گروهی مجسمه، اهواز، موزه هنرهای معاصر اهواز 1392

نمایشگاه گروهی مجسمه، تهران، گالری برگ 1392

نمایشگاه گروهی مجسمه، تهران، گالری شیرین 1391

هفتمین نمایشگاه بین المللی مبلمان شهری، اصفهان 1391

ششمین نمایشگاه بین المللی مبلمان شهری، اصفهان 1389

دومین جشنواره بین المللی هنرهای تجسمی فجر 1388

نمایشگاه گروهی مجسمه، شیراز، گالری شیوه 1388

نمایشگاه گروهی مجسمه، اصفهان، گالری نقش خانه 1386

نمایشگاه گروهی مجسمه، اصفهان، گالری سعدی 1386

ورکشاپ گروهی مجسمه، اصفهان، خانه هنرمندان

1386

جوایز و افتخارات

در International Contemporary Artists معرفی به عنوان هنرمند بین المللی در کتاب نیویورک و آتن. 2015

بر گزیده ششمین بینال ملی مجسمه سازی ایران، تهران، گالری نیاوران 1390

نفر دوم، سومین جشنواره مجسمه های کوچک، شیراز، گالری وصال 1390

نفر اول، دومین جشنواره مجسمه های کوچک، شیراز، گالری وصال 1389

نفر اول بخش چیدمان، مشهد، جشنواره سفیر سرخ 1387







## اکرم جهانپور



اکرم جهان پور

متولد 1346 ، مشهد

لیسانس مجسمه سازی از دانشکده هنرهای زیبا- تهران

عضو انجمن مجسمه سازان ایران

## نمایشگاه ها

- شرکت در چند نمایشگاه گروهی
- شرکت در چهارمین جشنواره منطقه ای هنرهای تجسمی جوانان -پاییز 1370
- شرکت در پنجمین جشنواره منطقه ای هنرهای تجسمی جوانان -مرداد 1371
- شرکت در نمایشگاه هنر مقاومت به مناسبت سوم خرداد و کسب رتبه سوم 1385
- شرکت در نمایشگاه گروهی مجسمه های کوچک اعضای انجمن مجسمه سازان 1389 -
- شرکت در نخستین جشنواره سراسری هنرهای تجسمی آزادگان 1389 -
- شرکت در چهارمین دوسالانه مجسمه های فضای شهری 1393 -
- برگزاری نمایشگاه سفال و سرامیک در نگارخانه کمالالدین بهزاد 1393 -
- شرکت در نمایشگاه سی مجسمه سی مجسمه ساز در گالری ثالث 1395 -
- شرکت در نمایشگاه سی مجسمه سی مجسمه ساز در گالری ایرانشهر 1396 -
- شرکت در نمایشگاه انجمن هنرمندان مجسمه ساز با عنوان چهار سوی خیال 1389 -
- شرکت در دوسالانه هنری بین المللی پکن 2019 -

## آثار نصب شده

- نصب یک مجسمه در مقابل درب شمالی دانشگاه فردوسی مشهد -
- نصب یک مجسمه در پارک گفتگو تهران -
- نصب یک مجسمه در خیابان میرداماد تهران -





المیرا سلامت



نام هنرمند: المیرا سلامت

سال تولد: 1367

مدرک تحصیلی

کارشناسی ارشد تصویرسازی - دانشگاه هنر تهران 1385-1389 کارشناسی مجسمه 1390-1392  
سازی - دانشگاه هنر تهران

نمایشگاههای انفرادی

نمایشگاه مجسمه و چیدمان طبقه همکف - گالری سیحون 1395

نمایشگاه مجسمه موقعیت‌های روزمره زنان - گالری الهه 1390

نمایشگاههای گروهی

نمایشگاه گروهی هفت نگاه، فرهنگسرای نیاوران 1395

نمایشگاه گروهی طلای آبی، گالری اعتماد - تهران 1395

دومین نمایشگاه هنرهای تجسمی ورسوس، فرهنگسرای نیاوران - تهران 1394

چهارمین دوسالانه مجسمه‌های فضای شهری، باغ موزه قصر - تهران 1393

نمایشگاه گروهی هفت نگاه، فرهنگسرای نیاوران - تهران 1392

نمایشگاه گروهی فارغ التحصیلان مجسمه سازی دانشگاه هنر تهران - خانه هنرمندان ایران 1392

نمایشگاه گروهی انسان از نگاه معاصر، نگارخانه فروهر - تهران 1391

نمایشگاه گروهی چهار سوی خیال، خانه هنرمندان ایران - تهران 1391

نمایشگاه گروهی مجسمه دومین اردیبهشت، گالری سیحون - تهران 1391

اولین نمایشگاه سالانه نقاشی و مجسمه خانه هنرمندان ایران - تهران 1391

سومین دوسالانه مجسمه‌سازی فضای شهری، گالری برگ - تهران 1391

نمایشگاه گروهی مجسمه و چیدمان "وید"، گالری ساربان - تهران 1391

نمایشگاه گوهی مجسمه فیگوراتیو، گالری شیرین - تهران 1391

اولین نمایشگاه تابلوهای کوچک، گالری آریا - تهران 1390

گزیده‌ای از فرایند مجسمه سازی معاصر ایران به گردآوری پندار نبی پور، نگارخانه فروهر - تهران 1390

نمایشگاه گروهی مجسمه قلک، گاری حنا - تهران 1390

دومین دوسالانه مجسمه‌های فضای شهری، گالری برگ - تهران 1389

نمایشگاه گروهی مجسمه مثلث، کافه گالری ایرانشهر - تهران 1389

نمایشگاه گروهی مجسمه‌سازی، کافه گالری ایرانشهر - تهران 1389



اولین نمایشگاه سالانه مجسمه دانشگاه هنر، نگارخانه لاله - تهران 1389  
 نمایشگاه گروهی مجسمه دانشجویان دانشگاه هنر، نگارخانه لاله - تهران 1388  
 هفتمین جشنواره بین المللی خوارزمی بخش تصویرسازی 1384  
 ششمین جشنواره بین المللی خوارزمی بخش عکاسی 1383

### مجسمه‌های شهری

ساخت و نصب مجسمه شهری با عنوان "رویای شیرین روزگار دیرین"، محل نصب: اتوبان شهید باقری - تهران 1393  
 ساخت و نصب مجسمه شهری با عنوان "مسافر" محل نصب: بوستان نهج البلاغه 2 - تهران 1392  
 ساخت و نصب مجسمه شهری با عنوان "مسافر" محل نصب: میدان آرژانتین- تهران 1391  
 ساخت و نصب مجسمه شهری با عنوان "مسافر" محل نصب: میدان راه آهن- تهران 1391

### جوایز

منتخب بخش عکاسی ششمین جشنواره جوان خوارزمی 1383







## النا نبی الهی



نام هنرمند: الننا نبی الهی

سال تولد: 1361

مدرک تحصیلی: فارغ التحصیل کارشناسی مجسمه سازی از دانشگاه هنر تهران، 1386

## نمایشگاههای گروهی

دومین اکسپو مجسمه سازی، گالری شیرین. 139

گالری شیرین، 1389

گالری دی، 1388

گالری ممیز، خانه هنرمندان 1387

اولین اکسپو مجسمه سازی، خانه هنرمندان 1387

نمایشگاه مجسمه های کوچک، خانه هنرمندان 1387

گالری لاله 1387

گالری دی 1386

نصب مجسمه با عنوان مردوکلاغ در بوستان امید، تهران، 1388

نصب مجسمه با عنوان ریشخند در بوستان صبا، تهران 1390

نصب مجسمه با عنوان پدر، مشهد 1390

نصب مجسمه با عنوان دمنوش، بزرگراه چمران، تهران 1391

نصب مجسمه بدون عنوان، بزرگراه چمران، تهران 1393

## جوایز

برگزیده بخش داوران دومین بینال مجسمه های شهری تهران 1389

برگزیده بخش داوران و بخش نگاه مخاطب نخستین جشنواره بین المللی

هنرهای تجسمی فجر 1387

برگزیده بخش داوران و بخش نگاه مخاطب اولین بینال مجسمه های شهری

تهران 1387

برگزیده بخش زیر 35 سال پنجمین بینال مجسمه سازی تهران 1386

برگزیده دومین جشنواره مجسمه های شنی بابلسر 1385











امینه کاظم زاده



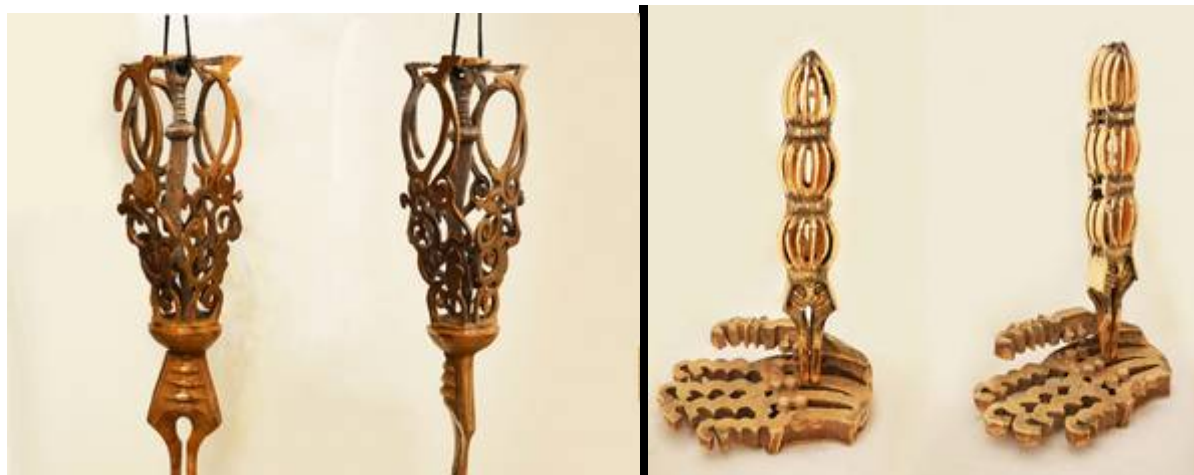
نام هنرمند: امینه کاظم زاده

سال تولد: 1341

WebSite: <http://www.a-kazemzadeh.com/>

#### نمایشگاه ها و جشنواره ها

- ارائه اثر در نمایشگاه گروهی "دومین نمایشگاه موتیف های ایرانی در زیورآلات"، گالری پوسک، لندن، آذرماه 1395
- ارائه اثر در دوسالانه هنر معاصر "صلح روی کاغذ"، فرهنگسرای نیاوران، مردادماه 1395 -
- ارائه اثر در نمایشگاه گروهی "آیین"، گالری اکنون، تیر و مرداد ماه 1395 -
- ارائه اثر در ششمین سالانه هنر معاصر پرسبک "از طبیعت زدایی تا طبیعی زیستی"، فرهنگسرای نیاوران، 1395
- ارائه اثر در نمایشگاه گروهی
- یونان، Textile Arts Factory 1395 ، گالری "Intimate Treasures"
- طراحی و اجرای دو اثر در سالانه هنرهای شهری "بهارستان"، بخش مجسمه سازی و هنرهای محیطی، 1394
- ارائه اثر در نمایشگاه گروهی نقاشی و مجسمه سازی، "اندیشه خیال ما"، فرهنگسرای بهمن، 1394 -
- ارائه اثر در نمایشگاه گروهی مجسمه، "چهارسوی خیال"، خانه هنرمندان ایران، 1394 -
- اجرای مجسمه "ساعت آفتابی" به انتخاب و سفارش سازمان زیباسازی شهر تهران، سنگ چینی - یکپارچه به وزن 2.5 تن، نصب دایم در میدان منطقه 20 ، تهران
- ارائه اثر در بازار هنری خیریه رعد، زمستان 1393 -







بهناز محمدهادی



بهناز محمدهادی  
متولد ۱۳۶۳، تهران، ایران

#### تحصیلات

مدرک دکوراسیون داخلی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران ۱۳۹۰  
کارشناسی گرافیک، دانشگاه علمی کاربردی، تهران، ایران ۱۳۸۶  
دیپلم طراحی و نقاشی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، هنرستان کمال الملک، تهران، ۱۳۸۲  
ایران

#### عضویت ها

عضو افتخاری موسسه توسعه هنرهای تجسمی  
عضو صندوق اعتباری حمایت از هنرمندان

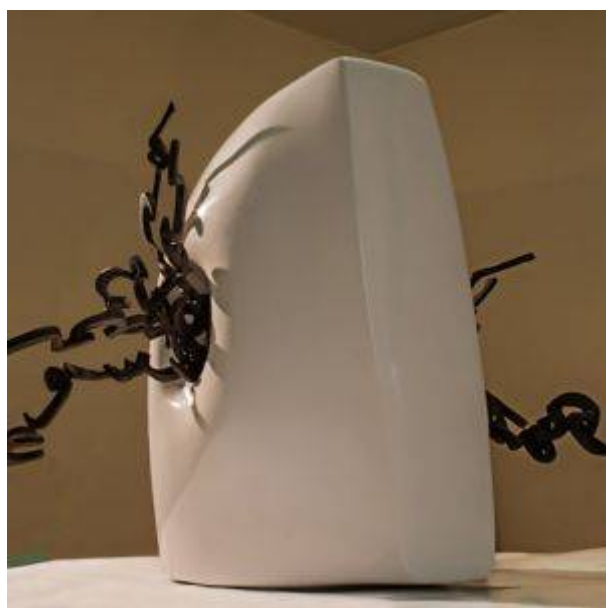
#### نمایشگاه های انفرادی

چرخه زندگی"، فرهنگسرای ملل، تهران، ایران " ۱۳۸۹  
تولد درون"، فرهنگسرای ملل، تهران، ایران " ۱۳۸۷

#### نمایشگاه های گروهی

اقباله"، گالری آپادانا، اصفهان، ایران ۱۳۹۵  
مجسمه های کوچک"، گالری آریا و انجمن مجسمه سازان، تهران، ایران " ۱۳۹۴  
هفت نگاه"، فرهنگسرای نیاوران، تهران، ایران " ۱۳۹۴  
مجسمه های کوچک انجمن مجسمه سازان"، گالری پروژه های آران، تهران، ایران " ۱۳۹۴  
، گالری ماه مهر، تهران، ایران "MS به نفع بیماران" ۱۳۹۴  
شرکت در اولین آرت اکسپو موسسه خیریه رعد، تهران، ایران ۱۳۹۳  
هفت نگاه"، فرهنگسرای نیاوران، تهران، ایران " ۱۳۹۳  
منتخبین دومین جشنواره ساعت، نگارخانه برگ، تهران، ایران 1393  
فیگوراتیو، موزه برمن، المان، برمن 1393

- معکوس"، نگارخانه نقش جهان، تهران، ایران " ۱۳۹۳  
 شهر قصه"، گالری نیکولاس فلاملی، پاریس، فرانسه ۱۳۹۲  
 با تندیز، نگارخانه آپادانا، اصفهان، ایران ۱۳۹۲  
 فیگوراتیو"، انجمن مجسمه سازان، نگارخانه خانه هنرمندان، تهران، ایران " ۱۳۹۲  
 یادمان شاعر، نگارخانه شیرین، تهران، ایران " ۱۳۹۲  
 نمایشگاه دائمی سنگ در شهرک صنعتی شمس آباد ۱۳۹۱  
 نمایشگاه دائمی، گالری پرشین روم، نروژ ۱۳۹۰  
 فرهنگسرای بانو، تهران، ایران ۱۳۸۸  
 فرهنگسرای دانشجو، تهران، ایران ۱۳۸۷  
 دایره آبی، فرهنگسرای هنر نگارخانه ۲ و ۳، تهران، ایران ۱۳۸۷  
 فرهنگسرای اندیشه، تهران، ایران ۱۳۸۶  
 نگارخانه بنفشه، تهران، ایران ۱۳۸۰  
 نگارخانه بنفشه، تهران، ایران ۱۳۷۹





بی‌تا فیاضی

بی‌تا فیاضی متولد ۱۳۴۱ تهران است

او در زمینه طراحی سرامیک و مجسمه‌سازی ۱۵ سال سابقه فعالیت دارد

فیاضی ۷ سال در انگلستان اقامت داشته است و در سال ۱۳۵۹ به ایران بازگشته و هم اکنون در آتلیه‌های تهران به تدریس مشغول است

بی‌تا فیاضی از جمله هنرمندان پیشرویی است که بر خلاف معمول از مجموعه‌های خصوصی و محیط‌های شسته رفته موزه‌ها و گالری‌ها پا فراتر می‌گذارد و هنرش را در میان مردم عادی می‌آورد تا به گفته خودش تماشاگرانش را از میان رهگذران، بچه مدرسه‌ای‌ها، رانندگان، فروشندگان مغازه‌ها، رفتگران خیابانی، ولگردها و آدمهایی از این دست بیابد

او در هر فرصتی ایده‌ای را در برابر بیننده قرار می‌دهد که اگرچه نمی‌توان آنها را در قاب گرفت و یا خریداری کرد، اما به خوبی می‌توان آنها را در ذهن سپرد

بی‌تا فیاضی در سال ۲۰۰۵ یکی از دو زن هنرمندی بود که با نوزادان طلایی و معلقش تحت عنوان "تقدیر" در پنجاه و یکمین بی‌ینال و نیز ایتالیا شرکت کرد

نوزادانی که از جسم و جوهر واقعی‌شان محروم مانده‌اند و به تکه‌هایی در هم شکسته تبدیل شده‌اند

مجموعه‌ای که او آن را تحت تأثیر عکسی از طفل کشته شده بوسنیایی و همین‌طور با الهام از اشعار فروغ فرخزاد ساخته است و معتقد است که آن را از هر جهت و گوشه‌ای می‌توان نگاه کرد، اگرچه برای او همچون خط زبان ملی‌اش از راست به چپ معنا می‌یابد

مجموعه "قسمت" و یا همان "تقدیر" در ۲۰۰۷ - فوریه - به وسیله طراح لباس ایتالیایی، لوسیانو بنتون خریداری شد تا برای همیشه در شهر پونز، در ساختمان فابریکا به یادگار بماند، در راهرویی بین ویلای قدیمی نئو پالادیان و بنای جدید تادائو آندو، گذرگاهی نمادین بین شرق و غرب، و گذشته و آینده، که گروه بنتون و صاحب آن همیشه توجه خاصی به آن داشته‌اند

او جایزه ویژه ششمین دوسالانه هنرهای سرامیک، موزه هنرهای معاصر تهران و شرکت در چندین نمایشگاه در ایران و خارج از کشور را در کارنامه فعالیت هنری خود دارد.

نمایشگاه انفرادی، «نقاشی‌های روی دیوار و فرم‌های انتزاعی»، گالری کلاسیک، اصفهان ۱۳۷۲

نمایشگاه گروهی، «هنرمندان سرامیک کار معاصر ایران»، سفارت هلند در تهران 1377

نمایشگاه گروهی، «فیگورهای در حال سقوط»، گالری سیحون، تهران 1379

نمایشگاه گروهی، «هنر معاصر ایرانی»، چیدمانی از ۲۰۰۰ حشره، مرکز باریگن، لندن 1380

نمایشگاه گروهی، «درجاده»، قراردادن مجسمه‌هایی بر روی دو وانت برای نمایش در خیابان‌های تهران 1382

نمایشگاه انفرادی، «اجرای ۲۰۱۰»، گالری آن، تهران 1389

نمایشگاه انفرادی، «جریان ناگفته‌ی زندگی؛ اما من هنوز جای بعد از ظهر هایم را می‌نوشم»، گالری ایزابل وَن دِن آیند، دبی 1390

برنده‌ی جایزه‌ی شاهزاده کلاوس، آمستردام 1393

نمایشگاه گروهی، «وادویل»، گالری خاک، تهران 1394

نمایشگاه گروهی، «سیاه و سفید: به انتخاب فریدون آو»، گالری ایوان، تهران 1397

آرت فر، آرت دبی، نمایش داده شده توسط گالری خاک، دبی 1398

نمایشگاه گروهی، «دایناسور دست و پایش را گم کرده»، پروژه‌های بیرون از دستان، تهران 1399

آرت فر، آرت دبی، نمایش داده شده توسط گالری +۲، دبی 1400

آرت فر، آرت دبی، نمایش داده شده توسط گالری خاک، دبی 1400



















## پویه پیمان فرخ



نام هنرمند: پویه پیمان فرخ

سال تولد: 1347

**مدرک تحصیلی**

کارشناسی مجسمه سازی , پردیس هنرهای زیبا- کارشناسی ارشد پژوهش هنر , پردیس هنرهای زیبا  
پویه پیمان فرخ

عضو انجمن مجسمه سازان

گذراندن دوره های آموزشی مجسمه سازی و تکنیک های سفالگری در کارگاه هنر از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰

شرکت در سه نمایشگاه گروهی در کارگاه هنر

کالیفرنیا در palo alto در شهر rob brown گذراندن دوره شناخت مواد و تکنیک ساخت نزد  
سال ۱۳۸۱

طراحی و اجرای حجم فجر ویژه دانشجویان دانشکده های تجسمی ایران work shop شرکت در  
شرکت در پنجمین دو سالانه مجسمه سازی تهران ۱۳۸۶

نمایشگاه انفرادی مجسمه سال ۱۳۸۸

شرکت در دومین جشنواره بین المللی هنرهای تجسمی فجر سال ۱۳۸۸  
کسب رتبه اول در رشته مجسمه سازی در مسابقه هنر و فناوری نانو









شرکت در سمپوزیوم دفاع مقدس آهن اصفهان سال 91 و کسب مقام دوم  
شرکت در ششمین سمپوزیوم سنگ تهران سال 93 -  
اثر برگزیده دوسالانه مجسمه سازی تهران سال 93 -  
شرکت در سومین سمپوزیوم سنگ تبریز سال 95-

طراحی و اجرای مجسمه شهری (طاووس) ؛ تهران 92 -  
طراحی و اجرای مجسمه شهری (در جستجو) ؛ تهران 94 -  
طراحی و اجرای مجسمه شهری (شهید گمنام)؛ اصفهان 91 -  
اجرای چندین مجسمه شهری در تهران ، مشهد و نیشابور -  
شرکت در نمایشگاه چندین دوره سمپوزیوم تهران -  
شرکت در نمایشگاه آثار برگزیده سمپوزیوم سال 94 در برج میلاد -  
شرکت در نمایشگاه گروهی سرخ و سیاه به رنگ عشق سال 95 در برج میلاد  
شرکت در نمایشگاه های گروهی در تهران ، تبریز ، نیشابور ، مشهد و ....







## زیبا پشنگ



نام هنرمند: زیبا پشنگ

سال تولد: 1359

**مدرک تحصیلی**

فارغ التحصیل رشته صنایع دستی ، دانشگاه الزهرا (س) کارشناسی ارشد نقاشی.دانشگاه سوره

عضو انجمن مجسمه سازان ایران

عضو انجمن هنرمندان سفالگر ایران

**نمایشگاه های انفرادی**

چهارمین نمایشگاه انفرادی - گالری سیحون-1395

سومین نمایشگاه انفرادی - گالری سیحون - 1393

دومین نمایشگاه انفرادی - گالری سیحون - 1389

اولین نمایشگاه انفرادی - گالری مزده - 1388

**نمایشگاه های گروهی**

نمایشگاه گروهی نقاشی، مجسمه - گالری سیحون -1396

شرکت در بخش حجم جشنواره فیلم سبز-گالری صبا-1395

نمایشگاه گروهی مجسمه 30 مجسمه، 30 مجسمه ساز-گالری ثالث\_1395

پنجمین دوسالانه مجسمه شهری-فرهنگستان هنر-گالری صبا\_1395

نمایشگاه هنر محیطی موزه کنستاله مجارستان-بوداپست\_1395

نمایشگاه گروهی طلای آبی-گالری اعتماد-1395

ششمین سالانه هنر معاصر پرسبک-فرهنگسرای نیاوران-1395

نمایشگاه گروهی ورسوس-فرهنگسرای نیاوران-1394

نمایشگاه گروهی شکستنی-فرهنگسرای نیاوران-1394

چهارمین دوسالانه مجسمه شهری-باغ موزه قصر-1393

نمایشگاه گروهی سه نسل مجسم سازان-گالری سیحون-1393

نمایشگاه گروهی انجمن مجسمه سازان-خانه هنرمندان ایران-1393

شرکت در پروژه عکس سازمان ملل-1392

اولین نمایشگاه ساعتهای آفتابی-گالری برگ-1392

نمایشگاه گروهی مجسمه - گالری نیکولاس فلامل - پاریس - 1392

چهارمین سالانه هنر معاصر پرسبک -خانه هنرمندان ایران-1392

نمایشگاه گروهی مجسمه - خانه هنرمندان ایران - 1392

نمایشگاه گروهی فیگوراتیو - خانه هنرمندان ایران - 1392

نخستین جشنواره ساعتهای آفتابی-گالری برگ-1391

دهمین بی پنال سفال و سرامیک ایران - موزه امام علی (ع) - 1390



- ششمین بی بینال مجسمه سازی - فرهنگسرای نیاوران - 1390-  
 دومین جشنواره جهانی هنر مقاومت - 1390  
 دومین اکسپوی مجسمه سازی - گالری شیرین - 1390  
 نمایشگاه گروهی مجسمه - گالری هفتان - 1390  
 نمایشگاه گروهی فلک - گالری حنا - 1390  
 دومین دوسالانه مجسمه های فضای شهری - نگارخانه برگ - 1389  
 نمایشگاه سفال فضای شهری - نگارخانه برگ - 1389  
 نمایشگاه سفال هنری معاصر ایران - موزه امام علی (ع) - 1389  
 ششمین نمایشگاه مجسمه های کوچک - گالری فروهر - 1389  
 نهمین دوسالانه سفال و سرامیک معاصر ایران - 1388  
 اولین دوسالانه مجسمه های فضای شهری - نگارخانه برگ - 1387  
 اولین اکسپوی مجسمه سازی - خانه هنرمندان ایران - 1387  
 اولین نمایشگاه سلف پرتره - موزه امام علی (ع) - 1386  
 اولین نمایشگاه زنان سفالگر ایران - فرهنگسرای نیاوران - 1386  
 سومین دوسالانه هنر، ورزش، المپیک - 1386  
 نمایشگاه گروهی حجم-گالری کمال الدین بهزاد- 1383  
 نمایشگاه زن و گفتگوی تمدن ها - اردن - 1381

#### جوایز

- نخستین جشنواره تندیس پایداری و کسب مقام برتر - 1389  
 برگزیده نخستین جشنواره سراسری هنرهای تجسمی آزادگان - 1389  
 جشنواره ملی جوان و کسب مقام اول - 1389

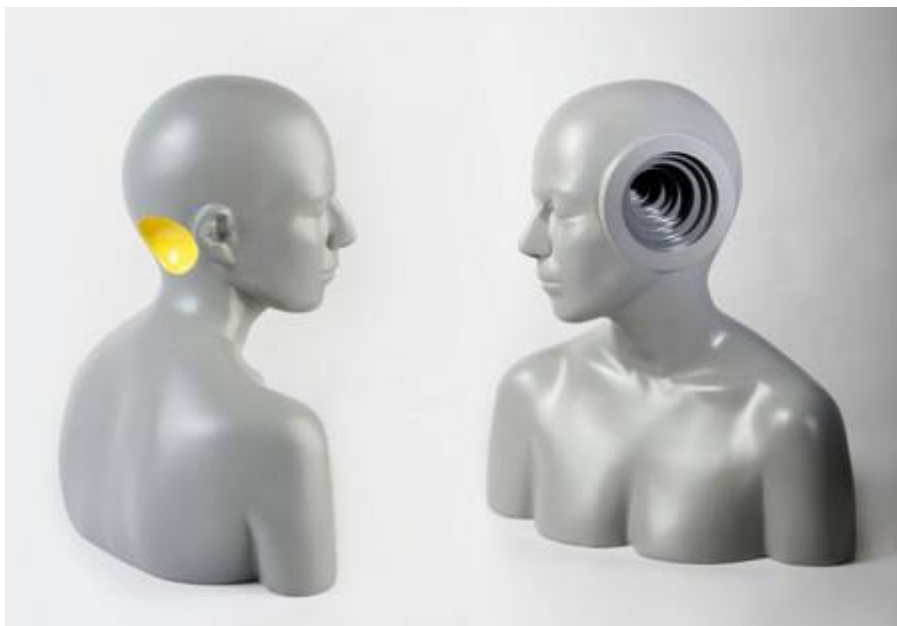
#### کارهای اجرایی

- ساخت و اجرای چهار اثر مجسمه شهری به سفارش سازمان زیباسازی - تهران و مشهد - 1391  
 طراحی و اجرای نقش برجسته سفالین به سفارش متروی تهران - 1386









سارا راه انجام



نام هنرمند: سارا راه انجام

سال تولد: 1363

مدرک تحصیلی

فارق التحصیل رشته مجسمه سازی دانشگاه تهران (هنرهای زیبا)

سارا راه انجام نمایشگاه انفرادی

انفرادی گالری سیحون (آسمان آبی-1392)

انفرادی گالری سیحون (من + زن-1391)

نمایشگاه گروهی

پاریس در گالری (art et liberte) 1396

نمایشگاه سالانه صلح/ خانه هنرمندان-1396

ایتالیا /مهر ماه liquid group دعوت در نمایشگاه -1395

نمایشگاه گروهی پرتره گالری ثالث 1395

نمایشگاه گروهی تابستان" گالری اعتماد ، تهران ،ایران " 1394

نمایشگاه گروهی "شهر قصه 1" نیکلاس فلامل ،پاریس ، فرانسه 1394

نمایشگاه گروهی هنرمندان معاصر ایران (فرهنگسرای نیاوران) تهران ، ایران 1394

نمایشگاه گروهی " جهان پهلوان " گالری شیرین ، تهران ،ایران 1393

تهران ، ایران " Collect Art " اولین نمایشگاه بین المللی ایران 1393

نمایشگاه گروهی (شهر قصه 2) نیکلاس فلامل /پاریس -1393

نمایشگاه گروهی هنرمندان معاصر ایران (فرهنگسرای نیاوران) -1393

(art collect) شرکت در اولین نمایشگاه بین المللی ایران -1393

نمایشگاه گروهی (شهر قصه 1) نیکلاس فلامل /پاریس -1392

شرکت در آکشن گالری سیحون -1392

شرکت در حراجی ابوظبی- دبی -1391

شرکت در پنجمین بینال بین المللی شانگ های - چین -1391



- نمایشگاه گروهی فیگوراتیو- گالری شیرین - 1391  
 نمایشگاه گروهی مجسمه و چیدمان - گالری ساربان - 1391  
 نمایشگاه مجسمه های زیر 35 سال - گالری فروهر - 1391  
 نمایشگاه گروهی دومین اردیبهشت - گالری سیحون - 1391  
 شرکت در سومین سمپوزیوم بین المللی سنگ - تهران - 1391  
 هفتمین نمایشگاه مجسمه های کوچک، گالری فروهر - 1390  
 اکسپو بین المللی مجسمه و عکاسی - روسیه - 1390  
 نمایشگاه گروهی- گالری الهه - 1390  
 دومین اکسپو مجسمه - گالری شیرین - 1390  
 نمایشگاه گروهی- گالری الهه - 1390  
 نمایشگاه گروهی- گالری هفتان - 1390  
 هفتمین نمایشگاه مجسمه های کوچک، گالری فروهر - 1389  
 نمایشگاه گروهی، گالری ایوان سپید - 1389  
 دومین بینال نقاشی و مجسمه سازی - کروواسی، اسپلیت - 1389  
 دومین بینال فضای شهری، گالری برگ - 1389  
 نمایشگاه هنرهای تجسمی، گالری آرت سنتر - 1389  
 نمایشگاه زیر 35 سال، خانه هنرمندان - 1388  
 نمایشگاه مجسمه های کوچک، خانه هنرمندان - 1388  
 اکسپو مجسمه سازی، خانه هنرمندان - 1387

#### جایزه

- اولین جشنواره فضای شهری-مشهد- 1389  
 ساخت یادمان شهدا-اهواز(مقام دوم) 1389  
 ششمین جشنواره هنرهای تجسمی-شیراز(مقام اول) 1389  
 پنجمین جشنواره هنرهای تجسمی-شیراز(مقام دوم) - 1388  
 ساخت یادمان شهدا-همدان(مقام اول) - 1388  
 چهارمین جشنواره هنرهای تجسمی-شیراز(مقام سوم) - 1387  
 جشنواره هنر ورزش المپیک (مقام اول) - 1386

#### بینال

- شرکت در بینال بین المللی شانگ های -چین - 1391  
 دومین بینال نقاشی و مجسمه سازی - کروواسی، اسپلیت- 1389  
 دومین بینال فضای شهری، گالری برگ-تهران- 1389  
 اولین بینال فضای شهری، گالری برگ-تهران- 1387

#### سمپوزیم

- شرکت در بخش اصلی چهارمین سمپوزیوم بین المللی سنگ تهران. موزه زندان قصر 1391\_  
 دومین سمپوزیم شنی -بابلسر- 1386











سمیرا شریفی



نام هنرمند: سمیرا شریفی

سال تولد: 1357

مدرک تحصیلی

کارشناسی : مجسمه سازی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه

فعالیت‌های هنری شرکت در

چهارمین دوسالانه مجسمه سازی معاصر تهران 1386

نمایشگاه گروهی مجسمه در فرهنگسرای ابن سینا تهران 1386

اولین جشنواره هنرهای سنتی جوانان در موسسه فرهنگی هنری صبا 1385

نمایشگاه گروهی انجمن مجسمه سازان ایران زیر 35 سال 1385

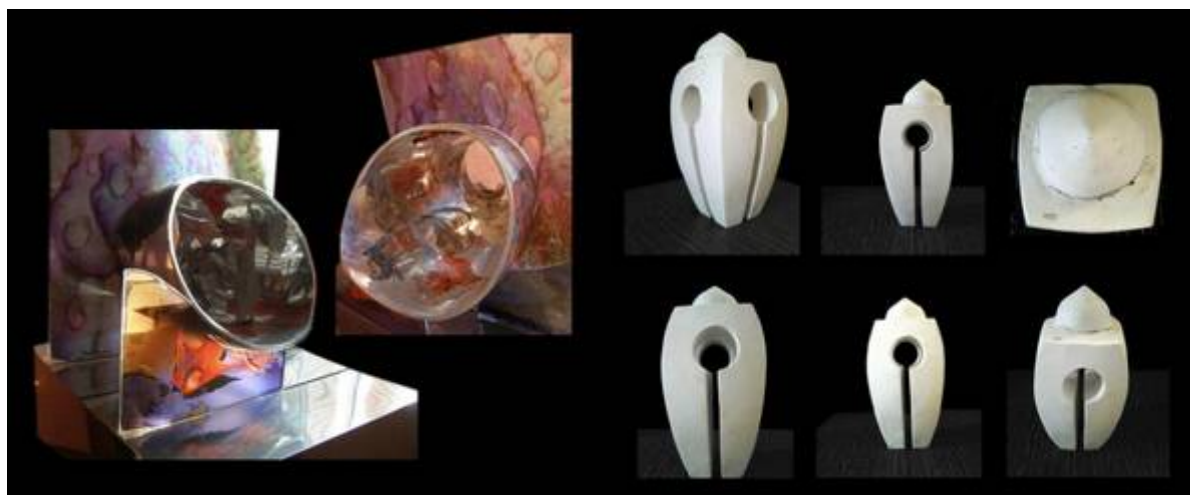
در خانه هنرمندان 1385 نمایشگاه گروهی انجمن مجسمه سازان ایران ( چیدمان)

نمایشگاه گروهی انجمن در قالب دیدار مجسمه سازان ایران \_ مکزیك 2006 در مدرسه عالی

Mexico ملی نقاشی و مجسمه سازی لاسمیرا

پنجمین دوسالانه مجسمه سازی معاصر تهران 1384

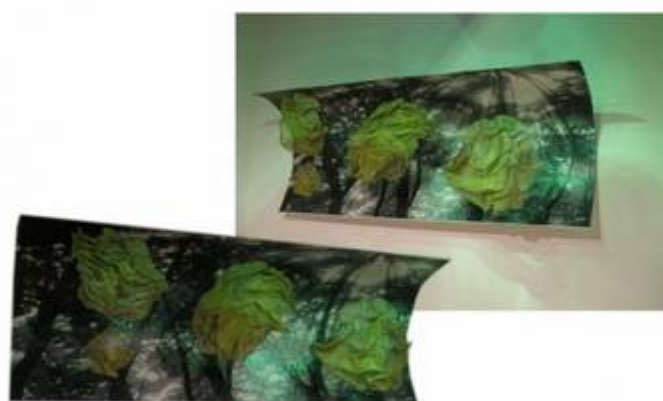
بخش نمایشگاهی چهارمین سمپوزیوم بین المللی مجسمه سازی تهران





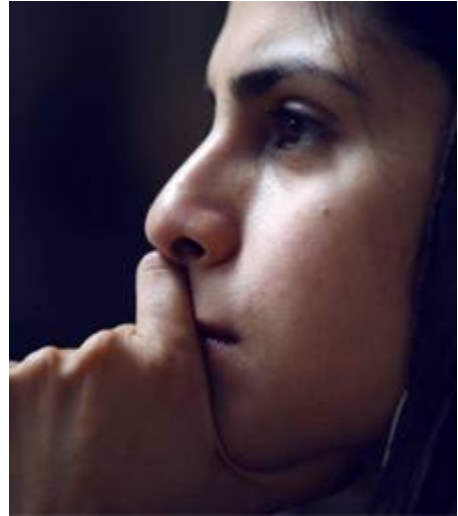








## سمیرا مهندسان



نام هنرمند: سمیرا مهندسان

سال تولد: 1359

**مدرک تحصیلی**

لیسانس مجسمه سازی ، طراحی داخلی ، گرافیک

سمیرا میس مهندسان مجسمه ساز و طراح لباس. او در سال ۱۳۸۳ از دانشگاه هنر کرج در رشته گرافیک دیزاین فارغ التحصیل شد و برای ادامه تحصیل در رشته طراحی داخلی به ارمنستان رفت. در همان سال ها زیر نظر استاد "ماریام هاکوپیان" و پروفسور "روبرت میناسیان" به آموزش مجسمه سازی پرداخت. پس از طی کردن چهار سال دوره طراحی داخلی به دانشکده مجسمه سازی وارد شد و زیر نظر استادی چون "ارا الیکیان" لیسانس مجسمه سازی خود را دریافت کرد پس از پایان دوره تحصیل به ایران باز می گردد و به کار طراحی لباس سینما و مجسمه سازی مشغول می شود

**فعالیت ها**

- شرکت در جشنواره هنرهای تجسمی فجر. ۱۳۹۷
- شرکت در یورو اکسپو ارت رم ( ایتالیا ) : ۱۳۹۶
- شرکت در یورو اکسپو ارت فورلی ( ایتالیا ) : ۱۳۹۵
- شرکت در یورو اکسپو ارت پارما ( ایتالیا ) : ۱۳۹۵
- شرکت در نمایشگاه گروهی مجسمه در گالری شیرین، اتاق غیر منتظره، به کوشش امیرحسین : ۱۳۹۶ ترک زاده
- نصب مجسمه بهارستان در ورودی کاخ نیاوران : ۱۳۹۶
- شرکت در هفتمین دوره سمپوزیوم مجسمه سازی تهران : ۱۳۹۵
- نصب مجسمه شهری در ورودی پارک نیاوران : ۱۳۹۴
- نقاشی دیواری های مجموعه رستوران های مانسون : ۱۳۹۷
- نمایشگاه انفرادی مجسمه در گالری سیحون با عنوان ( ابی، خاکستری، ابی ) : ۱۳۹۱
- شرکت در نمایشگاه گروهی مجسمه در ارمنستان : ۱۳۸۹
- طراحی لباس فیلم یک روز طولانی (کارگردان : بابک بهرام بیگی ) : ۱۳۹۴
- تاتر غرب واقعی ( کارگردان : داریوش مهرجویی ) دستیار : ۱۳۹۴
- طراحی لباس فیلم سینمایی قلب سفید قاصدک ها ( کارگردان ) : افشین محمودی : ۱۳۹۳

طراحی لباس فیلم سینمایی سکوت پروانه ها ( کارگردان ) : شاپور شهبازی : ۱۳۹۳  
 فیلم سینمایی اشباح ( کارگردان : داریوش مهرجویی ) دستیار : ۱۳۹۳  
 فیلم سینمایی چه خوب که برگشتی ( کارگردان ) : داریوش مهرجویی : ۱۳۹۲  
 طراحی صحنه و لباس برای شرکت تبلیغاتی تیزر شبکه اقتاب : ۱۳۹۰  
 طراحی صحنه تاتر در ارمنستان با عنوان يك متر مكعب : ۱۳۸۸  
 ساخت انیمیشن های آموزشی ، طراحی وب سایت ، طراحی سی دی های مولتی مدیا : ۱۳۸۴-۱۳۸۱  
 برای کودکان ، در شرکت نگارستان ،  
 Cosmos







## سهیلا ایلدار



## نمایشگاه ها

- سه نمایشگاه گروهی نقاشی با هنرجویان آقای ولی بیرامی - کارگاه هنر - سالهای ۷۶ تا ۸۰
- نمایشگاه انفرادی نقاشی - گالری مژده - زمستان ۸۰
- نمایشگاه گروهی نقاشی [خیریه پیوند] - گالری مژده - زمستان ۸۲ و ۸۳
- نمایشگاه انفرادی نقاشی و مجسمه - گالری مژده - بهار ۸۴
- سه نمایشگاه زیورآلات [نقره و سنگهای قیمتی] - شخصی - پاییز ۸۴ و تابستان ۸۵ و زمستان ۸۵
- اولین جشنواره طراحی دکتر سندوزی - موزه امام علی - پاییز ۸۶
- نمایشگاه جواهرات [طلا/نقره و سنگهای قیمتی] - گالری نرگس - زمستان ۸۶
- نمایشگاه «مجسمه های برنزی» به همراه گروه ورق - خانه هنر - زمستان ۸۸
- اولین نمایشگاه «مدال» های برنزی به همراه استاد تناولی - گالری ماه مهر - تابستان ۸۹
- نمایشگاه «مجسمه های برنزی» به همراه گروه ورق - گالری الهه - پاییز ۸۹
- نمایشگاه «مجسمه های نسل سوم و پرویز تناولی» - گالری فروهر - بهار ۹۰
- نمایشگاه اکسپوی ۹۰ - گالری شیرین - تابستان ۹۰
- نمایشگاه گروهی افتتاحیه گالری هنر خاورمیانه [مجسمه] - گالری هنر خاورمیانه - زمستان ۹۰
- هفتمین نمایشگاه «مجسمه های کوچک» انجمن مجسمه سازان - گالری فروهر - زمستان ۹۰
- اولین نمایشگاه «تابلوهای کوچک» - گالری آریا - زمستان ۹۰
- Design Week شرکت در کارگاه هفته طراحی در دانشگاه قبرس با نظارت پرویز تناولی
- Workshop

## بهار ۹۱ - Eastern Mediterranean University of Cyprus

- نمایشگاه مجسمه «بهار عربی» به همراه گروه ورق - گالری اعتماد - تابستان ۹۱
- نمایشگاه «مجسمه های پوشیدنی» به همراه گروه زرک - گالری ماه مهر - زمستان ۹۱
- نمایشگاه «مجسمه سازی با اشیای بازیافتی/سه بعدی بر دیوار / معاصر کردن اسطوره» به همراه استاد تناولی - گالری فرهنگسرای نیاوران - بهار ۹۳
- شروع تدریس در گالری ایوان سپید - پاییز ۹۳
- نمایشگاه «مجسمه های پوشیدنی» به همراه گروه زرک - گالری سیحون ۲ - زمستان ۹۳
- نمایشگاه گروهی «رنگ من» - گالری مستر هس - بهار ۹۴
- نمایشگاه گروهی «مهرشهر» - گالری ایوان سپید - تابستان ۹۴
- نمایشگاه گروهی نقاشی و مجسمه - گالری ایوان سپید - زمستان ۹۴









سیده زهرا رسولی



نام هنرمند: سیده زهرا رسولی

سال تولد: 1367

مدرک تحصیلی

کارشناسی ارشد: پژوهش هنر دانشگاه تهران شرق 1396 - کارشناسی: مجسمه سازی فردوسی مشهد  
واحد نیشابور 1391

عضو انجمن هنرمندان مجسمه ساز ایران

مدرس حجم در: دانشگاه "فردوس" (مشهد 1391-1392) و دانشگاه "سناباد" (چناران-گلپه‌هار 1391-1392)

برگزار کننده نمایشگاه انفرادی حجم با عنوان: "رودابه" (مشهد-گالری آرتین)-1391

نصب اثر: مجسمه ی "گل به دامن" (نیشابور-استقبال از بهار 1392)

عضو سرای اهل قلم (مشهد)

عضو هیأت مدیره موسسه فرهنگی هنری "آهنگ قلم ایرانیان"

همکاری با نشریات: "مجسمه" (نشریه انجمن هنرمندان مجسمه ساز ایران-1395)، "تازه دم"

(1387-1388)، "تاک" (1388)، "پژواک" (1381-1382)

کسب رتبه و تقدیر شده در بیش از 20 جشنواره فرهنگی و هنری داخلی (1376 تا 1396)

چاپ اثر: تصویرسازی برای کتابهای: "داو دوم" (مجید میرزاویری- انتشارات آهنگ قلم 1386) -

"یک فانوس روشن" (مجموعه داستان- انتشارات آستان قدس-1385) - "مرا در آغوش بگیر" (نجمه

مولوی- انتشارات آهنگ قلم-1386) - "بافتنی ماشینی" (نجمه مولوی- انتشارات آهنگ قلم-1385)

همکاری با شرکت "آموت بهین" (طراحی و ساخت شهربازیهای سرپوشیده در خاورمیانه 1395)









سیمین اکرامی



|      |             |
|------|-------------|
| زاده | ۱۳۲۷        |
| پیشه | مجسمه سازی  |
| همسر | بهرام دبیری |

سیمین اکرامی (- ۱۳۲۷) مجسمه ساز معاصر ایرانی است.

اکرامی از ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۰ دانشجوی دانشگاه ایالتی مورگان در بالتیمور-مربلند آمریکا، رشته مجسمه سازی بوده است و آن را در دانشکده هنرهای زیبا تهران ادامه داده است. آثار او در حراج های تهران و کریستی دبی عرضه شده است. اکرامی از سال ۱۳۶۶ کار مجسمه سازی را به طور حرفه ای آغاز کرد.

بخشی از زندگینامه سیمین اکرامی و همسرش بهرام دبیری در شماره ۱۱۳ دو هفته نامه تندیس منتشر شده است. در سال ۱۳۹۷ گالری دیلمان مروری بر آثار سیمین اکرامی را در تهران برگزار کرد. او همچنین داور دو دوره سمپوزیوم مجسمه سازی بوده است.

شهر روز نظری در مقدمه کتاب به سادگی سنگ می نویسد:

سیمین اکرامی در حلقه هنرمندان مهمی زندگی کرده؛ نفراتی مثل هانیه الیاس و بهمن محمص. با این وجود هیچگاه نخواست تا از بلندگویی های و هوی آن ها و دارودسته شان چیزی را فریاد بزند. همین خودداری خود خواسته و گوشه گزینی، احترام من به او را صد چندان می کند. بیشتر زنان هنر مدرن ایران در سکوت کار کرده اند، بعضی هاشان از بقیه ساکت تر بوده اند؛ سیمین از کم حرف ترین آن هاست. طی این دهه ها هرگز ندیدم درباره خودش ادعایی کند، خودستایی داشته باشد یا زبان به گله و نقد کسی باز کند. هیچ توقعی از هیچ کس نداشته است؛ حتی وقتی به او پیشنهاد گفتگو دادم، خیلی محجوب پرسید که چرا او را برای این مکالمه برگزیده ام؟ و من بی هیچ مجامله ای می نویسم که: سیمین از هنرش بزرگترست و این خصلت دستیابی نیست. همان طور که گفتم، سیمین اکرامی بی ادعاست، مجسمه هایش نیز مثل خودش هستند؛ کم حرف، آرام، سخت و صبور؛ لیلی گلستان سال ها قبل درباره چشمان ترا نم حس او نوشته بود. لیلی گلستان درست گفته بود، چشمان زیبای سیمین از مهربانی و حزن قابل زل زدن نیست و همین حال مادرانه و مشوش را در مجسمه هایش نیز ساخته است.

⌘ ā 𐎠𐎡𐎴𐎡𐎴𐎠𐎡𐎴𐎡𐎴𐎠

سیمین اکرامی پس از تحصیل در رشته مجسمه سازی در دانشگاه ایالتی مورگان در آمریکا در سال ۱۳۵۱ به ایران بازگشت و در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۵۳ فارغ التحصیل شد. وی از سال ۱۳۶۶ کار مجسمه سازی را به طور حرفه ای آغاز کرد.

ā-†Cā 𐎠𐎡𐎴𐎡𐎴𐎠𐎡𐎴𐎡𐎴𐎠

- ماکت آرم پست مکانیزه شیراز ۱۳۷۰
- مجسمه آرم سازمان نوسازی شهر تهران ۱۳۷۲
- ساخت مجسمه زمین بر اساس نقشه ابوریحان بیرونی نصب در پلویون هیئت دولت در فرودگاه مهرآباد ۱۳۷۳
- ساخت چهار مجسمه سنگی در پارک جمشیدیه تهران 1381
- هفت پرنده سنگی، باغ خانه هنرمندان ایران 1382



- مجسمه زمین، نصب در پارک گفتگو تهران
- اکرامی علاقه خاصی به ساخت مجسمه‌هایی بر اساس نقشه‌های قدیمی جغرافی‌دانان و ریاضی‌دانان ایرانی دارد. او در این باره گفته‌است: "زمانی بانک صنعت و معدن از من خواست که پرتره "خوارزمی" را برایشان بسازم و از آن جا که هیچ عکس و تصویری از این دانشمند موجود نیست برای یافتن تصاویری فرضی از او به کتابخانه ملی مراجعه کردم و در جستجوهایم نقشه‌ها و طرح‌هایی از جغرافی‌دانان ایرانی را پیدا کردم که فرم‌ها و طراحی‌های آن‌ها در این نقشه‌ها من را مجذوب خود کرد و برای ساختن مجسمه‌هایی بر اساس این نقشه‌ها ترغیب شدم که مجسمه "خلیج فارس" بر اساس نقشه ابو اسحاق استخری در عسلویه را بر همین اساس ساختم."

Ād ƎCĀā̃

او از اکرامی‌های کاشان و خواهرزاده عباس اکرامی مؤسس باشگاه شاهین است.

ŪpĀcĪġ

نمایشگاه‌های انفرادی

نمایشگاه‌های گروهی

- پیشکسوتان هنر معاصر، گالری ایوان، تهران ۱۳۹۵
- برگزیدگان هنر معاصر ایران، گالری نگاه، لواسان ۱۳۹۲
- حراج کریستی، دبی ۱۳۸۷
- نمایشگاه گروهی، اقامتگاه سفیر کانادا در ایران، تهران ۱۳۸۰
- نمایشگاه گروهی، دفتر فرهنگی سفارت فرانسه، تهران ۱۳۷۲
- نمایشگاه گروهی، مرکز آفرینش‌های هنری، تهران ۱۳۷۰

ū Ūġ

- به سادگی سنگ، گفتگوی شهر روز نظری و سیمین اکرامی، تهران ۱۳۹۷
- مجموعه آثار سیمین اکرامی، رؤیا منجم، نشر نظر، تهران ۱۳۸۹

| 5B

گفتگوی مهرنوش علی مددی با سیمین اکرامی، نشریه تندیس، شماره ۲۷۵، خرداد ۱۳۹۳







### شبرخ گلباز حق



### شبرخ گلباز حق

#### نمایشگاه انفرادی

ریچارد راندال استودیو ، بریزبین ، استرالیا 1992  
کارگاه هنر ، تهران 1368

#### نمایشگاه گروهی

اکسیو ، خانه هنرمندان ، تهران 1388  
رد هیل گالری ، بریزبین ، استرالیا 2006  
نمایشگاه هنرهای تجسمی زنان ، تهران 1379  
مرکز فرهنگی کرج ، کرج 1379  
خانه هنر مندان ، تهران 1378  
موزه هنر های معاصر ، تهران 1378  
گالری لاله ، تهران 1377  
موزه هنر های معاصر ، سه سالانه مجسمه سازی ، تهران 1375  
موزه هنر های معاصر ، تهران 1374  
مرکز فرهنگی نیاوران ، تهران 1373  
موزه هنر های معاصر ، تهران 1372  
موزه هنر های معاصر ، تهران 1370  
تالار شهر ، بریزبین ، استرالیا 1992

#### جوایز

جایزه ریچارد راندال استودیو ، بریزبین ، استرالیا 1992  
جایزه اول مجسمه منتخب برای شهر گنبد 1369  
جایزه اول مجسمه منتخب برای شهر گیلان 1368

#### تدریس

کارگاه هنر نوین ، تهران  
کالج های شهر بریزبین ، استرالیا



## پروژه ها

طراحی و اجرای چهار مجسمه به نامهای: مجسمه پیر خرد و مجسمه انسان و سنگ 1392-1395  
و مجسمه دختر و نور و مجسمه مرد سخنگو با همکاری ابوالحسن کیوان در مرکز خرید ارمان ماقع  
در شهر مشهد

نیم تنه سید ابوالقاسم قائم مقام فراهانی – تهران - میدان امام خمینی 1391

مجسمه تبسم، پارک آبی افتاب شادی، مشهد 1389

طراحی غارو ابشار کوه نور، مشترک با ابولحسن کیوان، جزیره کیش 1380

طراحی و اجرای غار و آبشار پردیس، مشترک با ابولحسن کیوان، جزیره کیش 1378

مجسمه تفکر، پارک ساعی، تهران 1374







شیرازه هوشیاری



شیرازه هوشیاری (زاده ۱۵ ژانویه ۱۹۵۵) یک مجسمه‌ساز اهل ایران است.

متولد ۱۳۳۴، شیراز، ایران

تحصیلات

تحصیل در دانشگاه هنر کاردیف، کاردیف، انگلستان ۱۳۵۸

بیوگرافی

شیرازه هوشیاری مجسمه ساز، در سال ۱۹۵۳ به لندن رفت و در آنجا زندگی و کار می کند. او عضو جونیور کالج هنر کاردیف بود. اولین نمایشگاه انفرادی او در مرکز هنرهای فصل، کاردیف در سال ۱۹۸۰ برگزار شد.

آثار هوشیاری تحت تاثیر میراث فرهنگی زادگاهش و نیز دانش او از تاریخ هنر غرب بوده است. در طول دو دهه‌ی اخیر مجسمه‌سازی او برگرفته از گستره وسیعی از مواد شامل سفال، روی، مس، برنج، سرب و ورق طلا، آجر (خشت) لعابی و سنگ آهک بوده است. در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی پس از ساخت شکل‌های بیومورفیک بزرگ با استفاده از کاهگل در آثارش به استفاده از روی چکش خورده و مس روی آورد که طبیعتی بیشتر خطاطانه داشتند. با گذشت چند دهه، آثار تجسمی او به مرور تحت تاثیر زبان جهانی "انتزاع هندسی" قرار گرفت، که ریشه در عمق علاقه و درک و برداشت او از متافیزیک، صوفی گری، عرفان و هنر اسلام داشت. در طول دهه گذشته و با همکاری "پیپ هورن" معمار، مجموعه‌ای از برج‌های آجری بیضی شکل ساخت.

مضمون آثار شیرازه هوشیاری چیست؟

تعادل میان تاریکی و روشنایی مضمون اصلی و کلیدی آثار هوشیاری به حساب می‌آیند و زمین و باد به عنوان ارکان ضروری آثار او در توالی و قدرت شکل‌های مارپیچی قائم به چشم می‌خورند خود می‌گوید: "ستون هنگام نزدیک شدن انسان و عبور او حرکتی تجسمی را به وجود می‌آورد

، و طبیعت دو گانه آن از زمین و وزن را به هوا و سبکی تغییر می‌دهند  
 ”کانون تحول: پیشگامان مجسمه‌سازی نوین انگلستان/ صفحه ۱۰۶“

هوشیاری به سرعت در خط مقدم نسل جوان مجسمه سازان شاغل در انگلیس در دهه ۱۹۸۰ قرار گرفت و کارهای وی در نمایشگاه‌های گروهی مهمی مانند '82 Aperto، XL وینال ونیز در سال ۱۹۸۲ و "Les Magiciens de la Terre" در مرکز گنجانده شد. نمایشگاه‌های انفرادی هوشیاری در گالری لیسون، لندن در سال ۱۹۸۴. نیویورک در گالری Lehmann Maupin در سال ۱۹۹۹ و از آن زمان به طور منظم به نمایش خود ادامه داد.

نمایش موزه ای برای موزه Rath، Geneve در سال ۱۹۸۸، که سپس به موزه هنر مدرن، آکسفورد در ۱۹۸۹ سفر کرد. نمایشگاه انفرادی او، "Ishmus"، اولین بار قبل از تور در Magasin Centre National d'Art Contemporain de Grenoble - نمایش داده شد. به موزه ویلا استاک، مونشن، موزه Bonnefantenmuseum، ماستریخت و Hochschule für Angewandete Kunst، وین در ۱۹۹۵.

وی در سال ۱۹۹۴ در فهرست کوتاه جایزه ترنر در گالری تیت قرار گرفت و در سال ۱۹۷۷ عنوان استاد موسسه لندن به او تعلق گرفت.













عفت جلیل نژاد

**مدرک تحصیلی**

فوق لیسانس فلسفه هنر- فارغ التحصیل مجسمه سازی- فارغ التحصیل کارشناسی زیست عمومی

**فعالیت ها**

- اجرای اثر در ایده پردازی نوروز دانشگاه هنر 1390
- شرکت در سومین سمپوزیوم سنگ تهران بعنوان دستیار 1390
- در چهارمین سمپوزیوم تهران ستاد اجرایی 1391
- نصب مجسمه شهری نوروز 92 و راهیابی به سومین بینال مجسمه های شهری تهران 1391
- شرکت در نمایشگاه فارغ التحصیلان مجسمه سازی دانشگاه هنر، خانه هنرمندان سال 1392
- راهیابی 2 اثر به نمایشگاه در چهارمین بینال مجسمه های شهری تهران 1393
- ساخت تندیس دکتر موفقیان برای دانشگاه شریف 1393
- شرکت در سمپوزیوم پدیده مشهد کار در سایت سنگ و آهن 1393
- شرکت در هفتمین جشنواره فجر در بخش نمایشگاه 1393
- شرکت در هفتمین سمپوزیوم بین المللی تهران کادر اجرایی کمیته نمایشگاهی 1394
- شرکت در جشنواره جایزه شروه 1394
- برگزیده دوم فراخوان ملی اراک 1394
- راهیابی به سمپوزیوم بین المللی تبریز 1395
- شرکت در نمایشگاه اعضاء فعال انجمن مجسمه سازان در خانه هنرمندان تهران 1395
- نوشتن مقاله و چاپ در نشریه انجمن با موضوع بوطیقای انباشتگی در نشریه داخلی انجمن مجسمه سازان 1394
- عضوانجمن نقاشان و مجسمه سازان حوزه هنری کرمانشاه 1387
- عضوانجمن هنرمندان کرج 1392











فاطمه اردکی



### نمایشگاهها

- نمایشگاه اکسپو، خانه هنرمندان تهران-ایران: ۲۰۰۸
- نمایشگاه در خانه کوچکم، تهران-ایران: ۲۰۰۸
- نمایشگاه در گالری هنر باران، تهران-ایران: ۲۰۰۷
- سمپوزیوم مجسمه سازی چوب، اوسانا-ایتالیا: ۲۰۰۶
- نمایشگاه در گالری هنر دریاییگی، تهران-ایران: ۲۰۰۶
- نمایشگاه در گالری هنر باران، تهران-ایران: ۲۰۰۶
- سمپوزیوم مجسمه سازی چوب، کاستلوتسینو-ایتالیا: ۲۰۰۵
- چهارمین دوسالانه مجسمه سازی تهران: ۲۰۰۵
- نمایشگاه در خانه هنرمندان تهران-ایران: ۲۰۰۵
- خانه هنرمندان معاصر: ۲۰۰۵
- نمایشگاه گالری هنر برگ تهران: ۲۰۰۵
- سمپوزیوم و آرت هپنینگ بین المللی سالیانه ولانو-ایتالیا: ۲۰۰۴
- شرکت در سمپوزیوم مجسمه سازی ندرلندز: ۲۰۰۴
- شرکت در فستیوال مجسمه سازی یخی و برفی تهران: ۲۰۰۳







فاطمه اسعدی



نام هنرمند: فاطمه اسعدی

سال تولد: 1342

مدرک تحصیلی

فارغ التحصیل رشته گرافیک گرایش مجسمه دکترای افتخاری در رشته مجسمه سازی

WebSite: <http://www.farzanehassadi.com/works.aspx>

فاطمه اسعدی

اولین نمایشگاه انفرادی در گالری صدر در سال 1372

دومین نمایشگاه انفرادی در سال 1379 در فرهنگسرای نیاوران . چهل مجسمه سنگی به نمایش -

گذاشته شد و نام نمایشگاه (سنگ ها سخن می گویند) بود

بین سال های 79 تا 90 نمایشگاههای مختلف از جمله در: پاریس فرانسه، کیف اوکراین، بیروت لبنان،

آتن یونان

در این سال ها او بیش از بیست اثر هنری را در ایران و سایر کشورها ساخته و نصب کرده است

ساخت 14 مجسمه سنگی در شهر پاریس

ساخت و نصب مجسمه در ارگ جدید برای یادبود زلزله بم

ساخت و نصب مجسمه در پارک ایرانشهر

ساخت و نصب 2 مجسمه در جزیره کیش

ساخت و نصب پنج مجسمه سنگی در مرکز تحقیقات پارک ساعی

: و حضور در فعالیت های غیر دولتی هنری و فرهنگی شامل

سخنرانی در دانشگاه های مختلف

تدریس خصوصی

موسس و مدیر عامل و عضو هیئت مدیره موسسه پل

یکی از موسسین انجمن مجسمه سازان ایران و مدیر عامل این انجمن در سال 77 برای چهار دوره

عضو موسس انجمن زنان هنرمند ایران سال 76

شرکت در نمایشگاه های متعدد داخلی و خارجی

ساخت و نصب دو اثر 2 و 4 متری روبروی فرهنگسرای نیاوران - 1380

نصب اثر یادبود شهدای پارس الکتریک در کارخانه پارس الکتریک 1379 در ارتفاع 9 متر

ساخت و نصب سردیس چهره های ایرانی مانند ابن سینا، سقراط، ملاصدرا، فردوسی و خیام در

کتابخانه گفتگوی تمدن ها - 1380

- ساخت و نصب اثر «گفت و گو» در کتابخانه مرکزی گفت و گوی تمدن ها 1378
- ساخت و نصب اثر در پارک ایرانشهر - 1382
- ساخت و نصب اثر در منطقه عالیه، بیروت، لبنان - 1380
- ساخت و نصب دو اثر در موزه هنرهای معاصر تهران
- ساخت و نصب 3 اثر در مجتمع مروارید اندیشمندان
- حضور در نمایشگاه هفته فرهنگی اکراین با ارایه 20 اثر مجسمه سنگی
- حضور در سفر زنان هنرمند ایرانی به ژاپن با ارائه 10 اثر مجسمه سنگی
- نمایشگاه انفرادی در گالری صدر با 20 اثر سنگی - 1372
- نمایشگاه انفرادی در فرهنگسرای نیاوران با عنوان «سنگ ها سخن می گویند» 1379
- ساخت و نصب یک اثر در ارگ جدید بم در یادبود زلزله بم 1383
- ساخت و نصب مجسمه دکتر حسابی در جزیره کیش 1385
- ساخت و نصب مجسمه مادر در جزیره کیش 1385
- ساخت و نصب یک اثر در فلک دوم نیرو هوایی تهران 1388
- نصب يك اثر ۴ متر ارتفاع با سنگ گرانیات در موزه موسان کره جنوبي
- پاریس فرانسه 1386 شرکت در نمایشگاه در مرکز Ciete
- شرکت در نمایشگاه آثار زنان هنرمند ایرانی در کرواسی
- ساخت و نصب یک اثر در بزرگراه آزادگان تهران ، 1390
- شرکت با 20 اثر سنگی در نمایشگاه آتن یونان

### حضور در چندین سنپوزیوم بین المللی

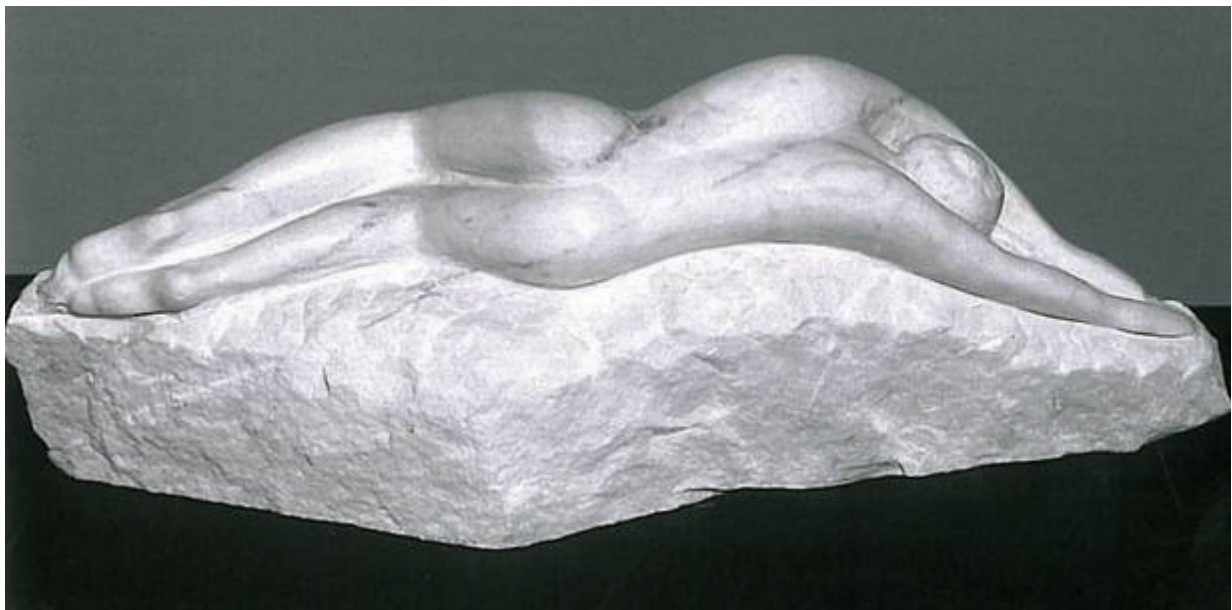
از جمله : بیروت - کره جنوبی - المان و امریکا

عضو جامعه مجسمه سازان امریکا











## فاطمه امدادیان



زاده ۱۳۳۴ خورشیدی

پیشه مجسمه سازی

فاطمه امدادیان (زاده ۱۳۳۴) مجسمه ساز ایرانی است. او خواهر داوود و یعقوب امدادیان و همسر نصرت الله مسلمیان است.

فعالیت حرفه‌ای را از اواخر دهه ۱۳۶۰ آغاز کرد و خیلی زود جایش را به عنوان یک مجسمه ساز نوگرا در فضای هنری ایران باز کرد.

⌘ ā 𐎠𐎼𐎡𐎹𐎶𐎵

فاطمه امدادیان فارغ التحصیل هنرستان هنرهای زیبای تهران و دانشکده هنرهای تزئینی (دانشکده هنر) در رشته مجسمه سازی است.

𐎠𐎼𐎡𐎹𐎶𐎵

## نمایشگاه‌های انفرادی

- گالری سیحون (۱۳۶۸)
- گالری گلستان (۱۳۷۱ و ۱۳۷۳)
- گالری برگ (۱۳۷۸)
- گالری نیل (۱۳۷۸)

## نمایشگاه‌های گروهی

- گالری افزند (۱۳۶۹)
- موزه هنرهای معاصر تهران (۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ و ۱۳۷۳)
- نمایشگاه بین‌المللی تخصصی صادراتی (۱۳۷۱)

- سفارت فرانسه در ایران (۱۳۷۵)
- گالری آریا (۱۳۷۶)
- گالری کلاسیک پل اصفهان (۱۳۷۶)
- گالری برگ (۱۳۷۸)
- کشور کویت (۱۳۷۹)
- گالری آناهیتا (۱۳۷۹)
- گالری طرح و رنگ (۱۳۸۰)
- اولین بی‌ینال بین‌المللی چین (۲۰۰۳)

*bljDž*

- برنده جایزه سوم دومین دوسالانه آثار مجسمه‌سازان معاصر ایران (۱۳۷۹)
- برنده جایزه برگزیده لوح افتخار و تندیس سومین بی‌ینال مجسمه (۱۳۸۰)

*ĀāŃ + zbYc 2ŒŒŒ*

مقاله اصلی: نابید شدن مجسمه‌های تهران (۱۳۸۹)

مجسمه «زندگی» اثر فاطمه امدادیان که سال ۱۳۸۵ در خانه هنرمندان ایران تهران نصب شده بود در بهار سال ۱۳۸۹، به همراه ۱۱ مجسمه دیگر، دزدیده شد.









فاطمه چگینی



نام هنرمند: فاطمه چگینی  
سال تولد: 1370

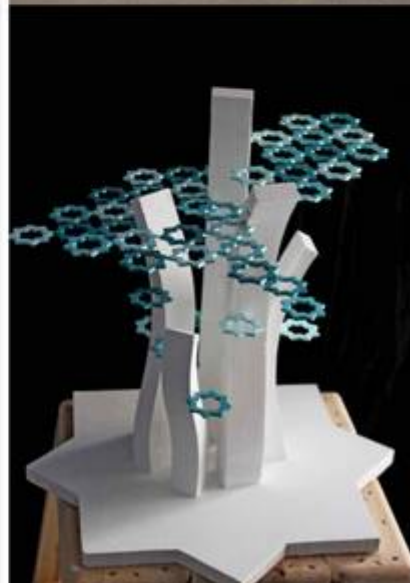
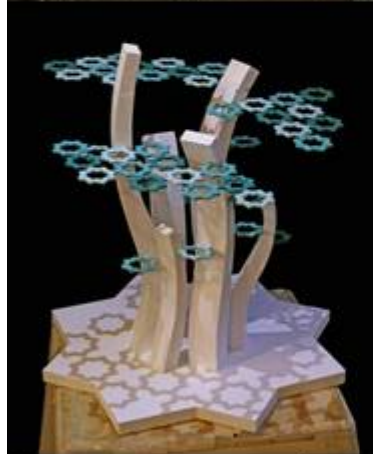
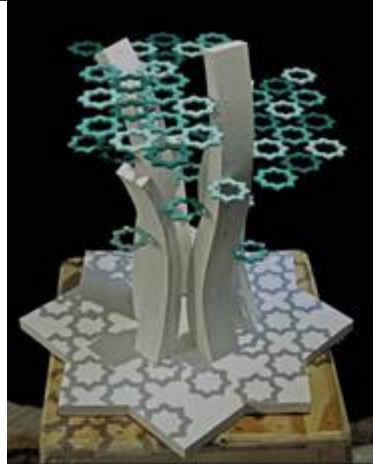
### مدرک تحصیلی

فارغ التحصیل کارشناسی ارتباط تصویری  
عضو انجمن مجسمه سازان ایران  
عضو افتخاری انجمن هنرهای تجسمی  
نصب چند مجسمه شهری در تهران  
نصب مجسمه حرف مردم در تهران  
نصب مجسمه ستاره شناس در تهران  
اجرای چیدمان چرخ ها در تهران  
ساخت سردیس محمود دولت آبادی (سفارش شخصی)  
ساخت چندین سردیس شخصی  
شرکت در چهارمین بینال مجسمه های شهری تهران



شرکت در نمایشگاه مجسمه قرآن و عترت در برج میلاد  
شرکت در نمایشگاه چارسوی خیال خانه هنرمندان ایران  
همکاری در ساخت چندین مجسمه شهری









فرزانه حسینی

نام هنرمند: فرزانه حسینی  
سال تولد: 1363

#### مدرک تحصیلی

کارشناسی نقاشی از دانشکده هنر دانشگاه الزهراء، تهران، ایران  
فرزانه حسینی

#### نمایشگاه های انفرادی

آچمز، گالری ماه، تهران، ایران 1394  
گره کور، گالری ماه، تهران، ایران 1391  
مردم شهر، گالری ماه، تهران، ایران 1389  
چاپ لینو، گالری میرمیران، خانه ی هنرمندان، تهران، ایران 1385

## نمایشگاه های گروهی

نمایشگاه مجسمه، موزه خصوصی سلسالی، دبی امارات متحده عربی ۱۳۹۶  
 نمایشگاه طراحی، گالری ماه، تهران، ایران ۱۳۹۵  
 نمایشگاه مجسمه، گالری دید، تهران، ایران  
 هزار و یک بشقاب زیر لعبی، گالری شیرین، تهران، ایران  
 سی مجسمه سی مجسمه ساز، گالری ثالث، تهران، ایران  
 آقای رییس جمهور، گالری طراحان آزاد، تهران، ایران ۱۳۹۴  
 سیبیل، گالری دنا، تهران، ایران

نمایشگاه دنیای جدید، گالری ۲۶، تهران، ایران ۱۳۹۳  
 نمایشگاه مجسمه، گالری سیحون ۲، تهران، ایران  
 جهان پهلوان، غلامرضا تختی به روایت هنرمندان، گالری شیرین، تهران، ایران

شهر قصه، نمایشگاه آثار هنرمندان معاصر ایران، گالری نیکولا فلامل، پاریس، فرانسه 1392  
 از اهالی امروز، به بهانه زادروز فروغ فرخزاد، گالری ویستا، تهران، ایران  
 صلح از اعماق هنر من، گالری اپرا، لندن، انگلستان

نمایشگاه منتخبین جایزه هنری مجیک آف پرشیا، دبی، امارات متحده عربی ۱۳۹۱  
 حراج بین المللی هنرهای معاصر و مدرن، گالری اپرا، دبی، امارات متحده عربی  
 اولین نمایشگاه سالانه نقاشی و مجسمه، خانه هنرمندان، تهران، ایران  
 نمایشگاه گروهی مجسمه با عنوان فیگوراتیو همراه با انجمن مجسمه سازان ایران  
 گالری شیرین، تهران، ایران

حراج بنیاد خیریه ی پاپلی خلعتبری در لندن، انگلستان 139  
 دومین نمایشگاه فروش آثار هنرمندان مجسمه ساز ایران گالری شیرین، تهران، ایران  
 نمایشگاه گروهی مجسمه نسل سوم و پرویز تناولی گالری فروهر، تهران، ایران  
 شرکت در جشنواره هنر دبی، امارات متحده عربی  
 حراج بنیاد خیریه ی پاپلی خلعتبری در لندن، انگلستان 1389  
 نمایشگاه مجسمه های کوچک همراه با انجمن مجسمه سازان گالری فروهر، تهران، ایران  
 دومین دوسالانه مجسمه های فضای شهری نگارخانه برگ، تهران، ایران  
 نمایشگاه گروهی مجسمه همراه با گروه مجسمه سازان معکوس گالری شیرین، تهران، ایران

نمایشگاه گروهی مجسمه به مناسبت افتتاحیه سایت ایران مجسمه، خانه هنرمندان ایران  
 اولین نمایشگاه مدال در ایران، گالری ماه مهر  
 نمایشگاه مجسمه های کوچک همراه با انجمن مجسمه سازان ایران خانه هنرمندان ایران

نمایشگاه گروهی مجسمه، همراه با گروه مجسمه سازان معکوس گالری 10 ۱۳۸۷  
 اولین اکسپوی مجسمه سازی ایران، خانه هنرمندان  
 سومین نمایشگاه آثار هنرمندان معاصر ایران، فرهنگسرای نیاوران  
 نمایشگاه گروهی نقاشی و مجسمه، گالری ماه

نمایشگاه طراحی مدال، موزه انگلیس، لندن ۱۳۸۶  
 نخستین جشنواره تصویرگری شاهکارهای ادبی ایران، فرهنگسرای نیاوران



سومین جشنواره مجسمه های شنی ، بابلسر – ساری (شمال ایران)

نمایشگاه مجسمه ی گروهی، همراه با گروه مجسمه سازان معکوس 1385  
گالری اثر، تهران، ایران

نمایشگاه طراحی همراه با گروه پاساژ، نگارخانه لاله، تهران، ایران ۱۳۸۲  
نمایشگاه گروهی ، همراه با گروه پاساژ ، نگارخانه نظامی گنجوی، تهران، ایران ۱۳۸۰









فرزانه وزیری تبار



نام هنرمند: فرزانه وزیری تبار

سال تولد: 1366

مدرک تحصیلی

فارغ تحصیل دیپلم رشته نقاشی از هنرستان هنرهای تجسمی سال 1382- فارغ تحصیل کارشناسی

رشته مجسمه سازی از دانشگاه تهران 1388- فارغ تحصیل کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر

دانشگاه تهران 1391

عضو انجمن مجسمه سازان ایران، انجمن هنرهای تجسمی یزد و خانه کارکاتور

#### فعالیت اخیر در زمینه مجسمه سازی

شرکت در نمایشگاه گروهی "ونیز معاصر"، ایتالیا 2017  
طراحی و نصب ویدیو اینستالیشن "شلیک به یک رویا" در نمایشگاه رم، ایتالیا 2017  
ساخت المان شهری "آغاز یک علاقمندی"، خیابان امیرآباد، تهران 1396  
شرکت در نهمین و دهمین جشنواره فجر در بخش مدعوین 1395  
شرکت در چند دوره بینال مجسمه سازی مجسمه های شهری، گالری برگ و زندان قصر  
ساخت المان شهری برای رویداد بهارستان، خیابان ولیعصر، تهران 1395  
موفق به کسب جایزه اول مجسمه در مسابقه ورسوس، فرهنگسرای نیاوران 1394  
موفق به کسب جایزه ویژه در هشتمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر، فرهنگسرای صبا 1394  
ساخت المان شهری "بازی فرم و فضا"، میدان هنگام، تهران 1394  
ساخت المان شهری "بچه های نوروز"، یزد 1394  
موفق به کسب جایزه اول در ششمین جشنواره هنر جوان سال، فرهنگسرای صبا 1392  
موفق به کسب جایزه ویژه در ششمین بینال مجسمه سازی تهران، فرهنگسرای نیاوران 1390  
شرکت در چندین نمایشگاه گروهی مجسمه گالری سیحون، شیرین، فروهر و خانه هنرمندان

#### فعالیت اخیر در زمینه کاریکاتور

دریافت جایزه ویژه در نوزدهمین جشنواره بین المللی کارتون هلند، هلند، 2016  
برپایی نمایشگاه انفرادی یا موضوع "خانومانه"، خانه کاریکاتور، تهران، ایران 2015  
دریافت جایزه ویژه در جشنواره بین المللی کارتون "زیتون"، قبرس، 2015  
دریافت جایزه سوم در جشنواره بین المللی کارتون "بریلا"، رومانی، 2015  
دریافت جایزه سوم در جشنواره بین المللی کارتون "گربه خندان" آذربایجان، 2014  
دریافت جایزه ویژه در جشنواره بین المللی کارتون "توریسم"، ترکیه، 2014  
موفق به کسب جایزه سوم ششمین جشنواره بین المللی هنرهای تجسمی فجر 2014  
دریافت جایزه سوم در جشنواره بین المللی کارتون "عروس و مادر شوهر" مقدونیه، 2014  
موفق به کسب جایزه ویژه 31مین جشنواره بین المللی کارتون آیدین دوغان ترکیه - 2014





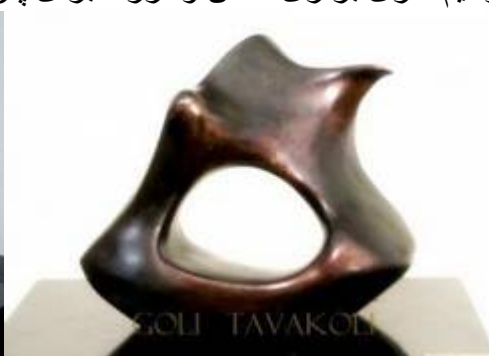


گلی توکلی

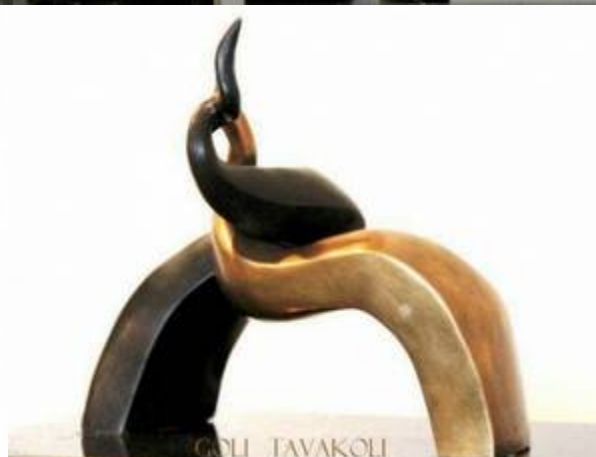
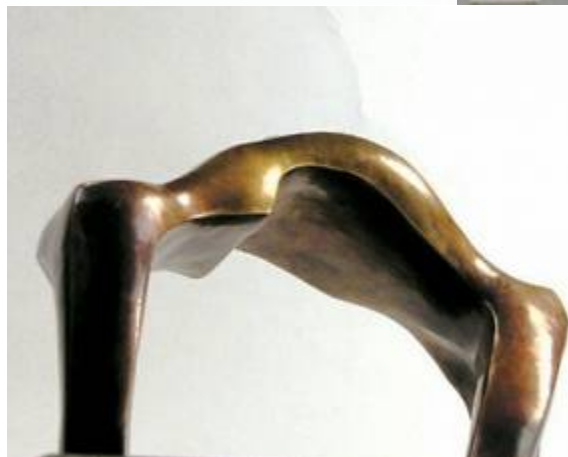
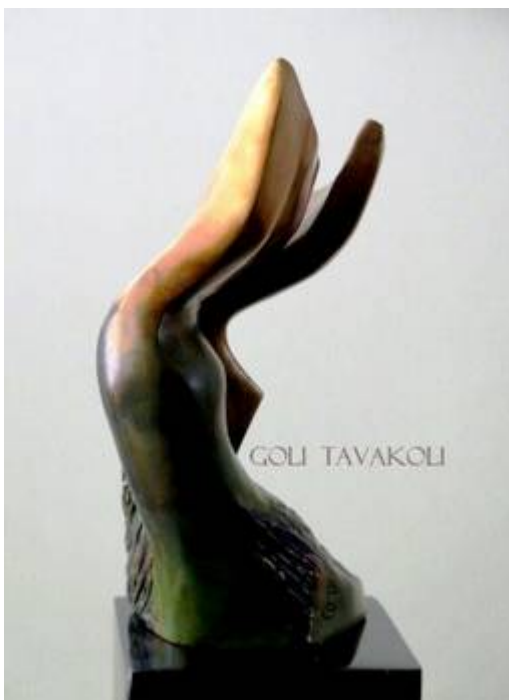


گلی توکلی

کار در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان قسمت انیمیشن  
کار در گروه گرافیک تلویزیون  
کار در شرکت خصوصی تبلیغاتی لورکا  
چندین نمایشگاه خصوصی مجسمه های برنزی  
نمایشگاه انفرادی در گالری گلستان  
چندین نمایشگاه صد اثر صد هنرمند  
نمایشگاه انفرادی در گالری الهه  
چندین نمایشگاه هفت نگاه  
ساخت مجسمه ی دو و نیم متری برنزی انسان و فرزند برای پارک شهر جدید هشتگرد







## لیلا بهرامی



نام هنرمند: لیلا بهرامی

## مدرک تحصیلی

کاردانی نقاشی- کارشناسی مجسمه سازی- ارشد اقتصاد هنر

## لیلا بهرامی

## شرکت در نمایشگاه ها

- نخستین نمایشگاه استانی نقاشی اصفهان 1378  
 نخستین جشنواره عکس، کاریکاتور و فیلم کوتاه دانشجویی سال 1383  
 نمایشگاه گروهی حجم در گالری سبلان تهران 1386  
 نمایشگاه گروهی حجم در گالری حوزه هنری اصفهان 1387  
 نمایشگاه انفرادی حجم در گالری حوزه هنری اصفهان 1388  
 نمایشگاه انفرادی حجم در گالری شهرداری اصفهان 1388  
 نمایشگاه گروهی حجم در گالری حوزه هنری اصفهان 1388  
 نمایشگاه گروهی حجم در گالری حوزه هنری اصفهان 1389  
 اولین جشنواره ملی ساعتهای آفتابی تهران 1391  
 چهارمین جشنواره مجسمه های کوچک شیراز 1394

## سوابق اجرایی

- طراح و ناظر احیای ساعت های آفتابی در اصفهان 1389. نصب شده در مناطق مختلف اصفهان  
 طراح و ناظر اجرایی پارک بازی مخصوص کودکان معلول در اصفهان 1389. اجرا در اصفهان  
 طراحی ماکت های پارک حجم برای کودکان در شهر اصفهان 1390  
 طراح و سازنده پروژه اسب ها در شهر اصفهان 1391. نصب شده در پارک بوستان ملت اصفهان  
 طراح و عضو کار گروه هنرهای تزئینی پروژه نورپردازی آثار تاریخی استان یزد 1391  
 طراح و عضو کار گروه هنرهای تزئینی پروژه نورپردازی ارگ جهان نما اصفهان 1391  
 همکاری در تحقیقات و طراحی پارک علمی و آموزشی کودکان در شهر اصفهان 1392. اجرا در اصفهان  
 طراح گرافیک محیطی سازه های انرژی خورشیدی در اصفهان 1394. اجرا در مناطق مختلف اصفهان

## سوابق علمی

مدرس دانشگاه هنر سمیه نجف آباد از سال 1388 تا 1396



مدیر و موسس آموزشگاه آزاد هنرهای تجسمی (مجسمه سازی و نقش برجسته) مشاهیر اصفهان تاسیس 1386

شرکت در اولین همایش اقتصاد هنر در شیراز و ارائه کنفرانس و مقاله با عنوان تخمین ارزش اقتصادی مجسمه های شهری 1393

چاپ مقاله در مجموعه مقالات اقتصاد هنر ایران با عنوان هنرمندان تجسمی و شیوه های مصرف درآمد هنری 1394

چاپ مقاله در مجموعه مقالات اقتصاد هنر ایران با عنوان حمایت دولت از هنر و هنرمندان 1395 در حال حاضر؛ تحقیق و پژوهش کتابی با عنوان بیمه آثار هنری در ایران



## لیلیت تریان



|                  |                                                                                                       |
|------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| نام در زمان تولد | لیلیت تریان                                                                                           |
| زاده             | ۱۰ دی ۱۳۰۹<br>۳۱ دسامبر ۱۹۳۰<br>محله نادری، تهران، ایران                                              |
| درگذشت           | ۱۶ اسفند ۱۳۹۷ (۸۸ سال)<br>۷ مارس ۲۰۱۹<br>ایران                                                        |
| پیشه             | <u>مجسمه‌سازی</u>                                                                                     |
| کارهای برجسته    | ساخت مجسمه برای <u>کلیسای مریم مقدس</u> تهران (۱۳۴۷)<br>ساخت مجسمه یادبود <u>مسروب</u> ماشتوتس (۱۳۷۰) |

لیلیت تریان (زاده ۱۰ دی ۱۳۰۹ در تهران – درگذشته ۱۶ اسفند ۱۳۹۷)، هنرمند مجسمه‌ساز ایرانی ارمنی‌تبار بود که به نام «مادر مجسمه‌سازی ایران» شناخته می‌شود.



لیلیت تریان از پدر و مادری ارمنی در محله نادری تهران و در خانواده‌ای هنردوست به دنیا آمد. پدرش کارمند بانک ملی ایران بود و به زیبایی بنا و معماری اهمیت فراوان می‌داد و مادرش مدتی در فرانسه و در رشته هنر تحصیل کرده بود. از همین روی و با پیگیری‌های مادر با طراحی و نقاشی آشنا شد.

Y&JChç

پس از پایان تحصیلات متوسطه به مدت یک سال در رشته نقاشی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. سپس در سال ۱۳۳۱ برای تکمیل تحصیلات عالی راهی مدرسه عالی ملی هنرهای زیبا (بوزار) پاریس شد.

در مراحل آمادگی برای آزمون ورودی مدرسه عالی ملی هنرهای زیبا به مجسمه‌سازی علاقه‌مند شد و به‌طور جدی‌تر مجسمه‌سازی را دنبال کرد تا اینکه مدرک برابر دکترا را از در سال ۱۳۳۹ (۱۹۶۰ میلادی) مدرسه عالی ملی هنرهای زیبا گرفت.

âũ&x Ââ

پس از بازگشت به تهران، بین سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۹ در دانشکده‌های هنرهای تزیینی به آموزش پرداخت. وی ۲۳ سال به‌طور حرفه‌ای در دانشکده‌های هنری آموزش داده‌است. او در سال ۱۳۵۷ خانه پدری خود را به «کارگاه هنر» تبدیل کرد. در سال‌های نخست پس از انقلاب ۱۳۵۷ به علت تغییر در سیستم آموزشی، دیگر از تجربیات او در دانشکده‌ها استفاده نشد. وی سپس در بین سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۸ در رشته طراحی و مجسمه‌سازی دانشگاه آزاد اسلامی آموزش داده‌است.

وی از سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۹ میلادی) در نمایشگاه‌های بسیاری همکاری داشته‌است که از آنجمله می‌توان به «نمایشگاه اساتید دانشگاه آزاد اسلامی» در سال ۱۳۷۳ (۱۹۹۴ میلادی) اشاره نمود.

در اسفند ۱۳۸۵ (مارس ۲۰۰۷) همزمان با برگزاری نخستین سمپوزیوم بین‌المللی مجسمه‌سازی تهران در موزه امام علی مراسم بزرگداشتی برای لیلیت تریان که از نخستین مجسمه‌سازان زن ایران به‌شمار می‌آید، برگزار شد.

لیلیت تریان عضو کمیسیون نصب مجسمه و بناهای یادبود ایران در وزارت فرهنگ و هنر و هنر پیشین، عضو هیئت داورى نخستین دوسالانه مجسمه‌سازی تهران و عضو هیئت مؤسس انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز ایران بود که نمایشگاه‌های ثکی و گروهی بسیاری را نیز در زمینه مجسمه‌سازی برگزار کرده‌است.

«مثلاً من مجسمه (مادر و بچه) را که با گچ ساختم، تحت تأثیر به دنیا آمدن یک نوزاد در فامیلان شروع کردم. مادر این نوزاد همواره او را در آغوش خود داشت و دیدن این لحظات حس ساختن این مجسمه را در من ایجاد کرد. البته از گل‌ها هم زیاد الهام می‌گیرم. آگوست رودن یک مجسمه دارد با نام «کسی که راه می‌رود». فرانسه که بودم آن را به آتلیه آورده بودند که ما از روی آن کار و کپی کنیم. این مجسمه به قدری نسبت به آن محیط بزرگ بود که عظمت آن مرا مرعوب خود کرده بود.»

«با مجسمه‌سازی، آدم فضاهایی را خلق می‌کند که از زوایای مختلف قابل دید است و از هر طرف هم جلوه خاص خودش را دارد. این همان جذابیتی بود که سبب شد من به طرف مجسمه و مجسمه‌سازی گرایش پیدا کنم.»



⚡ ⚡ ⚡

لیلیت تریان در ۱۶ اسفند ۱۳۹۷ - ۷ مارس ۲۰۱۹ در سن ۸۸ سالگی درگذشت. مراسم تشیع پیکر وی در ظهر روز شنبه ۲۵ اسفند در کلیسای سرکیس مقدس برگزار شد و در گورستان ارامنه تهران (بوراستان) به خاک سپرده شد.

نمونه‌ای از آثار وی، پیکره بیرم خان در محوطه کلیسای مریم مقدس (تهران) و پیکره یادبود مسروپ ماشتوتس، پدیدآور الفبای ارمنی، در محوطه کلیسای تارگمانچاتس مقدس تهران هستند.

⚡ ⚡ ⚡

در فروردین ۱۳۹۳ زاون قوکاسیان برای مراسم ویژه بزرگداشت ایشان در موزه امام علی مستند کوتاه گزارشی «نقش خیال» را در مورد تریان، تهیه و در همان مراسم با حضور خود هنرمند به نمایش گذاشت، همچنین پژوهش تصویری ۳۵ دقیقه‌ای «بانو» به کارگردانی محمد صفا، گزارش مستندی از زندگی لیلیت تریان است. این فیلم در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی تهیه شده است. در سال ۱۳۸۶ فیلم مستند «تجسم سکوت» به کارگردانی محمدسام اسدی از اعضای انجمن مستندسازان ایران با تهیه کنندگی مرجان چوپان و مینو چوپان با پشتیبانی مؤسسه فرهنگی، هنری وینا رسانه نیز در مورد شرح حال و چگونگی ساخت آثار و فعالیت‌های این هنرمند ساخته شده است.

⚡ ⚡ ⚡

- ۱۳۳۱: ورود به مدرسه عالی ملی هنرهای زیبا.
- ۱۳۳۹: دریافت مدرک برابر دکترای مجسمه‌سازی و بازگشت به ایران.
- ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۹: آموزگار در دانشکده هنرهای تزیینی.
- ۱۳۴۷: ساخت نیم تنه بیرم خان در صحن کلیسای مریم مقدس تهران.
- ۱۳۵۴: برپایی کارگاه ریخته‌گری در دانشکده هنرهای تزیینی.
- ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵: عضویت در کمیسیون نصب مجسمه‌ها و یادبودهای ایران (وزارت هنر)
- ۱۳۷۰: ساخت مجسمه یادبود مسروپ ماشتوتس و نصب در کلیسای تارگمانچاتس مقدس.
- ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۸: آموزگار در دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۱۳۷۳: نمایشگاه گروهی دانشگاه آزاد اسلامی.



- ۱۳۷۴: عضو هیئت داورى بینال مجسمه‌سازی تهران.
- ۱۳۸۲: نمایشگاه انفرادی در نگارخانه هفت ثمر.
- ۱۳۸۵: بزرگداشت در موزه امام علی.
- ۱۳۹۴: دریافت تندیس «طوبای زرین»، هشتمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر

#### مریم پارسازاده



نام هنرمند: مریم پارسازاده

سال تولد: 1367

مدرک تحصیلی

لیسانس مجسمه سازی- دانشگاه هنر تهران

عضو انجمن هنرمندان مجسمه ساز ایران

عضو انجمن هنرمندان سفالگر ایران

: شرکت در نمایشگاه های گروهی

سرامیست -گالری شیرین 95 +1- 27 -

هزار و یک کاسه زیر لعابی -اتریش 2017-

هزار و یک بشقاب زیر لعابی-گالری شیرین 95-

سرامیک با عنوان قفل - خانه هنرمندان 93-

مجسمه های کوچک -خانه هنرمندان 93 -

هنرهای تجسمی فجر -فرهنگستان صبا 93-

سرامیک با عنوان قالب - نگارخانه برگ 92 -

هنرهای تجسمی فجر-فرهنگستان صبا 92-

گروهی مجسمه -گالری لاله 91-









مریم خلیفه



نام هنرمند: مریم خلیفه  
سال تولد: 1367

#### مدرک تحصیلی

فارق التحصیل رشته مجسمه سازی دانشگاه نیشابور

شرکت در نمایشگاه گروهی دانشجویان مجسمه سازی دانشگاه تهران و نیشابور  
همکاری در ساخت المان نوروزی مرد و زن روستایی سال ۹۶ نیشابور  
اجرای نقاشی دیواری نوروز ۹۶ سفارش خصوصی در نیشابور  
طراحی صحنه تاتر قطب دیوانه در نیشابور سال ۹۵  
همکاری در ساخت مجسمه فیل ساخت آقای حسن ملانوروزی سال ۹۴  
همکاری در ساخت مجسمه بزکوهی ساخت حمید فروغی سال ۹۴  
چاپ دو مقاله در مجله دانشجویی هرمان نیشابور سال ۹۴







مریم سالور



زاده ۱۳۳۳ تهران

www.maryamsalour.com

وبگاه

مریم سالور (۱۳۳۳ - تهران) سفالگر، سرامیست، نقاش و مجسمه ساز اهل ایران است.

۱۳۳۳

مریم سالور در سال ۱۳۳۳ در محله تجریش تهران در خانواده ای هنردوست متولد شد. وی دوران نوجوانی و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس شمیران سپری کرده و در سال ۱۳۵۳ جهت ادامه تحصیل به انگلستان و سپس فرانسه مهاجرت می‌کند. وی در سال ۱۳۵۹ در رشته کامپیوتر از مدرسه عالی انفورماتیک پاریس فارغ‌التحصیل شده و در همان سال در موسسه انتشاراتی لبنانی-فرانسوی "خیاط" مشغول به کار می‌شود. او در آنجا مسئولیت خطاطی و ویراستاری متون چاپی برای کشورهای اسلامی را عهده‌دار می‌گردد و به گفته وی مجموعه ای کاریست که او را دوباره با دنیای هنر وصل می‌کند، دنیایی که بعد از دوران نوجوانی از آن فاصله گرفته است. وی در همان سالها با مدرسه سرامیک و مجسمه سازی استاد "ساوینی" در پاریس آشنا شده و فراگیری تکنیک سفال و سرامیک را آغاز می‌نماید. سالور در سال ۱۳۶۵ به ایران بازگشته و کارگاه شخصی سفال و سرامیک خود را بنیان می‌نهد. او در بهار سال ۱۳۶۶ نخستین نمایشگاه انفرادی خود را در آتلیه شخصی‌اش برگزار می‌کند.

۱۳۶۶

مریم سالور تا کنون بیش از ۲۴ نمایشگاه انفرادی در ایران، امریکا، سوئیس، انگلیس و بیش از ۲۳ نمایشگاه گروهی در ایران، دوبی، ونزوئلا، آلمان، فرانسه و امریکا برگزار نموده است.



مریم سالور علاوه بر فعالیت هنری به نقد و بررسی آثار هنرمندان ایرانی و خارجی در داخل و خارج کشور پرداخته است. وی همچنین دبیر هشتمین دوسالانه سفال، سرامیک و آئینه معاصر ایران در سال ۱۳۸۵ بوده است.



در گستره گشوده هنر مدرن و معاصر ایران، مریم سالور را بیش و پیش از هر چیزی به هنر سفال و سرامیک می‌شناسند و یاد می‌کنند. اما این هنرمند حالا به آفرینش آفرینه‌های دیگری نیز مشغول است که مهم‌ترین آن‌ها شاید نقاشی و مجسمه باشد. سالور حالا در کوچه‌ای در یکی از محله‌های قدیمی تهران اقامت دارد، محله‌ای که توانسته اعضای خانواده را در جوار هم و در بند خانه‌ها و باغ‌هایی قدیمی گرد بیاورد: «به نظر من، در شکل‌گیری شخصیت هر انسان و شغلی که بعدها انتخاب می‌کند، پدر و مادر نقش مهمی دارند. من این شانس را داشتم که در خانواده‌ای با فرهنگ و هنر دوست به دنیا آمدم و پرورش یافتم. در این میان، یکی از دلایلی که بعدها نقش مهمی در سرنوشت هنری من داشت، تک فرزندی ام بود. تک فرزندی ساعت‌های تنهایی و خلوت و محاکات مرا بیشتر می‌کرد و به همین خاطر عادت به فراهم کردن سرگرمی‌های شخصی و مجرد پیدا کرده بودم. این سرگرمی‌ها شامل گردش در باغ و گل‌بازی و زندگی رودررو با طبیعت می‌شد. به عبارتی، همیشه سرگرم ساختن و پرداختن اشیایی خام و خیالی بودم که قدرت تخیل مرا بیشتر می‌کرد و بهبود می‌بخشید. می‌خواهم بگویم این شکل زندگی برای من یک اجبار بود

از این اجبار و از این تقدیر گذشته، شاید چیزهای دیگری در تکوین شخصیت هنری سالور تأثیر داشته و بدان کمک کرده‌اند: «داشتن یک جده بزرگوار (مریم عمید) که جزو نخستین روزنامه‌نگاران زن ایران بود و مؤسس دو مدرسه دخترانه در ایران (مدرسه حرفه و فن و مدرسه علمی) و یاد و خاطره این خانم که هرگز او را ندیده بودم و حضورش بیشتر جنبه ذهنی و یادبودی داشت، تأثیر خاصی روی اعضای خانواده و به ویژه زندگی من گذاشته بود



حرف های سالور در همین حین قطع می خورد به دیوارهای قدیمی و حضور مسلم باغی که آتلیه هنرمند در متن آن قرار دارد. يك قطعه سراميك قدیمی که یادگاری است از گذشته در گذشته آن کوچه و آن خانه و آن باغ و سرانجام حضور (جد و جده سالور) در میان این همه درخت و دیوار و برگ ریخته و نریخته پاییزی، جزو اندك چیزهایی است که چشم ها را بدجوری به خود خیره می کند و يك پیانو که نوازنده آن هنرمند آب دیده و خاک خورده ما نیست و تنها از نوستالژی او می گوید

در گذار از دوران نوجوانی و تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس شمیران، زندگی سالور به مقطع دیگری می رسد. سفر به فرنگ و از آنجا ابتدا به انگلیس و بعد به فرانسه و انتخاب رشته کامپیوتر - که اصلاً به مذاق و روحیه هنرمند سازگار نیست و نمی آید - نقطه شروع این مقطع به شمار می آید. به خاطر همین ناسازگاری است که پس از پایان دوره تحصیل در رشته انفورماتیک، چهارسال در يك انتشارات کتاب پاریس مشغول به کار می شود: «آنجا ما مسئولیت چاپ و انتشار قرآن و کتاب های قرآنی را برای کشورهای مسلمان داشتیم و من به عنوان خطاط و ویراستار متون چاپی به استخدام این مجموعه درآمدم. مجموعه ای که دوباره مرا به دنیای هنر وصل کرد، دنیایی که بعد از دوران نوجوانی از آن دور شده بودم

کار در انتشارات لبنانی - فرانسوی «خیاط» قرین يك پیش آمد سرنوشت ساز می شود. خاطرات و یادواره های دوران کودکی به كمك سالور می آیند و او را به اصل گمشده اش وصل می کنند. برای این بازگشت، جرعه ای لازم است و این جرعه را مواجهه با مدرسه سراميك و مجسمه سازی «ساوینی» در پاریس در ذهن هنرمند می زند: «به طور خیلی اتفاقی این مدرسه را در پاریس پیدا کردم و بلافاصله مشغول به فراگیری تکنیک سفال و سراميك شدم

در پایان این دوره مهم هنری و در بازگشت به ایران، سالور آتلیه ای شخصی راه می اندازد و در بهار سال ۱۳۶۶ نخستین نمایشگاه انفرادی اش را در همان آتلیه شخصی برگزار می کند. تا سال ۱۳۶۷ هنرمند در دو نمایشگاه دیگر نیز حضور می یابد. ابتدا در نمایشگاه انفرادی گالری گلستان و بعد هم در نمایشگاه گروهی موزه هنرهای معاصر تهران: «در ۵۶، سال نخست فقط در زمینه سفال و سراميك فعال بودم. بعد به مجسمه سازی نیز پرداختم. جالب این که چندین سال هم فرم های بی شکل و معصوم سفال برایم مطرح و مهم بود و هم مجسمه ها که شروعش با پرنده ها بود

همین مجسمه های پرنده بعدها و در ادامه آفرینش هنری سالور پروبال می بندند و در حضور و هیأت انسانی ظاهر می شوند. «فرشته» های هنرمند نیز در ادامه از دل همین فرم هایی که گفتم و باز شمردم بیرون می آیند. از سوژه های کلیدی و کامل و فراگیر سالور در این سال ها «آدم و حوا» و «شیطان و فرشته» را می توان یاد کرد، سوژه هایی که بر ذهن نقاش و مجسمه ساز ما سیطره ای سراسری داشته و دارد و باز نمود آن را در آثارش می توان دید: «خیر و شر و مثبت و منفی که



مجموع آن ها را در همان آفرینش نخست می شود پیدا کرد، به نظرم نخستین محورهای فکری بشر را تشکیل می دهند. این دوگانگی که به بسیاری چیزهای دیگر گسترش پیدا کرده، حالا در همه آدم ها و حتی طبیعت هم وجود دارد. گفتم طبیعت. طبیعت برآیم استادی بی واسطه و بزرگ به حساب می آید و بزرگترین درس هایم را از آن گرفته ام. به طور کلی، انسان از وقتی به دنیا می آید در نوسان میان خیر و شر سیر می کند و پرداختن به این پیوند اندیشگانی در ساخته های من، که ریشه در طبیعت نیز دارند، حضوری محوری داشته است



سالور می گوید: «فکر می کنم در دل هر مسأله شری می توان خیری پیدا کرد و همین طور در هر مسأله خیری، شری را. تقسیم رادیکال و بی چون و چرای این ثنویت ها همیشه برای من ایجاد سؤال کرده و می کند. صورت یافتن و شکل گرفتن مجسمه هایم در حرکت از سفال و سرامیک به سمت «مجسمه یا به عبارتی از بی شکلی و معصومیت به شکل، متأثر از همین عقاید و افکار بوده است او در تداوم کار مجسمه سازی با استفاده از مواد و مصالح مختلف از حجم به سطح می رسد و می پردازد. از دل همین تجربه گری ها و جست و جویی ها است که نقاشی های او به دنیا می آیند:

«نخستین نمایشگاهم که با این مواد جدید شکل گرفته بود، «رؤیت زمین» نام داشت و در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد. «رؤیت زمین» نگرشی بود به خاک و در يك كلمه کره زمین. آثار این نمایشگاه را نه روی دیوار که روی زمین چیدم. از این نمایشگاه به بعد گستره کارهایم وسیع تر شد و در همان بسترهای پیشین به کسب تجربه پرداختم. از این نقطه، دیگر ماده و مصالح مرا محدود نمی کرد و بیشتر بیان افکار و احساساتم برآیم مهم بود. به خاطر همین هم خودم را تنها سفالگر نمی دانم. فکر می کنم بهتر است بگویم که به خاطر کار زیاد با گل و مواد سرامیکی تسلطم نسبت به این مواد بیشتر است و هنوز هم برآین باورم که هیچ رنگی قابل مقایسه با رنگ های زنده و پویای بیرون آمده از کوره نیست. نوعی تداوم در این رنگ ها وجود دارد و آن قدر به طبیعت نزدیک اند. این رنگ ها که نمی توان آن ها را با رنگ دیگری عوض کرد. چون برای من رنگ های سنتتیک (صنعتی) به آن درجه از جلا و شفافیت و تابناکی نمی رسد، جرأت استفاده از آن رنگ ها را هنوز ندارم. به همین دلیل، سطح در نقاشی های من همچنان سیاه و سفید است و در تابلوها نیز از همان رنگ های سرامیک استفاده می کنم



این همه شیفتگی و شوریدگی هنرمند به گل و سرامیک و به رنگ های طبیعی اما از جای دیگری می آید. از يك حس درونی و از يك مکاشفه يك باره و ناگهانی که در ذهن و زندگی اش پیشینه و پشتوانه داشته است. این شور و شیفتگی و این علاقه درونی را سالور چنین توصیف می کند: «روزی که در آتلیه استاد ساوینی دست به گل زدم، احساس کردم که نزدیک ترین ماده به من همین است. بچه که بودم بیشتر از نیم ساعت در کلاس های طراحی دوام نمی آوردم، به خاطر این که مدیای من مداد و کاغذ نبود و نبوده است. شاید به همین خاطر هم رشته دانشگاهی ام را هنر انتخاب نکردم. چون فکر می کردم در این زمینه بی استعدادم. انعطاف پذیری و صبر را من از گل آموختم و این که فهمیدم هر فردی ماتریال و مدیای خودش را دارد و حتماً در رشته های هنری نباید از مداد و کاغذ شروع کرد. از مدیای دیگر اما می توان به مداد و کاغذ رسید

و این یعنی همان اتفاقی که در سالور نیز افتاده است. این که در حال حاضر با مداد زیاد طراحی می کند و این طراحی های مدادی ارتباط مستقیم با بداهگی و یکبارگی خلق مجسمه ها و سفال ها و سطح های نقاشی او ندارد و تنها به هم کمک می کنند تا هنرمند به بیان و زبان خود برسد و بپردازد. سالور وقتی حرف به سفال مدرن و معاصر ایران می کشد، نظرات جالبی دارد. او مدرن بودن کارش را يك تصمیم از پیش گرفته نمی داند و خود را فرزند خلف همان هنر غنی و قدیمی سفال و سرامیک ایران می شمارد که هیچ گاه نخواستہ دوره خاصی از آن را کپی کند. وی در این مورد باور دارد که: «هنرمندان دوره های مختلف اوج کاری خود را در همان زمان طی کرده اند و تکرار آن کارها تنها وقت تلف کردن است و جریانی ایجاد نمی کند

این هنرمند که حالا به عنوان دبیر هشتمین دوسالانه هنر سفال و سرامیک و آبگینه معاصر ایران برگزیده شده و فعالیت می کند، تداوم در سفال گذشته را تنها راه ایجاد يك جریان هنری می داند و می گوید: «به خاطر مسئولیتی که پذیرفتم، مجبور شدم عمیق تر و دقیق تر به آثار سفال گر ها نگاه کنم. خوشحالم که اگر تعداد هنرمندان سفالگر ما زیاد نیست، به اندازه ای هست که می تواند به مطرح بودن و شدن این هنر در کنار نقاشی و مجسمه و ... بینجامد

سالور هنوز و همچنان به جنبه کاربردی هنر سفالگری اعتقاد دارد و با محدودیت و توقف آن موافق نیست: «ممکن است بدین ترتیب از شکل و مسیر هنری خارج شود و نتواند خودش را تداوم ببخشد. ما در همین دوسالانه شاهد برخی چیدمان های هنری سفال و سرامیک خواهیم بود که بیان جدیدی از این مواد را ارائه می دهند. این يك جریان مهم هنری است که دارد اتفاق می افتد و دم جدیدی است به جان این هنر در ایران





این هنرمند معاصر ایران در ادامه از بی حوصلگی و مصرف زدگی و سرعت زندگی انسان امروز می گوید و این که مخاطب حاضر نیست دیگر دنبال پیچیدگی های درونی و دریافت های خاص هنری برود. او موفقیت هنرهای نمایشی مثل سینما را نسبت به هنرهای تجسمی مدلول همین گرایش می داند: «فکر می کنم ماجراهای نوین هنری مثل چیدمان و ویدئوآرت و ... از دل همین شرایط بیرون آمده است. من صددرصد با این جریان موافق هستم، ولی کمتر در این نوع کارها آن روح والای يك هنر جالفتاده و آن تقدس مثال زدنی يك تابلوی نقاشی و يك مجسمه و سفال را می بینم. البته در بعضی از همین آثار روح هنر و هنرمند انعکاسی جدی یافته است. بیشتر هم وقتی که روح پرسش و پاسخ به مسائل اجتماعی و فرهنگی يك جامعه را در آن ها می بینیم، انکار هم نمی کنم که این هنرها يك نگرش جدیدی را هم ایجاد کرده اند، ولی بیننده را، همچنان که يك نقاشی یا سفالینه و ...، جذب نمی کنند. البته من روی این عقاید زیاد پافشاری نمی کنم و صادقانه اعلام می کنم که گرایش به این مدياهای نوین به شخصه بیشتر شده است، با این رموز همیشگی هنرهای تجسمی را در آن ها کمتر می توان دید و یافت. مورد اخیر شاید به خاطر تأثیر بالای هنرهای نمایشی در این قبیل آثار است و این که با هنرهای «تجسمی تداوم و پیوستگی لازم را ندارند

سالور این حرف های آخر را با نگرانی از این که مبدا موجبات رنجش خاطر عده ای را فراهم کند، بازگو می کند و منظور او بیشتر دلسوزی برای هنرهایی است که درکشاکش هنرهای جدید و فراگیر شدن آن ها ممکن است به فراموشی بپیوندند. با این حال، وی معتقد است که هنرمندان نیز باید این بار بزرگ را بهتر به دوش بکشند و به بیان و زبان جدیدی برای حفظ روح و رایحه هنر برسند

معصومه روستا



معصومه روستا

فارغ التحصیل رشته مجسمه سازی از دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران  
کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه تهران  
1 نمایشگاه انفرادی  
24 نمایشگاه گروهی  
دانشجوی نمونه و ممتاز دانشگاه تهران  
عضو انجمن مجسمه سازان ایران  
عضو کمیته نمایشگاهی انجمن مجسمه ساز ایران











## معصومه فروزان



نام هنرمند: معصومه فروزان  
سال تولد: 1349

## مدرک تحصیلی

لیسانس نقاشی

## سوابق هنری

۲۰ سال فعالیت در زمینه هنر نقاشی و مدرس تربیت معلم شیراز. دانشسرای مالک اشتر شیراز. مجتمع فرهنگی آموزشی مهر تابان به عنوان مربی هنر... همکاری با گالریهای هنری شهر و سازمان فنی حرفه ای استان فارس. داور تاتر در استان و دبیرستانهای شیراز

برپایی چندین نمایشگاه انفرادی و گروهی در شیراز تهران ترکیه

۱۳۷۵ نمایشگاه انفرادی نقاشی. شیراز

۱۳۷۸ نمایشگاه انفرادی مجسمه در شیراز

۱۳۷۹ نمایشگاه انفرادی در تهران گالری فرامرزی

۱۳۸۳ نمایشگاه انفرادی مجسمه در شیراز

۱۳۸۴ نمایشگاه مجسمه در تهران گالری آسیاب

۱۳۹۱ نمایشگاه انفرادی در شیراز ۱۳۹۴ نمایشگاه گروهی در قونیه

مدت ۱۵ سال کار مجسمه سازی با چوب و سنگ







معصومه وظیفه شناس



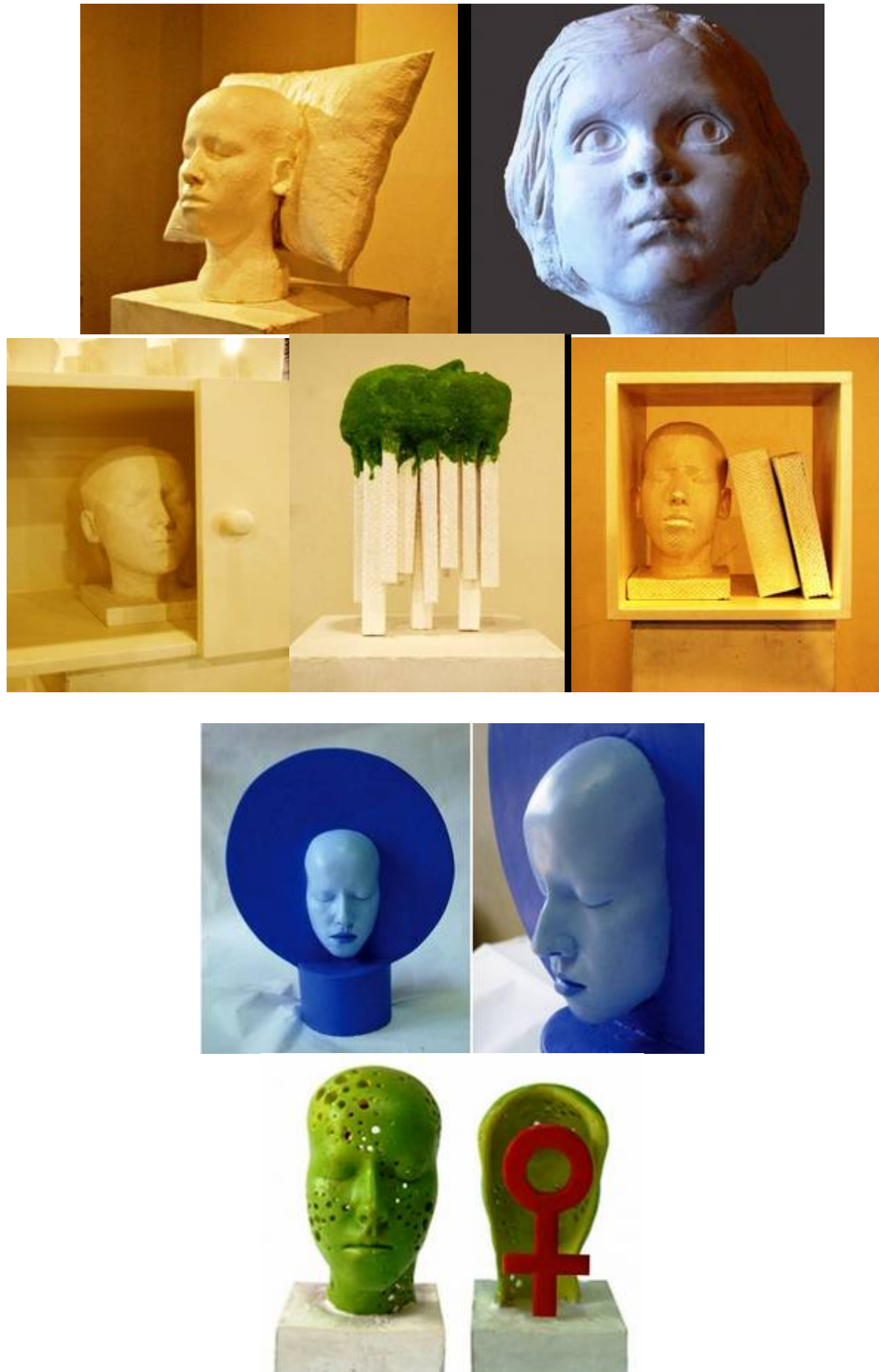
معصومه وظیفه شناس  
علاق و فعالیت های حرفه ای

- پژوهش در زمینه های تاریخ هنر و نقد هنری
- آشنایی با متد نمایه سازی آثار هنری با سیستم آیکون کلاس و CDWA
- آشنایی با رویکرد آیکونولوژی در نقد هنری و بررسی آثار هنری
- مطالعه و بررسی آثار هنری از لحاظ فرمی و موضوعی
- فعالیت در زمینه طراحی کیف و لباس

سوابق کاری

- فعالیت در زمینه آموزش کارگاه حجم در دانشگاه فنی و حرفه ای گرگان
- فعالیت در زمینه آموزش صنایع دستی در خانه فرهنگ پرسش در شهر گرگان
- فعالیت در زمینه آموزش کارگاه حجم رشته گرافیک در دانشگاه شیراز به عنوان دستیار استاد
- شرکت در دومین دوسالانه مجسمه های شهری در سال 1389
- تدریس خصوصی نقش برجسته های سفالی
- تدریس خصوصی ساخت پرتره با گل و گچ
- طراحی کیف و فعالیت در زمینه طراحی لباس و پوشاک
- ساخت لوازم دکوری از مواد بازیافتی همانند کاغذ و روزنامه







مهدیه حمداله زاده



### مدرک تحصیلی

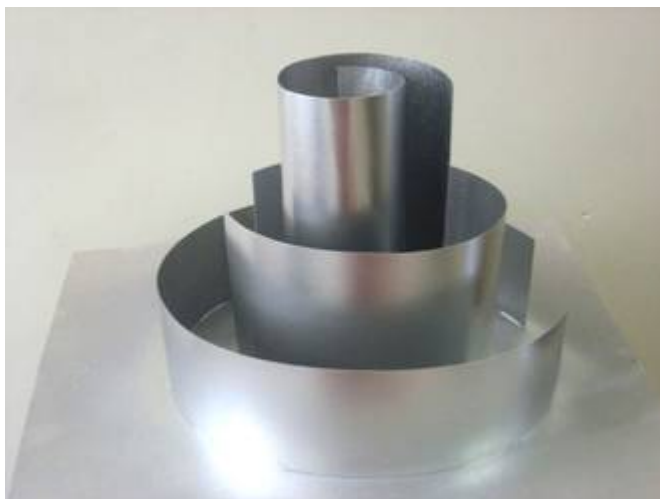
فارغ التحصیل رشته مجسمه سازی دانشگاه هنر

شرکت در بینال اول، دوم و سوم مجسمه های شهری نگارخانه برگ سالهای ۸۹، ۸۷ و ۹۱  
شرکت در نمایشگاه گروهی دانشجویان دانشگاه هنر سال ۸۷  
شرکت در نمایشگاه گروهی انجمن سال ۹۰ و ۹۲  
شرکت در نمایشگاه روز ملی مجسمه نگارخانه برگ  
شرکت در نمایشگاه مجسمه های کوچک نگارخانه آریا زمستان ۹۴  
شرکت در نمایشگاه منهای بینال شهرپور ۹۶









### موژان طباطبایی مقدم



نام هنرمند: موژان طباطبایی مقدم  
سال تولد: 1330

### مدرک تحصیلی

دیپلم حجم / حقوق سیاسی

WebSite: <http://www.atelier-ekoochak.com/>

شاعر، نویسنده و مجسمه ساز. دانش آموخته رشته حقوق دانشگاه تهران می باشد

مضمون اشعار، نوشته ها و آثارش در حجم، به انعکاس حس تنهایی، تفکر و عشق و عاطفه و اندیشه زن و مادر ایرانی اشاره دارد

او در تار و پود آثارش به ظهور تخیل و طغیان حس و عاطفه و جرقه ی کشف و شهود درونی زنان می پردازد گوئی موجودات درون این کلمات به ظاهر ساده و روان، و احجام و تندیس ها ی وهم گرا (سو رئال) راهی برای شکافتن و عرضه داشتن هیجانانگیز، تنش ها و رویا های ذهنی و گاه سرکوب شده ی خویش می جویند

### آثار نوشتاری

کتاب رمان روان شناختی – اجتماعی (سفر به مجموع  
مجموعه ی دفتر شعر (این بار فقط آبی خواهم بود)

نمایشگاهها، کارهای نصب شده شهری و جوایز و تقدیرها

نمایشگاه مجسمه های ایرانی "کارگاه کوچک" - 30 فروردین 1384

اولین نمایشگاه مجسمه های کوچک خانه هنرمندان اسفند - 1384

نمایشگاه آثار گروه "آبی بیکران" به مناسبت بزرگداشت روز زن ، نگارخانه منصوره حسینی تیر -

1385

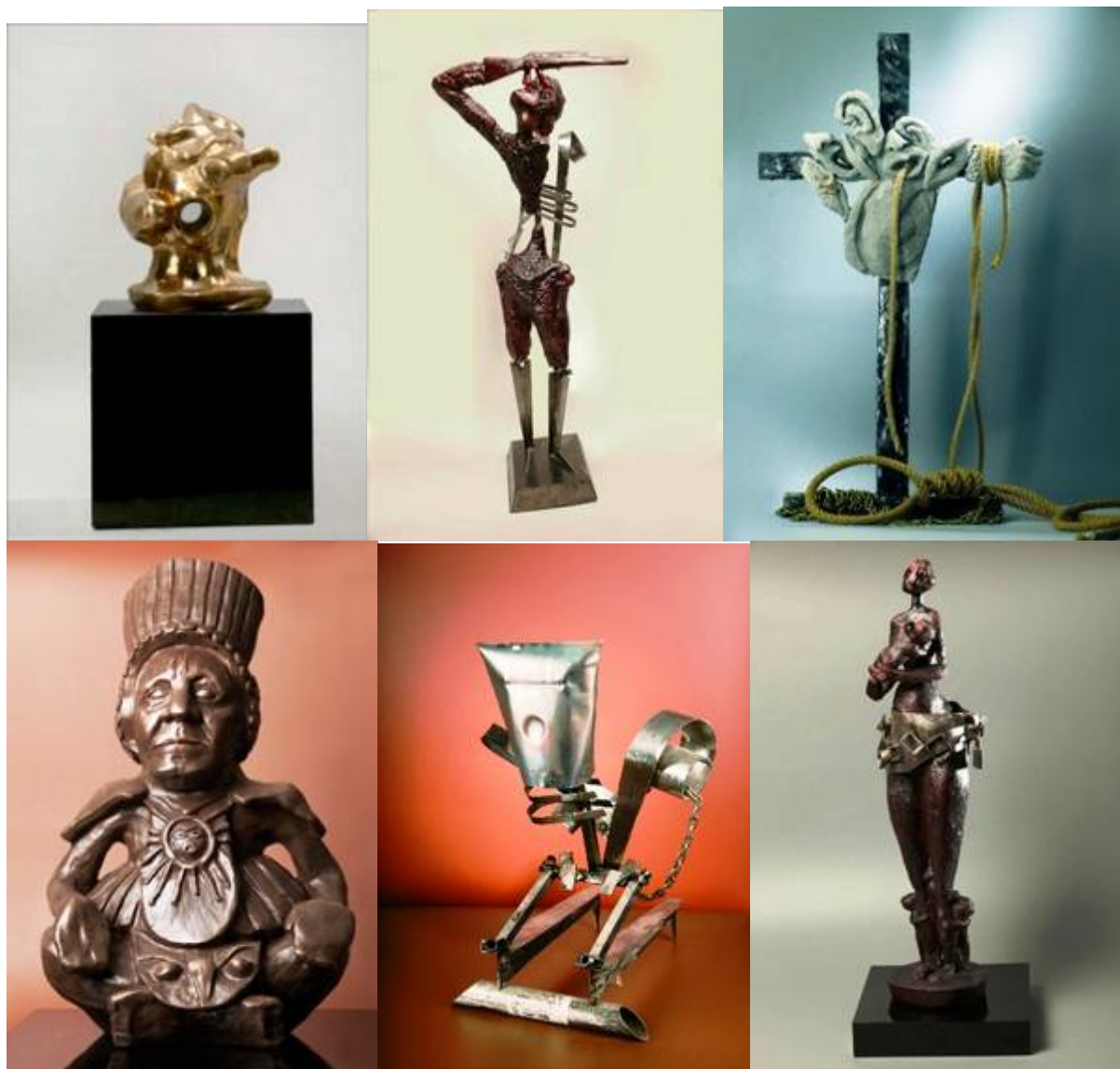
اولین جشنواره ملی هنرهای تجسمی مقاومت ، موزه ی هنرهای معاصر تهران آذر - 1385

پنجمین دوسالانه مجسمه سازی معاصر تهران در موزه هنرهای معاصر - 30 آبان 1386

تالار وحدت دی - 1387 نمایشگاه بزرگ آثار هنری تهران اکسپو

نمایشگاه مجموعه آثار ، نگارخانه بنفشه آبان - 1388

چهارمین نمایشگاه مجسمه های کوچک ، خانه هنرمندان اسفند - 1385







نادره حکیم‌الهی



اولین حراج خیریه به نفع کودکان بی سرپرست در رشت

۲ اسفند ۱۳۴۰

زاده

تهران، رشت

محل زندگی

|                |                                                                   |
|----------------|-------------------------------------------------------------------|
| تحصیلات        | رشته حسابداری                                                     |
| سال های فعالیت | ۱۳۷۶-اکنون                                                        |
| همسر           | حمید علی دوستی                                                    |
| فرزند          | ترانه علی دوستی                                                   |
| وبگاه          | <a href="http://www.hakimelahi.com">http://www.hakimelahi.com</a> |

**نادره حکیم الهی** (زاده ۲ اسفند ۱۳۴۰) مجسمه ساز و نقاش اهل ایران، عضو هیئت مؤسس انجمن هنرهای تجسمی گیلان، مؤسس نگارخانه الهی در شهر رشت می باشد. او مادر پویان و ترانه علی دوستی است.

آقا - ا

نادره حکیم الهی در اسفند ماه ۱۳۴۰ در شیراز به دنیا آمد. از سال ۱۳۶۳ و با شرکت در کلاس های طراحی و نقاشی آیدین آغداشلو بود که علاقه خود به هنر را به طور جدی پی گرفت. سپس در سال ۱۳۶۸ سفالگری را نزد عبدالله مهری آموخت در سال ۱۳۷۶ مجسمه سازی را نزد فیاض آغاز کرد و نزد شهابی ادامه داد. در چهارمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر فیلمی از زندگی ایشان با عنوان رویاهای سنگی به نمایش درآمد. او تا به حال از موادی چون گل، سنگ، برنز، یاپیه ماشه و غیره برای ساخت مجسمه هایش استفاده کرده است، اما در سال های اخیر بیشتر فعالیت هایش را روی تکنیک سنگ متمرکز کرده و معتقد است که تکنیک سنگ را بر دیگر تکنیک های مجسمه سازی ترجیح می دهد. در واقع وی یکی از مجسمه سازانی است که در رشته سنگ فعالیت مستمر داشته و تا به حال نمایشگاه های مختلفی از آثار او برگزار شده است. وی مؤسس آموزشگاه آزاد هنرهای تجسمی کانون هنر در شهر رشت می باشد.

آقا - ا □ □ □

سبک مجسمه سازی نادره حکیم الهی فیگوراتیو است. دغدغه او حالات انسانی است و چون فیگور نخستین بیان انسانی است به همین دلیل فیگوراتیو کار می کند. کارهای او بسیار خلاصه و آستره است و تنها زمانی جزئیاتی در اثر پر رنگ می شود که به مفهوم کلی اثر کمک کند. در واقع فکر می کند پیکر انسان بار احساسی را بر دوش می کشد که هیچ فرم دیگری نمی تواند به اندازه آن تفسیرگرش باشد

NDX | 10

این مجموعه شامل ۱۰ تابلو می باشد که برای اولین بار در نگارخانه سایه نمایش داده شده است. نادره حکیم الهی در مورد این مجموعه نقاشی اظهار می کند: کارهای مجموعه اخیر نتیجه برخورد اولیه من با این حجم از درد و حرکت جمعی حاصل از آن بود و هرچند که مهاجرت پناهندگان همچون پرنندگان گروهی انجام می گیرد. پناهنده این مجموعه، هیکل انسانی واحدی است که ایفاگر نقشی دردناک در سناریویی سرشار از ترس و خشونت است. روی سیاه جنگ را همه می شناسیم اما تابلوهای این مجموعه گاه از امید به فردایی دیگر سخن می گوید از غریزه بقا در حرکتی جمعی برای فرار از

نابودی و قساوت و بیرحمی، از میل رهایی، از رفتن، رسیدن، ماندن و شروع نو می‌گوید. مجموعه پناهنده شاید از انسان‌هایی سخن می‌گوید که در نتیجه زیاده خواهی هم‌نوع خود درمیابند، گذشته خوابی تیره و آینده امکانی نامحتمل است و تنها حقیقت موجود قدمی است که رو به جلو برداشته می‌شود برهنه و تنها رودر روی نیستی و بر لحظه اکنون هرچند در هراس مرگ، هرچند به قیمت رفتن و فراموشی.

*â-† Că Vă yŭ*

- سردیس محمدعلی مجتهدی گیلانی (۱۳۹۵)
- سردیس موسی نامجو (۱۳۹۵)
- سردیس محمود بهزاد (۱۳۹۵)
- سردیس مجید سمیعی (۱۳۹۵)
- سردیس فریدون پوررضا (۱۳۹۵)
- سردیس محمدحسین امین‌الضرب (۱۳۹۵)

*ŨpĀcŭ*

| نمایشگاه‌های انفرادی  |                                       |              |
|-----------------------|---------------------------------------|--------------|
| مکان نمایشگاه         | عنوان نمایشگاه                        | سال نمایشگاه |
| نگارخانه آتیین        | فیگورهای سنگی                         | ۱۳۸۲         |
| نگارخانه گلستان       | مجسمه‌های سنگ و برنز                  | ۱۳۸۳         |
| خانه هنرمندان         | رویاهای زمینی                         | ۱۳۸۷         |
| خانه هنرمندان         | چار هیکل رهای کاغذین و تندیس‌های برنز | ۱۳۸۸         |
| نگارخانه شهرکتاب مرکز | مجموعه آثار                           | ۱۳۸۹         |
| نگارخانه جرجانی       | سایه‌ها                               | ۱۳۹۰         |
| باغ فرمانفرمایان      | جغدها فرشته‌ها پرنده‌ها               | ۱۳۹۱         |



| نمایشگاه‌های انفرادی |                                     |              |
|----------------------|-------------------------------------|--------------|
| مکان نمایشگاه        | عنوان نمایشگاه                      | سال نمایشگاه |
| نگارخانه سایه        | مجموعه پناهنده (نقاشی)              | ۱۳۹۶         |
| نمایشگاه‌های گروهی   |                                     |              |
| مکان نمایشگاه        | عنوان نمایشگاه                      | سال نمایشگاه |
| نگارخانه سعد آباد    | مجسمه‌های گلی                       | ۱۳۷۸         |
| نگارخانه نیاوران     | مجسمه‌های سنگ و گل                  | ۱۳۷۸         |
| نگارخانه سعد آباد    | هفتاد اثر هفت هنرمند                | ۱۳۸۰         |
| نگارخانه خاک         | ماسک‌های کاغذی                      | ۱۳۸۲         |
| Korea- Ulsan         | the International Onggi Competition | ۱۳۸۷         |
| Basel                | Online Art Scope                    | ۱۳۸۷         |
| نگارخانه گلستان      | مجسمه‌ها                            | ۱۳۸۸         |
| خانه هنرمندان        | آرت اکسپو                           | ۱۳۸۹         |
| نگارخانه گلستان      | صد اثر صد هنرمند                    | ۱۳۸۹         |
| خانه هنرمندان        | حمایت از زلزله زدگان ژاپن           | ۱۳۹۰         |

| نمایشگاه‌های گروهی    |                            |              |
|-----------------------|----------------------------|--------------|
| مکان نمایشگاه         | عنوان نمایشگاه             | سال نمایشگاه |
| نگارخانه نیاوران      | هفت نگاه                   | ۱۳۹۱         |
| نگارخانه گلستان       | صد اثر صد هنرمند           | ۱۳۹۱         |
| نگارخانه نیاوران      | هفت نگاه                   | ۱۳۹۲         |
| نگارخانه نیاوران      | هفت نگاه                   | ۱۳۹۳         |
| نگارخانه گلستان       | صد اثر صد هنرمند           | ۱۳۹۴         |
| ساحل منطقه آزاد انزلی | جشنواره مجسمه‌های شنی فروش | ۱۳۹۴         |
| نگارخانه نیاوران      | هفت نگاه                   | ۱۳۹۴         |
| نگارخانه گلستان       | صد اثر صد هنرمند           | ۱۳۹۶         |
| نگارخانه الهی         | یک از هزاران               | ۱۳۹۶         |



ناهید سالیانی



زاده ۱۳۱۵ خورشیدی بندر انزلی، ایران

۳۰ شهریور ۱۳۹۹

درگذشت

کارشناسی ارشد مجسمه سازی

تحصیلات

دانشگاه هنر تهران

محل تحصیل

مجسمه سازی

پیشه

منوچهر مزینی پدر شهرسازی نوین  
ایران

همسر



ناهید سالیانی (زاده ۱۳۱۵ در بندر انزلی – درگذشته ۳۰ شهریور ۱۳۹۹) مجسمه‌ساز ایرانی بود.

ناهید سالیانی

ناهید سالیانی متولد ۱۳۱۵ در بندر انزلی است. بعد از اتمام دوران تحصیل مقدماتی راهی تهران شد تا در هنرستان هنرهای زیبای دخترانه به تحصیل بپردازد. وی در دانشکده هنرهای زیبا تهران در رشته مجسمه‌سازی تحصیلات آکادمیک خود را آغاز کرد. او تحصیلات خود را در رشته مجسمه‌سازی با به دست آوردن مقام اول و دریافت مدال درجه یک فرهنگی در سال ۱۳۳۸ به پایان رساند.

سالیانی بعد از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه تهران دوره یک ساله مجسمه‌سازی را در فرانسه گذراند. بعد از فارغ‌التحصیلی به ایران بازگشت و در دانشکده هنرهای زیبا به تدریس مشغول شد. ناهید سالیانی همزمان با تدریس در ایران، در ایتالیا در نمایشگاه‌های گروهی دانشجویان آکادمی در شهرهای رم، فلورانس و ناپل شرکت کرد.

او همچنین در نمایشگاه گروهی بانوان هنرمند در پاریس شرکت کرد و در نمایشگاه آثار هنرمندان معاصر ایران از طریق وزارت فرهنگ و هنر، و در نمایشگاه بین‌المللی تهران از طرف انجمن فرهنگی ایران و فرانسه هم مشارکت کرد و آثار و مجسمه‌هایش مورد توجه منتقدان قرار گرفت. ناهید سالیانی استاد اسبق دانشکده هنرهای زیبا، عضو شورای هنری سازمان زیباسازی شهر تهران، داور بسیاری از بینالها و سمپوزیوم‌ها را به عهده داشته‌است.

ناهید سالیانی

- ۱۹۶۳ نمایشگاه دانشجویان آکادمی‌های: رم، فلورانس، ناپل
- ۱۹۶۴ نمایشگاه گروهی در پالاتسو ماسیمو در شهر رم
- ۱۳۵۳ نمایشگاه آثار هنرمندان معاصر ایران به مناسبت بازیهای آسیایی در تهران
- ۱۳۵۳ شرکت در نمایشگاه بین‌المللی تهران با شرکت و همکاری گالری پاییز پاریس
- ۱۳۵۳ نمایشگاه آثار هنرمندان معاصر ایران به مناسبت هشتمین جشن فرهنگ و هنر تهران
- ۱۳۵۴ نمایشگاه زن و هنر تهران
- ۱۳۵۴ نمایشگاه آثار هنرمندان در نگارخانه تخت جمشید تهران
- ۱۳۵۵ نمایشگاه دو نفره مجسمه‌سازی و نقاشی در گالری مهر شاه تهران
- ۱۳۵۶ نمایشگاه انفرادی در نگارخانه کرته تهران
- ۱۹۷۸ شرکت در بینال بال در سوییس
- ۱۹۸۲ نمایشگاه نمایشگاه در شهر بوستون تکزاس آمریکا
- ۹۹-۱۹۸۸ شرکت در نمایشگاه‌های متعدد و فعالیت‌های گروهی به هنگام تدریس در کالج به اتفاق همکاران دانشگاهی هنرمند در شهر بوستون ماسوچست آمریکا

ناهید سالیانی در مورد کار با سنگ گفته: «استاد کاری داشتم که وقتی روی سنگ کار می‌کردم به من کمک می‌کرد. او فرق بین سنگ زنده و مرده را می‌فهمید. به سنگ ضربه‌ای می‌زد و صدای آن را می‌شنید. گاهی اوقات می‌گفت این سنگ صدای مرگ می‌دهد، مرده. به سنگ‌ها نگاه می‌کردم و ناگهان به من الهام می‌شد، بدون معطلی کار را شروع می‌کردم. پایان کار برایم مشخص نبود. خود سنگ مرا به دنبال می‌کشید. البته به ندرت با ماکت کار می‌کردم، آنچه در این کارها برایم مهم بود، مسئله فرم و

فضا و ترکیب بود. [...] سختی زندگی برای همه هست، اما من تمرین آن را از بچگی داشتم. سنگ را دوست دارم و لذت می‌برم از این که از تخته سنگی ناهنجار، یک فرم زیبا دربیاید و اگر زاویه‌های کار درست انجام نشود، من سرسختی کنم و مشکل را حل نمایم. زندگی برای من این طور بود. مجسمه‌سازی را به خاطر سختی کارش همواره دوست داشتم. مجسمه‌سازی، زندگی را به من یاد داد.» (مجله تندیس، شماره 55)



ندا مرادی



**مدرک تحصیلی**

لیسانس مجسمه سازی .دانشکده هنرهای زیبا .تهران  
عضو انجمن مجسمه سازان

**برگزاری 3 نمایشگاه انفرادی / چیدمان :**

گالری والی 1387 . گالری الهه 1392 . گالری مهر و 1365

**شرکت در بیش از 40 نمایشگاه گروهی داخل و خارج کشور / حجم و طراحی از جمله :**

گالری آن ( منتخبین جشنواره دامن فر )

گالری "شیرین ، گالری هما ( دو دوره منتخب نسل نو)

گالری فروهر ، خانه هنرمندان ، گالری لاله ، گالری حنا ( نمایشگاه های گروهی انجمن )

گالری سین ، گالری آ و ....

تشویق شده در سومین بی پینال طراحی (سندوزی )

تشویق شده در دوسالانه طراحی دامون فر در بخش طراحی

شرکت در پنجمین بی پینال مجسمه سازی







نرگس حسینی



نام هنرمند: نرگس حسینی

سال تولد: 1367

**مدرک تحصیلی**

کارشناس مجسمه سازی از دانشگاه تهران (هنرهای زیبا) کارشناسی ارشد نقاشی از دانشگاه آزاد اسلامی (دانشکده هنر و معماری) واحد تهران مرکزی دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه الزهر

شرکت در نمایشگاه های گروهی در گالریهای تهران ، برگ و...  
شرکت در سومین دوسالانه مجسمه های شهری  
شرکت در سومین جشنواره مقاومت  
شرکت در پنجمین نمایشگاه گروهی چهارسوی خیال

عضو انجمن هنری مجسمه سازان ایران  
دارای گواهینامه مهارت آموزی (آموزش عمومی زیباسازی شهری) با کسب رتبه خوب









نگار نادری پور



سال تولد: 1354

**مدرک تحصیلی**

کارشناسی طراحی صنعتی، هنر و معماری آزاد- کارشناسی ارشد پژوهش هنر، هنر و معماری آزاد-  
دانشجوی دکترای فلسفه هنر، تهران شمال آزاد

**پیشینه فعالیت ها**

- طراحی و ساخت بالغ بر 200 مجسمه سوپررئال در موزه های مردمشناسی و تاریخی در بسیاری از نقاط ایران ( موزه کاخ گلستان، موزه سعدآباد، موزه خلیج فارس، موزه مبل، موزه صلح، موزه

تسلیحات، موزه دفاع مقدس، موزه ارگ کریمخانی شیراز، موزه منطقه ای زاهدان، موزه مفخم بجنورد، موزه اقوام گرمسار، موزه صنعت سمنان، موزه استاد انتظامی و ...)

- طراحی و ساخت مجسمه های شهری (مجسمه های برنزی "کودکان در حال بازی" باغ مجسمه هشتگرد، مجسمه برنزی "ابن هیثم" در موزه سینما واقع در باغ فردوس تهران، مجسمه های برنزی "کودکان در پارک" منطقه 14، طراحی و ساخت بیش از 50 پرتره از شخصیت های برجسته ایران از جمله پروین اعتصامی، پروفسور دولتی، استاد محیط طباطبایی)

- شرکت در سمپوزیوم پرتره سازی 1390
- شرکت و تقدیر شده در ششمین بینال مجسمه سازی 1390
- شرکت در بینال شهری 1391
- نمایشگاه آثار برگزیده بینال شهری نگارخانه برگ 1392
- شرکت در سمپوزیوم مجسمه سازی معاصر پدیده مشهد و کسب مقام سوم 1393
- مقام اول در فراخوان هنرهای شهری 1393
- شرکت در سمپوزیوم باغ ایرانی باغ مدیترانه ای، کالابریا، ایتالیا 1394
- برگزیده سمپوزیوم پرتره ، باغ موزه دفاع مقدس 1394
- دبیر نمایشگاه کوچک 1395

#### نمایشگاه انفرادی

- گالری ویستا، با عنوان: اوستیناتو 1394

#### نمایشگاه های گروهی

- گالری آرت سنتر 1388
- گالری الهه 1389
- گالری فروهر 1390
- گالری شیرین 1391
- گالری اعتماد 1391
- خانه هنرمندان 1392
- گالری آریا 1392
- گالری ماه مهر 1393
- گالری ویستا 1395
- گالری ثالث 1395
- گالری ثالث 1395









هدا زرباف



۱۳۶۱ تهران، ایران

زاده

۱۳۹۹

درگذشت



|           |                                |
|-----------|--------------------------------|
| محل تحصیل | دانشگاه تهران، دانشگاه ویندزور |
| پیشه      | مجسمه سازی، نقاشی              |

هدی زرباف (زاده ۱۳۶۱ – درگذشته ۱۳۹۹<sup>[۱]</sup>) هنرمند و مجسمه ساز ایرانی ساکن کانادا بود. او مدرک کارشناسی ارشد رشته انیمیشن را از دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۴ و کارشناسی هنرهای زیبا را از دانشگاه وینزر، انتاریو در سال ۱۳۸۷ دریافت کرد. آثار او در موزه هنرهای معاصر تهران و گالری هنر اونتاریو به نمایش در آمده اند.

در آثارش به مسئله‌ی حافظه، روح اشیا و زنانگی اشاره داشت. مجسمه‌های او از تصاویر، صداها و اشیای بازیافته ساخته می‌شد که ردی از تماس انسان در آن‌ها باقی مانده بود. همچون عروسک‌های رها شده، لباس‌ها، اسباب بازی‌های قدیمی، موی انسان، قطعات سرامیکی، صداها و تصاویر دیجیتال.

## آثار و آثار

لیسانس نقاشی و فوق‌لیسانس انیمیشن را از دانشگاه تهران اخذ کرد و چند سال پس از آن ۱۳۸۷ لیسانس هنرهای زیبا را از دانشگاه وینزر کانادا دریافت کرد. او نخستین نمایشگاه انفرادی خود را با عنوان «پروژه پیش از تولد» سال ۱۳۸۴ در دانشگاه تهران برگزار کرد و در سال‌های بعد نمایشگاه‌هایی در کانادا و تهران داشت.

### نمایشگاه‌ها

#### نمایشگاه‌های انفرادی

- ۱۳۸۹ - پرده برداری (به انگلیسی: [un]veiling)، گالری آرت لیل، وینزر، انتاریو
- ۱۳۹۴ - ارواح نرم (به انگلیسی: Soft Souls)، گالری معاصر والنات، تورنتو
- ۱۳۹۵ - احجام گلدار، مسافران زمان (به انگلیسی: Floral Compositions: Travelers of Time and Space)، گالری آران، تهران
- ۱۳۹۶ - ما ماشین‌های تصویرسازی هستیم، گالری آران، تهران
- ۱۳۹۹ - عزیزم، من خانه هستم!، گالری دستان، تهران

#### نمایشگاه‌های گروهی

- ۱۳۸۸ - تلفن شکسته (به انگلیسی: Broken Phone)، گالری آرتسایت، ویندزور
- ۱۳۸۹ - وقتی می‌بینم که تو چقدر ترسیده‌ای، وحشت زده‌تر می‌شوم (به انگلیسی: I Get More Frightened When I See How Scared You Are)، گالری هنر وینزر، انتاریو
- ۱۳۹۳ - اعتدال ۱۴ (به انگلیسی: Equinox 14)، میکورکس، تورنتو
- ۱۳۹۳ - در سمت وحشی (به انگلیسی: On The Wild Side)، گالری ۱۳۱۳، تورنتو
- ۱۳۹۴ - متریالایز (به انگلیسی: Materialize)، گرفت انتاریو، تورنتو
- ۱۳۹۴ - فستیوال The Word on the Street، تورنتو
- ۱۳۹۴ - کنفرانس هنر فمینیست (به انگلیسی: Feminist Art Conference)، کالج هنر و طراحی اونتاریو، تورنتو
- ۱۳۹۵ - تیمارستان و تعادل (به انگلیسی: Bedlam And Balance)، آرتیارد، فریچتاون، نیوجرسی
- ۱۳۹۵ - ایران x کوبا (به انگلیسی: Iran x Cuba: Beyond the Headlines)، نیویورک



- ۱۳۹۵ - سو+زن (به انگلیسی: sew+zan)، گالری آزاد، تهران
- ۱۳۹۶ - جهان‌های ممکن (به انگلیسی: Possible Worlds)، فضای هنری واشهاوس پوتسدام، پوتسدام
- ۱۳۹۶ - جشنواره‌ی تناوو (به آلمانی: Tanawo Festival)، گالری آفین‌فاوست، هامبورگ
- ۱۳۹۶ - زوج، گالری نک، تهران
- ۱۳۹۷ - هفتمین دوسالانه مجسمه‌سازی تهران، موزه هنرهای معاصر تهران، تهران
- ۱۳۹۷ - هات‌داگ کارواش، گالری کمپل ریور، جزیره ونکوور
- ۱۳۹۷ - بازنگری در خانه خیابان عبده، گالری باوان، تهران
- ۱۳۹۸ - زیستبوم، گالری باوان، تهران
- ۱۳۹۸ - زنان میسازند، پلتفرم داربست، تهران
- ۱۳۹۹ - گسست محسوس، گالری آزاد، تهران







۱۳۴۸ تهران، ایران

زادهٔ

## شناخته‌شده برای گروه آموزشی موزه‌ای در چمدان

کارهای برجسته نمایشگاه‌های «عاشقانه»، «فرشتگان»



|        |                                     |
|--------|-------------------------------------|
| سبک    | تکنیک خمیر کاغذ                     |
| والدین | خسرو سینیایی<br>گیزلا وارگا سینیایی |

یاسمین سینیایی (زاده ۱۳۴۸) هنرمند و مجسمه‌ساز ایرانی است.

او ۱۰ نمایشگاه انفرادی در ایران، قطر و دبلیو داده و در ۵۰ نمایشگاه گروهی شرکت کرده‌است. از جمله نمایشگاه‌هایش می‌توان به نمایشگاه مجسمه‌های «عاشقانه» در فرهنگسرای نیاوران (۱۳۸۷) و «فرشتگان» در نگارخانه سیلک (۱۳۸۶) اشاره کرد. او بیشتر از تکنیک خمیر کاغذ استفاده می‌کند.

یاسمین سینیایی زاده سال ۱۳۴۸ در خانواده‌ای هنرمند است. مادرش گیزلا وارگا سینیایی نقاش است و پدرش خسرو سینیایی کارگردان. او در رشته گرافیک تحصیل کرده‌است ولی در ۱۰ سال اخیر بیشتر در رشته مجسمه‌سازی کار می‌کند. همچنین ۱۵ سال است که نقاشی تدریس می‌کند.

او هم‌اکنون مدیر گروه آموزشی موزه‌ای در چمدان می‌باشد، این گروه را با هدف اشاعه فرهنگ صحیح آموزش هنری دایر نموده‌است.

UpdAc1735

- «عاشقانه» در فرهنگسرای نیاوران (۱۳۸۷): سینیایی در این نمایشگاه به زنان عاشق در تاریخ و اساطیر پرداخت. این بیکره‌ها نیم‌تنه یا فیگورهای بزرگی هستند که گاه در محراب یا در تابوت قرار داده شده‌اند و همراه با انار، پرنده، گل شمعدانی، شمع‌های سیاه، شعرهایی از فروغ فرخزاد یا احمد شاملو آورده شدند و فضای نمایشگاه نورپردازی ویژه‌ای داشت. سینیایی یک سال روی این پروژه کار کرده‌است. خود درباره این نمایشگاه نوشته‌است:

به دنبال زنان عاشق تاریخ به راه افتادم آنها را در کتاب‌ها جستم داستان آنها را از دیگران پرسیدم و از زبان دوست و غریبه شنیدم، در راه داستان این زنان مرا با خود برد رابعه (نخستین شاعر زن عرب) را فهمیدم و شیرین را تحسین کردم در اشعار عاشقانه به دنبال تصاویر زیبا گشتم زنان عاشق گم نام بسیاری را نیز یافتم زنان عاشق را دنبال کردم و رد آنها را در میان اساطیر خدایان باستان پیدا کردم زنانی را یافتم که جانشان را در راه عشق گذاشتند و عاشقانی که جان دیگران را در راه عشق گرفتند آبسال سوخت و زلیخا ترد شد افلیا غرق شد و پاکی او با گل‌های سپید یکسان شد.

آفرودیت عشق به آدونیس را هر بهار با شکفتن گلی سرخ رنگ به یادمان می‌آورد در سفرم به دنبال زنان عاشق، زنان عاشق مشهور زیادی را شناختم و داستان زنانی بی‌نام و نشان بیشتری را یافتم حاصل این سفر نه تصویر زیبا بود و نه رنگ نه شعر و نه داستان آنچه برایم باقی ماند تنها یک احساس بود تنها عشق بود.

- «فرشتگان» در نگارخانه سیلک (۱۳۸۶): این نمایشگاه شامل مجسمه‌های یاسمین سینیایی و عکس‌های علی زارع بود. ایده این نمایشگاه از نمایشگاه قبلی یاسمین در یک کلیسا آمده بود که مجسمه‌هایی از فرشتگان غمگین و سیاه پوش به نمایش گذاشته بود. آن‌ها در معرفی نمایشگاه نوشته بودند:

چند سالی است فرشتگان درونم را در قفس محبوس کرده‌ام. آنها را به سوگ نشانده‌ام و بال پروازشان را با میخ‌هایی بزرگ بر دیواری سخت کوبیده‌ام. زمزمه کنان آواز سکوتشان را در

گوشتم خواندند و من با آنها هم آواز شدم. فرشتگان در سوگند، وقت آن است که درب قفس را بگشایم. وقت آن است که با سفیدی رنگ، مرهمی بگذارم بر بال‌های زخمی‌شان و با آواز، پروازشان را بدرقه کنم

• نمایشگاه گروهی آثار هنرمندان تجسمی ایرانی در کشور پرتغال (۱۳۸۴)



#### تحصیلات:

1371: لیسانس گرافیک از دانشگاه الزهرا

#### فعالیتها:

1372: شروع کار در استودیوی گرافیک بیژن جناب  
1373 تا امروز: تدریس هنر در مدرسه آلمانیها، تهران

#### نمایشگاه‌ها:

- 1374: نمایشگاه خصوصی در کلیسای آلمان، تهران  
1375: نمایشگاه خصوصی در کلیسای آلمان، تهران  
1376: صد اثر، صد هنرمند، نمایشگاه گروهی، گالری گلستان، تهران  
1377: صد اثر، صد هنرمند، نمایشگاه گروهی، گالری گلستان، تهران  
1378: دوسالانه تصویرنگار کتاب کودک تهران، موزه هنرهای معاصر  
1379: نمایشگاه انفرادی، گالری آریا، تهران  
1380: نمایشگاه انفرادی، گالری آریا، تهران  
1381: نمایشگاه انفرادی، گالری آریا، تهران  
1381: نمایشگاه انفرادی، گالری کویر، رفسنجان  
1382: نمایشگاه گروهی، گالری آریا، فوروم هنرمندان ایرانی، گالری طرح و رنگ، گالری لاله، گالری کویر رفسنجان  
1383: سومین نمایشگاه فرهنگی، دوها، قطر،  
1383: نمایشگاه فرشته، گالری سعدآباد، تهران  
1383: نمایشگاه فرشته، کلیسای آلمان، تهران  
1384: نمایشگاه فرشته، گالری اثر، تهران  
1385: نمایشگاه گروهی، موزه دا آگونا، پرتغال  
1385: نمایشگاه سایه‌ها، گالری آریا، تهران

- 1386: نمایشگاه گروهی، هفت نقش، مرکز فرهنگی نیاوران، تهران  
1386: قنات القصبة، جشنواره هنر ایرانی، شارجه  
1386: از تاریکی به نور، نمایشگاه فرشته، گالری جاده ابریشم، تهران  
1386: سایه، گالری توتال آرت، دوی

عضویت:

انجمن مجسمه سازان ایرانی





